

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجله علمی - تحقیقی پوهنتون بامیان

مجله علمی - تحقیقی پوهنتون بامیان

شماره ۲ (نهم) ۱۴۰۲ ه. ش.

صاحب امتیاز	پوهنتون بامیان
مدیر مسئول	پوهنمل محمد عثمان خولیزی usman.solizay@gmail.com
سر دبیران	پوهنمل دکتور دولت شاه پویش و پوهندوی شیر علی صمیمی
مهتمم	پوهنمل عید محمد محمدی
ویراستار بخش فارسی	پوهنوال دکتور باز محمد فروغ
ویراستار بخش انگلیسی	پوهنوال محمد اسماعیل قاسمیار
ویراستار بخش پښتو	پوهنمل محمد عثمان خولیزی
صفحه آرا	قاسم رستمی
مدیر اجرایی مجله	سهیلا سها
محل چاپ	مطبعه ریاست نشرات وزارت تحصیلات عالی

هیأت تحریر

پوهنوال دکتور باز محمد فروغ	پوهنخی تعلیم و تربیه
پوهنوال محمد الله معتمد	پوهنخی تعلیم و تربیه
پوهنوال محمد اسماعیل قاسمیار	پوهنخی تعلیم و تربیه
پوهنوال بنیاد علی معین	پوهنخی علوم طبیعی
پوهنوال عزیز الله یوسفی	پوهنخی علوم طبیعی
پوهندوی سید محمد باقر حسینی	پوهنخی زراعت
پوهندوی شیر علی صمیمی	پوهنخی علوم اجتماعی
پوهندوی محمد رضا رهیاب	پوهنخی تعلیم و تربیه
پوهندوی سید خلیل کوهی	پوهنخی شرعیات
پوهندوی محمد اکبری	پوهنخی علوم طبیعی
پوهنمل دکتور دولت شاه پویش	پوهنخی زراعت
پوهنمل دکتور عبدالقیوم رضایی	پوهنخی زراعت
پوهنمل محمد عثمان خولیزی	پوهنخی تعلیم و تربیه
پوهنبار نعمت الله فطرت	پوهنخی زمین شناسی
پوهنبار اسدالله کاظمی	پوهنخی اقتصاد

رهنمایی نگارش مقالات مجله علمی-تحقیقی پوهنتون بامیان

۱. مسئولیت محتوای مقاله، جعل، کاپی کردن از مقالات دیگران و تغییر در مقالات به دوش نویسنده/نویسندگان آن می‌باشد و مجله هیچ مسئولیت را در قبال آن نمی‌پذیرد. مسئولین مجله، در ویرایش آن آزادند.

۲. **مقاله‌های تحقیقی-میدانی:** دارای عنوان، نام و مشخصات کامل نویسنده/نویسندگان، پوهنتون مربوط، چکیده، کلمات کلیدی، مقدمه (بیان مسئله، هدف، سولات، فرضیه، مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق)، روش تحقیق (جامعه‌ی آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، اعتبار و ثبات ابزار، ابزار تجزیه و تحلیل اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات)، یافته‌ها یا نتایج، مناقشه، نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری (اختیاری) و منابع می‌باشند.

۳. **مقالات مروری-کتابخانه‌یی:** این نوع مقالات دارای عنوان، نام و مشخصات کامل نویسنده/نویسندگان، پوهنتون مربوط، چکیده، کلمات کلیدی، مقدمه، اصل متن (ممکن دارای عنوان‌های فرعی باشند)، نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری (اختیاری) و منابع باشند.

۴. **عنوان مقاله:** عنوان مقاله فارسی بولد، B. Nazanin، پشتو (Bahij Nazanin)، انگلیسی (Times New Roman) سبزه حروف ۱۴ بولد و بیشتر از ۲۰ کلمه نباشد.

۵. **مشخصات نویسنده/نویسندگان:** نام کامل و تخلص نویسنده/نویسندگان در زیر عنوان مقاله نوشته شود. در صورت بیش از یک نویسنده، هرکدام جداگانه و به ادامه هم نوشته شوند. فردی که در اول نوشته می‌شود به عنوان مسئول ارتباطی نیز تلقی می‌گردد. دبیرتمنت، پوهنځی، پوهنتون و ایمیل آدرس نویسنده (مسئول ارتباطی) به صورت پاورقی نوشته شوند.

۶. **چکیده:** در یک پاراگراف تنظیم گردد و دربرگیرنده‌ی عصاره‌ی تمام بخش‌های مقاله است. چکیده حدود ۱۵۰-۲۵۰ کلمه باشد. اگر مقاله غیر انگلیسی باشد به زبان انگلیسی نیز ترجمه شود. اگر به زبان‌های بین‌المللی نوشته شده باشد به یکی از زبان‌های ملی کشور نیز ترجمه گردد.

۷. **کلمات کلیدی:** واژه‌ها بولد، با علامه سیمی کولن (:؛) جدا و بین ۵ تا ۷ واژه باشند.

۸. **یافته‌های تحقیق (نتایج) و بحث (مناقشه):** در نتایج بیان خروجی‌ها و یافته‌های مقاله، تحلیل از خروجی‌ها صورت گیرد. در مناقشه، مقایسه یافته‌های تحقیق فعلی با تحقیقات انجام‌شده توسط سایر محققین، مخصوصاً نتایج تحقیقاتی که در پیشینه تحقیق مقاله تحت کار ذکرشده اند صورت گیرد.

۹. **استناد به گراف‌ها، جداول و اشکال (در صورت لزوم):** در جداول، شماره جدول در بالا و وسط جدول، دو فونت کوچک‌تر از فونت متن، در اشکال و گراف‌ها، شماره شکل و گراف در پایین و وسط

با دو فونت کوچک‌تر از فونت متن مقاله نوشته شود. نقل و قول‌ها باید داخل «گیومه» با فونت (اصل متن) و اندازه (۱۲) به صورت ایتالیک (*italic*) ترتیب گردند.

۱۰. جداول به روش APA تنظیم گردند. گراف‌ها و اشکال باکیفیت عالی باشند. گراف‌ها و اشکال که از سایت گرفته می‌شود باید باکیفیت عالی باشند و یا با ذکر منبع از نو تولید گردد و قابلیت ویرایش را داشته باشند.

۱۱. نتیجه‌گیری: ارائه موارد خلاصه و مشخص از یافته‌های تحقیق، اشاره به دستاوردهای تحقیق انجام‌شده، ذکر استنباط‌های دقیق تحقیقی، برجسته ساختن پاسخ به مسئله تحقیق، برجسته ساختن مواردی نوآورانه و پرهیز از آوردن جملاتی که قبلاً در مقدمه و مبانی نظری بیان شده‌اند.

۱۲. منابع: روش منبع‌دهی درون‌متنی و فهرست منابع بر اساس روش APA باشد. فهرست منابع به ترتیب حروف الفبای تخلص صاحبان اثر و به صورت 0.6cm Hanging ترتیب شوند.

۱۳. اندازه صفحه: در قطع وزیری (17 × 24) cm و حاشیه‌های آن از بالا ۳/۵ سانتی‌متر پائین ۳ سانتی‌متر راست ۲/۵ سانتی‌متر چپ ۲ سانتی‌متر در مقاله فارسی و پشتو و در مقاله‌های انگلیسی بالا و پائین صفحه عین سایز و راست و چپ عکس فارسی باشد.

۱۴. نوع خط: به صورت کلی، قلم BNazanin (در زبان فارسی)، Bahij-Nazanin (در زبان پشتو) و Times New Roman در زبان بین‌المللی (لاتین) استفاده شود. اندازه فونت در کلمات کلیدی ۱۲ بولد، عنوان فرعی ۱۲ بولد و متن مقاله ۱۲ عادی تنظیم گردد.

۱۵. مقاله‌ها توسط نویسندگان با حجم کمتر از ۷ صفحه و بیشتر از ۱۵ صفحه نباشد و فاصله خطوط ۱/۱۵ ترتیب گردد.

۱۶. مقاله‌های بیرون از پوهنتون بامیان به ایمیل آدرس مدیر مسئول مجله فرستاده شوند.

۱۷. نظر به مکتوب شماره ۵۹۰/۶۳۰ مورخ ۱۴۴۴/۱۱/۷ ه.ق. ریاست تألیف و ترجمه وزارت محترم تحصیلات عالی در تمام آثارهای نوشتاری از کلمات (دادگاه، دادستانی، دانشجو، دانشگاه، دانشکده، پژوهش، پژوهشگاه، زده کریال، پوهنیال...) استفاده نشود

فهرست مطالب

- ۱ ارزیابی فرهنگ‌سازمانی پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان
پوهنوال دکتور باز محمد فروغ
- ۳ بررسی عوامل و میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان
پوهنوال محمد الله معتمد
- ۳۷ ارث زن از دیدگاه اسلام و نقد شبهات وارده بر آن
پوهنمل نصرت الله نصرت
- ۵۳ بررسی تأثیر کیفیت خدمات بانک‌ها روی رضایت مشتریان
پوهنمل اسدالله کاظمی
- ۷۱ کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در جیولوجی و اکتشاف مواد معدنی
پوهنمل علی نیکزاد و ...
- ۸۹ اقدامات عملی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه و سلم در حوزه صلح
پوهنمل عبدالروف حبیبی
- ۹۱ شر از دیدگاه اسلام
پوهنیار علی‌الهدی "هدایتی"
- ۱۲۵ سفر امان‌الله خان به ایران، اثرات و پی‌آمدها
پوهنیار محمد بشیر الهام و پوهنیار محمد جواد نظری
- ۱۴۱ بررسی شاخص‌های توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری (فرا تحلیل)
پوهنیار محمد علی امینی و نامزد پوهنیار علی رضا طاهری
- ۱۴۳ نقش کنترل در مدیریت
پوهنیار محمد علی طاهری
- ۱۶۵ زمان و مکان از نظر کانت
پوهنیار خلیل‌الله فرزام

۱۹۱ مطالعه اکولوژیکی زیره سبز
	پوهنیار جعفر شیرزاد
۲۰۵ مرور بر خصوصیات نباتی و اکولوژیکی کنجد
	پوهنیار محمد دین روستازاده
۲۲۱ نقش منابع مالی هند در رشد اقتصاد غزنویان
	پوهنیار محمد جواد نظری و پوهنیار محمد بشیر الهام
۲۳۷ ادراک و نقش آن در رفتار سازمانی
	پوهنمل شریف فرین
۲۳۹ غلوی مسیحیان در شأن عیسی علیه السلام
	پوهنیار حبیب الله حقیرست
ROLES AND RESPONSIBILITIES OF SOCIOLOGISTS 267
Senior Teaching Assistant Mohammad Reza Akbari	

ارزیابی فرهنگ‌سازمانی پوهنتون بامیان از نظر اساتید و

کارمندان آن در سال تحصیلی ۱۴۰۱

پوهنوال داکتر بازمحمد فروغ^۱، پوهنیار کاظم فکور^۲ و نامزد پوهنیار محمد بشیر محمدی^۳

تقریظ دهنده: پوهنوال محمدالله معتمد

چکیده

هدف تحقیق حاضر، ارزیابی فرهنگ‌سازمانی پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن در سال ۱۴۰۱ بود. روش تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی بود که به صورت کمی (میدانی) انجام شد. جامعه آماری تحقیق را تمام اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان (۱۷۹) تن تشکیل می‌داد. حجم نمونه، با روش نمونه‌گیری در دسترس (۱۲۰) نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه پاسخ دادند. جمع‌آوری اطلاعات توسط پرسشنامه استاندارد فرهنگ‌سازمانی دینسون (۱۹۹۳) صورت گرفت. این پرسشنامه حاوی (۲۴) سؤال در پنج طیف از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم درجه‌بندی شده بود و فرهنگ‌سازمانی را در شش بعد شامل (ویژگی‌های غالب، رهبری سازمانی، مدیریت کارکنان، انسجام سازمانی، تأکیده‌های استراتژیک و معیارهای موفقیت) موردسنجش قرار داد. داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار **spss 26** با روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصدی و میانگین و همچنان آمار استنباطی مانند آزمون تی تست یک نمونه‌ای مورد تحلیل و تجزیه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که پوهنتون بامیان از ویژگی‌های غالب با میانگین (۳.۵۸)، رهبری سازمانی با میانگین (۳.۶۶)، مدیریت کارکنان با میانگین (۳.۶۰)، انسجام سازمانی با میانگین (۳.۸۲)، تأکیده‌های استراتژیک با میانگین (۳.۸۷) و معیارهای موفقیت با میانگین (۳.۷۴) برخوردار بود و بیانگر این است که فرهنگ سازمانی پوهنتون بامیان گرچه در مجموع در سطح مناسبی قرار دارد، اما از این که در بُعد ویژگی‌های غالب کمترین میانگین را داشت نیازمند آن است که توجه بیشتری در این زمینه معطوف گردد.

کلمات کلیدی: انسجام سازمانی؛ تأکیده‌های استراتژیک؛ رهبری سازمانی؛ مدیریت کارکنان؛ معیارهای موفقیت؛ ویژگی‌های غالب.

۱. استاد دیپارتمنت مدیریت آموزشی، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان، bforogh3@gmail.com

۲. استاد دیپارتمنت دری، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان،

۳. استاد دیپارتمنت انگلیسی، پوهنخی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان،

Evaluation of Organizational Culture of Bamyan University from Professors' and Employees' Perspective in the Academic Year of 1401/2022

Baz Mohammad Forogh Ph. D. Associate Professor, Teaching Asst, Kazim Fakor and Mohammad Basher Mohammadi

Abstract

Aim of this research was evaluation of organizational culture of Bamyan University from professors' and employees' perspective in academic year 1401/2022. Research methodology was descriptive-survey type which was conducted quantitative based. The statistical population of the research was 179 individuals. Sample size and sample type was accessed by 120 people who answered the questionnaires. Data collection was done based organizational culture of Dinsue (1993) questionnaire. Questionnaire contained 24 questions in five spectrums of strongly agree to strongly disagree, and its organizational culture were measured in six dimension like; (dominant features, organizational leadership, employee management, organizational solidarity, strategical emphasizes and success criteria). Collected data analyzed with software like SPSS 26 with descriptive statistics methods such as frequency percentage and average and also, inferential statistic such as one-sample and t-test. Based on collected data dominant features is with an average of (3.74), organizational leadership has an average of (3.66), employee management is (3.60), organizational solidarity is (3.82) strategical emphasis is with an average of (3.87), and success criteria is (3.74), shows that organizational culture at a proper situation.

Key words: dominant features; organizational leadership, employees' management, organizational solidarity, strategical emphasis, success criteria, professors and employees' of Bamyan University.

مقدمه

توسعه جامعه بشری به افزایش مداوم مهارت‌ها و عملکردها منجر گردیده و محیط در حال تغییر امروزی، نیازمند عملکردهای خاص و متناسب با شرایط است. در این شرایط ممکن است عملکردها به چالش کشیده شوند. در همین زمینه، محققین در جهت بهبود عملکردها، همواره تلاش کرده‌اند عوامل مؤثر بر عملکرد سازمانی و تأثیر انواع عناصر در حال تغییر سازمان‌های امروزی را بر آن بررسی کنند. از جمله عوامل تعیین‌کننده رشد عملکرد سازمانی، فرهنگ سازمانی است که هویت، ارزش‌ها و باورهای افراد را در یک محیط سازمانی قرار می‌دهد. به تعبیر دیگر، فرهنگ سازمانی چگونگی ادراک، تفکر و واکنش مناسب اعضای سازمان را نسبت به محیط‌های داخلی و خارجی مشخص می‌کند (خمش‌آیا، رخیده و دهقان، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۳).

فرهنگ به روش درک انسان از محیط که در آن زندگی می‌کند اشاره دارد و معرف دیدگاه‌ها و رفتار است. فرهنگ دربرگیرنده مفهومی اخلاقی است که برای هر گروه، مرز بین درست و غلط و یا خوب بد را تعیین می‌کند. به‌طورکلی فرهنگ بر نحوه تفکر و رفتار مدیریت و کارکنان اثر می‌گذارد. اگر بپذیریم که انسان امروزی نمی‌تواند جدا از نهادها و سازمان‌های متشکل از هم‌نوعان خود زندگی نماید، پس باید قبول کرد که بخش زیاد از رفتارهای وی از این سازمان‌ها سرچشمه گرفته است. این گفته بیان‌کننده این موضوع است که پذیرش فرهنگ و رعایت اصول و موازین زیربنایی آن به‌وسیله سازمان نه تنها جزء وظایف، بلکه ضامن بقا و پویایی سازمان است (احمدی، ماکوئی و بنیادی، ۱۳۹۷، ص. ۵۶).

از جانب دیگر رفتار سازمانی در حقیقت از فرهنگ سازمانی نشأت می‌گیرد و تابعی از مقوله‌های مذکور محسوب می‌شود و عبارت از کنش‌ها و واکنش‌های است که اعضای سازمان با در نظر گرفتن ارزش‌های رایج، هدف مشترک سازمانی، هماهنگی با فعالیت سایر افراد سازمان تحت تأثیر فرهنگ و هویت سازمانی از خود بروز می‌دهند (بیانی، ۱۳۸۲، ص. ۲۰).

بنابراین تحقیق حاضر باهدف ارزیابی فرهنگ‌سازمانی در پوهنتون بامیان انجام شد تا نتایج آن در خدمت مسئولین قرار گیرد و از آن در جهت بهبود و تعالی فرهنگ‌سازمانی که منجر به توسعه پوهنتون بامیان شود، استفاده به عمل آید.

بیان مسئله

امروزه پوهنتون‌ها به سازمان‌های پیچیده تبدیل شده‌اند که وظیفه تربیت متخصصان جامعه را در رشته‌های گوناگون بر عهده دارند. این مراکز با در اختیار داشتن امکانات وسیع، انبوه محصلین، محققین و ابزارهای تحقیقاتی در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند در زمینه‌های مختلف به تحقیق بپردازند. به علاوه، دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم به سرعت در حال تغییر و تحول است و در این محیط پیچیده، سازمان‌هایی موفق خواهند بود که بتوانند با طراحی استراتژی‌های مناسب و اجرای مؤثر آن‌ها بقای خود را تضمین کنند در این راستا مهم‌ترین عامل موفقیت در این حرکت نیز فرهنگ‌سازمانی است؛ زیرا ممکن است اعمال یک استراتژی به دلیل مخالفت فرهنگ‌سازمانی که مجموعه اعتقادات سازمان است به تأخیر افتد یا گاهی رد شود بر این مبنا با توجه به ارتباط استراتژی‌های جدید با فرهنگ‌سازمانی، لازم است شناخت کامل و دقیقی از آن صورت گیرد (خمش آیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷).

فرهنگ‌سازمانی که عامل مهم در سازمان‌های هر کشور است و تعهد در کارکنان ایجاد می‌کند تا کارها با کیفیت عالی انجام گیرد. تحقیقاتی که درباره فرهنگ‌سازمانی صورت گرفته نشان داده است که وجود فرهنگ قوی در سازمان باعث بهبود عملکرد در سازمان می‌شود و کیفیت را در سازمان بالا می‌برد و باعث می‌شود که درست برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، تصمیم‌گیری و کنترل شوند.

با توجه به آنچه بیان شد مسئله این است که مشخص نیست فرهنگ‌سازمانی در پوهنتون بامیان در چه وضعی قرار دارد؟ و ابعاد فرهنگ‌سازمانی در کدام حد اعمال می‌گردد؟ بر همین مبنا، در این تحقیق به ارزیابی فرهنگ‌سازمانی در پوهنتون بامیان

پرداخته شد. ممکن است نتایج این تحقیق در راستای توسعه فرهنگ‌سازمانی در این پوهنتون یاری رساند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

فرهنگ یکی از جنبه‌های اصلی محیط داخلی سازمان است که نقش قابل ملاحظه‌ای در موفقیت و یا شکست برنامه‌های سازمانی ایفا می‌کند. فرهنگ‌سازمانی به‌عنوان ابزار مهمی برای سازمان‌ها در جهت یکپارچه ساختن فرآیندهای درونی و همچنین انطباق با شرایط محیط بیرونی مورد توجه قرار گرفته است. در ادبیات مدیریت این موضوع پذیرفته شده است که فرهنگ‌سازمانی به عملکرد و پیامدهای مهمی هم در سطح سازمانی و هم در سطح فردی مرتبط است (بارانی، فقیهی و بیگی، ۱۳۹۶، ص. ۲).

بررسی فرهنگ‌سازمانی از این جهت ضروری تلقی شده است که امروز پوهنتون‌ها به سازمان‌های پیچیده تبدیل شده‌اند که وظیفه تربیت متخصصان جامعه را در رشته‌های گوناگون بر عهده دارند. این مراکز با در اختیار داشتن امکانات وسیع، انبوه دانشجویان و پژوهشگران و ابزارهای تحقیقاتی در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند در زمینه‌های مختلف به تحقیق بپردازند و به پیشرفت و پیشبرد تمدن در جامعه آتی خود کمک کنند (خمش‌آیا، رخیده و دهقان، ۱۳۹۸، به نقل از ضیائی و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۲۱۷).

از جانب دیگر، فرهنگ‌سازمانی یکی از جنبه‌های اصلی محیط داخلی سازمان است و باعث ایجاد هماهنگی، یکپارچگی، موفقیت، مدیریت عالی، و انسجام سازمان می‌شود؛ بنابراین تحقیق حاضر ضروری دانسته شده که فرهنگ‌سازمانی را در پوهنتون بامیان مورد ارزیابی قرار دهد تا مشخص شود که دانشگاه بامیان دارای چه نوع فرهنگ سازمانی است؟ و نتایج آن ممکن است مسئولین امور را در جهت تقویت فرهنگ سازمانی این محیط سرنوشت ساز کمک نماید.

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق

ارزیابی فرهنگ‌سازمانی پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن.

اهداف جزئی

ارزیابی ویژگی‌های غالب فرهنگ در پوهنتون بامیان. ۲. ارزیابی رهبری سازمانی در پوهنتون بامیان.

ارزیابی مدیریت کارکنان پوهنتون بامیان. ۴. ارزیابی انسجام سازمانی در پوهنتون بامیان.

ارزیابی تأکیدهای استراتژیک در پوهنتون بامیان. ۶. ارزیابی معیارهای موفقیت در پوهنتون بامیان.

سوالات تحقیق

سؤال کلی

میزان فرهنگ سازمانی در پوهنتون بامیان به چه اندازه است؟

سوالات جزئی

پوهنتون بامیان دارای چه ویژگی‌های غالب فرهنگی است؟ ۲. پوهنتون بامیان دارای چه نوع رهبری سازمانی است؟

سبک مدیریت کارکنان در پوهنتون بامیان چگونه است؟ ۴. انسجام سازمانی در پوهنتون بامیان چگونه است؟

تأکید استراتژیک پوهنتون بامیان چه گونه است؟ ۶. معیارهای موفقیت در پوهنتون بامیان چگونه است؟

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های خلاف صفر (H1)

- به نظر می‌رسد پوهنتون بامیان دارای ویژگی‌های فرهنگی مناسب است.
- به نظر می‌رسد که پوهنتون بامیان از رهبری سازمانی مطلوب برخوردار است.
- به نظر می‌رسد در پوهنتون بامیان مدیریت کارکنان خوب است.
- احتمالاً پوهنتون بامیان از انسجام سازمانی خوبی برخوردار است.
- به نظر می‌رسد پوهنتون بامیان در بُعد استراتژیک خود تأکید دارد.
- به نظر می‌رسد که پوهنتون بامیان دارای معیارهای موفقیت بالا می‌باشد.

فرضیه صفرهای (H0)

- به نظر می‌رسد پوهنتون بامیان دارای ویژگی‌های فرهنگی مناسب نیست.
- به نظر می‌رسد پوهنتون بامیان از رهبری سازمانی مطلوب برخوردار نیست.
- به نظر می‌رسد در پوهنتون بامیان مدیریت کارکنان خوب نیست.
- احتمالاً پوهنتون بامیان از انسجام سازمانی خوبی برخوردار نیست.
- به نظر می‌رسد پوهنتون بامیان در بُعد استراتژیک خود تأکید ندارد.
- به نظر می‌رسد که پوهنتون بامیان دارای معیارهای موفقیت بالا نیست.

مبانی نظری تحقیق

تعریف فرهنگ

واژه فرهنگ در زبان فارسی از جمله واژه کهن است که علاوه بر فارسی دری در فارسی پهلوی نیز به کاررفته است. صورت اولیه «فراهنگ» یا فرهنگ از دو جز ترکیب یافته است: «فر» به معنای «پیش»، بالا و جلو و «هنگ»، «هنج» یا «تنگ» به معنای قصد، آهنگ به معنای کشیده و برآوردن به کاررفته است. این واژه در دوره‌های اخیر به تناسب کاربرد صاحب‌نظران رشته‌های مختلف علوم انسانی معنای متعدد از قبیل دانش، آموزش، تربیت، مهارت، ادب، هنر و غیره پیدا کرده است (ناصرپور، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۸).

فرهنگ سازمانی مجموعه از مفروضات مهم اغلب و نانوشته مشترک بین اعضای یک سازمان است. هر سازمان فرهنگ خاص خود را دارد که مثل شخصیت افراد غیرملموس است، اما در همه جا حضور دارد و فراهم‌کننده معنا، جهت و مبنای عمل افراد است؛ به عبارت دیگر، همچنان که شخصیت یک فرد بر رفتارش تأثیر می‌گذارد، باورها و ارزش‌های مشترک یا فرهنگ نیز بر فعالیت‌ها، عقاید و اقدامات افراد درون سازمان مؤثر است (پیرز، ۱۳۹۶، ص. ۳۳۲).

مفهوم فرهنگ

فرهنگ سازمانی یکی از مهم‌ترین عوامل در افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌باشد. فرهنگ سازمانی در تمام جنبه‌های سازمان نفوذ دارد و اهمیت آن‌ها امروز به حدی است که دانشمندان مدیریت مهم‌ترین وظیفه را وضع ارزش‌های فرهنگی مناسب و توسعه آن‌ها در سازمان می‌دانند، زیرا اعتقاد بر این است که فرهنگ سازمانی به شکل دهی و هدایت منابع لازم برای افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌پردازد. هر سازمان شخصیتی به نام فرهنگ سازمانی دارد. فرهنگ سازمانی قسمتی از محیط داخلی سازمان را توصیف می‌کند که در حقیقت ترکیبی از مجموعه تعهدات، اعتقادات و ارزش‌های مشترک بین اعضای سازمان می‌باشد و برای رهنمایی کارکنان در انجام وظایفشان استفاده می‌شود (شفقت، آقاجانی و نازک تبار، ۱۳۹۱، ص. ۴۲).

فرهنگ، عقاید بنیادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی حاکم بر رفتار و عملکرد افراد در سازمان را تعیین می‌کند. در رابطه با فرهنگ سازمانی، اعتماد، مشارکت، تشویق و رهبری مشارکتی عوامل توسعه اهداف سازمانی اند. فرهنگ سازمانی از طریق اجزاء مرتبط راهبرد، افراد، فرایند و ساختارها تشکیل و تقویت می‌شود (سهرابی و دارامی، ۱۳۹۶، به نقل از Sanchez، ص. ۱۹۸).

عوامل تشکیل دهنده فرهنگ در سازمان

عوامل تشکیل دهنده فرهنگ سازمانی عبارت از: باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، تشریفات و مفروضات است که ذیلاً هرکدام آن به صورت خلاصه توضیح داده می‌شود.

ارزش‌ها: ارزش‌های فرهنگ سازمان معمولاً بازتابی از ارزش‌های جامعه و محیطی است که سازمان در آن قرار دارد.

باورها: مردم باورها و اعتقادات گوناگون دارند مثل باور و اعتقادات به خدا، اعتقادات به کارایی و موثریت گروه‌های کاری، باور داشتن به نتیجه مثبت خدمات و عملکرد صادقانه به مشتری و غیره، به طور کلی باورهای شکل دهنده تصمیمات درازمدت و کلان مدت سازمان را باورهای استراتژیک و مشترک اجراکنندگان تصمیمات را باورهای عملیاتی می‌نامند.

پروسه اجتماعی سازی سازمان: عامل دیگر که در ایجاد تدوین فرهنگ سازمانی نقش مهم دارد عبارت است از پروسه اجتماعی سازمان، از طریق این پروسه افراد جای خود را در سازمان دریافت و تثبیت می‌کند، یاد می‌گیرند که چگونه جذب سازمان شوند، با استندرها و سایر موضوعات سازمان آشنا شوند و رفتار مناسب را یاد بگیرند.

سنت‌ها و تشریفات: سنت‌ها عبارت از همان الگوی است که در سازمان شکل گرفته و به صورت عادت تبدیل شده و پایدار می‌ماند مراسم اجتماعی سازی بخصوص، برنامه‌های تشویق کارمندان، بهتر در مراسم‌های خاص، راضی نگه‌داشتن مشتری با خدمت داخل سازمانی خاص و غیره.

اسطوره‌ها: نمونه از تاریخ گذشته سازمان است که موفقیت‌ها و کارهای برجسته مؤسسات و یا مدیران درگذشته را به صورت الگو بازگو می‌کند و هدف آن انگیزش کارکنان و پیروی آن‌ها از الگوها است (رحمانی و ناصری، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۴).

تعریف سازمان

سازمان عبارت است از هماهنگی معقول عده‌ای از افراد که از طریق تقسیم وظایف، برقراری روابط منظم و منطقی، برای تحقق هدف مشترک به‌طور پیوسته فعالیت می‌کنند این تعریف بر سازمان‌های رسمی دلالت دارد و به ویژگی‌های مشترک آن‌ها اشاره می‌کند: سازمان‌ها هدف دارند؛ یعنی، برای دستیابی به مقاصد معین به وجود می‌آیند. سازمان‌ها از ترکیب اجتماعی افراد که به‌صورت گروهی همکاری می‌کنند، تشکیل می‌شوند. سازمان‌ها به‌طور پیوسته و مستمر فعالیت می‌کنند.

سازمان‌ها، فعالیت‌های خود را از راه تفکیک وظایف، از روی برنامه و با استفاده از منابع مالی، مادی، دانش، فن و ابزار انجام می‌دهند.

افراد را به‌طور عقلانی و منطقی، هماهنگ و هدایت می‌کنند (علاقه بند، ۱۳۹۳، ص. ۴).

ابعاد فرهنگ سازمانی

فرهنگ سازمانی دارای ابعادی است که در ادامه بیان می‌شوند.

فاصله قدرت: میزان نابرابری یا تفاوت و قدرت دو فرد فاصله قدرت زیادی حاکی از این است که صاحبان قدرت یا چهره صاحب اختیار از امتیازات بهره مند هستند که در چارچوب روابط قوی و مشخص فرادست - فرودست میان اعضای سازمان شکل گرفته است.

اجتناب از عدم اطمینان: میزان ثبات یا قابلیت پیش‌بینی سازمان که اعضاء ترجیح داده می‌شود. اجتناب از عدم اطمینان زیاد، بیانگر آن است که اعضای سازمان به شدت برای قوانین و مقررات کتبی و توافق جمعی ارجحیت قائل‌اند و در برابر سطوح بالای اضطراب و فشار آسیب‌پذیرترند.

فردگرایی: برتری قائل شدن برای اعمال فردی و جمعی، اتکای عاطفی به سازمان، ارجح دانستن تصمیم‌های فردی به جای تصمیم‌های گروهی و تأکید بر کار فردی از شاخص‌های فردگرایی زیاد است.

مرد گرایی: الگوی غالب جنس، نقشی که در آن جنس مذکر نقش تعیین‌کننده دارد و مؤنث نقش خنثی دارد. مرد گرایان سازمان‌های بزرگ‌تر را ترجیح می‌دهند و انگیزه نیرومندتری برای کسب موفقیت دارند.

پس از مطالعاتی که هاسفند و ساندرز انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های سازمانی اساساً از طریق فرهنگ اجتماعی وسیع‌تری که از طریق فرایند استخدام به سازمان راه می‌یابد، تعیین می‌شود در حالی که رویه‌های سازمانی در نتیجه سازگاری اعضای جدید با فرهنگ سازمانی به دست می‌آید (عسکریان، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۱).

با در نظر داشت آنچه بیان شد می‌توان جمع‌بندی نمود که فرهنگ سازمانی نقش اساسی بر رفتار سازمانی دارد و شناخت فرهنگ سازمانی برای کنترل و تغییر رفتار مطلوب در سازمان، مهم و حیاتی تلقی می‌گردد.

پیشینه تحقیق

تحقیق داخلی

مطالعات انجام‌شده نشان داد که در این رابطه تحقیق خاص و مشخص در پوهنتون بامیان انجام‌نشده است.

پیشینه خارجی

رضوانی (۱۳۹۰) تحقیقی را تحت عنوان بررسی رابطه انواع فرهنگ‌سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در پوهنتون کابل و پوهنتون اصفهان، به صورت مقایسه‌ای، انجام داده است. یافته‌های تحقیق نشان داده است که میانگین نمره‌های فرهنگ‌سازمانی پوهنتون کابل و پوهنتون اصفهان تفاوت معنی‌داری را نشان نداده است. تنها متغیر دموگرافیک پوهنخی محل تدریس در دو پوهنتون کابل و اصفهان تفاوت معنی‌داری را از نظر فرهنگ‌سازمانی نشان داده است و در مورد رفتار شهروندی سازمانی متغیرهای پوهنخی و محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی تفاوت معنی‌داری را در دو پوهنتون اصفهان و کابل نشان دادند.

الوداری (۲۰۱۴) تحقیقی را تحت عنوان ارزیابی فرهنگ‌سازمانی در پوهنتون پیام نور، انجام داده است و نتایج آن مبین آن است که مدیران پوهنتون در مجموع، نگرش مثبت به فرهنگ‌سازمانی پوهنتون داشته و چهار بعد دیگر آن، یعنی نیل به اهداف و کمال‌گرایی، کار تیمی هماهنگ و منسجم، توانمندی فرهنگی در هماهنگی و مشتری‌گرایی را مطلوب و اثربخش ارزیابی نمودند.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی-پیمایشی بود که به صورت کمی و میدانی برای ارزیابی فرهنگ‌سازمانی از نظر اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان انجام شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق شامل تمام اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان به تعداد ۱۷۹ استاد و کارمند (۱۱۶ نفر از اساتید بر حال و ۶۳ نفر از کارمندان در سال ۱۴۰۱ بودند) از جمله ۱۲۰ استاد و کارمند آن پوهنتون از اشتراک کنندگان در این تحقیق بودند.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

حجم نمونه این تحقیق ۱۷۹ تن از اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان بودند که بر اساس جدول مورگان به تعداد ۱۲۰ تن از اساتید و کارمندان به عنوان نمونه، با روش در دسترس انتخاب گردیدند.

قلمرو زمانی و مکانی تحقیق

قلمرو زمانی این تحقیق سمسستر خزانگی سال (۱۴۰۱) و قلمرو مکانی این تحقیق پوهنتون بامیان بود.

ابزار تحقیق و روش جمع‌آوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری داده‌های این تحقیق پرسشنامه دینسون (۱۹۹۳) بود که فرهنگ‌سازمانی را از نظر اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان در ۲۴ سؤال، در بعدهای ویژگی‌های غالب، رهبری سازمانی، مدیریت کارکنان، انسجام سازمان، تأکیدهای استراتژیک و معیارهای موفقیت، در شش طیف از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم، مورد ارزیابی قرار داد.

روش تجزیه تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل آمار اطلاعات گردآوری شده این تحقیق، از دو روش آمار توصیفی (محاسبه شاخص‌های آماری مانند میانگین و جداول و گراف‌های توزیع فراوانی مربوط به متغیرها) و آمار استنباطی مانند تی تست یک نمونه‌ای استفاده گردید. اطلاعات جمع‌آوری شده به کمیت‌های عددی تبدیل و با استفاده از نرم‌افزار SPSS 26 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات

الف) نتایج تحلیل آمار توصیفی

جدول شماره (۱) توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر اساس وظیفه

وظیفه	فراوانی	درصدی	درصدی معتبر	درصدی تجمعی
استاد	۷۱	۵۹٫۲	۵۹٫۲	۵۹٫۲
کارمند	۴۹	۴۰٫۸	۴۰٫۸	۱۰۰٫۰

با توجه به جدول فوق تعداد اشتراک کنندگان در این تحقیق ۱۲۰ نفر بودند که به تعداد ۷۱ نفر استاد با درصدی (۵۹٫۲) و ۴۹ نفر کارمند با درصدی (۴۰٫۸) بودند.

آمار استنباطی

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از تی تست یک نمونه‌ای استفاده شده که در ادامه بیان شده‌اند.

جدول (۲) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه ویژگی‌های غالب

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت		
				میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				حداقل	حداکثر	
ویژگی‌های غالب	۶۶/۴۵۶	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۵۷۵	۳/۴۷	۳/۶۸

جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار تی (۶۶/۴۵۶) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) بود. پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن دارای ویژگی‌های غالب فرهنگی مناسب است.

جدول (۳) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه رهبری سازمانی

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت		
				میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				حداقل	حداکثر	
رهبری سازمانی	۵۲/۴۵۳	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۶۵۶	۳/۵۲	۳/۷۹

جدول فوق بیانگر آن است که مقدار تی (۵۳/۴۵۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن دارای رهبری سازمانی مطلوب است.

جدول شماره (۴) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه مدیریت کارکنان

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت		
				میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				حداقل	حداکثر	
مدیریت کارکنان	۵۲/۵۸۹	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۶۰۶	۳/۴۷	۳/۷۴

جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار تی (۵۲/۵۸۹) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن دارای مدیریت کارکنان خوب است.

جدول شماره (۵) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه انسجام سازمان

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				فاصله اطمینان ۹۵ درصد	حداقل حداکثر
انسجام سازمان	۵۴/۱۹۷	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۸۲۳	۳/۶۸ ۳/۹۶

با توجه به جدول فوق که مقدار تی (۵۴/۱۹۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن از انسجام سازمانی خوب برخوردار است.

جدول شماره (۶) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه تأکیدی استراتژیک

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				فاصله اطمینان ۹۵ درصد	حداقل حداکثر
تأکیدیهای استراتژیک	۶۲/۳۷۳	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۸۷۱	۳/۷۵ ۳/۹۹

جدول فوق مبین آن است که مقدار تی (۶۲/۳۷۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن بر بُعد استراتژیک تأکید دارد.

جدول شماره (۷) آزمون تی یک نمونه‌ای مؤلفه معیارهای موفقیت

مؤلفه	مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	
				فاصله اطمینان ۹۵ درصد	حداقل حداکثر
معیارهای موفقیت	۶۲/۰۱۰	۱۱۹	۰/۰۰۰	۳/۷۴۲	۳/۶۲ ۳/۸۶

جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار تی (۶۲/۰۱۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) است پس فرضیه صفر رد و فرض خلاف صفر پذیرفته شد، پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن دارای معیارهای موفقیت بالا می‌باشد.

جدول (۸) میانگین عمومی مؤلفه‌ها

مؤلفه	میانگین
ویژگی‌های غالب	۳/۵۸
رهبری سازمانی	۳/۶۶
مدیریت کارکنان	۳/۶۰
انسجام سازمانی	۳/۸۲
تأکیدهای استراتژیک	۳/۸۷
معیارهای موفقیت	۳/۷۴

با توجه به جدول فوق تأکیدهای استراتژیک با بالاترین میانگین (۳/۸۷) و ویژگی‌های غالب با کم‌ترین میانگین (۳/۵۸) بود. رهبری سازمانی با میانگین (۳/۶۶)، مدیریت کارکنان با میانگین (۳/۶۰)، انسجام سازمانی با میانگین (۳/۸۲) و معیارهای موفقیت با میانگین (۳/۷۴) بود.

مناقشه

این تحقیق باهدف ارزیابی فرهنگ سازمانی از نظر اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان در سال ۱۴۰۱ انجام شد. در این تحقیق به سنجش ابعاد فرهنگ سازمانی از نظر اساتید و کارمندان در شش بعد (مؤلفه) ویژگی‌های غالب، رهبری سازمانی، مدیریت کارکنان، انسجام سازمانی، تأکیدهای استراتژیک و معیارهای موفقیت پرداخته شد.

با در نظر داشت نتایج به دست آمده از این تحقیق که سطح معناداری همه ابعاد ۰/۰۰۰ است و نشان‌دهنده آن است که پوهنتون بامیان از فرهنگ سازمانی مناسب برخوردار است. نتیجه این تحقیق با یافته‌های الوداری (۲۰۱۴) همخوانی دارد؛ زیرا نتیجه تحقیق ذکر شده نشان داده بود که مدیران دید مثبت به فرهنگ سازمانی پوهنتون پیام نور داشت.

نتیجه‌گیری

فرهنگ‌سازمانی یک متغیر محیطی است که به میزان متفاوت بر تمام اعضای سازمان اثر می‌گذارد و از این رو درک درست از این ساختار برای اداره سازمان و کار مؤثر حائز اهمیت است، اعضای سازمان، برای حل مسئله مربوط به انطباق بیرونی و یکپارچگی درونی به‌عنوان بهترین شیوه جهت حل مسائل، فرهنگ مکتوب و حتی غیر مکتوب سازمان خود را به اعضای جدید آموزش می‌دهند. از این رو با برخورداری از ظرفیت لازم برای تغییر و تبدیل فرهنگ‌سازمانی، تغییر اعمال و افکار و احساسات، بخش عظیمی از اعضای سازمان امکان‌پذیر می‌گردد.

تحلیل سؤالات این تحقیق (که به دلیل جلوگیری از طولانی شدن مقاله از آوردن جداول تحلیل و تجزیه آن خودداری شد) نتایج آن نشان داد که از نظر اساتید و کارمندان پوهنتون بامیان، این پوهنتون یک مکان بسیار شخصی و شبیه به یک خانواده می‌باشد و افراد فرهنگ خودشان را با سازمان تسهیم می‌کند، پوهنتون، مکان کارآفرینی بسیار پویایی می‌باشد و افراد تمایل دارند که ریسک‌پذیر باشند. پوهنتون بامیان بسیار نتیجه‌گرا، می‌باشد، انجام شدن کار را موضوع اصلی می‌دانند و افراد بسیار رقابتی و موفقیت طلب هستند.

آنان خیلی ساختارمند و با رویه‌های خیلی رسمی مدیریت افراد، در پوهنتون مخالف بودند. رهبری پوهنتون را دارای جنبه تسهیل‌کنندگی و پرورشی دانسته و این که رهبری این پوهنتون جنبه نوآورانه، ریسک‌پذیر و کارآفرینی دارد، بر نتایج تأکید دارد، هماهنگ‌کننده و سازمان دهنده است موافق بودند.

سبک مدیریت در پوهنتون را دارای ویژگی‌های همچون کار گروهی، اجماع و مشارکت، ریسک‌پذیری، منحصر به فرد بودن، رقابتی بودن، موفقیت و تقاضای بالا، امنیت استخدام، انطباق، قابلیت پیش‌بینی و ثبات در روابط دانسته بودند.

انسجام که پوهنتون را نگه می‌دارد وفاداری و اعتماد متقابل، تعهد بالا نسبت به پوهنتون، تعهد به نوآوری و توسعه، تأکید بر کاهش کاغذبازی، تأکید بر موفقیت و کسب

هدف، تهاجمی بودن، مشترک بودن موضوع پیروزی و قوانین و سیاست‌های رسمی پنداشته بودند.

با اهمیت بودن حفظ یک پوهنتون نرم، تأکید بر توسعه انسانی، اعتماد بالا، گشودگی و مشارکت، تأکید بر کسب منابع جدید و ایجاد چالش‌های جدید، آزمون بعضی مسائل و جستجوی فرصت‌ها ارزشمند، اقدامات و موفقیت، تأکید بر پیروزی و غلبه داشتن در بازار، کارایی، کنترل و با اهمیت بودن عملیات نرم، موفقیت بر مبنای توسعه منابع انسانی، کار گروهی، تعهد کارکنان و توجه به افراد را مورد تأکید دانسته بودند.

آنان، موفقیت پوهنتون را بر مبنای داشتن جدیدترین و منحصربه‌فردترین محصولات تعریف کرده بودند که چنین محصولی، یک محصولی نوآور باشد و موفقیت پوهنتون را بر مبنای پیروزی در بازارها و برتری داشتن در رقابت، با اهمیت بودن بازار رقابتی و موفقیت بر مبنای کارایی، تحول قابل اعتماد، برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر و تولید با هزینه پایین مورد تأکید قرار داده بودند.

همچنین نتایج این تحقیق پس از تجزیه و تحلیل ابعاد فرهنگ سازمانی نشان داد که ویژگی‌های غالب با کمترین میانگین (۳.۵۸)، رهبری سازمانی با میانگین (۳.۶۶)، مدیریت کارکنان با میانگین (۳.۶۶)، انسجام سازمانی با میانگین (۳.۸۲)، تأکیدهای استراتژیک با بالاترین میانگین (۳.۸۷) و معیارهای موفقیت با میانگین (۳.۷۴) بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که پوهنتون بامیان از نظر اساتید و کارمندان آن در مجموع دارای فرهنگ سازمانی مناسب است؛ اما بُعد ویژگی‌های غالب نسبت به سایر ابعاد، از میانگین کمتری برخوردار بود و ایجاب می‌کند مسئولین محترم در این زمینه توجه بیشتری مبذول دارند.

منابع

- احمدی، محمدهادی و علی، ماکوئی (۱۳۹۷). تدوین راهبردهای تکامل فرهنگ‌سازمانی. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، شماره (۳۴)، صص. ۵۳-۸۴.
- الوداری، حسن (۲۰۱۴). ارزیابی فرهنگ‌سازمانی پوهنتون پیام نور. فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره (۱)، ص ۹۹.
- بارانی، صمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ نجف بیگی، رضا (۱۳۹۶). موانع تحول نظام اداری ایران: مطالعه‌ای در فرهنگ سازمانی. نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، شماره (۳۶)، صص. ۵-۳۰.
- بیانی، احمد (۱۳۸۸). روانشناسی مدیریت، چاپ ششم. تهران: انتشارات پوهنتون پیام نور، صص ۲۷.
- پیرز، جان ای و رایبسنسون، ریچارد بی (۱۳۹۶). مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل). چاپ هشتم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون (سمت). صص ۷۲-۱۱۳.
- خمش آیا، احمد، رخیده، محمدرضا و دهقان، مائده (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فرهنگ‌سازمانی بر عملکرد سازمانی با تأکید بر نقش میانجی هوش فرهنگی (مورد مطالعه: کارکنان علوم پزشکی شهر ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، شماره (۶۲ و ۶۳)، صص ۲۱۳-۲۲۴.
- رحمانی، عبداللطیف و ناصری، حشمت‌الله (۱۳۹۷). مدیریت منابع بشری، چاپ اول. کابل: انتشارات سعید.
- سهرابی، بابک و دارامی، هادی (۱۳۹۶). مدیریت دانش (با رویکرد MBA). چاپ چهارم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون (سمت).
- عسکریان، محمد (۱۳۸۸). مفهوم شناسی فرهنگ‌سازمانی. دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، شماره (۲۴)، شفقت، ابوطالب، آقاجانی، علی اکبر و نازک، حسین (۱۳۹۱). الگویابی اثرگذاری عوامل فرهنگ‌سازمانی بر رضایت شغلی کارکنان شرکت نفت (مطالعه موردی شرکت ملی بخش فراورده‌های نفتی استان مازندران). فصلنامه بهبود مدیریت. شماره (۱۶). صص ۴۱-۵۴.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۳). مقدمات مدیریت آموزشی. چاپ چهل و ششم، تهران: نشر روان.
- قلی پور آرین و اسماعیلی، محمد (۱۳۵۲). اخلاق، ارزش‌ها و فرهنگ‌سازمانی (مدیریت منابع انسانی پیشرفته). دوماهنامه توسعه پلیس، شماره (۶)، صص ۴۵-۵۴.
- رضوانی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی رابطه انواع فرهنگ‌سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی در پوهنتون کابل و پوهنتون اصفهان. پایان نامه ماستری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی پوهنتون اصفهان.
- ناصرپور، صادق (۱۳۹۶). شناسایی و تبیین فرهنگ‌سازمانی جهادی. فصلنامه تحقیق‌های مدیریت انتظامی، شماره (۲)، صص ۱۷۶-۱۷۲.

بررسی عوامل و میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان

پوهنوال محمدالله معتمد^۱ و پوهنیار محمدضیاءروشنگر^۲

تقریظ دهنده: پوهنوال دکتوربازمحمدفروغ

چکیده

این تحقیق، به هدف بررسی عوامل و میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان انجام شده است. مسئله عمده این تحقیق این است که تا اکنون در افغانستان و مخصوصاً در بامیان در مورد فراموشی محصلان چندان تحقیقات منظم و علمی انجام نشده که به چی میزان محصلان پوهنتون بامیان از فراموشی رنج می‌برند؟ کدام عوامل سبب فراموشی می‌گردد؟ این تحقیق از نگاه هدف کاربردی، از نگاه نوع توصیفی-پیمایشی و از لحاظ روش کمی می‌باشد. برای جمع‌آوری آمار از پرسش‌نامه کار گرفته شده است، توسط ۲۴۰ تن محصل (۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر) پرسش‌نامه تکمیل گردید. داده‌های جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزاری SPSS شده و از طریق توزیع فراوانی و درصدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد که به تعداد ۹٪ از محصلان دچار فراموشی شدید می‌شود و خوشبختانه ۲۱٪ از محصلان موضوعات مهم را هرگز فراموش نمی‌کنند بقیه محصلان از حافظه عادی برخوردارند و علت اساسی فراموشی محصلان را تغییر محیط، پیشرفت سن، یادگیری ضعیف، بی‌علاقه به رشته تحصیلی، بیماری‌های جسمی و روانی، کمبود ویتامین، مصرف سیگار، داروهای روان‌گردان و ناراحتی تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: میزان فراموشی؛ عوامل فراموشی؛ تغییر محیط؛ اوتیسم؛ اختلالات خلقی.

۱. استاد دبیرتمنت روانشناسی، پوهنچی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان، Mutamed1363@yahoo.com

۲. استاد درپیرتمنت فلسفه، پوهنچی علوم اجتماعی، پوهنتون بامیان

Investigating the factors and rate of forgetfulness among students of Bamyan University

Associate Professor Mohammadullah Motamed,
Teachiing Asst, Mohammad Zia Roshangar

Abstract

This research was conducted to investigate the factors and the rate of forgetfulness among the students of Bamyan University. The main problem of this research is that so far in Afghanistan and especially in Bamyan, not much systematic and scientific research has been done on the forgetfulness of students. To what extent do the students of Bamyan University suffer from forgetfulness? Which factors cause forgetfulness? This research is from the point of view of practical purpose, from the point of view of descriptive-survey type and from the point of view of quantitative method. A questionnaire was used to collect statistics, 240 students (120 girls and 120 boys) completed the questionnaire. The collected data were entered into SPSS software and analyzed through frequency and percentage distribution. This research shows that 9% of students suffer from severe forgetfulness and fortunately 21% of students never forget important subjects, the rest of the students have normal memory and the main cause of students' forgetfulness is change of environment, advancing age, poor learning, lack of interest. It includes physical and mental diseases, vitamin deficiency, smoking, psychotropic drugs and discomfort.

Keywords: rate of forgetting; forgetfulness factors; change of environment; autism; mood disorders.

مقدمه

در عصر اطلاعات و تکنالوژی، به هر میزان که پیشرفت تکنالوژی، اطلاعات و رفاه زیادت‌تر گردد، انسان‌ها، به همان میزان از نظر ذهنی مصروف‌تر می‌گردند که این مصروفیت سبب مشکلات روحی و روانی آنان می‌گردد. یکی از این مشکلات، بحث حافظه و فراموشی است. انبوه اطلاعات، مسائل روزمره زندگی انسان‌ها، افزایش جمعیت، درگیری‌های شغلی - اجتماعی، فقدان شناخت کافی نسبت به شیوه‌های صحیح حفظ نمودن و به ذهن سپردن اطلاعات، انسان‌ها را با مشکل «فراموشی» روبه‌رو نموده است. بسیار از افراد از مسئله فراموشی و ضعف حافظه رنج می‌برند (باچر و همکاران، ۲۰۱۴).

فراموشی (Forgetting) یا از یاد بردن یا به یاد نیاموردن حالتی است که داده‌ها یا اطلاعات ذخیره شده در حافظه بلندمدت فرد از بین می‌روند یا تغییر می‌یابند (کرمی نوری، ۱۳۸۳).

بیان مسئله

امروز تمام انسان‌ها، در زندگی روزمره، با مشکلات یادآوری مطالب، اسم فرد، اسم مکان خاص و آموخته‌های قبلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تمام این‌ها، بخش از اختلال در عملکرد حافظه محسوب می‌گردد و تحت تأثیر عوامل مختلف ممکن است به وجود آید. این عوامل هرچه باشد، آنچه برای انسان‌ها پیش می‌آید، حافظه نمی‌تواند به اطلاعاتی که قبلاً ذخیره کرده است، دسترسی پیدا کند (کدیور، ۱۳۸۵).

پدیده‌ای که همه، آن را با عنوان فراموشی می‌شناسند. در بین محصلان پوهنتون بامیان هم دیده می‌شود، تعداد زیادی محصلان از ضعف حافظه شکایت دارند و نمی‌توانند که مطالب آموخته‌شده را در زمان ضرورت یادآوری کنند. مسئله عمده و اساسی این تحقیق این است که تا اکنون در افغانستان و مخصوصاً در بامیان در مورد فراموشی محصلان چندان تحقیقات منظم و علمی انجام نگردیده است که به چی میزان محصلان در افغانستان و مخصوصاً در پوهنتون بامیان از فراموشی رنج می‌برند؟ کدام عوامل سبب فراموشی می‌گردد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق در این است که عوامل و میزان فراموشی را در میان محصلان پوهنتون بامیان، دریافت نموده و نتایج آن را در اختیار محصلان، متعلمین، معلمین، استادان و سایر افراد ذی دخل جامعه قرار می دهد تا از آن برای بهبود حافظه استفاده نمایند. ضرورت ایجاب می کند که تحقیق در زمینه حافظه و فراموشی انجام شود تا در پوهنتون ها و مراکز تحقیقی در افغانستان به عنوان روزه ای به سوی تحقیقات جامع علمی به نوعی آغازکننده مطالعات روانشناختی از حافظه و فراموشی در افغانستان باز شود و با ارائه راهکارهای جدید زمینه تحقیقات بعدی را فراهم ساخته و توجه اهل قلم و تحقیق را در این زمینه جلب نمایند تا در مورد اقدامات عملی و جدی صورت گیرد و مشکلات فراموشی تا حدی کاهش یابد.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی میزان و عوامل فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان.

اهداف جزئی:

- بررسی میزان فراموشی در بین محصلان (پسر و دختر) پوهنتون بامیان.
- بررسی عوامل فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان.

سؤالات تحقیق

سؤال کلیدی:

محصلان پوهنتون بامیان به کدام میزان از فراموشی دچار و کدام عامل سبب فراموشی آنها می گردیده اند؟

سؤالات فرعی:

- محصلان دختر به چه میزان از فراموشی رنج می برند؟
- محصلان پسر به چه میزان از فراموشی رنج می برند؟
- آیا بیماری های روانی و جسمی سبب ضعف حافظه می گردد؟
- آیا کمبود انرژی و سوء تغذی سبب فراموشی می گردد؟
- آیا مصرف داروهای روان گردان و مصرف مواد مخدر سبب ضعف حافظه می گردد؟

مبانی نظری

در ارتباط با فراموشی، نظریات گوناگونی وجود دارند که به اختصار، به چند نظریه معروف آن اشاره می‌گردد.

نظریه تداخل

پیروان نظریه تداخل باورمندند که مطالبی آموخته‌شده، در یکدیگر تداخل نموده و سبب فراموشی می‌گردد. این نظریه از معروف‌ترین نظریات مربوط به فراموشی است که یک یادگیری با یادگیری دیگر مخلوط می‌گردد.

تداخل دو نوع است: تداخل یادگیری‌های قبلی در یادگیری‌های بعدی که به آن «بازداری پیش‌گستر» یا «منع قبل» می‌گویند؛ نوع دیگر، تداخل یادگیری‌های بعدی در یادگیری‌های قبلی است که در اصطلاح، «بازداری پس‌گستر» یا «منع بعدی» گفته می‌شود (خواجه و همکاران، ۱۳۹۱).

فراموشی زیادتر در مورد مطالب به وجود می‌آید که به صورت درست یاد گرفته نمی‌شود و ارتباط معنایی در حافظه بلندمدت راه نیافته است و تداخل صورت گرفته باشد (کدیور، ۱۳۸۵).

نظریه روان‌کاوی

طبق این نظریه، فرد خاطرات ناخوشایند را سرکوب می‌کند و آن‌ها را به یاد نمی‌آورد و اصلاً دوست ندارد به یاد آورد؛ چراکه یادآوری آن رویدادهای ناخوشایند سبب ناراحتی او می‌گردد. بنابراین، روان‌کاوان از روش «تداعی آزاد» (بیان آنچه به ذهن می‌رسد) استفاده می‌کنند. فروید می‌گوید: ما دوست داریم وقایع رنج‌آور و افکار غیرقابل قبول را از ذهن خود حذف کنیم؛ زیرا موجب احساس گناه، اضطراب و ناراحتی ما می‌شوند؛ بنابراین، تجارب ناخوشایند را به قسمت ناخودآگاه می‌بریم تا به طریقی سرکوب شوند (سادوک و همکاران، ۲۰۱۵).

نظریه مربوط به هیجان

هیجان‌ها می‌توانند به دو طریق مثبت و منفی در بازیابی اطلاعات از حافظه درازمدت اثر بگذارند. هیجان مثبت موجب تقویت آموخته‌ها و هیجان‌ها منفی موجب فراموشی آن‌ها می‌گردد (شعبانی، ۱۳۹۷).

نظریه فقدان اطلاعات از مخزن

به نظر اتکینسون، برخی از فراموشی‌ها ریشه در ناتوانایی بازیابی دارد، بعضی از اطلاعات به صورت حتمی فراموش می‌گردد و از مخزن حافظه ناپدید می‌گردد (اتکینسون، ۱۳۹۹).

نظریه تحریف

بر اساس این نظریه، هنگامی که یادگیری صورت می‌پذیرد، بر روی دستگاه عصبی اثر گذاشته و موجب تغییرات زیستی می‌گردد و علت فراموشی تحریفی است که در رد یا اثر حافظه به وجود می‌آید (کدیور، ۱۳۸۵).

نظریه جدید مربوط به حافظه

نظریات جدید حافظه به این مطلب تأکید دارند و فراموشی را ناشی از احتمال خطا در یک یا چند مرحله از مراحل سه‌گانه حافظه می‌دانند. مراحل حافظه رمزگردانی، اندوزش و بازیابی را شامل می‌شود (گیج، ۱۳۸۳).

تحقیقات

بر اساس تحقیقات بینگهاوس، سرعت فراموشی پس از یادگیری اولیه بسیار زیاد است و پس از آن به تدریج کم می‌شود که در شکل زیر نشان داده شده است (محمود وند، ۱۳۹۰).

:



انسان در طول عمر عادت به خوردن دارند و والدین در دوران کودکی برای جلوگیری از چاقی کودکان تلاش می‌کنند که از غذای قوی جلوگیری کنند و درحالی‌که از محتویات غذایی، روی توانایی ذهنی و تغذیه در ابتدایی کودکی کمتر می‌دانند و کمتر توجه دارند در صورت که مغز بخش عمده از بازسازی و ساماندهی خود را، در دوران کودکی و نوجوانی

انجام می‌دهد و این کار را در زمینه‌هایی که برای عملکرد حافظه‌ی موردنیاز و مورد کاربری در کودکان و نوجوانی، لازم است انجام می‌دهد (دائمی، ۱۳۹۱).

پیشینه تحقیق

نتیجه تحقیق محمود وند در سال (۱۳۹۰) نشان داده است که تغییر محیط، سبب فراموشی می‌گردد. بسیاری از داوطلبان شکایت می‌کنند که وقتی در خانه از خود به صورت آزمایشی امتحان می‌گیریم، بهتر عمل می‌کنیم، ولی در جلسات رسمی آزمون‌ها حضور ذهن خوبی نداریم. برای این دسته از کنکوری‌ها و یادگیرندگان، تغییر محیط ممکن است باعث فراموشی شود. با شرکت در کنکورهای آزمایشی و سایر امتحانات رسمی، این مشکل به تدریج حل می‌شود.

تحقیق طلائی زواره و همکاران در سال (۱۳۸۸) نشان داد که همزمان با پیشرفت سن، بر تعداد نورون‌های مغز بالغ‌بر نورون‌ها افزوده نمی‌شود به همین دلیل، طبق عقیده اکثر متخصصان علوم اعصاب، تشکیل حافظه نمی‌تواند ناشی از تولید نورون‌های جدید در مغز پستانداران باشد؛ از این رو فراموشی در بزرگ‌سالی زیادتر به وجود می‌آید.

تحقیقت اتکینسون در سال (۱۳۹۹) نشان داده است که یادگیری ضعیف سبب فراموشی زود هنگام می‌شود. اگر به جای فهمیدن مطالب، آن‌ها حفظ گردد و در همان بار نخست مطالعه دقیق و عمیق نباشد، به سرعت آن‌ها فراموش می‌گردد. گاهی اوقات تداخل مطالب، فراموشی را به بار می‌آورد. هر مطلبی که یاد گرفته می‌شود، برای به خاطر سپردن مطالب بعدی که آموخته می‌شود، مؤثر است. البته عکس این امر نیز صادق است و گاهی مطالب جدید می‌تواند مانع جایگزینی مطالب قبلی در حافظه شود. این موضوع وقتی روی می‌دهد که بین مطالعه‌ی دو موضوع، فاصله‌ی زمانی مناسبی وجود نداشته باشد و یا دو موضوع شبیه به هم باشند. مثلاً درس ادبیات و عربی اگر به دنبال هم مطالعه شوند، فراموشی آن‌ها، تسریع می‌شود.

نتایج تحقیقات نشان داده است که مواد غذایی در فراموشی و تقویت حافظه نقش اساسی را بازی می‌کند و نوع غذا در هیپوکامپ پشتی نقش مرکزی در طیف وسیعی از انواع حافظه و

یادگیری دارد و گیرنده‌های نیکوتینی یادگیری و حافظه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این فعالیت بر فراموشی و یادگیری تأثیر بسزایی دارد (ناصحی و همکاران، ۱۳۹۰).

تحقیقات اسمعیلی و همکاران در سال (۱۳۹۱) نشان داده است که بیماری‌های جسمی و روانی مانند اضطراب، اختلالات خلقی، افسردگی، استرس پس از سانحه، مصرف سیگار، داروهای روان‌گردان و داروهای اثرگذار بر حافظه در ضعف حافظه و فراموشی نقش اساسی را بازی می‌کنند.

افراد افسرده و افراد مضطرب معمولاً با درجات شدیدتری با فراموشی مواجه هستند و اغلب بیش از دیگران در مسائل روزمره زندگی دچار فراموشی می‌شوند. گاهی اوقات فراموشی در اثر ضایعات مغزی اتفاق می‌افتد که معمولاً به دنبال یک سانحه مثل تصادف است، دیده می‌شود. در این حالت بیمار ممکن است بخشی از اطلاعات مربوط به زندگی خود را فراموش کند. این فراموشی ممکن است فراموشی پیش‌گستر یا پس‌گستر باشد. در نوع دیگری از فراموشی که بسیار هم نادر است، هیچ علت جسمی خاصی وجود ندارد، ولی فرد با فراموشی گسترده‌ای مواجه است. ممکن است فرد تمام اطلاعات مربوط به بخشی از زندگی خود را به‌طور کامل فراموش کند. این نوع فراموشی معمولاً دلایل روان‌شناختی دارد و به آن فراموشی روان‌زاد گفته می‌شود (نوشین‌فر و ثابت‌کسائی، ۱۳۸۵).

شوک عصبی و اوتیسم دلیل فراموشی دانسته می‌شود. افراد اوتیسم قادر به فهم معنایی محرک نمی‌باشند و این کار سبب فراموشی می‌گردد (نوشین‌فر و ثابت‌کسائی، ۱۳۸۵).

انتهی هیستامین‌ها و داروهای خواب‌آور به حافظه صدمه وارد می‌کنند. میلیون‌ها نفر در آمریکا از تابلت‌های انتهی هیستامین برای درمان آلرژی و یا داروهای خواب‌آور استفاده می‌کنند که مشکلات موقت حافظه را در بردارند. همچنین برخی انواع داروهای کاهش کلسترول خون تا حدودی حالت گیجی و کم‌کاری حافظه را در بر خواهند داشت. خوشبختانه زمانی که مصرف دارو، متوقف گردد، مشکلات حافظه هم از بین خواهد رفت (گیج، ۱۳۸۳).

تحقیق نشان می‌دهد که شیوع بیماری الزایمر و فراموشی در زنان نسبت به مردان بیشتر است. برخی تحقیقات نشان می‌دهد، کمبود استروژن و سایر تغییرات هورمونی در زنان یائسه به‌خودی‌خود یا در کنار سایر عوامل می‌تواند از علل افزایش بیماری الزایمر در زنان باشد (مژده و همکاران، ۱۳۹۵).

روش کار

این تحقیق از نگاه هدف کاربردی، از نگاه روش توصیفی - پیمایشی و از نگاه حل مسئله کمی است.

روش جمع‌آوری آمار

در این تحقیق به‌منظور تهیه و تدوین مبانی نظری و سوابق تحقیق انجام‌شده از روش کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب، مقالات علمی - تحقیقی و پایان‌نامه‌های مربوطه استفاده گردید و در خصوص جمع‌آوری اطلاعات، برای رسیدن به اهداف تحقیق از روش میدانی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه بهره‌مند گردید.

در این تحقیق از سؤالات پاسخ‌باز و سؤالات پاسخ بسته استفاده شده که در کل، ۲۴۰) برگ پرسشنامه برای طبقه ذکور و اناث (۱۲۰ دختر و ۱۲۰ پسر) توزیع و دوباره جمع‌آوری گردید. داده‌های جمع‌آوری‌شده وارد نرم‌افزاری SPSS شده و از طریق توزیع فراوانی و درصدی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ساحه تحقیق

به‌طور کل، محل این تحقیق پوهنتون بامیان بوده که این پوهنتون دارای هفت پوهنحی (پوهنحی تعلیم و تربیه، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، زمین‌شناسی، زراعت، اقتصاد و شرعیات) می‌باشد. در این تحقیق از سه پوهنحی (تعلیم و تربیه، علوم اجتماعی و علوم طبیعی) و از هر پوهنحی از دپارتمنت‌های مختلف آن، صنف‌های جفت (دوم و چهارم) به‌عنوان نمونه آماری انتخاب‌شده، پرسش‌نامه توزیع و جمع‌آوری گردیده است.

جامعه آماری: عبارت از گروه مشخص از افراد می‌باشد که محقق جهت کسب معلومات آن‌ها را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد که در این تحقیق جامعه آماری را، محصلان پوهنتون بامیان تشکیل می‌دهد.

نمونه‌گیری: به معنای برداشتن قسمت از جامعه به‌عنوان معرف یا نماینده‌ی آن جامعه است که برای یافتن داده‌ها محقق را کمک می‌کند و در این تحقیق نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی ساده اجرا شده است.

یافته‌ها یا نتایج تحقیق

بعد از اینکه داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید، نیاز به طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل دارند؛ که اطلاعات به‌صورت منظم و مرتب درج شود. تجزیه و تحلیل به‌عنوان یک جریان منظم از روش تحقیق می‌باشد؛ که محقق با استفاده از روش‌های مختلف با تکیه بر عقل و منطق داده‌ها را، مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق تحت عنوان بررسی میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان روی (۲۴۰) تن، صورت گرفته است که در این مرحله مشخصات فردی (سن، جنس و صنف) توضیح داد شده، پرسشنامه تجزیه و تحلیل گردیده است.

جدول شماره (۱) مشخصات فردی اشتراک کنندگان

ردیف	پوهنځی	جنس		سن	صنف		
		مرد	زن		چهارم	دوم	
۱	تعلیم و تربیه	۵۰	۵۰	۱۸-۲۱	۲۲-۲۵	۲۶-۲۹	۵۰
۲	علوم اجتماعی	۳۵	۳۵	۴۰	۲۵	۵	۳۷
۳	زمین‌شناسی	۳۵	۳۵	۳۹	۲۳	۸	۳۸
۴	مجموعه	۱۲	۱۲	۱۳۹	۷۸	۲۳	۱۲۵
۵	فیصدی	۵۰٪	۵۰٪	۵۷٫۹۱٪	۳۲٫۵٪	٪	۵۲٫۰۸
						۹٫۸۵	٪
۶	مجموعه کلی	۲۴۰	۲۴۰	۲۴۰			۲۴۰
۷	فیصدی کلی	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪			۱۰۰٪

جدول بالا نشان می‌دهد که جامعه آماری این تحقیق شامل پسر و دختر پوهنتون بامیان می‌باشد که از آن جمله سه پوهنځی (تعلیم و تربیه، علوم اجتماعی و زمین‌شناسی) به‌عنوان نمونه آماری به تعداد ۲۴۰ تن و ۵۰٪ پسر و ۵۰٪ دختر تشکیل داده،

انتخاب شده‌اند. محصلان مورد تحقیق بین سنن (۱۸-۲۹) سال قرار داشته است و ۴۷/۹۱٪ صنف چهارم و ۵۲/۰۸٪ از صنف دوم تشکیل داده‌اند. در این تحقیق ۴۱٪ از تعلیم و تربیه، ۲۹/۱۶٪ از علوم اجتماعی و ۲۹/۱۶٪ از زمین‌شناسی در این تحقیق اشتراک داشته‌اند.

جدول شماره (۲)، میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان

درصد		میزان فراموشی
مردان	زنان	
۴٪	۵٪	موضوعات حفظ شده را، بعد از مدت کوتاه زیاد فراموش می‌کنم
۲۰٪	۱۸٪	موضوعات حفظ شده را، بعد از مدت کوتاه قسماً فراموش می‌کنم.
۳۹٪	۴۵٪	موضوعات حفظ شده را، بعد از مدت کوتاه به صورت اندک، فراموش می‌کنم.
۲۶٪	۲۲٪	موضوعات حفظ شده، به مدت زیاد در حافظه من باقی ماند.
۱۱٪	۱۰٪	تا حالا موضوعات مهم را هرگز فراموش نکردم

جدول فوق نشان می‌دهد که ۵٪ از زنان و ۴٪ از مردان فراموشی زیاد، ۱۸٪ زنان و ۲۰٪ مردان قسماً فراموشی، ۴۵٪ زنان و ۳۹٪ مردان اندک فراموشی دارند و ۲۲٪ زنان و ۲۶٪ مردان به مدت زیاد در حافظه دارند و ۱۰٪ از زنان و ۱۱٪ از مردان در موضوعات مهم هرگز فراموشی ندارند.

جدول شماره (۳)، علت فراموشی

درصد			علت فراموشی
مجموع	مردان	زنان	
۲۱٪	۱۰٪	۱۱٪	ناراحتی‌های روانی
۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪	خود ارضایی جوانان
۷۷٪	۲۷٪	۵۰٪	کمبود انرژی و سوء تغذی
۸۰٪	۳۵٪	۴۵٪	افسردگی و بیماری‌های روانی

۷۹٪	۳۷٪	۴۲٪	خشونت خانوادگی
۸۳٪	۴۳٪	۴۰٪	اضطراب و استرس
۳۱٪	۱۵٪	۱۶٪	ناامنی در جامعه
۳۶٪	۱۶٪	۲۰٪	تغییر محیط
۷۰٪	۴۰٪	۳۰٪	حواس‌پرتی
۶۷٪	۳۰٪	۳۷٪	تلقین‌پذیری
۵۸٪	۴۰٪	۱۸٪	ضربات مغزی
۶۹٪	۵۰٪	۱۹٪	کمبود ویتامین و بخصوص ویتامین B12
۸۰٪	۵۰٪	۳۰٪	افزایش سن
۲۷٪	۱۵٪	۱۲٪	نداشتن علاقه

جدول بالا نشان می‌دهد که ۲۱٪ از اشتراک‌کنندگان تأیید نموده‌اند که علت فراموشی ناراحتی است و ۳۰٪ از اشتراک‌کنندگان باور دارند که خود ارضایی، یکی از علت فراموشی است، ۷۷٪ از اشتراک‌کنندگان باور دارند که کمبود انرژی و سوء تغذی باعث فراموشی می‌گردد. ۸۰٪ از اشتراک‌کنندگان افسردگی را سبب فراموشی می‌دانند، ۷۹٪ از اشتراک‌کنندگان تأیید نموده است که عامل اساسی فراموشی خشونت خانوادگی است، ۸۳٪ از اشتراک‌کنندگان بیان نموده‌اند که اضطراب و استرس باعث فراموشی می‌گردد، ۳۱٪ از اشتراک‌کنندگان ناامنی در جامعه را مهم در فراموشی دانسته، ۳۶٪ از اشتراک‌کنندگان باورمندند که تغییر محیط، در فراموشی نقش اساسی دارد، ۷۰٪ از اشتراک‌کنندگان علت فراموشی را حواس‌پرتی دانسته‌اند، ۶۷٪ از اشتراک‌کنندگان تلقین‌پذیری در فراموشی مهم می‌دانند، ۵۸٪ از اشتراک‌کنندگان یکی از علت فراموشی را ضربات مغزی دانسته‌اند و ۶۹٪ از اشتراک‌کنندگان کمبود ویتامین و بخصوص ویتامین B12 را سبب فراموشی گفته‌اند، ۸۰٪ از اشتراک‌کنندگان افزایش سن را سبب بیماری فراموشی می‌دانند، ۲۷٪ از اشتراک‌کنندگان نداشتن علاقه را در امر فراموشی مهم تلقی کرده‌اند.

مناقشه

فراموشی یکی از پدیده مهم است که در بین محصلان و شاگردان مکاتب شیوع زیادی پیدا کرده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که به تعداد ۹٪ از محصلان دچار فراموشی زیاد می‌شوند و خوشبختانه ۲۱٪ از محصلان موضوعات مهم را هرگز فراموش نمی‌کنند؛ و بقیه از محصلان در حالت عادی از تقویت و ضعف حافظه برخوردارند. در مورد جنسیت نتایج این تحقیق با تحقیق مزده و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد نتایج تحقیق آن‌ها نشان داده است که شیوع بیماری الزایمر و فراموشی در زنان نسبت به مردان بیشتر است و نتایج تحقیق حاضر زنان را نسبت به مردان زیادتر به فراموشی کلی برجسته نموده‌اند. در مورد سن با تحقیق طلائی زواره و همکاران (۱۳۸۸) شباهت زیاد دارد نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که همزمان با پیشرفت سن، بر تعداد نوروں‌های مغز بالغ‌بر نوروں‌ها افزوده نمی‌شود سالمندان زیادتر به فراموشی گرفتار می‌شوند، در حالی که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افراد مسن نسبت به جوانان زیادتر به فراموشی گرفتار می‌شوند و مسئله سن را یکی از علت فراموشی دانسته‌اند.

این تحقیق در مورد علل فراموشی با تحقیقات سایر محققین هم‌خوانی و شباهت زیاد دارند، نتایج تحقیق محمودوند (۱۳۹۰) تغییر محیط را سبب فراموشی می‌داند و تعداد از اشتراک کنندگان این تحقیق هم‌تغییر محیط را مهم دانسته است. از طرف دیگر نتایج این تحقیق عوامل فراموشی شامل کمبود انرژی و سوءتغذیه، خشونت خانواده، افسردگی، استرس و اضطراب، ضربات مغزی دانسته است که تحقیقات دیگران (تحقیق ناصیحی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که مواد غذایی در فراموشی و تقویت حافظه نقش اساسی را بازی می‌کند، نتایج تحقیقات اسمعیلی همکاران (۱۳۹۱) و نوشین فر و ثابت کسائی (۱۳۸۵) افسردگی، اضطراب، استرس، اوتیسم و بیماری‌های جسمی، در فراموشی مهم دانسته‌اند) زیاد دارد.

نتیجه گیری

فراموشی (Forgetting) عبارت از حالتی است که داده‌ها یا اطلاعات ذخیره شده در حافظه بلندمدت فرد از بین می‌روند یا تغییر می‌یابند. هدف اساسی این تحقیق بررسی میزان فراموشی در بین محصلان پوهنتون بامیان بوده است که تعداد آن‌ها، در زندگی روزمره خود با فراموشی دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. این تحقیق نمی‌تواند، تمام مشکلات ناشی از فراموشی را به‌طورکلی متوقف نماید، بازهم این احتمال وجود دارد که بتواند، مشکل مذکور را به شیوه‌ای منطقی و فارغ از تعصبات و پیش‌داوری‌های ذهنی مهار کند، فراموشی در زمره یکی از مهم‌ترین مشکلات محصلان و سایر افراد جامعه محسوب می‌شود، از این جهت است که بسیاری از محصلان در یادگیری و پیشرفت تحصیلی با مشکلات و ناکامی‌ها روبرو می‌شوند. در میان محصلان پوهنتون بامیان به‌صورت کلی ۹ درصد فراموشی زیاد دارند، ۲۱ درصد در موضوعات مهم هرگز فراموشی ندارند. در مورد علت فراموشی نظریه‌های نظریه تداخل، روان‌کاوی، نظریه مربوط به هیجان، نظریه فقدان اطلاعات از مخزن، نظریه تحریف، نظریه جدید مربوط به حافظه وجود دارد که پیروان هر نظریه استدلال و تحلیل منطقی نموده‌اند و تحقیقات علت اساسی فراموشی محصلان و جوانان را تغییر محیط، پیشرفت سن، یادگیری ضعیف، عدم علاقه به رشته تحصیلی، فاصله‌ی زمانی بین دو موضوع، مواد غذایی، بیماری‌های جسمی و روانی مانند اضطراب، اختلالات خلقی، افسردگی، استرس پس از سانحه، اوتیسم، تلقین‌پذیری، حواس‌پرتی، خود ارضایی، خشونت خانوادگی، ناامنی در جامعه، کمبود ویتامین، مصرف سیگار، داروهای روان‌گردان و داروهای اثرگذار بر حافظه، ناراحتی و شوک عصبی تشکیل می‌دهد.

پیشنهادات تحقیق

این تحقیق برای کاهش فراموشی و تقویت حافظه راه‌های ذیل را پیشنهاد می‌کند.

۱- آگاهی دهی در مورد یادگیری و تقویت حافظه از طریق رسانه‌ها و مکاتب

۲- فراهم نمودن زمینه ورزش برای مردان و زنان.

۳- تهیه نمودن غذایی کافی از طریق خانواده‌ها، برای کودکان.

در پایان ذکر این نکته لازم است که انجام تحقیقات بیشتر به منظور تقویت حافظه و از بین بردن فراموشی، ضروری است و بدون تحقیقات متعدد امکان دستیابی به راهکارهای علمی و عملی، تحقق نخواهد یافت. لذا پیشنهاد می‌گردد در حوزه‌های مختلف علت‌یابی، درمان و پیش‌گیری راهکارهای علمی و عملی آن، مورد تحقیق و بررسی بیشتر واقع شود.

منابع و مأخذ

- اسمعیلی، مریم تاجک؛ رسولزاده طباطبایی و مرادی، علی‌رضا (۱۳۹۱). تأثیر القای انگیزتگی هیجانی خوشایند پس از یادگیری بر تحکیم حافظه، فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره ششم، شماره دوم، ص ۱-۹.
- اتکینسون، ریچارد (۱۳۹۹). خلاصه روانشناسی عمومی اتکینسون و هلگارد، مترجمان، علی درختکار، ابوالفضل محمدی و مهدی سلیمانی، تهران: ابو سینا.
- باچر، جمیز؛ جیلهولی و سوزان، مینکا (۲۰۱۴). آسیب‌شناسی روانی، مترجم یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
- گیج، برلایتر (۱۳۸۳). روان‌شناسی تربیتی، مترجم حسین لطف‌آبادی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- خواجه، حسین؛ عصمتی، رضا و خیری، حمزه (۱۳۹۱). تقویت حافظه، مشهد: کیهان اندیشه.
- دائمی، محمد (۱۳۹۱). اثرات امگا ۳ در افزایش حافظه‌ی گروه بالغین جوان و سالم، مجله علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران / دوره ۳۱؛ شماره ۴، صص ۳۹۱-۳۹۲.
- سادوک، بینجامین؛ سادوک، ویرجینیا و روئیز، پدر (۲۰۱۵). خلاصه روان‌پزشکی بر اساس DSM-5 جلد سوم، مترجم مهدی گنجی، تهران: ساوالان.
- شعبانی، بختیار (۱۳۹۷). رویکردهای یاددهی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- طلائی زواره، سید علی‌رضا؛ حمدی، غلامعلی و سلامی محمود (۱۳۸۸)، تقویت درازمدت، مکانیسمی برای حافظه و یادگیری، فصل‌نامه پزشکی باخته، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۹۱-۱۰۵.
- کدیور، پروین (۱۳۸۵)، روانشناسی تربیتی، تهران: سمت.
- کرمی نوری، رضا (۱۳۸۳). روانشناسی حافظه و یادگیری: با رویکرد شناختی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- ناصری، محمد؛ شریفی، شهربانو؛ السادات شاهین، مریم؛ زریندست، محمدرضا (۱۳۹۰). اثر مکامیلامین (آنتاگونیست گیرنده نیکوتینی) بر روی فراموشی القاء شده

با هارمان در تست حافظه اجتنابی مهاری، فصل نامه کومنش، جلد ۱۳، شماره ۱ (پیاپی، ۴۱)، ص ص ۱۰۱-۱۰۷.

نوشین فر، الهه و ثابت کسائی، معصومه (۱۳۸۵). اثرات پیش درمانی با عصاره جینکوبی لوبا بر فراموشی، فصل نامه فیزیولوژی و فارماکولوژی، جلد ۱۰ شماره چهارم، ص ص ۲۷۵-۲۸۰.

مزده، هدی پسند؛ علی پور، فاطمه؛ برهانی حقیقی، مریم (۱۳۹۵). (بیماری آلزایمر: پیشینه، وضعیت حال و آینده). دوره چهارم، شماره سوم، ص ص ۲۳-۲۸.

محمود وند، محمد (۱۳۹۰). بررسی رابطه فراموشی سازمانی با تغییرات سازمانی در پوهنتون سیستان و بلوچستان. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ارث زن از دیدگاه اسلام و نقد شبهات وارده بر آن

پوهنمل نصرت الله نصرت ۱

تقریظ دهنده: دکتر محمد ابراهیم ذکی

چکیده

موضوع میراث زن، یکی از موضوعات مهم در شریعت اسلام بوده که در آیات و احادیث به طور مفصل درباره آن بحث صورت گرفته و سهم هریک از وارثان از ترکه میت معین شده است و به خاطر پاره‌ای تفاوت‌ها که در سهم ورثه در نظر گرفته شده، شبهات از سوی مخالفان، مطرح بوده و یکی از بحث‌های داغ مستشرقان و منتقدان غیرمسلمان قرار گرفته است. این موضوع، در این اواخر با بحث‌های حقوق زن، زنانزد بسیاری از کسانی شده‌اند که خود را مدافع حقوق زن دانسته‌اند و بر مکتب اسلام که اولین مکتبی بوده که حقوق زنان، به خصوص حق ارث زنان را با جزئیات آن ذکر کرده، نقد وارد می‌کنند و ادعا دارند که چرا سهم زن را نصف حق مرد خوانده و با این عمل زن را موجود درجه دوم تلقی می‌کند. در نتیجه این تحقیق دانسته می‌شود که میراث در اسلام از جمله حقوق ثابت و مشخص است که الله متعال به طور صریح و معین، بیان کرده و و احدی حق ازدیاد و نقصان آن را ندارد؛ ترکه و تقسیمات میراث حکمت خاصی داشته و به اساس درجه قرابت و مکلفیت و مسئولیت مالی و اقتصادی تقسیم شده است و میراث زن مطلقاً نصف میراث مردها نیست، بلکه در موارد نصف میراث مرد در حالاتی مساوی به میراث مرد و در حالاتی بیشتر از مردها و در حالات دیگری طوری است که زن میراث می‌برد اما مرد اصلاً میراث نمی‌برد.

کلمات کلیدی: زن؛ شبهات؛ شریعت؛ مستشرقین؛ میراث.

Women's Heritage in Islamic Sharia and Criticism of it Is doubts

Pohanmal Nasratullah Nasrat

Abstract

Women's inheritance is one of the important issues in Islamic sharia which discussed in the holy Quran and prophet tradition and the share of each heritor specified. due to some deferent between heritor the doubt brings up from enemies and become hotly argumentation of orientalist and non-Muslim from away that critics against Islam, and recently, with Women's rights debates, many of those who consider themselves defenders of women's rights and criticize the school of Islam. Whereas Islam is the first school that determines women's rights, especially women inheritance right, with its details, and say why Islamic sharia has been called women's inheritance right half then the right of the man and by this act woman called the second-class being.

In this article, we asked to express the right of women's heritage from the point of view of Islamic sharia and the misgiving of orientalism be criticized.

Keywords: Women, Doubts, Sharia, Orientalist, Heritage

مقدمه

علاقه انسان به مال، تصرف کردن و تملک آن چیزی است که در نهاد بشر وجود دارد؛ چراکه الله متعال در مورد انسان می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (العادیات: ۸). ترجمه: و او علاقه شدیدی به دارایی و اموال دارد.

پس بسیار مهم است که شریعت اسلام قواعد و احکام ارث را تعیین نموده و آن را به اجتهاد بشری یا هوای نفس‌هایی که حریصانه به جمع‌آوری اموال می‌پردازند، واگذار نکند. نصوص ارث و وصیت یکی از راه‌های انتقال مالکیت را توضیح می‌دهد تا مانع ظلم در ارث و وصیت شده و جنگ‌ها و فتنه‌های میان اقوام و فامیل‌ها را قطع کند. دانسته شود که اموال فقط به مردان داده نمی‌شود بلکه زنان نیز در آن‌ها سهیم هستند و تنها به قوی‌ترها نمی‌رسد بلکه به ضعیف‌ترها نیز می‌رسد. همچنان که در زمان جاهلیت کسانی که با شمشیر توانایی جنگیدن را داشتند، ارث می‌بردند. پس اسلام آمد تا حق فرزندان، جنین و زنان را در نظام تشریحی حفظ گردد و مانع جنگ و جدال شود.

اهمیت موضوع

وقتی که نصوص شریعت از قرآن و سنت به توضیح سهام وارثان و حقوق آن‌ها پرداخته، بر هر مسلمانی لازم است که بدان مراجعه کرده و در زندگی خویش آن را تطبیق کند. منصفانه نیست که یکی از فرزندان را بر دیگری ترجیح داده و به او ارث بیشتری داده شود و نباید هیچ مردی برزنی ترجیح داده شود هرچند که از یکی از آن‌ها ناراحت باشد. چراکه الله متعال می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ» (المائده: آیه ۸). ترجمه: و دشمنی زیادی شمارا بر آن ندارد که دادگری نکنید، دادگری کنید که دادگری به پرهیزگاری نزدیک‌تر است.

ازاین جهت، در شریعت اسلام روی میراث که یکی از پایه‌های مهم اقتصادی و از اسباب مالکیت می‌باشد توجه خاص شده که احکام و مقدار آن در قرآن کریم و جزئیات آن

در احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم بیان گردیده است که از هیچ کسی به نسبت قرابت آن کم و یا زیاد نیست.

در این مقاله روی میراث زنان بحث صورت گرفته است که حق میراث از حقوق مسلم زن بوده و هیچ کسی حق تصرف آن را ندارد، اما با تأسف، در جوامع ما از یک سو به میراث آن‌ها توجه نمی‌شود و از طرف دیگر زنان از حق میراث خویش بی‌خبر هستند و در بعضی موارد سنت‌های منطقه‌ی مانع اخذ میراث آن‌ها شده و گرفتن میراث عیب تعریف می‌شود.

پیشینه تحقیق

در مورد میراث زن و پاسخ به شبهات وارده بر آن، مقاله مشخصی که این موضوع را در برداشته باشد، در حدی که از سوی نگارنده جستجو گردیده، دریافت نشده است، اما حق میراث زن را تمام کتاب‌هایی که از ارث بحث کرده، در ضمن بحث‌هایشان آورده است که می‌توان از کتاب؛ السراجیه مع شرحه القمریه اثری سراج‌الدین محمد بن عبدالرشید سجاوندی، میراث المرأة و قضیه المساواة اثری صلاح‌الدین سلطان و حقوق المرأة فی ضوء السنه النبویه رساله دکترای نوال بنت عبدالعزیز العید، الفرائض و الموارث و الوصایا اثر: دکتور محمد الزحیلی را نام برد، اما در این مقاله در ضمن بیان حق میراث زن توجه بیشتر به حکمت تقسیم میراث و نقد شبهات وارده بر آن شده است.

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای تهیه شده و اطلاعاتی که از طریق آیات و روایات و منابع کتبی که به دست آمده، به گونه‌ای تنظیم گردیده است که ابعاد مختلف موضوع را روشن ساخته و موضوع به شکل درست آن بیان گردد. پس برای بهتر دانستن این موضوع بهتر است تا تعریف از میراث و مباحث آن داشته باشیم که ذیلاً بیان می‌شود.

تعریف میراث

میراث در لغت عربی مصدر ورث، یرث، ارثا و میراثاً است. چنانچه گفته می‌شود: و ورث أباه: او از پدرش میراث گرفت (الرازی، ۱۴۲۰، ص. ۳۳۶).

میراث در لغت به دو معنی استعمال می‌شود:

۱- به معنی بقاء که یکی از نام‌های خداوند نیز (وارث) است و الله متعال می‌فرماید: «وَأِنَّا لَنَخُنُّ نُحْيِي وَنُؤْمِيْتُ وَنَخُنُّ الْوَارِثُونَ» (الحجر: ۲۳). ترجمه: ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم؛ و ماییم وارث (همه جهان)!

۲- به معنی انتقال چیزی از یک انسان به انسان دیگر یا از یک قوم به قوم دیگر، می‌شود که آنشی مال و یا دارایی باشد یا علم، یا مقام و جایگاه چنانچه الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَوَرَّثَ سُلَيْمَانَ دَاوُودَ» (النمل: ۱۶). ترجمه: سلیمان وارث داود علیه‌السلام شد. که هدف آن مال اموال نیست بلکه ملک و نبوت هست (عزیز، ۱۳۹۶، صص. ۱۵-۱۶).

در اصطلاح عبارت از انتقال ملکیت از متوفی برای ورثه وی چیزی که از وی باقی می‌ماند از مال یا زمین یا کدام حقی از حقوق شرعی (دامنی، ۱۳۸۶، ص. ۳۲).

برای علم میراث، «علم فرایض» نیز گفته می‌شود و در متون معروف است: که فرض به معنی اندازه و تعیین است و از اینکه سهم اکثر وارثان از جانب الله متعال تعیین گردیده است از این جهت «علم فرایض» نیز نامیده می‌شود.

میراث زن در اسلام

عرب‌های قبل از اسلام مستحق میراث اشخاصی را می‌دانستند که قدرت حمل سلاح را داشتند؛ لذا اطفال و زنان را از میراث محروم می‌دانستند و زنان علاوه بر اینکه محروم از میراث بودند مثل سایر اموال به میراث برده شده و در مظلومیت زندگی داشتند. الله متعال به خاطر از بین بردن ظلم و رسیدن حق به مستحقین شان، ناجی بشریت محمد صلی الله علیه و سلم را با دستور جامع که همانا قرآن کریم است فرستاد که با تشریح قوانین میراث زنان صاحب حق شناخته شده و از جایگاه بزرگی بهره‌مند شدند.

در دین مبین اسلام برای زن‌ها سهم مشخص در نظر گرفته شده طوریکه الله متعال می‌فرماید: «لِرِّجَالٍ نَّصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (النساء: ۷). ترجمه: برای مردان،

از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

در این آیه، چند نکته مهم ذکر گردیده است.

۱- خداوند زنان را به طور مشخص بعد از مردان ذکر کرده و نه گفته است که (للرجال والنساء نصیب) به خاطر که در اصل حقوق ایشان در این حکم اهانت نشود و دلیل برای باطل ساختن اعمال دوران جاهلیت که برای زنان میراث قائل نبود، باشد.

۲- فرموده الله متعال (مما قل منه او کثر) آنچه که کم باشد و یا زیاد این سهم است تعیین شده.

۳- آیت شریفه دلالت بر ثبوت میراث زنان در اموال که از متوفی باقی مانده است کرده اگرچه اندک باشد تا جای برای شک و گریز از دادن حقی که زنان مستحق آن هستند باقی نماند.

۴- همچنان الله متعال فرموده: (نصیباً مفروضاً) یعنی سهمی است تعیین شده، اگرچه نصیب در اول آیت ذکر شده ولی الله جل جلاله آن را به کلمه مفروضاً تأکید نموده و بخاطر نابود ساختن شک و شبه و ثابت نمودن حق زنان به دلایل قطعی.

میراث مادر

میراث مادر در شریعت اسلام عبارت اند از: وقتی که از میت فروع (اولاد) مانده باشد برای مادر میت ۱/۶ حصه از کل ترکه و اگر اولاد نمانده باشد برای مادر میت، سوم حصه سهم می‌رسد. وقتی که از میت برادران خواه عینی، پدری و یا مادری مانده باشد برای مادر میت سدس سهم است و اگر یک نفر باشد برای مادر ثلث می‌رسد (الموجان، ۱۴۲۳، ص. ۵۹).

میراث دختر

دختران صلبی دارای سه حالت است: نصف ماترک را می‌گیرد در صورت فقدان پسر. اگر دو دختر و یا بیشتر از آن باشد و میت فاقد فرزند باشد، ثلثان ماترک را حائز می‌شود. عصبه می‌شود در صورتی که دختر، یا دختران، یا برادر، یا برادران در ارث سهیم باشند که در این

صورت سهم او نصف سهم برادر بوده و با تعصیب آن را می‌گیرد؛ و در صورت تعدد دختران و پسران یا تعدد یکی از این دو نیز همین حکم را دارند (دامنی، ۱۳۸۶، ص. ۹۸).

میراث خواهر

میراث خواهران طور ذیل بیان میگردد:

حالات میراث خواهران عینی: هرگاه تنها باشد و متوفی، فرزند، یا فرزند فرزند و پدر و برادر شقیق نداشت، نصف ما ترک را می‌گیرد. اگر دو خواهر و بیشتر بودند و کسی نباشد که آنان را تعصیب و حجب کند، دوسوم ماترک را می‌گیرند. اگر برادر یا برادران شقیق داشتند، مذکر دو برابر سهم مؤنث را اخذ می‌کند. اگر متوفی، دختر یا دختر پسر همراه خواهر داشت، در این صورت خواهر شقیقه، عصبه محسوب و بعد از دریافت سهم الارث از جانب اصحاب فروض، باقیمانده را با تعصیب دریافت می‌دارد و اگر بیش از یک خواهر باشند باقیمانده را به تساوی میان خود تقسیم می‌نمایند. اگر متوفی پسر، یا پسر پسر و یا پدر از خود به جای گذاشت در هرکدام از این حالات خواهر حجب می‌شود. (از ارث بی‌بهره می‌ماند) (دامنی، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۴-۱۱۵).

حالات میراث خواهران پدری: اگر تنها باشد و خواهر پدری و خواهر شقیقه و معصب و حاجب نداشته باشد نصف ترکه را می‌گیرد. اگر دو نفر و بیشتر باشند و خواهر شقیقه و معصب و حاجب نداشته باشند، دوسوم ترکه را می‌گیرند. اگر تنها بوده و یک خواهر شقیقه نیز داشته باشد، یک‌ششم ترکه را گرفته و با سهم خواهر شقیقه دوسوم ترکه تکمیل می‌شود. اگر یک برادر پدری داشته و حاجب نداشت به وسیله برادرش عصبه بالغیر می‌گردد. در صورت وجود دختر، یا دختر پسر و فقدان حاجب، عصبه مع الغیر می‌گردد و حجب و از میراث به یکی از این دو صورت خواهد بود:

الف - حجب، به واسطه پسر، یا پسر پسر و پدر و برادر شقیق و خواهر شقیقه ای که عصبه مع الغیر گردد.

ب- حجب، به واسطه دو خواهر شقیقه، مادام برادر پدری نداشته باشد، چون برادر پدری، خواهر، یا خواهران پدری را عصبه کرده و در این صورت سهم مذکر دو برابر سهم مؤنث خواهد بود (سجاوندی، ۱۴۳۹، صص. ۲۴-۲۵).

میراث زوجه یا همسر

اگر متوفی اصلاً فرزند نداشته باشد و یا فرزند داشته باشد اما مستحق میراث شناخته نشود در این صورت زوجه مستحق چهارم حصه ترکه بوده و در صورت تعدد زوجات این ربع تغییر نمی‌کند بلکه این بر همه آنها یکسان تقسیم می‌شود. اگر متوفی از همان همسر خود یا از غیر آن فرزند وارث دختر و یا پسر داشته باشد زوجه مستحق هشتم حصه میراث است (الزحیلی، ۱۴۲۲، صص. ۱۰۵-۱۰۶).

فلسفه تفاوت ارث زن و مرد

حکمت در نصف بودن سهم زن نسبت به مرد مبنی به مسئولیت و بار اقتصادی در زندگی خانوادگی است که مرد شرعاً مکلف به برآورده کردن نیازهای اقتصادی خانواده است؛ از جمله مرد مکلف به پرداخت مهر در آغاز تشکیل خانواده بوده و ملزم به تهیه نفقه است، در نتیجه مرد در شریعت اسلام مسئولیت برداشتن بار سنگین خانواده از نظر مالی را دارد و این از عدالت است که سهم او بیشتر از سهم زن باشد تا بر ادای این مسئولیت غالب آید، در حالی که زن سهم میراث را بدون کدام مشارکت و مسئولیت مالی می‌گیرد و نفقه و مخارج وی را پدر، برادر یا شوهر وی پرداخت می‌کند (العید، ۱۴۲۷، صص. ۵۷۱).

در این مورد امام نووی رحمه الله فرموده است: برتری میراث مرد نسبت به زن حکمت آن این است: که مردها بیشتر در طبیعتشان ایشار و ایستادگی برای عیال، ضعیفان، بندگان، قاصدین، همخواری و تسامح سوالگران و تحمل توان‌ها و غیره می‌باشد و الله اعلم (نووی، ۱۳۹۲، ۱۱، ص. ۵۳).

شبهات مستشرقین در مورد میراث زن

مستشرقین طوری که بر همه معلوم است، همواره در پی تخریب اسلام هستند و از این طریق می‌خواهند تا شبهات طرح کرده و با شبهات و دروغ پردازی های خود صدمه‌ای به اسلام و پایه‌های استوار آن وارد رسانند. زمانی که شریعت اسلام را با احکام و قوانین جامع آن می‌بینند، به تعجب افتیده و ادعا می‌کنند که شریعت اسلام از قانون روم قدیم گرفته شده تا امتیاز به شریعت اسلام نباشد و گاهی شریعت اسلام را مورد هجوم قرار داده و متهم به نقص و ظلم می‌کنند. طوری که در مورد احکام مربوط به میراث زن چنین گفته اند که این روش مشرکین عرب نیز بود و زمانی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم به صداقت و امانت یاد می‌کردند، می‌گفتند: ما تجربه کذب را به شما ندیده ایم، سپس می‌گفتند: ساحر، شاعر، مجنون و کسی که بین مرد و زنش جدایی آورده و این عین همان سخنی بوده که مستشرقین می‌گویند که اسلام بر زن ظلم روا داشته است.

مستشرقین در مورد ارث زنان، شبهات زیادی را مطرح کرده‌اند که به ترتیب به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

شبهه اول: ظلم در حق زن

یکی از شبهات آن‌ها این است که شریعت اسلام در مورد میراث زن ظلم روا داشته و سهم زن را نصف سهم مرد تعیین کرده است. چنان که الله متعال می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (النساء: ۱۲). ترجمه: خداوند درباره (ارث بردن) فرزندان (و پدران و مادران) به شما فرمان می‌دهد و بر شما واجب می‌گرداند که (چون وفات کردید و دخترانی و پسرانی از خود به جای گذاشتید) بهره یک مرد به اندازه بهره دو زن است.

شبهه دوم: تفاوت بین سهم برادر و خواهر

مستشرقین می‌گویند که در قرآن سوره‌ای پیدا نمی‌شود که سهم خواهر مثل سهم برادرش باشد.

پاسخ به شبهات:

۱- الله متعال عادل است و بر هیچ‌یک از مخلوقات خویش ظلم روا نداشته و هیچ مرد بر زن و عرب بر عجم، به جز تقوی برتری نداشته است. چنانچه الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَّضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۴۰). ترجمه: خداوند (به کسی) ذره‌ای ظلم روا نمی‌دارد و (از اجر کسی نمی‌کاهد، ولی) اگر کار نیکی (از کسی) سرزند، آن را چندین برابر می‌گرداند و از سوی خود (به شخص نیکوکار، جدای از چندین برابر اجر عملش) پاداش بزرگی عطا می‌کند.

۲- الله متعال مقادیر ارث را (نصف، ربع، ثمن، ثلث، ثلثان و سدس) بیان داشته اما تعداد رکعات نماز، مقدار زکات و نصاب آن را بیان نکرده است در صورت که شان نماز بالاتر از میراث است و این نشان می‌دهد که ظلم در میراث راه ندارد، چگونه امکان دارد که الله به زن ظلم کرده باشد.

۳- الله متعال سهم میراث زن را در قرآن اصل قرار داده، می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (النساء: ۱۱)؛ و نه گفته است لانتی نصف حظ الذکر و این نشان می‌دهد که زن سهم خویش را تمام و بدون نقص اخذ نماید.

۴- در شریعت اسلام برای زنان سهم میراث در نظر گرفته شده در حالی که در جاهلیت محروم میراث شناخته شده بود. چنانچه الله متعال می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (النساء: ۷).

۵- شریعت اسلام زن را ملزم به پرداخت بارهای سنگین مالی نکرده و زمانی که ازدواج می‌کند شوهر را ملزم به پرداخت نفقه و مسکن می‌کند (السباعی، ۱۴۲۰، ص. ۱۷۷).

۶- سهم داشتن میراث در اسلام وابسته به زن بودن و مرد بودن نیست؛ بلکه درجه قرابت با میت اعتبار دارد مثلاً: میراث دختر با خواهر برابر نیست در صورت جمع بودن

هر دو و میراث دختر با دختر پسر؛ یعنی قرابت کسانی که وارث هستند و چه بار سنگی مالی را در خانواده بعد از میت دارد در نظر گرفته می‌شود (العید، ۱۴۲۷، ص. ۱۴۲۷).

۷- میراث زن در اسلام نصف میراث مرد مطلقاً نیست.

حالات نصف بودن میراث زن

الف: در صورت وجود اولاد ذکور و اناث متوفی: که در این صورت سهم فرزندان ذکور دوچند سهم میراث اناث بوده و باهم از طریق تعصیب میراث می‌گیرند.

ب: در میراث زوجه از زوج که میراث ضعیف (نصف) نسبت به زوج می‌گیرد: در این صورت وقتی که از میت فرزندان باقی مانده باشد، برای زن ثمن (۱/۸) حصه سهم می‌رسد و برای شوهر وقتی که از میت فرزندان باقی مانده باشد (¼) حصه که دو چند سهم زن است می‌رسد.

ج: مادر نسبت به پدر در صورت فرزندش وفات شده باشد و تنها پدر و مادر زنده باشد: در این صورت مادر ثلث می‌گیرد که ثلثان باقی برای پدر میت است.

د: میراث خواهر و خواهران با برادر. طوری که در قرآن کریم آمده است «وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رَجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» (النساء: ۱۷۶). ترجمه: و اگر برادران و خواهران باهم باشند، هر مردی به اندازه سهم دو زن ارث می‌برد.

ه: مادر نسبت به پدر وقتی که پسر وفات کرده باشد و یک دختر از وی باقی مانده باشد در این حالت سهم دختر میت نصف و برای مادر سدس و برای پدر سدس از طریق فرضیت و سدس دیگر را از طریق عصبه بودن میرسد (سلطان، ۱۹۹۹، ص. ۱۸).

حالات تساوی میراث زن و مرد

الف: میراث خواهران و برادران مادری که بر همه یکسان سدس می‌رسد؛ طوری که الله متعال ارشاد فرموده است: «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ» (النساء: ۱۲). ترجمه: و اگر مردی یا زنی به گونه کلاله ارث از آنان

برده شد (و فرزند و پدری نداشتند) و برادر (مادری) یا خواهر (مادری) داشتند، سهم هر يك از آن دو، یک‌ششم ترکه است (و فرقی میان آن دو نیست)

ب: میراث پدر و مادر در صورت وجود پسر میت یکسان است؛ که در این حالت پدر سدس و مادر نیز سدس گرفته و باقی به اساس تعصیب به پسر میت می‌رسد.

ج: پدر و مادر در صورت وجود چندین دختر که در این صورت نیز برای پدر و مادر سدس رسیده و دختران ثلثان ترکه را اخذ می‌کند که در این صورت برای پدر که از طریق تعصیب سهم داشته باشد چیزی باقی نمی‌ماند (العید، ۱۴۲۷، ص. ۵۷۵).

د: وقتی که زوج همراه خواهر عینی و یا خواهر پدری باشد، در این صورت سهم زوج نصف بوده و سهم خواهر عینی نیز نصف هست و سدس آن برای تکمیل ثلثین به خواهر پدری می‌رسد.

ه: وقتی که دو دختر و برادر وجود داشته باشد، در این صورت سهم هر دو دختر ثلثان بوده و سهم برادر به اساس تعصیب که از باقی ذوالفروض می‌رسد که به اندازه سهم یک دختر می‌باشد.

حالات که میراث زن بیشتر از مرد است

الف: وقتی که کسی فوت شده و دو دختر مادر و پدر باقی مانده باشد برای سهم دختران ثلثان، سهم مادر سدس و سهم پدر نیز سدس بوده و باقی که به طور عصبوت برای پدر برسد باقی نمی‌ماند که سهم دختران بیشتر از پدر می‌شود.

ب: وقتی که کسی وفات نموده و از وی یک دختر، زوج و پدر به عنوان وارث باقی مانده باشد برای دختر نصف سهم و برای زوج ربع و باقی مانده برای پدر است که سهم دختر بیشتر از سهم مردها می‌شود.

ج: وقتی که دختر، دختر پسر، مادر و پدر باشد برای دختر نصف برای دختر پسر سدس برای تکمیل ثلثین برای مادر سدس و برای پدر نیز سدس از لحاظ فرضیت و باقی

برای پدر از جهت عصبه بودن می‌رسد که بازهم برای پدر در این حالت سدس تنها رسیده و از لحاظ عصبه بودن برایش چیزی باقی نمی‌ماند.

د: وقتی که دختر، پسر پسر و مادر باشد؛ نصف برای دختر، سدس برای مادر و برای پسر پسر باقی مانده با عصبه بودن می‌رسد که سهم دختر بیشتر از سهم پسر است.

ه: وقتی که زوجه، دختر و برادر باقی مانده باشد برای زوجه ثمن برای دختر نصف و باقی برای برادر است که سهم آن کمتر از سهم دختر است.

و: اگر کسی فوت کرده از وی خواهر، مادر و پدر کلان باقی مانده باشد، پس برای خواهر نصف و برای مادر ثلث و سدس باقی مانده برای پدر کلان است که در این صورت پدر کلان مردی است که کمتر از مادر و خواهر ارث می‌برد.

ز- اگر کسی فوت کرده و از وی شوهر، دختر، خواهر عینی، خواهر علاتی باقی مانده باشد، پس برای زوج ربع و برای دختر نصف و باقی برای خواهر عینی است و خواهر پدری توسط خواهر عینی محجوب می‌شود. پس دختر بیشتر از زوج ارث می‌برد و سهم خواهر عینی با زوج برابر می‌شود.

خ- اگر زنی فوت کند و از وی شوهر دو دختر پسر، پسری پسری پسر باقی مانده باشد، برای شوهر ربع، برای دو دختر پسر ثلثان و باقی سهم برای پسری پسری پسر می‌رسد؛ که یکی از دختری پسر، ارث بیشتر از شوهر و ابن ابن سهم می‌گیرد (سلطان، ۱۹۹۹، صص. ۳۲-۳۸).

استحقاق زن از ارث و محرومیت مرد

الف: کسی فوت کند و دختر، خواهر عینی و برادر پدری از وی باقی مانده باشد، برای دختر نصف و باقی (نصف) برای خواهر بوده و برای برادر پدری چیزی باقی نمی‌ماند، به خاطر که خواهران با دختران عصبه می‌شود.

ب: کسی فوت کند و از وی دو دختر و خواهران عینی و برادر پدری مانده باشد، برای دو دختر ثلثان و باقی برای خواهران عینی از روی عصبه بودن میرسد و برای برادر پدری چیزی باقی نمی‌ماند.

ج: کسی فوت کند و از وی دختر و خواهران پدری و کاکا باقی مانده باشد، برای دختر نصف و باقی برای خواهران است و برای کاکا چیزی باقی نمی ماند.

د: اگر کسی فوت کند و از وی دختر پسر و خواهر عینی و برادر پدری و برادر مادری باقی مانده باشد، برای دختر نصف و باقی برای خواهر عینی است و برای برادر پدری و برادر مادری چیزی از سهم میراث نیست.

ه: اگر کسی فوت کند و از وی شوهر، مادر، پدر و اولاد پسر (ذکور و اناث) باقی مانده باشد برای شوهر ربع و برای مادر سدس و برای پدر نیز سدس و برای دختر نصف است و برای اولاد پسر چیزی نیست و این حالتی است که در آن عول می باشد. اگر در این مسئله پسر پسر نباشد، بنت الابن سدس را جهت تکمیل ثلثین می گیرد و از همین سبب آن را عصبه شوم نامیده اند.

اگر بنت الابن نباشد پس پسر پسر چیزی را نمی گیرد به خاطر برای وی چیزی باقی نمانده چون وی عصبه بوده و از جمع ذوالفروض نیست و چیزی برای وی باقی نمی ماند.

در نتیجه گفته می توانیم که ادعای مستشرقین و و مدعیان پاسداری کاذب از زنان نا درست بوده و اسلام کاملاً به اساس عدالت میراث زن را در نظر گرفته و میراث زن را که نصف مرد می گفتند مطلقاً نیست بلکه به اساس حکمت خاصی این تقسیمات صورت گرفته است طوری که در مورد حقوق در نظر گرفته شده از جانب دین اسلام برای زن گوستالوبون یکی از محققین غرب و مؤلف کتاب تمدن عرب گفته است: قرآن کریم حقوق ارثی زن نسبت به آنچه در قوانین اروپایی است بهتر در نظر گرفته و نصوص قرآن در بیان احکام میراث جانب عدل و انصاف را در نظر گرفته و مطالعه کننده می تواند آن را از خلال آیات نقل شده و آیات که احکام عام آن را اشاره کرده بداند و از مقایسه بین حقوق میراث در قرآن و قوانین فرانسوی و انگلیسی ظاهر می شود که شریعت اسلام برای زنان که فکر می کند که مسلمانان با آنها در حقوق میراث آنها رویه نیکو نمی کند برای آنها حق و میراث در نظر گرفته که همانند آن در هیچ قانون نیست (غوستاف لوبون، ۲۰۱۲، ص. ۴۰۳).

نتیجه‌گیری

حق میراث در اسلام از جمله حقوق ثبوت شده و مشخص شده است که الله متعال به‌طور صریح و معین بیان کرده. میراث در شریعت اسلام علم فرایض خوانده شده که اندازه آن مقدر و تعیین شده می‌باشد، و احدی حق ازدیاد و نقصان آن را ندارد. ترکه و تقسیمات راکه در شریعت اسلام در مورد میراث می‌باشد، حکمت خاصی در آن نهفته است و در این تقسیمات درجه قرابت و مکلفیت و مسئولیت مالی و اقتصادی نیز در نظر گرفته شده است، میراث زن که یک بخش از ترکه می‌باشد نیز در شریعت اسلام به اساس قرابتی که زن با میت دارد و با عدالت تمام در نظر گرفته شده و حق هر زن، اگر مادر است یا دختر، یا دختر پسر، زن یا خواهر... سهم هرکدام در کتاب الله و سنت پیامبر بیان شده و تفاوت میراث آن‌ها نسبت به مردها نیز به اساس همان درجه قرابت و مسئولیت مالی می‌باشد؛ اما حسب نقد مستشرقین که میراث زن نصف میراث مردها است، مطلقاً نصف میراث مردها نیست، بلکه در موارد نصف میراث مرد در حالاتی مساوی به میراث مرد و در حالاتی بیشتر از مردها و در حالات دیگری طوری است که زن میراث می‌برد اما مرد اصلاً میراث نمی‌برد و در ضمن در دین اسلام برای زنان حق میراث تعیین شده در حالی که جاهلیت قبل از اسلام هیچ حقی بر زن قائل نبودند، اما دین مبین اسلام همه حقوق خصوصاً حق میراث را با جزئیات آن در وحی منزل مقرر داشته است.

منابع

قرآن كريم.

بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤٢٢ ق) صحيح البخارى، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بيروت، دار طوق النجاة.

الرازى، محمد بن ابوبكر (١٤٢٠ ق) مختار الصحاح، محقق: يوسف الشيخ محمد، بيروت، المكتبة العصرية.

الزحيلي، محمد (١٤٢٢ ق) الفرائض والموارث والوصايا، بيروت، دار الكلم الطيب.

السباعي، مصطفى بن حسنى (١٤٢٠ ق) المرأة بين الفقه والقانون، بيروت، دار الوراق للنشر والتوزيع.

سجاوندى، محمد بن عبدالرشيد (١٤٣٩ ق) السراجيه مع شرحه القمريه، شارح: ابن داود عبد الواحد الحنفى العطارى، كراتشى، مكتبة المدينة.

سلطان، صلاح الدين (١٩٩٩ م) ميراث المرأة وقضية المساواة، قاهره، دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع.

عبدالعزيز (١٣٩٦ ش) احكام ميراث، كابل، انتشارات سعيد.

العيد، نوال بنت عبد العزيز (١٤٢٧ ق) حقوق المرأة فى ضوء السنة النبوية، جامع عثمان بن عفان. لوبون، غوستاف (٢٠١٢ م) حضارة العرب، مترجم: عادل زعيتير، قاهره، مؤسسة هندواوى للتعليم والثقافة.

محمد عويضة، كامل محمد (ب ت) فقه جامع بانوان، مترجم: عبدالله عبد الله.

الموجان، عبدالله بن حسين (١٤٢٣ ق) فتح المغيث فى علم الموارث، جده، مكتبة الكنوز المعرفه.

نووى، ابو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف (١٣٩٢ ق) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، بيروت، دار إحياء التراث العربى.

بررسی تأثیر کیفیت خدمات بانک‌ها روی رضایت مشتریان

(مطالعه موردی مشتریان عزیزی بانک ولایت بامیان)

پوهنیار اسدالله کاظمی^۱

تقریظ دهنده: پوهنوال دکتور بازمحمد فروغ

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تأثیر رضایت مشتریان از کیفیت خدمات عزیزی بانک بود، جهت بررسی میزان رضایت مشتریان از کیفیت خدمات عزیزی بانک، ابعاد فزیکي بانک‌ها، ویژگی‌های رفتاری کارکنان، کیفیت خدمات و رضایت کلی از مشتریان در نظر گرفته شد. روش این تحقیق توصیفی - همبستگی و از نوع داده کمی بود. جامعه آماری آن، مشتریان عزیزی بانک ولایت بامیان و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه متشکل از چهار بُعد (بُعد فزیکي دارای شش سؤال، بُعد ویژگی‌های رفتاری کارکنان دارای هفت سؤال، بُعد کیفیت خدمات دارای هفت سؤال و بُعد رضایت کلی مشتریان چهار سؤال) بود. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط سافت ویسر **SPSS** مورد تجزیه و تحلیل گرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق با روش آمار توصیفی (جدول‌های فراوانی و فیصدی) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده گردید. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین ویژگی‌های رفتار کارکنان، ابعاد فزیکي بانک و کیفیت خدمات و رضایت مشتریان رابطه مستقیم، معنادار و مثبت در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد.

کلمات کلیدی: رضایت مشتریان؛ کیفیت خدمات، بانک‌ها؛ عزیزی بانک؛ کسب و کار

Investigating effect of Quality of banks' services On Customer Satisfaction (Case study: customers of Azizi Bank at Bamyan Province)

Teacher assistant Assadullah "Kazimi"

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effects of customer satisfaction on the quality of Azizi Bank's services. In order to investigate the level of customer satisfaction with the quality of Azizi Bank's services, the physical dimensions of the banks, the behavioral characteristics of the employees, the Quality of services and the overall satisfaction of the customers have been considered. The method of this study was also descriptive correlation and quantitative data type. In addition, the statistical population of this research is the customers of Azizi Bank in Bamyan province and the tool for data collection is using questionnaire which consists of four dimensions, the first part is the physical dimensions of the bank, which has six questions, the second is the Behavioral characteristics of the employees, which has seven questions, the third is the Quality of service, which has seven questions, and the fourth is the Overall customer satisfaction, which has four questions. have been. After collecting the data, the information was analyzed by the SPSS program . Descriptive statistics (frequency and percentage tables) and inferential statistics (Pearson's correlation coefficient) were used to analyze the research findings. The obtained results show that there is a direct and significant relationship between service quality and customer satisfaction, that is, there is a direct, significant and positive relationship between the characteristics of employees' behavior, the physical dimensions of the bank and service quality at a 95% confidence level with customer satisfaction.

Keywords: Customer satisfaction, Service quality, Banks

مقدمه

رضایت مشتری مهم‌ترین اصل در سیستم بانکی بوده است. یکی از عوامل اصلی در تجارت امروز، مشتری و ارتباط با اوست با گذر از اقتصاد صنعتی و شدت یافتن رقابت در ابعاد نوین، مشتری یک رکن اصلی و اساسی در سازمان‌ها به شمار می‌رود، به گونه‌ای که بقا و تداوم سازمان درگرو مشتریان و حفظ مشتریان شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌باشد (زرگر، ۱۳۹۴، ص. ۴).

بیان مسئله

رضایت مشتریان از جایگاه و موقعیت استراتژیک و راهبردی در عرصه کسب‌وکارها خصوصاً در شرایط رقابتی امروزی برخوردار است. در متون و تحقیقات، ازس که جایگاه ویژه‌ی دارد مشتریان را به‌عنوان مالک اصلی یک شرکت و کسب‌وکار دانسته است. چون هدف اصلی هم در هر عرصه تولید و خدمات، مشتریان و رضایتشان است. همیشه حق با مشتری است، این بدان معنی است که مدیران برای ارائه خدمات به مشتریان باید به‌درستی در مورد انتظارات مشتریان آموزش ببینند، ممکن است همیشه حق با مشتری باشد، اما خود مشتری هم نمی‌داند که همیشه در مورد چه چیزی حق دارم (mc Donogh, 2018).

اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر رقابتی روزافزون کنونی و تغییرات سریع در بازارها، می‌توان گفت که نوآوری یکی از عوامل مؤثر بر رضایت مشتری است (زرگر، ۱۳۹۴). تغییرات سریع در بازارهای جهانی هم چنان می‌تواند باعث تغییر در علایق، سلیقه‌ها و خواسته‌های مشتریان گردد. برای ایجاد رضایت در مشتریان و مصرف‌کنندگان و تشویق ایشان به تولیدات و خدمات، در قدم اول ما نیازمند شناسایی نیازها و خواسته‌های آن‌ها هستیم (اسماعیل پور و صیادی، ۲۰۱۵).

به عبارت دیگر، نوآوری در خدمات از طرف سازمان و کارمندان در رابطه به رضایت مشتریان تأثیر بسزایی دارد (زرگر، ۱۳۹۴). امروزه با توجه به رقابت‌های موجود بین بانک‌های کشور و همچنین به دلیل تفاوت‌های ارائه خدمات، بانک‌ها موظف‌اند وجود خود را در داشتن وجود مشتری بدانند و این نکته را به‌عنوان یکی از اصول اساسی کسب‌وکار خود در بخش آموزش‌های ضمن خدمت به کارکنان خود به‌صورت جدی دیکته نمایند و سعی کنند در محیط پر از رقابت، خواسته‌ها و تمایلات مشتری را

درک نمایند و کاری کنند که مشتری از سازمانش رضایت کامل را داشته باشد.

هدف تحقیق

هدف اصلی در انجام این تحقیق بدست آوردن داده ها و اطلاعات و بررسی رضایتمندی مشتریان از بهبود کیفیت خدمات عزیزی بانک در ولایت بامیان می باشد.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا کیفیت باعث رضایت مندی مشتریان می گردد؟
- ۲- آیا خصوصیات رفتاری کارکنان باعث رضایتمندی کارکنان می شود؟
- ۳- عوامل فریگی بانک ها باعث رضایت مندی کارکنان می گردد؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- کیفیت خدمت بانک باعث بالای رضایت مشتریان تاثیر دارد.
- ۲- عوامل فریگی بر رضایت مشتریان تاثیر مثبت و معنی دار دارد.
- ۳- خدمات رسانی بر رضایت مشتریان تاثیر مثبت و معنی دار دارد.
- ۴- خصوصیات رفتاری کارکنان بر رضایت مشتریان تاثیر مثبت و معنی داری دارد.

مبانی نظری تحقیق

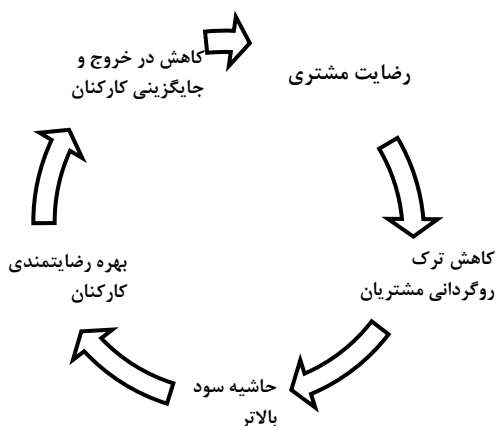
کیفیت عبارت است از مجموعه خصوصیات و ویژگی های یک محصول یا خدمت که دربرگیرنده توانایی آن در برآوردن نیازهای تلویحی و معین باشد (دهنوی و دلشاد، ۱۳۹۷، ص. ۹۴). در وضعیت بازار رقابتی امروزی، شرکت ها و کسب و کار برای ادامه فعالیت هایشان در درازمدت و برای اینکه به اهداف استراتژیکشان نائل آیند باید برای مشتریان خود ارزش خلق کنند، یکی از عوامل اساسی در ایجاد ارزش «کیفیت» است که کسب و کارها باید به آن توجه جدی نمایند (فرخی و تیمور پور، ۱۳۹۵). با به کارگیری و اجرای اصول مدیریت کیفیت جامع در سازمان ها و بالاخص سازمان های کارآفرین، می توان عملکرد سازمان را به طرز بهیچ وجهی بهبود داد؛ زیرا ارزیابی عملکرد یک عامل کلیدی برای مدیریت اثربخش است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۲). کیفیت خدمات، عموماً به عنوان یک فعالیت اقتصادی توصیف می شود که خروجی آن فیزیکی یا ملموس نیست و در زمان تولید مصرف می شود

به طوری که به ویژه در خرید اول مقداری ارزش برای مصرف کننده فراهم می کند
(Berinyuy, 2021).

کیفیت خدمات از جمله عوامل بسیار مهم در موفقیت سازمان های خدماتی است. ارائه خدمات و محصولات با کیفیت برای مشتریان جهت موفقیت و بقا در محیط رقابتی امروزی امری بسیار ضروری است. عده ای بر این باورند که کیفیت چیزی است که با نیازهای مشتریان متناسب باشد و قیمتی معقول داشته باشد و نه بهترین چیزی که با پول بتوان خرید (بیدختی و روحی پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴). همچنان تحقیقات نشان داده که سیستم مدیریت کیفیت جامع باعث بهبود عملکرد سازمان می گردد (محرر و همکاران، ۱۳۸۹). کیفیت خدمات (Service Quality) فاصله میان ادراک مشتری از خدمت دریافت شده با انتظارات وی از دریافت آن خدمت می باشد. جانسون و دیگران در ۱۹۹۷ کیفیت را این گونه تعریف می کنند: کیفیت تمام جوانب یک کسب و کار را دربرمی گیرد و در واقع یک تجربه احساسی برای مصرف کننده است. تمایل به کیفیت خدمات نقش مهمی در صنایع خدماتی نظیر خدمات بیمه ای، بانکی و غیره ایفا می کند. مدیریت کیفیت نه تنها به عنوان مجموعه از تغییرات مهندسی تکنولوژیکی، بلکه به عنوان بخشی از استراتژی کلان سازمانی مورد توجه قرار گیرد (محرر، ۱۳۸۹).

رضایت مندی مشتری: موفقیت کسب و کارها و شرکت ها در گرو و محوریت مشتری می چرخد. در شرایط رقابتی کنونی، مشتری و رضایت مندی آن ها از اهمیت بیشتر از گذشته احساس شده و مورد توجه کسب و کارها قرار گرفته است. رضایت مشتری به عنوان یک ارزیابی کلی بر اساس کل تجربه خرید و مصرف با کالا یا خدمات در طول زمان تعریف می شود (خدیکا، ۲۰۱۷). رضایت مشتری ناشی از تجربیات کلی مشتری از نظر مشتری با ارائه دهندگان خدمات است (رزاک و همکاران، ۲۰۲۰). درک، شناخت و احساس رضایت مندی مشتری برای کسب و کارها از موضوعات پیچیده و آینده محور بوده است. تحقیقات نشان می دهد که بیش از ۹۰٪ مشتریان ناراضی شکایت و عدم رضایت خود را با شرکت مربوطه در میان گذاشته و برای تأمین نیازهای خود از تولیدات و خدمات شرکتها

و کسب و کارهای رقیب استفاده نموده و نارضایتی خود را از شرکت به سایر مشتریان و هم‌قطاران خود با تمام میل ابراز می‌دارند (فرخی و تیمور پور، ۱۳۹۵). در واقعیت اهداف نخست کسب و کار باید رسیدن به سطح بالای از رضایت مشتریان باشد، نه سود سازمان، چون این رضایت‌مندی مشتریان باعث افزایش سودآوری در آینده می‌گردد (دهنوی و دلشاد، ۱۳۹۷).



شکل (۱) چرخه خدمت مطلوب (آی آی کتاب، ۱۳۹۶/۱۱/۲۱)

انتظار پیش‌بینی پیامدهای آتی بر اساس تجربه قبلی شرایط فعلی یا سایر منابع اطلاعاتی است (گویش، ۲۰۱۹). انتظارات مشتریان بر اساس نیازهای شخصی آنان، تجربه‌ای گذشته آنان از فراهم‌کنندگان خدمت، اظهارنظر دیگران و ارتباطات خارجی تعیین می‌شود (بیدختی و روحی پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۶).

همان‌طوری که قبلاً تذکر داده شد مشتریان نقش محوری را دارند. قبل از اینکه یک سازمان محصول و خدمت خود را در بازار عرضه کنند باید انتظارات مشتریان خود را بشناسند، بنابراین بازاریبان و مدیران از ابعاد گوناگون، مشتریانانشان را موردبررسی قرار می‌دهند که می‌شود از ابعادی هم چون «روان‌شناختی» و «جمعیت‌شناختی» یادآور شد (بیدختی و روحی پور، ۱۳۹۲). سازمان باید مدیران خود را آموزش دهند تا به‌صورت دقیق انتظارات مشتریان را بررسی کرده و محصول و خدمات موردنظرشان را تولید نمایند.

انتظارات مشتری و باورهای مشتری در مورد نتایج، یک مواجهه با خدمات قبل از تجربه، مواجهه‌ی واقعی با خدمات است (وید، ۲۰۱۵). مشتریان انتظارات خود را در مورد چگونگی برآورده شدن نیازها و خواسته‌ها دارند که به‌طور مداوم در مقایسه با انتظاراتشان، تصوراتی را درباره خدمات واقعی ارائه‌شده به آن‌ها شکل می‌دهند (William, 2012).

پیشینه تحقیق

اسماعیل‌پور و صیادی (۲۰۱۵) در تحقیقی شناسایی و رتبه‌بندی انتظارات مشتریان سازمانی از خدمات بانکی پژوهشی در بانک صادرات ایران، بوشهر، به این نتایج دست یافتند که مهم‌ترین عامل ارائه خدمات، بانکداری الکترونیکی نوین و کم‌اهمیت‌ترین عامل، کاهش زمان ارائه خدمت می‌باشد. کاظمی و رحیم‌نیا (۱۳۹۲). در پژوهش بررسی تأثیر مدیریت کیفیت جامع بر عملکرد سازمان‌های کارآفرین، به این نتیجه دست یافتند که با به‌کارگیری و اجرای اصول مدیریت کیفیت جامع در سازمان‌ها و بالاخص سازمان‌های کارآفرین، می‌توان عملکرد سازمان را به طرز چشمگیری بهبود بخشید. زرگر (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه‌ی تحت عنوان بررسی رابطه بین نوآوری و مدیریت ارتباط با مشتری با متغیر میانجی مدیریت دانش، به این یافته‌ها دست‌یافته است، اثر میانجی بودن مدیریت دانش در رابطه بین نوآوری و مدیریت ارتباط با مشتری تأیید شده است. محقر و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی بررسی تأثیر فعالیت‌های مدیریت کیفیت بر عملکرد سازمان‌ها، به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت‌های سیستم مدیریت کیفیت بر معیارهای عملکردی رضایت کارکنان، رضایت مشتریان و اثربخشی سازمانی تأثیر مثبت و معنادار داشته، ولی تأثیرگذاری این فعالیت‌ها بر معیار نتایج مالی و بازار تأیید نشده است. بیدختی و روحی‌پور (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان، تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات در صنعت هتل‌داری استان سمنان، به این یافته‌های رسیدند که سن، تنها ویژگی جمعیت شناختی است که بر انتظارات مشتریان از پنج بعد کیفیت خدمات تأثیر می‌گذارد و ویژگی‌های جمعیت شناختی جنسیت، وضعیت تأهل، میزان درآمد و میزان تحصیلات هیچ تأثیری بر انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات نمی‌گذارند.

روش تحقیق

جامعه آماری: جامعه آماری در این تحقیق مشتریان عزیزی بانک در شهر بامیان بوده است. **روش نمونه گیری و حجم نمونه:** تعداد مشتریان عزیزی بانک در شهر بامیان به صورت دقیق معلوم نبود به صورت تصادفی ساده تعداد جامعه ۴۶۰ نفر در نظر گرفته شد و بر اساس جدول مورگان ۲۱۱ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. **ابزار جمع آوری اطلاعات:** برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد پاراسورامان، ۱۹۸۸؛ تحقیق نامه مدیریت (مجید رمضان و مقیمی محمد، ج ۸ ص ۹۰ ش ۵۳۲، استفاده شد.

ابزاری تجزیه و تحلیل داده‌ها: اطلاعات جمع‌آوری شده توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق با روش آمار توصیفی (جدول‌های فراوانی و فیصدی) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از فنون آماری توصیفی شامل جداول فراوانی‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت شناختی استفاده نموده و از آزمون آماری همبستگی پیرسون برای بررسی فرضیات استفاده شده است.

الف) تجزیه و تحلیل آمار توصیفی

جنسیت پاسخ دهندگان

جدول ۱ جنسیت پاسخ دهندگان

		جنسیت		
	فراوانی	فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی مجموعی
مرد	77	69.4	69.4	69.4
زن	34	30.6	30.6	100.0
مجموعی	111	100.0	100.0	

جدول فوق نشان می‌دهد که در این تحقیق به تعداد ۷۷ نفر مرد (69.4%) و ۳۴ نفر زن (30.6%) شامل بوده که به سؤالات این تحقیق جواب دادند.

سن پاسخ دهندگان

جدول ۲ سن پاسخ دهندگان

		سن		
	فراوانی	فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی مجموعی
20-25	74	66.7	66.7	66.7
25-30	29	26.1	26.1	92.8
30-35	7	6.3	6.3	99.1
از 45 به بالا	1	90	90	100.0
مجموعی	111	100.0	100.0	

قرار جدول فوق سن اشتراک کنندگان تحقیق بین ۲۰-۲۵ ساله ۷۴ نفر (۶۶/۷٪)، بین ۲۵-۳۰ ساله ۲۹ نفر (۲۶/۱٪)، بین ۳۰-۳۵ نفر ۷ نفر (۶/۳٪) و افرادی که از ۴۵ ساله به بالا بوده ۱ نفر (۰/۹٪) بودند.

سرعت در ارائه خدمات

جدول ۳ سرعت در ارائه خدمات

سرعت در ارائه خدمات				
	فراوانی	فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی مجموعی
خیلی کم	28	25.2	25.2	25.2
کم	30	27	27	52.3
متوسط	32	28.8	28.8	81.1
زیاد	14	12.6	12.6	93.7
خیلی زیاد	6	5.4	5.4	99.1
44	1	0.9	0.9	100
مجموعی	111	100	100	

قرار جدول فوق از سرعت در ارائه خدمات بانک، ۲۸ نفر (۲/۲۵٪) از پاسخ‌دهندگان خیلی کم، ۳۰ نفر (۲۷٪) از پاسخ‌دهندگان کم، ۳۲ نفر (۸/۲۸٪) از پاسخ‌دهندگان در حد متوسط، ۱۴ نفر (۶/۱۲٪) از پاسخ‌دهندگان زیاد، ۶ نفر (۴/۵٪) از پاسخ‌دهندگان خیلی زیاد راضی بوده‌اند.

احترام به مشتری

جدول ۴ احترام به مشتری

احترام به مشتری				
	فراوانی	فیصدی	معتبر فیصدی	فیصدی مجموعی
خیلی کم	19	17.1	17.1	17.1
کم	27	24.3	24.3	41.4
متوسط	36	32.4	32.4	73.9
زیاد	16	14.4	14.4	88.3
خیلی زیاد	12	10.8	10.8	99.1
11	1	0.9	0.9	100
مجموعی	111	100	100	

در جدول بالا، ۱۹ نفر (۱/۱۷٪) از پاسخ‌دهندگان خیلی کم، ۲۷ نفر (۳/۲۴٪) از پاسخ‌دهندگان کم، ۳۶

نفر (۳۲/۴٪) از پاسخ‌دهندگان در حد متوسط، ۱۶ نفر (۱۴/۴٪) از پاسخ‌دهندگان زیاد و ۱۲ نفر (۱۰/۸٪) از پاسخ‌دهندگان خیلی زیاد راضی به ترتیب از احترام به مشتری راضی بوده‌اند. بوده است.

نصب علائم و دستورالعمل‌های راهنما در شعب

جدول ۵ نصب علائم و دستورالعمل‌های راهنما در شعب

در جدول فوق، ۱۲ نفر (۱۰/۸٪) از پاسخ‌دهندگان خیلی کم، ۳۲ نفر (۲۸/۸٪) از

نصب علائم و دستورالعمل‌های راهنما در شعب

فیصدی مجموعی	معتبر فیصدی	فیصدی	فراوانی	فیصدی
10.8	10.8	10.8	12	خیلی کم
39.6	28.8	28.8	32	کم
72.1	32.4	32.4	36	متوسط
91.9	19.8	19.8	22	زیاد
100.0	8.1	8.1	9	خیلی زیاد
	100.0	100.0	111	مجموعی

پاسخ‌دهندگان کم، ۳۶ نفر (۳۲/۴٪) از پاسخ‌دهندگان در حد متوسط، ۲۲ نفر (۱۹/۸٪) از پاسخ‌دهندگان زیاد و ۹ نفر (۸/۱٪) از پاسخ‌دهندگان در حد خیلی زیاد از نصب علائم و دستورالعمل‌های راهنما در شعب راضی بوده‌اند.

مدت انتظار برای دریافت خدمات

جدول ۶ مدت انتظار برای دریافت خدمت

در جدول بالا، پاسخ‌دهندگان، ۱۰ نفر (۹٪) خیلی کم، ۱۷ نفر (۱۵/۳٪) کم، ۲۸ نفر

مدت انتظار برای دریافت خدمات

فیصدی مجموعی	فیصدی معتبر	فیصدی	فراوانی	فیصدی
9.0	9.0	9.0	10	خیلی کم
24.3	15.3	15.3	17	کم
49.5	25.2	25.2	28	متوسط
81.1	31.5	31.5	35	زیاد
100.0	18.9	18.9	21	خیلی زیاد
	100.0	100.0	111	مجموعی

(۲/۲۵٪) در حد متوسط، ۳۵ نفر (۵/۳۱٪) زیاد و ۲۱ نفر (۹/۱۸٪) خیلی زیاد، از مدت انتظار برای دریافت خدمات رضایت داشته‌اند.

ب) تجزیه و تحلیل آمار استنباطی

آزمون فرضیه‌ها

با استفاده از آمار استنباطی می‌توان مشخص کرد که فرآیندها و الگوهای کشف‌شده در نمونه، در جامعه‌ی آماری هم کاربرد دارد یا خیر؟ در واقع آمار استنباطی تمام آزمون‌های را شامل می‌شود که به آزمون فرضیه‌های پژوهش و به بیان دیگر تخمین پارامترهای جامعه از طریق آمارهای نمونه می‌پردازد.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول

فرضیه خلاف صفر (H_1) ویژگی‌های رفتاری کارکنان بالای رضایت مشتری تأثیر دارد.

فرضیه صفر (H_0) ویژگی‌های رفتاری کارکنان بالای رضایت مشتری تأثیر ندارد.

جدول ۷ آزمون فرضیه اول (ویژگی‌های رفتاری کارکنان بالای رضایت مشتریان)

همبستگی	
ویژگی‌های رفتاری کارکنان	رضایت‌مندی مشتریان
همبستگی	0.862
پیرسون	1
سطح	0
معناداری	0
تعداد	111
	111

تجزیه و تحلیل فرضیه اول

رابطه بین رضایت‌مندی مشتریان و ویژگی‌های رفتاری کارکنان از طریق ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است. تحلیل که صورت گرفت مشخص شد $\text{sig} < 0.05$ بود، در این صورت فرضیه صفری رد شده و فرضیه مخالف با سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شد؛ یعنی اینکه ادعا و فرضیه دوم (ویژگی‌های رفتاری کارکنان بر رضایت مشتری رابطه مثبت و

معناداری وجود دارد) تأیید شد.

p=0.05, r =0.7, N=111, Sig=0.00

فرضیه دوم

فرضیه خلاف صفر (**H1**) خدمات رسانی بالای رضایت مشتری تأثیر دارد.

فرضیه صفر (**H0**) خدمات رسانی بالای رضایت مشتری تأثیر ندارد.

جدول شماره ۸ آزمون فرضیه دوم (خدمات رسانی بالای رضایت مشتری)

همبستگی			
	رضایت مندی مشتریان	خدمات رسانی	
رضایت مندی مشتریان از کیفیت خدمات	1	0.706	همبستگی
خدمات رسانی	0.706	1	
رضایت مندی مشتریان از کیفیت خدمات	.	0	سطح
خدمات رسانی	0	.	معناداری
رضایت مندی مشتریان از کیفیت خدمات	111	111	تعداد
خدمات رسانی	111	111	

تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

رابطه بین رضایت مندی مشتریان و ویژگی‌های رفتاری کارکنان از طریق ضریب همبستگی پیرسون بررسی شده است. تحلیل که صورت گرفت مشخص شد $\text{sig} < 0.05$ بوده، در این

صورت فرضیه صفری رد شده و فرضیه مخالف با سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید

می‌شود یعنی اینکه ادعا و فرضیه دوم (خدمات رسانی بر رضایت مشتری رابطه مثبت

و معناداری وجود دارد) تأیید می‌شود.

p=0.05, r =0.7, N=111, Sig=0.000

فرضیه سوم

فرضیه خلاف صفر: (H1) عواملی فزیک بر رضایت مشتریان تأثیر دارد.

فرضیه صفر: (H0) عواملی فزیک بانک بر رضایت مشتریان تأثیر ندارد.

جدول شماره ۹ (تأثیر عوامل فزیک بالای رضایت مشتریان)

همبستگی		
عوامل فزیک	رضایت مندی مشتریان	
رضایت مندی مشتریان	1	0.684
عوامل فزیک	0.684	1
رضایت مندی مشتریان	.	0
عوامل فزیک	0	.
رضایت مندی مشتریان	111	111
عوامل فزیک	111	111

تجزیه و تحلیل فرضیه سوم

رابطه بین رضایت مندی مشتریان و عواملی فزیک بانک، از طریق ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. از نتایج تحلیل به دست آمد که $\text{sig} < 0.05$ بوده در این صورت فرضیه صفری رد شده و فرضیه مخالف با سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می شود یعنی ادعا و فرضیه سوم که (عواملی فزیک بانکها بر رضایت مندی مشتری رابطه مستقیم و معناداری دارد) تأیید می شود.

$$p=0.05, \quad r=0.7, \quad N=111, \quad \text{Sig}=0.000$$

مناقشه

رضایت مشتری یکی از اهداف کلیدی و راهبردی بانکها به شمار می رود نتایج این تحقیق بیانگر آن است که کیفیت خدمات، ویژگی های رفتاری کارکنان و عوامل فزیک بانکها از جمله عواملی می باشند که بر رضایت مندی مشتریان تأثیر زیادی دارد. کیفیت خدمات از عواملی مهم و اساسی در رابطه به رضایت مندی در سازمانها می باشد در صورتی که اگر یک مشتری از کیفیت خدمات یک سازمان ناراضی باشد، مشتری بانک از دست خواهد رفت.

نتیجه گیری

بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار (SPSS) به اثبات رسید که هر سه فرضیه تحقق مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه اول (کیفیت خدمات بالای رضایت‌مندی مشتریان بانک تأثیر دارد)، یعنی به هر میزانی که کیفیت خدمات تقویت شود، رضایت‌مندی مشتریان بیشتر می‌شود و در نهایت میزان مشترکین بانک افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم (ویژگی‌های رفتاری کارکنان بالای رضایت‌مندی مشتریان تأثیر مستقیم و سطح معناداری وجود دارد) به این معنا اگر کارکنان بانک دارای ویژگی‌های رفتاری مطلوب و مناسب باشند، بالطبع بالای رضایت مشتریان و افزایش تعداد مشترکین، اثرگذار است و برعکس به هر اندازه که ویژگی‌های رفتاری کارکنان ضعیف باشد، سبب کاهش مشتریان خواهد شد.

فرضیه سوم (عوامل فزیک بانکی بر رضایت مشتری تأثیر و رابطه معناداری وجود دارد)، یعنی عوامل فزیک مانند جوکی‌های محل نشستن مراجعین، امکانات تهویه هوا، سهولت ارتباط با کارمند بانک و امثال آن، بالای رضایت مشتری و میزان جذب آن‌ها مؤثر است و برعکس.

در این تحقیق که همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته مثبت و معنادار بود نشان‌دهنده آن است که شعبه بامیان عزیزی بانک، به هر اندازه که روی عواملی چون ویژگی‌های رفتاری، خدمات‌رسانی و عوامل فزیک توجیه نماید سبب جذب بیشتر مشتریان می‌شود و برعکس به هر اندازه که نسبت به عوامل متذکره کم‌توجهی کند باعث از دست دادن مشتری‌ها خواهد شد.

منابع

- اسماعیل پور، مجید و صیادی، امرالله (۲۰۱۵). شناسایی و رتبه‌بندی انتظارات مشتریان سازمانی از خدمات بانکی پژوهشی در بانک صادرات ایران، بوشهر، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و صنایع، صفحات، ۱-۲.
- بیدختی، علی‌اکبر امین و روحی پور، سپیده (۱۳۹۲). تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات در صنعت هتلداری استان سمنان، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، صفحات، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۲.
- دهنوی، حسن دهقان و دلشاد، زهرا (۱۳۹۷). ارزیابی معیارهای رفع انتظارات مشتریان در سطح مدیریت کیفیت جامع با رویکرد پویایی‌های سیستم. فرایند مدیریت توسعه، صفحه، ۹۴.
- فرخی، سرور و تیمور پور، بابک (۱۳۹۵). شناسایی و طبقه‌بندی مشتریان سیستم بانکی ایران از منظر انتظارات و ارزش درک شده خدمات بانکی با استفاده از فن‌های داده کاوی، فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین، صفحات، ۲۰۲-۲۰۵، ۲۰۲.
- کاظمی، مصطفی؛ رحیم نیا، فریبرز؛ طریقه، صدیقه ابوی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مدیریت کیفیت جامع بر عملکرد سازمان‌های کارآفرین، دومین همایش، مدیریت و کارآفرینی، صفحات، ۶۴-۶۵.
- زرگر، سیده لیلی (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین نوآوری و مدیریت ارتباط با مشتری با متغیر میانجی مدیریت دانش، مطالعه موردی: شرکت تولیدی و صنعتی شیشه‌ی ایمنی کبیر استان سمنان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، صفحات، ۴-۸.
- محرر، علی؛ نجف‌آبادی، فقیه معین؛ طهران‌بند، علی بیاضی (۱۳۸۹). بررسی تأثیر فعالیت‌های مدیریت کیفیت بر عملکرد سازمان‌ها، مدرس علوم انسانی- پژوهش‌های مدیریت در ایران، صفحه، ۱۸۵.
- بیدختی، علی‌اکبر امین و روحی پور، سپیده (۱۳۹۲). تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی بر انتظارات مشتریان از کیفیت خدمات در صنعت هتلداری استان سمنان، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، صفحه، ۱۶۲.

- Alex, MC Donough. (2018). the Customer is always right, right? Thesis, Salem State University, 128-129.
- Wiid, johannes A., Can't, Michael C., Prinsloo, Carly. (2015). Customer Expectation and Servis Delivery: Are SME'S Aware of The Service quality Standards GAP? Corporate Ownership & Control, (12)4, 175.
- William, out., Appiah, Emma Eyison., Botchway, Emmanuel Addo. (2012). Assessment Of Customer Expectation and Perception of Service Quality delivery In Chana Commercial Bank. Methodist University College Accra-Ghana, 2.
- Gebremichael, Guesh Berhe. (2019). Customers' expectations and perceptions of service quality dimensions: A study of the hotel industry in selected cities of Tigray Region, Ethiopia. Punjabi University, (8), 2.
- Berinyuy, Benard., Forje, Lema Catherine., & Gillian, Dzekashu Lanyuy. (2021). Service Quality, a Correlation of Customer Expectation and Customer Perception of Services Received Responsiveness and Empathy in Shisong Hospital. International Journal of Social Science and Human Research, (4) 12, 3496.
- Khadka, Kabu., & Maharjan, Soniya. (2017). Customer Satisfiction and Customer Loyalty. Centria University of Applied Science, 5.
- Razak, Anis Abd., Ishak, Mohd Fikri., Yazid, Mohd Faizun., & Umer, Aeshah Mohd Ali. (2020). Measuring Customer Expectation Toward Achieving Customer Satisfaction In Luxury Hotels Services. Journal Of Critical Review, (7)04,1077.

کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در جیولوجی و اکتشاف مواد معدنی

پوهنمل علی نیک زاد^۱ پوهنیار شاحسین شفایی و پوهنیار محمد نعیم سروری^۲

تقریظ دهنده: استاد نعمت الله فطرت

چکیده

از سیستم اطلاعات جغرافیایی وسیعاً در جیولوجی و اکتشافات معدنی به عنوان یک ابزار بسیار سریع و قابل اعتماد برای جمع‌آوری، تحلیل و تجزیه و تصمیم‌گیری‌های پیچیده در نقشه‌برداری جیولوجیکی، بررسی و تفسیر اطلاعات دورسنجی، جیوفزیک و جیوشیمیایی و در نهایت تعیین مناطق امیدبخش از لحاظ داشتن پتانسیل مواد معدنی با صرفه اقتصادی، استفاده می‌گردد. GIS با ایجاد یک بانک اطلاعاتی مناسب شامل مجموعه اطلاعات جیولوجیکی، منرالوجی، پتروگرافی، تصاویر نقشه‌برداری‌های ماهواره‌ای، هوایی و زمینی، جیوفزیک، جیوشیمی و اطلاعات مکانی، محیط مناسبی را برای دسترسی به اطلاعات معدنی، تحلیل اطلاعات و تعیین مناطق جدید اکتشافی پدید می‌آورد. هدف از این مقاله مروری بر کاربرد GIS در جیولوجی و فعالیت‌های اکتشافی مواد معدنی است که برحسب آن مناطق امیدبخش را برای مواد معدنی ذخیره شده، بر اساس توزیع مواد معدنی مشخص بیان کرد و اینکه چگونه GIS می‌تواند در زمان و هزینه صرفه جویی کند. جی‌آی‌اس می‌تواند به جیولوجیستان و انجینران معدن در قسمت تهیه نقشه‌های جیولوجیکی، منرالوجیکی، توپوگرافیکی و غیره و همچنان مدل‌سازی سه بعدی کمک نماید و نتایج خوب و قابل قبول را به نمایش گذارد. بنابراین، اگر از جی‌آی‌اس در پروسه اکتشاف مواد معدنی مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند، نتایج بهتری را به دنبال داشته و همچنان در زمان و هزینه صرفه جویی شده و مفیدیت و کارایی را افزایش دهد.

کلمات کلیدی: اکتشاف مواد معدنی، بانک اطلاعاتی، پتانسیل معدنی، جیولوجی،

سیستم اطلاعات جغرافیایی

۱. استاد دیپارتمنت جیولوجی، پوهنخی زمین‌شناسی، پوهنتون بامیان.

۲. اساتید دیپارتمنت انجنیری جیولوجی و معادن، پوهنخی جیولوجی و معادن، پوهنتون تخنیکي غزنی

Application of Geographic Information System (GIS) in Geology and Mineral Exploration

Ali Nikzad, Shah Hussain Shafay and Mohammad Naeem Sarwary

Abstract

The geographic information system is used in geology and mineral exploration widely as a fast and reliable tool for collecting, analyzing, and complex decisions in geological mapping, examining and interpreting remote sensing, geophysical and geochemical data and finally, to determine the promising areas in terms of having the potential of economical minerals. GIS by creating a suitable database including geology, mineralogy, petrography, satellite, aerial, and ground mapping, geophysical, geochemical, and spatial data, provides a suitable environment for accessing, analyzing minerals data, and determine the new exploration areas. The purpose of this paper is to review the use of GIS in geology and mineral exploration activities, according to which promising areas for minerals reserves, based on the distribution of specific minerals, and how GIS can thrift time and money. GIS can help geologists and mining engineers in the preparation of geological, mineralogical, topographical maps, etc., as well as 3D modeling and show good and acceptable results. Therefore, if GIS is used in the mineral exploration process, it can lead to better results and still save time and money and increase usefulness and efficiency.

Keywords: Mineral Exploration, Database, Mineral Potential, Geology, Geographic Information System.

مقدمه

GIS یک فناوری مبتنی بر کامپیوتر است که اطلاعات جغرافیایی را با اطلاعات توصیفی و تشریحی مرتبط می‌سازد و معمولاً به منظور اخذ، نمایش و تحلیل اطلاعات فضایی بکار می‌رود (یوسفی و کاکایی، ۱۳۸۳) و (سعدونی و صیامی، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) یک سیستم مبتنی بر کامپیوتر است که به عنوان یک مجموعه متشکل از سخت افزار، نرم افزار، اطلاعات جغرافیایی، نیروی انسانی و روش‌های تحلیل و تجزیه، به منظور تولید، ذخیره سازی، نمایش، بازیابی، به روزسازی و ... اطلاعات جغرافیایی مربوط به عوارض و پدیده‌های مختلف، مورد استفاده قرار می‌گیرد (سعدونی و صیامی، ۱۳۸۳). این سیستم، اطلاعات را که بر مبنای موقعیت شان مشخص می‌شوند، با اطلاعات غیرمکانی ادغام می‌کند و در اهداف مورد نظر به کار می‌رود. در GIS برخلاف روش‌های سنتی، دیتاها به شکل رقومی ذخیره شده و با استفاده از روش‌های متنوع، اطلاعات حاصل از منابع متفاوت (نقشه‌های موجود، دیتاهای مربوط به عملیات نقشه-برداری جیولوجیکی، فوتوگرامتری، ماهواره و ...) ترکیب می‌شوند. سرعت تجزیه و تحلیل اطلاعات در محیط GIS به دلیل استفاده از قابلیت‌های کمپیوتری افزایش می‌یابد و تحلیل‌های مختلفی را که با روش‌های سنتی نمی‌توان انجام داد، ممکن می‌سازد. (مدنی، ۱۳۹۰). سیستم اطلاعات جغرافیایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک ابزار تصمیم‌گیری در رشته‌ها و زمینه‌های مختلف از جمله زمین‌شناسی و اکتشاف مواد معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Carranza, 2008).

در حال حاضر GIS بسته به نیازهای هر منطقه یا کشور در بخش‌های مختلف (مانند مطالعات محیط زیستی، برنامه ریزی شهری و شاولی، خدمات امنیت شهری، مدیریت حمل و نقل، ترافیک شهری، نقشه برداری، مدیریت اراضی، خدمات بانکی، خدمات پوستی، صحت، احصائیه و معلومات، مدیریت تأسیسات شهری مثل برق، آب، گاز و ...) استفاده می‌شود و با گذشت زمان و توسعه سیستم‌ها کاربرد آن به کلیه بخش‌های مرتبط با زمین گسترش یافته است (صدیقی، ۱۳۸۳). سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) پایگاه

مناسبی برای ورود حجم قابل توجهی از اطلاعات و تحلیل همزمان آن‌ها می‌باشد. این پایگاه با امکانات ویژه‌ای که در اختیار محققین می‌گذارد محیط ویژه‌ای را برای تحلیل و تجزیه بعدی فراهم می‌آورد. آنچه مسلم است این است که در قرن حاضر حضور فعال این تکنالوژی نوین در علوم و فنون مختلف، ارگان‌ها، مراکز تحقیقاتی و خدماتی تحولی چشم-گیری را پدید آورده است. بررسی‌ها و مطالعات زیولوجیکی اکتشافی و تعیین مناطق امیدبخش یکی از شاخه‌های کاربردی این سیستم می‌باشد.

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، که اساساً برای جامعه جغرافیایی توسعه یافته است، به دلیل پیشرفت‌های اخیر آن که شامل ترکیب مدل‌های چند متغیره، جیواستاتستیک و تجزیه و تحلیل قدرتمند سه بعدی می‌شود، برای صنعت معدنی جذاب شده است. کاربردهای جدیدتر GIS این است که سیستم‌های هوشمند را برای افزایش قابلیت‌های آن برای مدل‌سازی پیچیده، شبیه‌سازی و تصمیم‌گیری‌های پیش‌بینی که اغلب در اکتشاف و بهره‌برداری مواد معدنی با آن مواجه می‌شوند، ترکیب می‌کند (Amoka & Jatau, 2010). نقشه‌برداری منابع معدنی نوع مهمی از فعالیت‌های نقشه‌برداری زیولوجیکی است و معمولاً بخش بزرگی مطالعات مختلف را که بر تحلیل طیفی، نقشه‌برداری زیولوجیکی، نقشه‌برداری ساختمانی، شناسایی زون‌های هوازدگی، هایدروترمالی، نقشه‌برداری اکساید آهن و نقشه‌برداری هایدرواکساید‌ها، اکتشاف طلا، تصویربرداری فراطیفی، ترکیب اطلاعات با سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) متمرکز است، پوشش می‌دهد (Rajesh, 2004). یکی از توانایی‌های مهم و اصلی در GIS ترکیب اطلاعات مختلف مرتبط با علوم زمین به منظور تهیه نقشه‌های پتانسیل معدنی است که در آن مناطق مطلوب برای اکتشاف مواد مفیده معدنی مشخص شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۴). سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در حال حاضر در زمینه‌های زیولوجی و اکتشاف مواد معدنی بسیار گسترده و متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد (صالحی، ۱۳۹۳).

پروژه اکتشاف مواد معدنی متشکل از چندین مرحله است که در مقیاس کوچک آغاز شده و به مقیاس بزرگتر تبدیل می‌شود. در هر مرحله، مطالعات مربوط به جیولوجی، توپوگرافی، جیوفزیک، جیوشیمی و برمه‌کاری جمع‌آوری شده، مورد تحلیل قرار گرفته و یکپارچه می‌گردد. با تلفیق نتایج در هر مرحله منطقه مورد مطالعه کوچکتر شده و سرانجام به انتخاب محل‌هایی به عنوان هدف برای برمه‌کاری، به منظور دست یافتن به ذخایر معدنی پایان می‌پذیرد. در جیولوجی و اکتشاف مواد معدنی ما با انواع مختلفی از منابع اطلاعات برای مطالعات جیولوجیکی و اکتشاف ذخایر مواد معدنی سروکار داریم. این اطلاعات از نقشه‌های جیولوجیکی، عکس‌های ماهواره‌ای چندطیفی و تصاویر هوایی و عکس‌های جیوفزیکی تا بانک اطلاعاتی در فرمت‌های مختلف تغییر می‌کند. با توجه به حجم بسیار بزرگ اطلاعات در مطالعات جیولوجیکی و اکتشاف مواد معدنی بهترین برنامه برای جمع‌آوری، ترکیب، تحلیل و تجزیه این اطلاعات و بدست آوردن نتیجه مطلوب، GIS است (Osman, 2012).

همچنان GIS می‌تواند برای تولید نقشه پتانسیل معدنی، در صورت عدم وجود برنامه جامع اکتشاف مواد معدنی سیستماتیک مورد استفاده قرار گیرد، این موضوع مهم است که روش‌های جایگزینی از طبقه‌بندی پتانسیل‌های معدنی را ایجاد کنید. پس، احتمال استفاده از اطلاعات فضایی که مربوط به پتانسیل‌های معدنی، مانند پتروگرافی و توپوگرافی می‌شود وجود دارد که در بسیاری از مناطق قابل دسترس است. اهمیت این اطلاعات را می‌توان با ترکیب آن‌ها در GIS متوجه شد (صالحی، ۱۳۹۳ و بونهام-کارتر، ۱۹۹۴). برای مثال، اکتشاف یک ذخیره معدنی مستلزم در نظر گرفتن همزمان چندین نوع اطلاعات فضایی، نظیر جیولوجی، جیولوجی ساختمانی، ویژگی‌های جیوفزیکی و جیوشیمیایی، کارهای اکتشافی انجام شده در گذشته و ... می‌باشد که GIS این امکان را فراهم می‌آورد که ضمن ترکیب اطلاعات مختلف و در نظر گرفتن همزمان چندین پارامتر دخیل در اکتشاف، پیشینی مناطق مستعد از طریق تهیه نقشه پتانسیل معدنی و به دنبال آن تصمیم‌گیری بهتر برای اولیتهای اکتشافی آینده صورت گیرد

(یوسفی و کاکایی، ۱۳۸۳). بنابراین، اضافه کردن معیارهای اکتشافی مهم است. این معیارها که با مدل‌های ذخایر معدنی مفهومی ارائه شده‌اند، پایگاه ارزشمندی برای تولید اطلاعات پتانسیل معدنی محسوب می‌شوند. GIS همچنان می‌تواند در بسیار از مراحل پروسه اکتشاف مواد معدنی مفید باشد: بدست آوردن اطلاعات، ذخیره سازی، اداره کردن و گزارش گیری. احتمال دارد که حالا جیولوجیستان به صورت الکترونیکی اطلاعات زمین را با استفاده از سیستم تعیین موقعیت جهانی (GPS) بدست آورند. انترنت را همچنان می‌توان مانند منبعی از مجموعه اطلاعات بکار گرفت که می‌توان به طور مستقیم از آن دیتا دانلود کرد. همه این نوع اطلاعات را می‌توان با استفاده از GIS ترکیب، یکپارچه و استفاده کرد. GIS می‌تواند به راحتی با سایر برنامه‌های خاص برای به تصویر کشیدن و تحلیل و تجزیه اطلاعات جیوفزیک ادغام کرد. بنابراین، تصاویر ماهواره‌ای و عکس‌های جیوفزیک می‌تواند در GIS نمایش داده شود و با اطلاعات برداری مانند جیولوجی، شکستگی و نمونه‌های جیوشیمی تنظیم گردد (صالحی، ۱۳۹۳) و (Osman, 2012). در نهایت استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در اکتشاف مواد معدنی نیاز به اطلاعات با کیفیت و مدیریت درست این اطلاعات را بر جسته می‌کند (Partington, 2000).

شرح و بیان مسئله

سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) مجموعه‌ای از ابزارها برای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، بازیابی، مدیریت، تغییر تجزیه و تحلیل، مدل‌سازی و در نهایت نمایش و روش ارائه نتایج اطلاعات فضایی از جهان واقعی به مجموعه مقاصد ویژه می‌باشد. GIS مجهز به امکاناتی از قبیل دسترسی آسان و سریع به حجم بزرگ اطلاعات، توانایی انجام فعالیت‌های همچون امکان ایجاد ارتباط یا ادغام یک مجموعه از اطلاعات با سایر اطلاعات، تحقیق برای عوارض ویژه، مناطق امیدبخش حاوی پتانسیل خاصی از مواد معدنی، به روز سازی، مدل‌سازی اطلاعات و در نهایت امکان خروجی شامل نقشه‌ها، جداول و خلاصه آماری را به همراه دارد و به همین دلیل قابلیت استفاده در اغلب رشته‌های انجینیری و تخنیک‌ی از جمله جیولوجی و اکتشاف مواد معدنی را نیز دارا می‌باشد. در حالی که در سایر کشورها

استفاده از GIS در امور مطالعات زیولوژیکی و اکتشاف مواد معدنی یک امر معمول است و وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما در کشور ما این تکنالوجی و ابزار یک علم نو پا بوده و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

امروزه استفاده از GIS در بسیاری از علوم و فنون و از آن جمله علوم زمین بسیار متداول است. به عنوان مثال، مسئول عملیات اکتشافی می‌تواند برای تبدیل دیتاها به نقشه پتانسیل معدنی برای تصمیم‌گیری اولیت‌های اکتشافی آینده، GIS را به کار گیرد. انجیر اکتشاف می‌تواند شرایط پایداری میل‌ها را به منظور انتخاب بهترین مسیر یک سرک جدید به کمک GIS مورد بررسی قرار دهد. گاهد هدف از به کارگیری GIS، پشتیبانی از یک تحقیق کلی است. به عنوان مثال، یک جیوشیمیست می‌تواند GIS را به منظور بررسی همبستگی فضایی بین پراکندگی سلنیم در آب‌های سطحی و پراکندگی‌ها و جنس سنگ‌های محلی، PH آب و پوشش گیاهی محل به کاربرد. جیوفزیک دان برای مطالعه عوامل فضایی وابسته به زمین‌لرزه‌ها، GIS را به کار می‌گیرد. در روش‌های سنتی، اطلاعات مختلف مربوط به یک محل از قبیل منحنی‌های توپوگرافی، مرز فارمیشن‌ها، شکستگی‌ها و نظایر آن‌ها بر بروی برگ‌های مختلف کاغذ کالک ترسیم می‌شد که از رویهم قراردادن آن‌ها، نقشه کلی به دست می‌آمد و هر زمان که تنها یکی از این گروه اطلاعات مورد نظر بود، آن برگ جداگانه بررسی می‌شد. در GIS نظیر همین کار به شیوه ساده‌تری انجام می‌گیرد. بدین معنی که هریک از گروه اطلاعات، در لایه جداگانه‌ای به صورت رقومی ذخیره می‌شود. در صورت لزوم می‌توان هریک از لایه‌ها (مثلاً منحنی‌های توپوگرافی) را جداگانه مورد بررسی قرار داد و یا دو و یا چند لایه را باهم ترکیب کرد و نقشه-مورد نظر را به دست آورد (مدنی، ۱۳۹۰).

روش کار

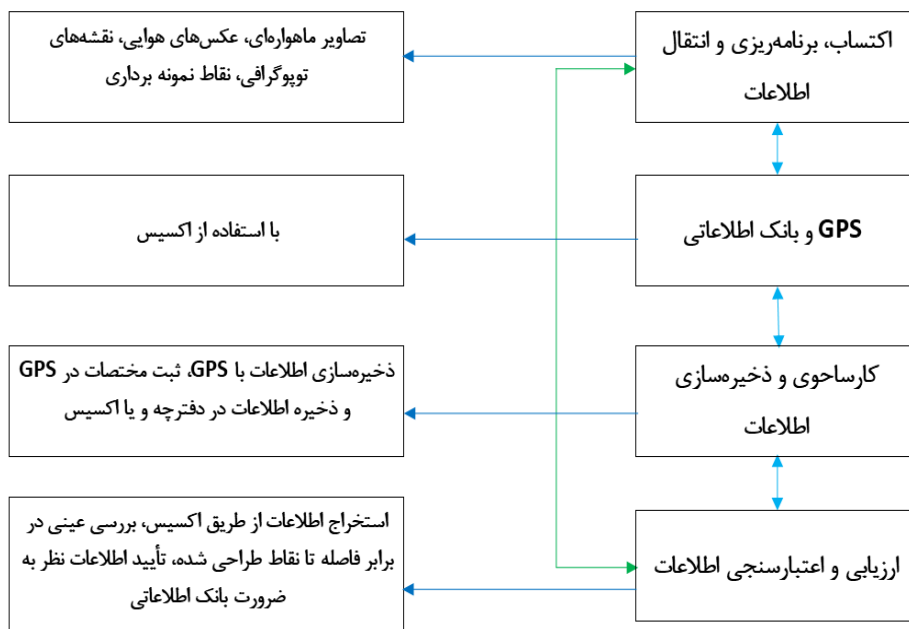
اطلاعات زیولوژیکی و معدنی یکی از مهم‌ترین لایه‌های اطلاعاتی در مطالعات زیولوژیکی و اکتشافی می‌باشند. بنابراین، ایجاد پایگاه اینگونه اطلاعات توأم با توجهی ویژه و اختصاصی است. اما آنچه که قابل تأمل است این است که امور اکتشاف و تعیین

مناطق دارای اولویت برای مطالعات اکتشافی یکی از مواردی است که در ارتباط با کلیه اطلاعات جیولوجیکی و اطلاعات اکتشافی وابسته می‌باشند. هرچه اطلاعات ما از منطقه مطالعات گسترده تر باشد قادر خواهیم بود نمونه بهتری برای منرالزایی در منطقه و یافتن صحیح و دقیق ماده معدنی ارائه دهیم. بنابراین، اساس اکتشافات، اطلاعات کامل، صحیح و گسترده می‌باشد. وجود ویژگی‌های ذکر شده ارتباط مستقیم با نتیجه‌گیری‌های آتی حاصل از تحلیل اطلاعات دارد. یکی از نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات ارائه‌نشده‌های پتانسیل مواد معدنی است. این مناطق با هدف تعیین اولویت‌بندی اکتشافی ارائه شده و منطقه‌ای با وسعت حد اکثر ۱٪ منطقه را به عنوان اولویت شماره یک معرفی می‌نماید درصد احتمال منرالزایی در منطقه بر پایه اطلاعات تعیین شده و عددی بین صفر و یک است. هرچه این عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد در نظر گرفتن پیش فرض صحیح بودن اطلاعات، احتمال وجود منرالزای مورد نظر در منطقه بالاتر نشان می‌دهد. لایه‌های اطلاعاتی این مطالعه شامل اطلاعات جیولوجی ساختمانی، جیولوجی، دیتاهای مربوط به کتله‌های مگماتیکی، آلتريشن‌ها، جیوشیمی اکتشافی، جیوفزیک هوایی، سنجش از دور و اطلاعات مربوط به شکستگی‌های منطقه می‌باشند.

جیولوجستان و انجیران معدن با انواع اطلاعات حاصل از منابع مختلف اکتشاف ذخایر معدنی سرو کار دارند. این اطلاعات را باید به سرعت و به آسانی نمایش دهند و تفسیر کنند. بنابراین، این مطالعه به چندین مرحله تقسیم شده است (صالحی، ۱۳۹۳) و (Osman, 2012):

- طراحی بانک اطلاعاتی جغرافیایی با توجه به اطلاعاتی که مورد نیاز است.
- جمع‌آوری مجموعه اطلاعات مختلف از منابع گوناگون و انتخاب مجموعه اطلاعات مربوطه به مطالعه.
- تعریف ویژگی‌های جیولوجیکی بر اساس شواهد جیولوجیکی و مفاهیمی که نشان دهنده مساحت معدنی است.

- ارائه مجموعه اطلاعات در بانک اطلاعات جغرافیایی همراه با تمام نقشه‌های قبلی و موجود، جداول و مطالعات.
- تعریف مناطق مورد نظر نقشه‌ها و جداول که با استفاده از شکل دادن فایل حاصل از نرم Arc GIS خواهد شد.



شکل ۱. فلوچارت روش مطالعه

نقشه‌برداری زیرزمینی با استفاده از GIS

استفاده از GIS در معادن زیرزمینی برای بهینه‌سازی با اشاره به چهار حوزه تخنیکی ذکر شده است: مالکیت زمین و ادعاهای معدنی، مدیریت اکتشاف، تولید و مسائل ایمنی معدن.

نقشه‌برداری و یا مدل‌سازی زیرزمینی برای درک توانایی‌ها و محدودیت‌های ما با توجه به منابع نفت و گاز، اکتشاف مواد معدنی و مدیریت محیط زیستی دشوار است. مدل‌سازی جیولوجیکی از زیر زمین کار پیچیده‌ای برای تکنالوژی GIS است. اما ماهیت فضایی و مکانی اهداف جیولوجیکی همیشه باعث می‌شود که GIS به بخش مهمی از مدل‌سازی و

سیستم نقشه‌برداری تبدیل شود. فعالیت‌های معمولی که در آن GIS حاوی علوم جغرافیایی شامل صفحه نمایش اطلاعات، مدیریت اطلاعات، تجزیه و تحلیل منطقه و پشتیبانی از تصمیمات است. قابلیت‌های GIS با استفاده از کامپیوتر اجازه می‌دهد که با سیستم مدیریت بانک معلومات رابطه‌ای استاندارد صنعتی، تجسم سه بعدی، قابلیت‌های جیو استاتیستیکی، قابلیت تحلیل جغرافیایی سه بعدی و نقشه‌برداری مبتنی بر وب ادغام گردد. همه این مزایا باعث می‌شود که GIS مفیدترین ابزاری برای نیازهای جامع و ضروری دانشمندان جغرافیایی به حساب آید. GIS را می‌توان به راحتی با نرم افزارهای پیشرفته علوم سه بعدی برای به دست آوردن راه حلی برای مشکلات پیچیده جیولوجیکی ترکیب کرد؛ اما تا همین اواخر، هر چند این موضوع را آسان تر کرده، تجسم سطوح زیرین زمین در GIS دارای چالش‌های تخنیکی پیچیده بوده است. این چالش‌ها عبارتند از (صالحی، ۱۳۹۳) و (Osman, 2012):

- مجموعه اطلاعات و نقشه‌های چندگانه.
- بهره برداری از ترکیب و ادغام اطلاعات به همراه فرمت‌های مختلف.

امروزه، ابزار مدل‌سازی زیر سطحی GIS به جیولوجستان اجازه می‌دهند که به طور معمول روی نقشه‌های جداگانه به صورت یکپارچه و همچنان اطلاعات سطح تحلیل قابل تجسم سازی کنند. علاوه بر آن، این احتمال چاه‌ها و دیگر اطلاعات زیرزمینی را در دو بعد و سه بعدی نمایش می‌دهد. کاربران می‌توانند حجم زیادی از اطلاعات جیولوجیکی سطحی و زیرزمینی، جیوشیمیایی و جیوفزیک را در یک محیط تعاملی سه بعدی ادغام کنند. همچنان، می‌توانند اطلاعات جیوشیمیایی سطحی را نشان دهند و در مورد مناطق نقشه‌برداری جیولوجیکی پرس و جو کنند. جولوجسیتان و دانشمندان جغرافیایی با این ابزار می‌توانند در هر مرحله از برنامه اکتشاف تمام اطلاعات موجود را برای به دست آوردن درک بهتری از جیولوجی زیرزمینی یکپارچه کنند، پیش فرض‌ها و ایده‌های خود را با دیگر تیم‌های اکتشافی بررسی کنند (صالحی، ۱۳۹۳).

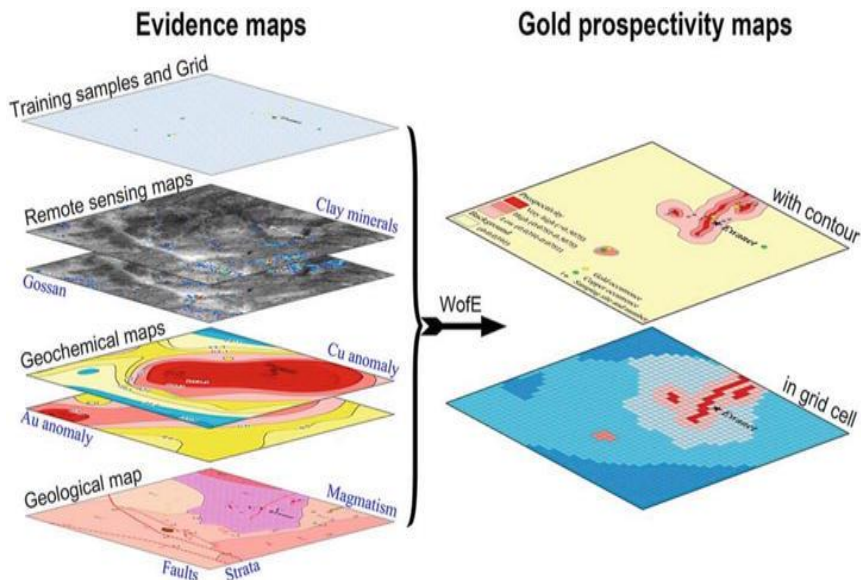
GIS برای اکتشاف مواد معدنی

اکتشاف مواد معدنی به طور سنتی مبتنی بر کاربرد انواع روش های اکتشاف یعنی جیوشیمی، جیوفزیک، نقشه برداری جیولوجیکی، تفسیر عکس های هوای و ماهواره ای و سروی های زمینی است که به طور کاربردی در مراحل اکتشاف، ترکیب و تلفیق شده اند. معیار اصلی تفحص شناسایی انومالی های مرتبط با مناطق معدنی است و به تدریج منطقه وسعت اصلی را به مجموعه کوچکی از انومالی ها کاهش می دهد. این پروسه پیچیده است و نیاز به تجزیه و تحلیل و ادغام اطلاعات اکتشافی چند موضوعی بالا دارد که باید در طول زمان و مراحل مختلف تصمیم گیری شود. در بخش کاربردی سنجش از دور و اخیراً GIS مفیدیت خود را به عنوان ابزار حمایتی مورد علاقه نشان داده است. GIS به دلیل فراهم کردن امکان ادغام و تجزیه و تحلیل مؤثر تعداد زیادی از اطلاعات مکانی ارجاع شده با ویژگی ها و فرمت های مختلف، در نظر گرفته می شود. نقشه برداری پتانسیل معدنی با استفاده از GIS به طور کلی شامل چهار مرحله اصلی می شود: ساخت بانک اطلاعات دیجیتال فضایی، استخراج شواهد پیش بینی برای یک نوع مواد معدنی خاص، محاسبه وزن برای هر نقشه شواهد پیش بینی کننده و ترکیب نقشه های پیش بینی پتانسیل مواد معدنی. احتمال وجود ذخایر معدنی در جایی که موضوعات پیش بینی کننده واقعا همخوانی دارند، افزایش می یابد (Rajesh, 2004). در اینجا مرحله اول ایجاد دیتابیس، زمان بر ترین مرحله است و می تواند شامل اطلاعات دورسنجی، جیوفزیک (مقناطیسی و گراویتی)، جیوشیمی (برای هر عنصر مورد نظر)، جیولوجیکی (ساختمانی و پتروگرافی)، جغرافیایی، توپوگرافی (DEM) و اطلاعات منشأ پیدایش مواد معدنی باشد (Rajesh, 2004) و (Wambo & Quinter, 2022).

زمین شناسان می توانند GIS را در بخش اکتشاف مواد معدنی و استخراج معادن برای ارائه دیتاها در بستر یکپارچه سازی با استفاده از مقاطع سنتی و گرافیکی مربوط به دیدگاه نقشه اعمال کنند. در بخش اکتشاف مواد معدنی، زمین شناسان با انواع مختلف منابع اطلاعات برای اکتشاف ذخایر جدید معدنی و مقرون به صرفه، سرو کار دارند. منابع اطلاعات از قسمت نقشه های جیولوجیکی، تصاویر ماهواره ای چند طیفی، و تصاویر هوایی و جیوفزیکی با فرمت های متفاوت تغییر می کند. GIS بهترین برنامه برای جمع آوری تمام این اطلاعات باهم و ارائه نتایج پربار است.

GIS در حال حاضر می‌تواند به جیولوجستان در بسیاری از زمینه‌های مربوط به فعالیت‌های خود مانند؛ اکتساب دیتاها، مدیریت، کنترل و ارزیابی عملیات کمک کند. در حال حاضر، جیولوجستان قادر به جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از این ابزار و سیستم تعیین موقعیت جهانی (GPS) هستند. تمام مجموعه اطلاعات جیولوجیکی و اکتشاف مواد معدنی مانند؛ نقشه‌های جیولوجیکی، جیوشیمی، تصاویر جیوفزیک، چاهای اکتشافی، اندازه‌گیری شعاع و توده‌های مواد معدنی (صالحی، ۱۳۹۳) و (Osman, 2012)، نقشه پتانسیل مواد معدنی، مدل اکتشاف جیوفزیک، ارزیابی منابع معدنی، نظارت بر محیط زیست معدن (Amoka & Jatau, 2010) را می‌توان نشان داد و فوراً با استفاده از GIS تفسیر کرد.

از سوی دیگر، سرک‌ها، پایپ لاین‌ها، سطوح میل‌دار، خطوط برق و سایر الزامات معدن‌کاری معمولاً تغییر می‌یابند. انجیران می‌توانند از GIS برای کاربرد برنامه‌های تولیدی استفاده کنند. به عنوان مثال؛ مسیر ردیابی زیرزمینی را حفظ می‌کنند و آن را با طرح استخراج و مدل‌سازی ترکیب می‌کنند که می‌تواند با استفاده از GIS انجام شود (Osman, 2012).



شکل ۲. نمایش ترکیبی کاربرد GIS در اکتشاف مواد معدنی (Wambo & Quinter, 2022).

مزایای استفاده از GIS در اکتشاف مواد معدنی

بررسی‌های اکتشافی با استفاده از تکنالوژی GIS یکی از شاخه‌های این علم گسترده می‌باشد. GIS با ایجاد یک پایگاه مناسب اطلاعات، فضای مناسبی را برای دسترسی به اطلاعات معدنی و تحلیل داده‌ها و تعیین مناطق جدید اکتشافی پدید می‌آورد. همچنین توسط این سیستم می‌توان در مقیاس‌های مختلف به طراحی شبکه نمونه‌برداری، تعیین مکان‌های حفر چاه‌های اکتشافی، تونل، تهیه سکشن‌های مختلف و نظایر آن پرداخت. بطور کلی از GIS در امر ساخت پایگاه داده‌های مکانی، تفسیر و اعتبارسنجی اطلاعات اکتشافی، تفسیر کانی‌شناسی، تحلیل ساختاری، تفسیر سنگ‌شناسی، ارتباط دورسنجی با جیوفیزیک و جیوشیمی، تلفیق اطلاعات اکتشافی، کلاسه‌بندی و انتخاب آنومالی‌های اکتشافی، استانداردهای خروجی‌گیری و نمایش اطلاعات استخراجی، تهیه نقشه و عکس-نقشه، جداول و متون و خروجی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (المدرسی و دانش، ۱۳۹۴). یکی از قابلیت‌های مهم سیستم اطلاعات جغرافیایی در اکتشاف مواد معدنی، ترکیب و یکی کردن چندین لایه از قبیل لیتولوژی، ساختارها، جیوفیزیک و خصوصیات جیوشیمی به منظور مشخص کردن نقشه پتانسیل‌دار معدنی است (موسوی، ۱۳۸۶). GIS در اکتشاف مواد معدنی می‌تواند فرصت مؤثری برای عوامل زیر در نظر گرفته شود (Osman, 2012):

- ترکیب آسان اطلاعات حاصل از منابع مختلف.
- لینک مستقیم نرم افزار مدل‌سازی مانند، اصلاحات نقشه و بانک اطلاعاتی از نتایجی که از وجود اطلاعات در مورد روش اخیر تحلیلی اطمینان حاصل می‌کند.
- سرعت و راحتی مدل در منبع سه‌بعدی اطلاعات چاه‌های سنتی و مدرن ذخیره شده در بانک اطلاعاتی شما را مورد اکتشاف قرار می‌دهد.
- از سوی دیگر، GIS می‌تواند به دلایل زیر باعث صرفه‌جویی اقتصادی در هزینه اکتشاف مواد معدنی را کاهش دهد:
- سرعت کمتری را برای دیجیتالی کردن به منظور درج اطلاعات در مدل‌ها صرف می‌کند.

- انواع روش‌های تجزیه و تحلیل GIS در اطلاعات کمی که به دنبال مناطق آنومالی هستند.
- توانایی ثبت دیتاهای قدیمی از انواع مختلف و مشخصات / تجزیه و تحلیل به عنوان لایه‌های سازگار.
- قابلیت استفاده از اطلاعات قدیمی و مدرن رایگان در پروژه‌های فعلی، منابع با ارزشی از اکتشاف مواد معدنی موجود در وب به صورت رایگان وجود دارد که می‌تواند در جستجو مورد استفاده قرار گیرد: نقشه‌های جیولوجیکی قدیمی، تصاویر ماهواره‌ای، دتاهای جیوفزیک و جیوشیمیایی با روش ارائه نتایج اطلاعات برای اکتشاف منطقه مورد نظر در اینترنت منتشر شده است.
- استفاده از GIS در اکتشاف مواد معدنی استفاده کارآمد تر اطلاعات را تحریک می‌سازد که مقرون به صرفه است.

بحث

مهم‌ترین قابلیت GIS توانایی آن برای انجام تحلیل‌های پیچیده اطلاعات مکانی و توصیفی است (مدنی، ۱۳۹۰). مدیریت موفق و ارزشمند منابع معدنی نیاز به جمع‌آوری و ادغام طیف گسترده‌ای از اطلاعات جیولوجی، جیوفزیک، توپوگرافی و دیگر اطلاعات مرتبط دارد. GIS بستر مناسبی را برای به دست آوردن این موفقیت به وجود می‌آورد. با این حال، مزایا و قابلیت‌های استفاده از GIS در اکتشاف مواد معدنی عبارت‌اند از (صالحی، ۱۳۹۳):

- قابلیت جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، بازیابی و تجزیه و تحلیل اطلاعات با حجم زیاد.
- قابلیت برقراری ارتباط بین اطلاعات جغرافیایی (نقشه) و اطلاعات غیر جغرافیایی (جداول اطلاعاتی) و ایجاد امکانات تجزیه و تحلیل اطلاعات جغرافیایی با استفاده از اطلاعات غیر جغرافیایی و بالعکس.
- نمایش طیف گسترده‌ای از اطلاعات با انواع مختلف در یک مکان.
- سهولت نسبی از وارد کردن ورودی نقشه‌های مختلف، گرافیکی و ایجاد بانک اطلاعاتی پربار.
- یکپارچه سازی اطلاعات مختلف نقشه‌برداری، تجزیه و تحلیل منطقه و مدل سازی.

- داشتن دقت، کارایی، سرعت عمل زیاد و سهولت در به‌روزرسانی اطلاعات.
- توانایی انجام محاسبات آماری مانند محاسبه مساحت و محیط پدیده‌های مشخص شده.
- قابلیت ردیابی و بررسی تغییرات مکان‌های جغرافیایی در طول زمان.
- قابلیت استفاده برای موقعیت‌یابی پروژه‌های مختلف.

نتیجه‌گیری

استفاده از GIS در مطالعات جیولوژیکی و اکتشاف مواد معدنی ابزار مناسبی جهت بررسی حجم قابل توجهی از اطلاعات را پدید آورده و باعث شناخت بهتری مناطق برای اکتشاف مواد معدنی مورد نظر خواهد شد. با توجه به قابلیت‌های GIS برای ذخیره، نمایش، و تحلیل اطلاعات مکانی و توصیفی، می‌توان بانک اطلاعاتی جامع و کاملی از اطلاعات زمین‌شناسی و اکتشاف مواد معدنی ایجاد نمود. این تکنالوژی قادر هستند مقدار نامحدودی از اطلاعات مکانی (اعم از نقشه‌ها و تصاویر) و اطلاعات توصیفی (شامل شرح مشخصات) را در خود جای دهد و متخصصین می‌توانند در هر زمان، اطلاعات مورد نظرشان را از بانک اطلاعاتی انتخاب، حذف، اضافه، تجزیه و تحلیل نمایند و در نهایت خروجی‌های دلخواه خود را تهیه و ارائه نمایند. از آنجا که بسیاری از اطلاعات مربوط به عملیات اکتشاف مواد معدنی دارای ماهیت فضایی و مکانی هستند. بنابراین، GIS این قابلیت را برای ذخیره‌سازی، به‌روز رسانی، اصلاح، نمایش، بازیابی، تجزیه و تحلیل، دستکاری و یکپارچه‌سازی اطلاعات مختلف جغرافیایی فضایی در بر دارد. تکنالوجی GIS می‌تواند به دانشمندان جغرافیایی و جیولوجستان در نقشه‌برداری و مدل‌سازی زیرزمینی با ابزار و نرم افزارهای مدرن کمک کند و می‌تواند با دیگر برنامه‌های تخصصی سه‌بعدی را با نتایج ارزشمند ادغام کند. بنابراین، GIS می‌تواند برای پیشبرد پروژه اکتشاف مواد معدنی مورد استفاده قرار گرفته، نتایج بهتری را به دنبال داشته و با صرفه‌جویی زمان و هزینه، مفیدیت و کارایی معدن را افزایش دهد.

منابع

- المدرسی، سیدعلی و دانیش، مجید. (۱۳۹۴). کاربرد سنجش از دور (RS) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در اکتشاف معدن.
- رحیمی، مانا. (۱۳۸۱). کاربرد GIS در اکتشاف با نگرشی ویژه به نقشه‌های پتانسیل مواد معدنی و انجام اولویت‌بندی اکتشافی. همایش ژئوماتیک ۸۱. تهران.
- صالحی، محدثه. (۱۳۹۳). کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در اکتشاف مواد معدنی. ششمین همایش انجمن زمین‌شناسی اقتصادی ایران.
- سعدونی، هاتفه و صیامی، قدیر. (۱۳۹۴). معرفی کاربردهای عمده سیستم اطلاعات جغرافیایی در حمل و نقل شهری. اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری یوسفی، مهیار و کاکایی، رضا خالو. (۱۳۸۳). مدلسازی پتانسیل معدنی طلا و فلزات پایه در ناحیه ماهنشان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی. کنفرانس مهندسی معدن ایران. دانشگاه تربیت مدرس.
- صدیقی، مه‌ری. (۱۳۸۳). بررسی کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) در ساماندهی مدارک علوم زمین موجود در مراکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. مجله علوم اطلاع‌رسانی، دوره ۲۰، شماره ۱ و ۲.
- سلیمانی، کیانوش؛ امیری، علیرضا عرب؛ روحانی، ابوالقاسم کامکار و شمس‌الدینی نژاد، محمود. (۱۳۹۴). تعیین مدل اکتشافی بوکسیت جاجرم با استفاده از داده‌های اکتشافی در محیط (GIS). نشریه علمی-پژوهشی مهندسی معدن، دوره دهم، شماره ۲۸، صفحه ۸۳-۹۱.
- مدنی، حسن. (۱۳۹۰). مبانی اکتشاف مواد معدنی، جلد دوم. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
- موسوی انیج‌دان، سیدحسین. (۱۳۸۶). مدلسازی داده‌های اکتشافی جهت تعیین مناطق امیدبخش معدنی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی در محدوده جنوب غربی ورقه ۱:۱۰۰۰۰۰ مرزن‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه صنعتی شاهرود.
- Carranza, E. J. M. (2008). Geochemical anomaly and mineral prospectivity mapping in GIS. Elsevier.

- Osman, M.S. (2012). Mineral Exploration Using GIS. King Farhad University of Petroleum and Minerals. *CRP514: Introduction to GIS*
- Rajesh, H.M. (2004). Application of remote sensing and GIS in mineral resources Mapping – An Overview. *Journal of mineralogical and Petrological Sciences, Vollume 99, Page 83-103.*
- Wambo, J.D.T. & Quinter, W.T. (2022). GIS and Database Mangement for Mining Exploration. *IntechOpen*. <https://doi.org/10.5772/intechopen.106632>.
- Amoka, I.S. & Jatau, S.B. (2010). Application of Geographic Information System for Mineral Exploration in Nigeria. *Proceedings of the international Conference on software Engineering and Intelligent Systems, Kaduna Polytechnic, Kaduna, Nigeria.*
- Partington, G. A. (2000). Mineral exploration in the Drummond Basin, North Queensland, using spatial analysis in a GIS. In SIRC 2000–The 12th Annual Colloquium of the Spatial Information Research Centre (pp. 141-148).

اقدامات عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم در حوزه صلح

پوهنیار عبد الرؤف حبیبی ۱

تقریظ دهنده: د محمد ابراهیم ذکی

چکیده

این مقاله تحت عنوان اقدامات عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم در حوزه صلح انجام شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم در مدت زمان اندکی در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، صلح را ایجاد نمود، دشمنی‌ها و اختلافات دیرینه را به دوستی تبدیل نمود، صلح جهت بقا و آرامش جوامع بشری از موارد حیاتی است که الله متعال آن را خیر گفته، برعکس آن، جنگ و دشمنی اسباب هلاکت و ویرانی می‌باشد. در نتیجه این تحقیق دانسته می‌شود که رسول الله صلی الله علیه و سلم در پی اصلاح در بین همه سطوح جوامع بشری بوده و برای آوردن صلح اقدام مؤثری داشته است. همچنان صلح از مسئولیت‌های اساسی حاکم مسلمان می‌باشد. اقدامات و روش‌های اصلاحی رسول الله صلی الله علیه و سلم یک نقشه مفید و مؤثر در بخش صلح بوده و طرفین نزاع و اختلاف مکلف به اطاعت از روش رسول الله برای برچیدن نزاع هست، این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای ترتیب گردیده که جهت ختم منازعات در سطوح مختلف، راهکار خوب محسوب شده می‌تواند.

کلمات کلیدی: اقدامات؛ راهکارها؛ جنگ؛ صلح؛ مصالحه.

The practical actions of the Messenger of Allah, (peace be up on him), in the field of peace

Teacher Assistant Abdul Rauf Habibi

Abstract:

This article is under the title of the practical actions of the Messenger of Allah, peace and blessings be upon him, in the field of peace. The Messenger of Allah, peace and blessings of Allah be upon him, created peace in a short period of time at various political, social and economic levels, and turned long-standing enmities and differences into friendship. The peace for survival and calm of human societies is one of the vital things that Allah the Almighty has said is good, on the contrary, war and enmity are the causes of destruction and desolation, as a result of this research, it is known that the Messenger of Allah, may God bless him and grant him peace, sought reform in all levels of human societies and took effective measures to bring peace, and peace is one of the basic responsibilities of a Muslim ruler. The corrective actions and methods of the Messenger of Allah, may God bless him and grant him peace, are a useful and effective plan in the field of peace, And the parties to the dispute are obliged to obey the method of the Messenger of Allah to resolve the dispute. This research is organized in a library style, which can be considered as a good solution to end conflicts at different levels.

Keywords: Actions; solutions; War; peace; reconciliation

مقدمه

رسول الله صلی الله علیه و سلم جهت زیست باهمی و فراهم‌سازی جامعه امن بشری، برای همه مردم سعی بلیغ نموده خود نیز با دشمنان دیرینه اسلام قریش و دیگران وارد صلح شده و در مدت‌زمان کمی میان مردمان مختلف در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی صلح را بار آورده و دشمنی‌های دیرینه را به دوستی تبدیل نموده است. هدف از تحریر این مقاله این است تا شیوه‌ها و اقدامات اصلاحی پیامبر صلی الله علیه و سلم که برای آوردن صلح در نظر گرفته شده برای مطالعه کنندگان محترم بیان شده تا از آن برای آوردن صلح استفاده صورت گیرد.

صلح از موارد مهم جوامع بشری بوده که علماء در مورد تحقیقات زیادی را انجام داده‌اند و ما هم سعی کردیم تا در ضمن اقداماتی را که رسول الله صلی الله علیه و سلم جهت نائل گردیدن به صلح بکار گرفته، اهمیت، حکم، فضایل و اقوال علماء را نیز در مورد صلح ذکر نمایم.

همچنان جواب باشد به سؤالاتی که آیا مسلمانان کدام برنامه‌ای برای مصالحه دارند؟ آیا کدام نمونه‌ای خود گذری برای صلح و جود دارد؟ کدام مصلح بزرگی در اسلام وجود داشته؟ آیا مسلمانان در چوکات شریعت مکلفیت برای آوردن صلح دارند؟

در این بحث صلح و مصالحه در روشنی آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و سایر مراجع معتمد به شیوه کتابخانه‌ای به بحث گرفته شده همه ابعاد آن در روشنی اقدامات عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم بیان گردد.

روش تحقیق

مقاله حاضر در روشنایی احادیث نبوی و از مصادر معتبر حدیثی و با استناد از آیات قرآن کریم به شیوه کتابخانه‌ای مورد تحقیق قرار گرفته است. جهت بیان بیشتر موضوع به کتاب‌های تفسیر و شروح و کتاب‌های حدیث مراجعه شده و برای بیان مفاهیم لغات، از لغت‌نامه معتمد استفاده شده است. همین‌طور سعی به عمل آمده است تا اقدامات عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم که شامل ایجاد صلح در سطوح مختلف است، طور مختصر

و مستدل بایبان ابعاد کلی و ضروری صلح با استفاده از روش‌های تحقیق با مراجعه به کتب سیره النبوی انجام شده است.

تعریف صلح

صلح در لغت: صلح در لغت به معنی نفع و فایده، دوستی و آشتی کردن است (القرزوبنی الرازی، ۱۳۹۹، ص. ۳۰۳).

صلح به معنی؛ استعداد و کفایت، ترمیم کاستی‌ها، رفع جنگ، خشونت و غیره می‌باشد. (دهخدا، 1377، ص. ۲۳۷).

در تعریف صلح آمده است: «صلاح و صلوحا زال عنه الفساد والشیء کان نافعاً أومناسباً یقال هذاالشیء یصلح لك» نیک شدن و صالح گردیدن، فساد از آن دور شد، نافع و مناسب گشت چنانچه گویند: این چیز مناسب است برایت (مصطفی، ۱۴۲۳، ص. ۵۲۰).

صلح در اصطلاح: «الصلح هو رفع الحرب والمخاصمات علی شروط تعرف بشروط الصلح اوهورفع النزاع» صلح رفع جنگ و دشمنی‌ها بنا به شرایطی است که به شروط صلح و رفع منازعات شناخته می‌شود (المرغینانی، ۱۳۹۸، ص. ۲۲۹).

بنا بر تعاریفات فوق صلح و آشتی واژه‌هایی است که فلاح و رستگاری را در پی داشته؛ اما جنگ و ناامنی بستر مناسب برای رشد همه ناهنجاری‌ها و مفاسد می‌باشد.

اهمیت صلح

صلح جهت ختم نزاع خشونت و جنگ به پیش گرفته می‌شود؛ زیرا جنگ، خشونت و ناامنی زیربناهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه را متزلزل می‌سازد تا آنکه جان، مال، آبرو و عزت و همه هستی به سبب آن به خطر و نابودی مواجه شده و برای زندگی مسالمت‌آمیز و رشد و انکشاف در هیچ عرصه‌ای برای یک ملت تضمینی وجود ندارد. رسول الله صلی الله علیه و سلم توانست در مدت زمان کمی امت‌های مختلف را باهم یکجا ساخته و اختلافاتی که در طول تاریخ میان آنان وجود داشت به صلح و آشتی تبدیل نموده ریشه‌های دشمنی و عداوت را برچیند.

فضایل صلح و مصلحان در قرآن کریم و احادیث نبوی به تفصیل بیان گردیده، طوری که ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: «**من صلح بین اثین استوجب ثواب شهید**» کسی که میان دو تن صلح نماید مستحق پاداش شهید می شود (قرطبی، ۱۴۲۳، ص. ۳۸۵). همچنان ابودردا رضی الله عنه روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «**ألا أخبرکم بافضل درجه الصیام والصلاة والصدقه قالوا بلی یا رسول الله! قال اصلاح ذات البین وفساد ذات البین الحالقه**» آیا از چیزی که نسبت به روزه، نماز و صدقه بهتر است برایتان خبر ندهم؟ گفتند چرانی یا رسول الله صلی الله علیه و سلم، فرمودند: اصلاح میان مردم، فساد در میان مردم قطع کننده است (السجستانی، ۱۴۳۶، ص. ۳۲۵).

امام خطابی رحمه الله در شرح حدیث می گوید: صلح از عبادت نفلی بهتر است، زیرا ثواب عبادت نفلی تنها به شخص می رسد، اما نفع صلح به عامه مردم می رسد.

الله متعال فرموده: «**وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ**» (سورة الأعراف: ۱۷) و آنانی که به کتاب متمسک می شوند و نماز را به جا می آورند ما پاداش اصلاح گران را هدر نمی دهیم.

صلح بین طرف های جنگ از بزرگترین اجرها است؛ زیرا ریختن خون و قتل ناحق از بزرگترین گناهان محسوب می شود. بنا بر اهمیت و ارزش صلح رسول الله صلی الله علیه و سلم در هر دو بخش صلح گروهی و انفرادی نمونه های خوبی را از خود به جا گذاشته که جهت ایجاد صلح واقعی به آن مراجعه شود.

شروط و ضوابط صلح

اسباب و عواملی وجود داشته که منجر به نزاع، اختلاف و جنگ گردیده پس هر طرف تلاش می ورزد تا به هدفی که روی آن به نزاع و جنگ پرداخته است آن را به دست آورد که باید خواست های معقول هر دو طرف و یا اطراف قضیه تا حد امکان پذیرفته شود که در بین صورت ایجاب می کند تا هر طرف برای صلح شرایط خود را پیشکش نمایند که هر یکی خصوصاً مسلمانان مکلف اند تا حد امکان شروط ذیل را مراعات نمایند:

۱. **نماینده باصلاحیت:** هردو طرف جنگ و مخاصمه باید نمایندگان باصلاحیت داشته باشند تا فیصله آنان قابل تنفیذ و تطبیق باشد؛
۲. **کاتب:** شخص نویسنده‌ای باشد و بهتر است که از مسلمانان باشد؛
۳. **مکتوب:** صلح و موارد آن باید تحریری باشد که مزین با بسم‌الله، ذکر اطراف قضیه، شروط و شواهد باشد؛
۴. **میعاد مشخص:** زمان صلح باید مشخص باشد، نه آنکه مجهول و مبهم که سبب متضرر شدن یک طرف شود، در رابطه به میعاد صلح علماء نظریات مختلف دارند، عروه بن زبیر گفته مدت صلح رسول‌الله با مشرکین چهار سال بوده، ابن جریج گفته سه سال بوده و ابن اسحاق گفته ده سال بوده و امام شافعی نیز گفته مدت صلح حدیبیه ده سال بوده، ابن بطلال رحمه‌الله می‌گوید: بناء مسلمانان با کفار از ده سال زیاد صلح کرده نمی‌توانند بنا بر مدت صلح حدیبیه (ابن بطلال، ۱۴۱۲، ص. ۹۳).
۵. **با احکام شرع در تضاد نباشد:** «الصُّلْحُ جَائِزٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ، إِلَّا صُلْحًا حَرَّمَ حَلَالًا، أَوْ أَحَلَ حَرَامًا» (ترمذی، ب ت، ص. ۳۴۵).
۶. مسلمانان زمانی به صلح مراجعه کنند که ضعیف باشند، اما در صورت توانمندی به صلح نیاز نیست: «صلح المسلمین مع المشرکین جائز إذا دعت الضرورة إلى ذلك، فلم یکن بالمسلمین طاقة على العدو، فأما إذا قدروا علیهم فلا یجوز مصالحتهم» صلح مسلمانان با مشرکان در صورت ضرورت و عدم توانایی مسلمانان بر آنان صحیح است، اما در صورت توانایی مسلمانان بر مشرکان، صلح با آنان جایز نیست (المرغینانی، ۱۳۹۸، ص. ۹۲).
- لقوله عزوجل: «فلا تهنوا وتدعوا إلى السلم وأنتم الأعلون والله معکم» صلح مسلمانان با مشرکین در صورتی که ضرورت ایجاب نماید مشروع و جائز است، اینکه مسلمانان در برابر دشمنان ناتوان باشند، اما در صورتی که توانمند باشند صلح جواز ندارد (سورة محمد: ۳۵).
۷. زنان باز گردانیده نمی‌شوند: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ» هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به‌سوی کافران برنگردانید (سورة الممتحنه: ۱۰). امام شافعی

- رحمه الله می گوید: «زنان به مشرکان باز گردانیده نمی شوند، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم کلثوم بنت عقبه ابن ابی معیط را بازنگردانید» (شهود، ب ت: ۲، ص. ۹۰).
۸. هدف صلح باید منفعت مسلمانان و اقامه شریعت الهی باشد.
۹. در معاملات و مصالحه انفرادی صلح باید عاری از جهالت و فریب باشد.
۱۰. مسلمانان حق ندارند که اسلحه و تجهیزات نظامی و اراضی مسلمانان را در اختیار کفار قرار دهند.

حکم صلح

بنا بر آیات متعدد قرآن کریم، احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل صحابه و سلف، صلح و مصالحه میان مسلمانان یک ضرورت بوده و واجب می باشد، اما صلح با دشمنان اسلام، با مراعات شروط و اقتضای اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مصلحت مسلمانان جایز است. الله متعال فرموده: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح را برقرار سازید (سوره الحجرات: ۹).

الله متعال در جای دیگری فرموده: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» هرآینه مؤمنان باهم برادرند، پس بین برادرانتان صلح نموده از الله متعال بترسید تا بر شما رحم کرده شود (سوره الحجرات: ۱۰).

محمد ابن بطال رحمه الله می گوید: «الاصلاح بين الناس واجب على الأئمة و على من ولاة الله أمور المسلمين» ایجاد اصلاح میان مردم بالای امرا و آنانی که مسئولیت امور مسلمانان را به عهده دارند واجب است (ابن بطال، ۱۴۲۳، ص. ۷۸).

حکمت صلح

در صلح میان مسلمانان حکمت بزرگی نهفته است که در حکم و فیصله نمی باشد و آن دوری حسد و کینه از قلب طرفین می باشد، چنانچه در نامه عمر رضی الله عنه به ابوموسی اشعری رضی الله عنه بیان شده: «ردوا القضاء بين ذوی الأرحام حتی یصلحوا، فإن فصل

القضاء یورث الضغائن» فیصله‌ها را به اقارب واگذارید تا در بین طرفین صلح نمایند زیرا حکم قضاء کینه را در پی دارد (عتیبی، ۱۴۲۷، ص. ۵۲۸).

علاوه بر آن جنگ و اختلافات سبب مصارف گزاف، ضیاع وقت، قتل و کشتار می‌شود درحالی‌که صلح همه مشکلات را خاتمه می‌بخشد. در قومی که مردمان مصلح بوده و صلح حاکم باشد الله متعال آنان را به هلاکت گرفتار نمی‌کند: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ» پروردگارت چنین نبوده است که شهرها و آبادی‌ها را ستمگرانه ویران کند، درحالی‌که ساکنان آنجاها درصدد اصلاح برآمده باشند (سوره هود: ۱۱۷).

تفسیر میسر در شرح آیه مبارکه ذکر نموده: «و ماکان ربک -ایها الرسول- لیهلک قریة من القرى وأهلها مصلحون فی الأرض، مجتنبون للفساد والظلم، وإنما یهلکهم بسبب ظلمهم وفسادهم» ای رسول صلی الله علیه و سلم چنین نیست که پروردگارت قومی را هلاک سازد درحالی‌که اهل آن مردمان صالح باشند، از ظلم و فساد خودداری کنند، بلکه به سبب ظلم و فسادشان هلاک می‌شوند (الترکی، ب ت، ص. ۹۵).

قرطبی رحمه الله در تفسیر آیه می‌گوید: «الله متعال اهل قریه‌های که در میان خود و در معاملات صالح باشند، تنها به سبب شرک و کفر هلاک نمی‌سازد تا آنکه به فساد رو نیاورند، یعنی تنها شرک و کفر سبب هلاکت نمی‌باشد، مانند قوم شعیب که در ترازو خیانت کردند و قوم لوط که به عمل لواط مشغول شدند، ظلم و فساد نسبت به کفر و شرک زودتر سبب هلاکت می‌شود درحالی‌که عذاب شرک در آخرت سخت تر است» (قرطبی، ۱۴۲۳، ص. ۱۱۴).

نمونه‌هایی از اقدامات عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم در ایجاد صلح

آنچه رسول الله صلی الله علیه و سلم خود با گروه مخالف عملاً وارد صلح شده و میان گروه‌های دیگری پروسه صلح را به‌پیش برده شامل صلح گروهی می‌شود که علاوه بر آن میان افراد نیز که باهم خصومت و مشکلات داشته‌اند صلح را به میان آورده است که در ذیل به ذکر نمونه‌های هریکی می‌پردازیم:

صلح گروهی

ایجاد صلح میان مسلمانان و مشرکین مکه: رسول الله صلی الله علیه و سلم اولین و بزرگ‌ترین صلح را با بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان (مشرکین قریش) انجام داد که از جنگ و خشونت جلوگیری شد. مشرکین به‌زعم خود ایشان به موفقیت دست یافتند که بعد از مدتی هدف اساسی مسلمانان نیز برآورده شد، چنانچه از آن در قرآن کریم بنام فتح مبین یادشده: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» ما برای تو فتح آشکار را فراهم ساخته‌ایم (سورة الفتح: ۱).

صلح حدیبیه در سال ششم هجری ماه ذوالقعدة منعقد گردید: براء بن عازب رضی الله عنه روایت نموده: «اعتمر النبی صلی الله علیه و سلم فی ذی القعدة فأبی أهل مكة أن یدعوه یدخل مكة حتی قاضاهم» رسول الله صلی الله علیه و سلم در ماه ذوالقعدة قصد عمره نمود، اما مردم مکه از ورودش به مکه، جلوگیری کردند تا آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم با آن‌ها معاهده‌ای را امضا نمود (بخاری، ۱۴۰۷، ص. ۹۶۰).

عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما روایت نموده: «أن رسول الله صلی الله علیه و سلم خرج معتمرا فحال كفار قریش بینة و بین البيت فنحردهیه و حلق رأسه بالحدیبیة وقاضاهم علی أن یعتمر العام المقبل» رسول الله صلی الله علیه و سلم به قصد عمره حرکت نمود اما مشرکین قریش مانع ورود ایشان به مکه شدند، بنا بر آن قربانی خود را در حدیبیه ذبح نموده سرخود را حلق نموده و فیصله نمودند تا سال آینده عمره را اداء نمایند (بخاری، ۱۴۰۷، ص. ۹۶۱).

صلح حدیبیه یک فرصت مناسب و ابتکار بزرگ و بجا بود که پیامدهای بزرگ و باارزشی را برای مسلمانان در پی داشت، اگرچه در ابتدا عده‌ای از مسلمانان به آن راضی نبودند، اما بنا بر تصمیم رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را پذیرفتند، اما بعدها مزایا و ارزش‌های آن را پی بردند که شاخ‌های پرثمر آن منجر به فتوحات بزرگ و فتح مکه گردید، چنانچه مهلب ابن ابی صُفْرَه می‌گوید: «در فتح مکه دروازه‌های مکه فتح شد، اما قلب‌های مشرکین در صلح حدیبیه فتح گردیده بود». عبدالله بن مسعود می‌گوید: «إنکم تعدون الفتح فتح مكة ونحن نعد الفتح صلح الحدیبیة» شما فتح مکه را فتح حساب می‌کنید در حالی که ما صلح حدیبیه را فتح مکه حساب می‌کنیم (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ص. ۳۲۵).

آنچه ظاهراً شبهه‌ای در مورد صلح متصور بود به‌مرور زمان فواید زیاد را به ارمغان آورد اول اینکه: فرصت مبارزه در مدت چندین سال در برابر سایر دشمنان اسلام و عدم تشویش و تهدید از طرف قریش همچنان قبل از آن مشرکین و هیچ گروهی مسلمانان را به رسمیت نشناخته و هیچ جایگاهی قائل نبودند، اما بعد از صلح یک طرف و جناح مستقل و مطرح حساب می‌شدند. در مورد اینکه شخصی که ایمان آورده باشد مهم نیست که وی در کجا ساکن باشد در مکه و یا مدینه، اما مسلمان هیچ‌گاه دوباره به کفر بر نمی‌گردد و اگر شخصی کافر شود نسبت به اقامت وی به دار اسلام برگشتش به دار کفر به مسلمانان ضرر کمتری دارد در حالی که چنین مثالی وجود نداشت و اگر احیاناً وجود داشت به نیست حساب بود.

موضوع عدم ذکر رسول الله صلی الله علیه و سلم در فیصله نامه بود هیچ ضرری به رسالت آن حضرت نداشت؛ زیرا رسالت یک امر الهی بوده و بنا بر معجزات و شواهد زیادی مشرکین آن را پذیرفته بودند.

مصالحه میان قبایل اوس و خزرج: اوس و خزرج دو قبیله‌ای بزرگ ساکن مدینه بودند که قبل از اسلام در منطقه‌ای بنام بعاث باهم جنگ بزرگی را سپری نموده بودند که تعداد زیادی به قتل رسیده بود، بعد از اسلام تعدادی از هردو قبیله باهم نشستند از دشمنی‌ها و گذشته‌های ناخوشایند و نعمت اسلام قصه داشتند، شأس بن قیس از بزرگان یهود از آنجا عبور می‌کرد که با دیدن مجلس مملو از محبت آنان آتش حسدش شعله‌ور شد، جوان یهودی را گفت: نزد آنان رفته در مجلسشان از روز بعاث و دشمنی آنان یادآوری کن، جوان یهودی رفته اشعاری احساساتی و غم‌انگیز از روز بعاث سرود که اوس و خزرج در برابر هم قرار گرفته مسلح شده و از اطراف و اکناف طرف داران هریکی جمع شدند تا باهم به جنگ و مبارزه بپردازند، رسول الله صلی الله علیه و سلم از قضیه آگاه شده هر چه عاجل با تعداد مهاجرین آنجا رفته به آنان فرمود: «اللّٰه الله، ابدعوی الجاهلیة وأنا بین اظهركم» از الله بترسید در حالی که من در میان شما هستم شعار جاهلیت را سر می‌دهید! بعد از آن اوس و خزرج پی بردند که این دسیسه یهود بوده بعد از آن همدیگر را در آغوش گرفته پراکنده شدند (نیسابوری، ۱۴۱۱، ص. ۱۹۹).

صلح انفرادی

صلح انفرادی شامل آن اصلاحاتی می‌شود که دربرگیرنده اشخاص و افراد است نه گروه‌ها، ضمن آنکه صلح انفرادی به نسبت صلح اجتماعی مهم و تأثیرگذار نمی‌باشد، اما بنا بر ماهیت آن که ترک خصومت و اختلاف است مهم می‌باشد.

ایجاد صلح در قرض: قرض دادن در شریعت اسلامی دارای اجر و پاداشی است که الله متعال برای دین وعده فرموده، اما احياناً بنا بر مجبوریّت و یا تساهل بعضی مردمان در تأدیه قرض کوتاهی صورت می‌گیرد که سبب نارضایتی دین شده و احياناً سبب جنگ و خشونت می‌شود که رسول الله صلی الله علیه و سلم چگونه به آن رسیدگی نموده است: از کعب ابن مالک رضی الله عنه روایت شده که گفت: «أنه تقاضی ابن اُبی حدرد دینا کان له علیه فی عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم فی المسجد فارتفعت أصواتهما حتی سمعها رسول الله صلی الله علیه و سلم وهو فی بیت فخرج رسول الله صلی الله علیه و سلم إليهما حتی کشف سجف حجرته فنادی کعب بن مالک فقال: یا کعب، فقال لبيك يا رسول الله فأشار بيده أن ضع الشطر» فقال كعب قد فعلت يا رسول الله فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم «قم فاقضه» قرضی نزد ابن اُبی حدرد داشتم و در مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را از او مطالبه نمودم، صدای ما به نحوی بلند شد که رسول الله صلی الله علیه و سلم در منزل خود آن را شنید و به سوی ما آمد تا آنکه پرده حجره خود را کنار کشید، با صدای بلند گفت: ای کعب! گفتم: لبيك يا رسول الله! فرمود: مقداری از طلبت را کم کن، اشاره کرد تا نصف آن را کم کنم، گفتم: ای رسول الله! اطاعت می‌کنم، نصفش را کم کردم، رسول الله صلی الله علیه و سلم «به ابن اُبی حدرد» گفت: توهم بلند شو بقیه قرض را به او بپرداز (بخاری، ۱۴۰۷، ص. ۴۰۶۷).

ایجاد صلح میان زن و شوهر: در زندگی خانوادگی احياناً مشکلاتی رونما می‌شود؛ زیرا انسان‌ها دارای سلیقه‌ها و تمایلات مختلف بوده که در صورت عدم توجه و ارزش قائل نشدن به جانب مقابل مشکلات بروز نموده سبب اختلاف جدی می‌شود، اما انسان‌ها مکلف‌اند تا حد امکان جلو فساد در خانواده را گرفته و زندگی خانوادگی از بین نرود.

از عایشه رضی الله عنها روایت شده: «وإن امرأة خافت من بعلها نشوزاً أو إعراضاً». قالت «هو الرجل يري من امرأته ما لا يعجبه كبرا أو غيره فيريد فراقها فتقول أمسكني واقسم لي ما شئت قالت فلا بأس إذا تراضيا» هرگاه همسری دید که شوهرش سرپاز می‌زند و روی گردان است، بر هیچ‌یک از آن دو گناهی نیست این که میان خویشتن صلح و صفا راه بیندازند و صلح بهتر است. روایت است که فرمود: آن مردی است که از همسرش چیزی را می‌بیند مانند بزرگ‌سالی و غیره که برایش خوشایند نیست، پس به فراقش تصمیم می‌گیرد، همسرش می‌گوید: مرا نزدت نگهدار و برایم آنچه می‌خواهی بده، عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «در صورتی که هردو راضی شوند مشکلی وجود ندارد» (بخاری، ۱۴۰۷، ص. ۲۵۴۸).

ایجاد مصالحه در امور زراعت، آبیاری و شراکت: عبدالله بن زبیر رضی الله عنهما از زبیر رضی الله عنه روایت نموده: أنه خاصم رجلا من الأنصار قد شهد بدرا إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم في شراج من الحرة كانا يسقيان به كلاهما فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم للزبير «اسق يا زبير ثم أرسل إلى جارك». فغضب الأنصاري فقال يا رسول الله أن كان ابن عمك؟ فتلون وجه رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم قال: اسق ثم احبس حتى يبلغ الجدر فاستوعى رسول الله صلى الله عليه وسلم حينئذ حقه للزبيروكان رسول الله صلى الله عليه وسلم قبل ذلك أشار على الزبير برأى سعة له وللأنصاري فلما أحفظ الأنصاري رسول الله صلى الله عليه وسلم استوعى للزبير حقه في صريح الحكم قال عروة قال الزبير والله ما أحسب هذه الآية نزلت إلا في ذلك «فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم» (سورة النساء: ۶۵).

ترجمه: يك نفر از انصار با زبير رضی الله عنه برسر جوی آبی که در منطقه حَره بود و درخت‌های خرما را با آن آبیاری می‌کردند اختلاف پیدا کرد و محاکمه را به نزد رسول الله صلى الله عليه وسلم بردند، آن مرد انصاری به زبير می‌گفت: آب را آزاد کنید که از باغ شما رد شود «تا من باغ خود را با آن آبیاری کنم» زبير هم این کار را نمی‌کرد «و می‌خواست باغ خود را کاملاً آب دهد، آنگاه آب را آزاد سازد»، وقتی که محاکمه را پیش رسول الله صلى الله عليه وسلم بردند، رسول الله صلى الله عليه وسلم به

زبیر گفت: ای زبیر! باغت را آب بده، سپس آن را به‌سوی همسایه‌ات روانه کن، آن مرد انصاری عصبانی شد و گفت: چون زبیر پسر عمّه شما است به نفع او قضاوت کردی، رسول الله صلی الله علیه و سلم رنگش عوض شد و فرمود: ای زبیر! باغت را آب بده، سپس آب را در باغ نگهدار تا اینکه امواج آن به‌سوی دیوارهای اطراف برمی‌گردد، «ابتدا رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: در حدّ ضرورت باغت را آب بده، ولی وقتی که آن مرد انصاری او را ناراحت کرد فرمود: از حق واقعی خودت که جمع شدن آب در زیر درختان و برگشت موج آن به‌طرف دیوارهای باغ است استفاده کنی».

مصالحه با رئیس منافقین عبدالله بن ابی بن سلول: از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: قبیل للنبی صلی الله علیه و سلم لو أتیت عبد الله بن أبی فانطلق إلیه النبی صلی الله علیه و سلم و ركب حمارا فانطلق المسلمون یمشون معه وهی أرض سبخة فلما أتاه النبی صلی الله علیه و سلم قال إلیک عنی والله لقد آذانی تنن حمارک فقال رجل من الأنصار منهم والله لحمار رسول الله صلی الله علیه و سلم أطیب ریحاً منك فغضب لعبد الله رجل من قومه فشمته فغضب لكل واحد منهما أصحابه فكان بینهما ضرب بالجرید والأیدی والنعال فبلغنا أنها نزلت «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (سورة الحجرات: ۹). ترجمه: به رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند: کاش به نزد عبدالله بن ابی «منافق معروف» می‌رفتی «و از او دیدن می‌کردی» رسول الله صلی الله علیه و سلم سوار بر الاغی به‌سوی او رهسپار گردید وعده‌ای از مسلمانان او را همراهی کردند. راهی که رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن عبور می‌کرد شوره‌زار بود، هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم پیش عبدالله بن ابی آمد، عبدالله گفت: از من دور شو! به‌راستی بوی بد الاغت مرا اذیت می‌کند، یک نفر از انصار که با رسول الله صلی الله علیه و سلم بود، به عبدالله گفت: قسم به الله بوی الاغ رسول الله از بوی تو خوش‌تر است، یکی از نزدیکان عبدالله «که با رسول الله صلی الله علیه و سلم بود» به دفاع از عبدالله از مرد انصاری عصبانی شد و باهم درگیر شدند و هریک به دفاع از یکی از آن دو نفر برخاستند و میان آنان جنگ درگرفت با مشت و لگد و برگ درخت خرما به جان هم افتادند؛ که آیه مبارکه «و اگر دو گروه از مسلمانان باهم درگیرش‌اند میان آنان صلح نمایید» نازل گردیده است. رسول الله صلی الله علیه و سلم در اوایل هجرت نزد عبدالله رفت تا وی را به اسلام دعوت کند زیرا دعوت فرض بود و عبدالله رئیس قبیل و

شخص تأثیرگذار بود اما بناء بر حسد و تکبر وی جنگی میان عده‌ای رخ داد که رسول الله صلی الله علیه وسلم مانع شدت آن شده و مشکل حل گردید (عینی، ب ت، ۳۹۱).

این بود نمونه‌های از اقدامات عملی صلح که رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمانه‌های مختلف میان گروه‌ها و افراد مختلف وارد صلح و مصالحه گردیده و جلو قتال و نزاع‌ها را گرفته و دشمنی را به دوستی و محبت تبدیل نموده است.

نتیجه‌گیری

صلح رفع جنگ و دشمنی‌ها بوده که جهت ختم نزاع خشونت و جنگ به پیش گرفته می‌شود؛ زیرا جنگ، خشونت و ناامنی زیربناهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه را متزلزل می‌سازد تا آنکه جان، مال، آبرو و عزت و همه هستی به سبب آن به خطر و نابودی مواجه شده و برای زندگی مسالمت‌آمیز و رشد و انکشاف در هیچ عرصه‌ای برای یک ملت تضمینی وجود ندارد.

حکمت صلح دوری از حسد و کینه از قلب طرفین می‌باشد و بنا بر آیات متعدد قرآن کریم، احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل صحابه و سلف، صلح و مصالحه میان مسلمانان یک امر واجب بوده، اما صلح با دشمنان اسلام، با مراعات شروط و اقتضای اوضاع و مصلحت مسلمانان جایز است. رسول الله صلی الله علیه و سلم درصدد صلح و اصلاح میان همه و در همه سطوح جوامع بشری بوده، جهت به دست آوردن صلح اقدام جدی و عاجل مؤثریت زیاد دارد و نمونه‌های صلح گروهی و فردی را در بسا جاها از سیرت نبوی داریم، صلح از مسئولیت‌های اساسی و واجبات امیرمسلمانان می‌باشد. ایجاد صلح میان مسلمانان وظیفه هر مسلمان است، اقدامات و روش‌های اصلاحی رسول الله صلی الله علیه و سلم یک نقشه مفید و مؤثر در بخش صلح است، طرفین نزاع و اختلاف مکلف به اطاعت امیرمسلمانان می‌باشند، مصلحان مردمان باعزتی‌اند که در آخرت نیز برایشان اجر و پاداش عظیم وعده داده شده.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بطال، علی بن خلف (۱۴۲۳). شرح صحیح البخاری، الرياض: مكتبة الرشد.
- ابن راهويه، إسحاق بن إبراهيم (۱۴۱۲). مسند ابن راهويه؛ المدينة المنورة: مكتبة الإيمان.
- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر (۱۴۲۰). تفسير القرآن العظيم؛ بيروت: دار طيبة للنشر والتوزيع.
- التركي، عبدالله بن عبدالمحسن و مجموعة من العلماء (ب ت) التفسير الميسر، الرياض: مجمع الملك فهد للطباعة.
- السجستاني، سليمان بن الأشعث (۱۴۳۶). سنن أبي داود، بيروت: دارالكتب العربي.
- الشافعي، محمد بن ادريس (۱۴۰۰). احكام القرآن للشافعي، بيروت: دارالكتب العلمية.
- القرطبي، محمد بن أحمد شمس الدين (۱۴۲۳). الجامع لأحكام القرآن، بيروت: دار عالم الكتب.
- المرغيناني، علي بن ابي بكر (۱۳۹۸). الهداية في شرح بداية المبتدي؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- بخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله (۱۴۰۷). الجامع الصحيح المختصر، بيروت: دار ابن كثير.
- ترمذي، محمد بن عيسى (ب ت). سنن الترمذي؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي، تحقيق: أحمد محمد شاكر.
- دهخدا، علي اكبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا؛ تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عتيبي، سعود بن عبد العالي (۱۴۲۷). الموسوعة الجنائية الإسلامية، الرياض: مجموعة ملك فهد.
- عينى: محمود بن أحمد، بدر الدين (ب ت). عمدة القارى شرح صحيح البخارى؛ بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- قشيري، مسلم ابن الحجاج (۱۴۲۱)، صحيح مسلم، الرياض: دارالسلام للنشر والتوزيع.
- مباركفوري، الشيخ صفى الرحمن (۱۴۲۷ هـ). الرحيق المختوم؛ دمشق: دارالعصماء.
- القزويني الرازي، احمد بن فارس بن زكريا (۱۳۹۹ هـ). معجم مقاييس اللغة، بيروت: دار الفكر.
- مصطفى، إبراهيم وآخرون (ب ت). المعجم الوسيط، دمشق: دارالدعوة مجمع اللغة العربية.
- نيسابوري، محمد بن عبدالله الحاكم (۱۴۱۱). المستدرک على الصحيحين؛ بيروت: دار الكتب العلمية.

شر از دیدگاه اسلام

پوهنیار علی‌الهادی هدایتی^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی سید خلیل کوهی

چکیده

یکی از مسائل مهمی که همیشه ذهن انسان‌ها را مصروف نگه داشته و زمینه‌ساز مجادلات زیادی میان متدینان و ناباوران به دین گردیده است، مساله شر و رابطه آن با خداوند حکیم، قادر و خیرخواه است. پاسخ‌های دینی به مساله شرور و موضع‌گیری دین‌داران، فراز و نشیب‌های زیادی را سپری کرده و مخالفان و موافقان زیادی را با خود همراه کرده است. با پدید آمدن مرض مهلک و انسان‌برانداز «کرونا»، زلزله ویران‌گر ترکیه، سونامی‌ها و آتش‌سوزی‌های جدید، گرمایش بی‌رویه زمین، خشک‌سالی‌ها و ده‌ها مشکل نوظهور دیگر، بار دیگر مساله شر و رابطه آن با خداوند عادل، حکیم و خیرخواه را بیشتر از پیش مطرح ساخت. به وجود آمدن شرور جدید و به تبع آن پاسخ‌های کلامی به آن، همواره پیامدهای متضادی را به دنبال داشته و موجب بی‌ایمانی گروهی و استحکام ایمان گروه دیگر گردیده است. خداناباوران با طرح شبهه ناسازگاردانستن موجودیت شرور با خدای قادر، حکیم و خیرخواه در عالم، تلاش کرده‌اند تا وجود خداوند و یا حد اقل صفات قدرت، حکمت و خیرخواهی خداوند را به چالش بکشند. در مقابل خداناباوران، متدینان نیز پاسخ‌ها و راه‌حل‌های گوناگون و قابل تاملی در مقابل آن‌ها ارائه کرده‌اند. تحقیق حاضر تلاش کرده است تا نگاه تازه‌ای به پاسخ‌های دینی شبهات ناشی از شرور و پیامدهای آن در اندیشه دینی انسان‌ها داشته باشد.

کلمات کلیدی: صفات خداوند؛ شرور؛ قضاء و قدر الهی.

۱. استاد دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنهی شرعیات پوهنتون بامیان. ali.hadi200100@gmail.com

Evil from the perspective of Islam

Teacher assistant Ali Alhadi Hedyati

Abstract

One of the important issues that has always kept people's minds and thoughts busy and has become the basis for many disputes between believers and non-believers in religion is the issue of evil and its relationship with wise, able, and well-wishing Allah. Evil religious responses and religious people's stance on this issue have sprayed many ups and downs throughout history and brought many opponents and supporters with them. Proposing the theological problem of evil has always resulted in opposite consequences and caused the unbelief of one group and the strengthening of the faith of another group. The non-believers have tried to challenge the existence of God or at least the attributes of God's power, wisdom and benevolence by doubting that the existence of evil is incompatible with the all-powerful, wise and benevolent God in the world. On the other hand, religious people have come up with various solutions that can be considered. This research has tried to have a different look at the doubts related to the problem of evil and its answers.

Keywords: Attributes of Almighty Allah, Evils, Divi Predestination.

مقدمه

مساله شر، زمینه درگیری و تقابل دیدگاه‌های متعارض را فراهم ساخته است. در کش و قوس همین تقابل‌ها و درگیری‌های فکری، دیدگاه‌های نوین و مهم دینی و علمی نیز پدید آمده و راه‌گشایی‌های زیادی را ارزانی داشته‌اند. زیرا شرور و بلاپای که انسان‌ها را در طول تاریخ متاثر ساخته‌اند؛ همواره مایه بحث و مشاجره میان مؤمنان به خداوند حکیم و خیرخواه و منکران آن گردیده‌اند. خدا ناباوران با طرح شبهه ناسازگاردانستن موجودیت شرور با خدای قادر، حکیم و خیرخواه در عالم، تلاش کرده‌اند تا وجود خداوند و یا حد اقل صفات قدرت، حکمت و خیرخواهی خداوند را به چالش بکشند. در مقابل باورمندان دینی موضع‌گیری‌های متفاوتی با این مساله داشته و پاسخ‌های گوناگونی برای آن‌ها ارائه کرده‌اند. برخی علما اصالت وجودی شرور را انکار کرده و موجودیت آن را ناشی از معدومیت خیرات دانسته‌اند. در حالی که برخی دیگر لازمه خلقت این دنیا را در توأمیت خیر و شر دانسته و بقاء هستی را در گرو تضاد این دو پدیده تعریف کرده‌اند. از دید این گروه، نمی‌توان جهان خالی از شرور را فرض کرد. برخی از متکلمان دیگر نیز موجودیت شرور را به رسمیت شناخته و وجود شر قلیل را برای جلب خیرکثیر تجویز نموده‌اند.

بر علاوه عدمی دانستن شر، برخی شرور را معلول اختیار آدمی و انتخاب نادرست شیوه زندگی و برخی دیگر معلول نقصان ماده موجود در عالم در پذیرش خیر مطلق دانسته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۵ ش: ۵۱) گروهی هم شرور را لازمه وجود خیرات و وسیله مهم شناخت خیر دانسته‌اند (سروش: ۱۳۸۷ ش: ۶۱). برخی شرور نیز نتیجه تفرعن و تکبر انسان‌ها و وقوع آن عامل مهم ابتلا و آزمایش انسان‌ها و مشخص ساختن میزان خلوص آنان قلمداد گردیده‌اند. به نظر می‌رسد ساده‌ترین راه حل مساله شرور در عالم هستی، تکیه بر توحید و وحدت فاعل شرور است. طبق این دیدگاه جهان یک واحد تجزیه ناپذیر است که پدیده‌های آن با یک‌دیگر رابطه لاینفک تکوینی و حقیقی دارند. این گروه معتقدند که برای شرور، حکمت‌ها و مصالحی نهفته‌اند که چشم‌های ظاهربین و افکار سطحی‌نگر از درک آن عاجزند (سبزواری، ۱۳۸۱ ش: ۴۴). هیچ نیروی موثری در عالم وجود ندارد که خارج از مشیت، علم و عنایت خداوند باشد. یعنی تقسیم افعال به افعال خدا و افعال غیر

خدا تقسیمی درستی نیست؛ زیرا ریشه همه افعال و آثار از ناحیه خداوند بوده و این افعال از مجرای اسبابی که توسط خود خداوند خلق شده اند اجرا می گردند.

شُرور و اقسام آن

شُرور به دو دسته اخلاقی و طبیعی تقسیم می گردند که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرند:

الف: شُرور اخلاقی و عوامل پیدایش آن ها

شر اخلاقی شری است که ناشی از عمل کرد و دخالت خود انسان ها باشد و عامل طبیعی و غیر انسانی در آن دخیل نباشد مانند برخی از امراض ساری ساخته شده در آزمایشگاه- های انسانی، جنگ ها، فقر و مشکلات دیگری از این قبیل که منشاء انسانی داشته باشند. در مورد شُرور اخلاقی باید گفت که بسیاری از مشکلات و شُروری که دامن گیر انسان ها می گردند از ناحیه خود انسان ها بوده و ضعف آن ها را باید در عدم جذب اسباب و وسایل درست زندگی و یا عدم استفاده درست آن ها جستجو کرد. در مواردی افراد متاثر از مشکلات و ناهنجاری های ناشی از عمل کرد سوء خود و یا هم قربانی سیاست های نادرست انسان های دیگر می گردند. زیرا افرادی که به هر دلیلی نتوانسته اند از امکانات معیاری و رفاهی مطلوبی برخوردار گردند، در برابر آفات فقر و پیامدهای شوم آن مقاوم نیستند. در مقابل اگر انسانی به اثر برخورداری از ثروت کافی، تغذیه سالمی داشته و از تعلیم و تربیه معیاری برخوردار باشد و بتواند خانه های مستحکم و مقاومی در برابر آفات طبیعی ساخته و از وسایل و امکانات لازم رفاهی برخوردار باشد، جلو بسیاری از پیامدهای آفات و رنج های او گرفته می شود. زیرا قانون طبیعت به صورت عام بالای همه یکسان تطبیق می گردد و به اساس قانون طبیعی هر جایی که خلاء موجود باشد همان جا از آسیب پذیری بیشتری رنج می برد. بسیاری از شُرور طبیعی را می توان با مدیریت نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه مدیریت کرد. در یک جامعه طبقاتی که یک گروه از سیری بترکند و گروه دیگر با گرسنگی و قحطی دست و پنجه نرم کنند، نباید توقع داشت که رنج آدمیان کم گردد.

خداوند در قرآن کریم نقش خود انسان‌ها در سعادت و یا هم بدبختی خودشان را به صراحت بیان کرده است: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ كَذَابٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبَرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (الانفال: ۵۰-۵۲)؛ این به خاطر آن (رفتاریست) که به دست خود پیش فرستادید، که خدا ستمگر بر بندگان نمی‌باشد. مانند شیوه خاندان فرعون و آنان که پیش از ایشان بودند به آیات خدا کفر ورزیدند، پس خدا به گناهان شان بگرفت که خدا نیرومندی است شدیدالعقاب. این آیات و آیات دیگر قرآن کریم انسان‌ها را مسئول اعمال شان قلمداد کرده و انتخاب شان را در چگونگی مدیریت زندگی و نیک‌فرجامی و بدفرجامی آن‌ها مؤثر دانسته است. این به خاطر آن است که خداوند، تغییردهنده نعمتی که به قومی ارزانی داشته نیست تا آن‌که خود ایشان تغییر دهند آن‌چه را که در خودشان است (با علم به اینکه) خدا شنوای دانا است.

ب: ضرور طبیعی و علل پیدایش آن‌ها

ضرور طبیعی ضروری اند که جنبه طبیعی داشته و دخالت انسانی در ایجاد و گسترش آن دخالت نداشته‌باشد مانند زلزله‌های ویرانگر، آتش‌سوزی‌ها، طوفان‌ها و نمونه‌های دیگری از این گونه موارد. یکی از شبه‌های که همیشه در میان عوام جامعه مطرح می‌شود این است که چرا همیشه سنگ به پای لنگ است؟ چرا زلزله، طاعون و دیگر امراض واگیر مردمان ضعیف را بیشتر متاثر می‌سازد؟

باید گفت که هرچند حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، سونامی و طاعون که از چشم ما شر به نظر می‌رسد؛ ولی اگر با نگاه فرابشری به موضوع نگریسته شود، این امور سراسر طبیعی و خیرند. چرا که تنازع بقاء در طبیعت موجب رشد و کمال عناصر طبیعی گردیده و زمینه برکات فراوان دیگر را فراهم می‌سازند (مطهری، ۱۳۷۲: ش: ۲۱۴). گفته‌اند که آب دهان انسان که شیرین و منبع مهم تداوم حیات انسان است، اما برای مار زهر کشنده و مایه شر مهلک است. از آن طرف هم آب دهن مار برای او مایه حیات اما برای انسان زهر

کشنده است (آملی، ۱۳۸۱ ش: ۵۶). چنان که دریدن گوسفند توسط گرگ، از چشم گوسفند شر، ولی از چشم گرگ، عین خیر و برکت است. از طرفی هم اگر گرگ را از جنگل‌ها حذف کنیم، آهوان آن قدر زیاد می‌شوند که هر جوانه و حتی پوست درختان را می‌خورند باعث نابودی و انقراض سبزه‌ها و جنگلات می‌گردند. متأسفانه به اثر دخالت‌های بی‌رویه بشر در منابع طبیعی، تعادلی را که میلیاردها سال در میان گیاهان و حیوانات بود متاثر ساخته و باعث انقراض هزاران نوع گیاه و حیوان گردیده است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷ ش: ۲۰۹).

در عین حال توقع نداشته باشیم که خداوند مانند انسان‌ها تحت تاثیر عواطف و احساسات قرار می‌گیرد. ما از هیچ لحاظی نمی‌توانیم خداوند را با انسان‌ها قیاس کنیم. خداوند حکیم، با در نظر داشت مصالح و عواقب همه امور به خلق آن‌ها می‌پردازد. پشت-پرده غیوب و اسرار خلقت برای انسان‌ها مکتوم است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶ ش / ۸: ۱۳۷-۱۳۹). از این جهت انسان‌ها مانند طفلی است که به نسبت درک ناصحیح عواقب و مصالح کارهای پدرش، در مقابل او موضع انتقادی گرفته و آن‌ها را محکوم می‌کند اما با زیاد شدن دانش و تجربه اش به تدریج استواری و استحکام کارهای پدرش را درک می‌کند. البته افرادی هستند مانند جان هیک که اعمال انسانی را با شرور و بلایای طبیعی و انسانی مرتبط ندانسته و از پیامدهای اعمال انسانی محسوب نمی‌کند. جان هیک در مورد نیک‌خواهی و شفقت ذاتی خداوند نسبت به انسان‌ها می‌گوید: «عشق فراگیر خداوند نسبت به انسان‌ها ریشه در ویژگی‌ها و تقوای آن‌ها ندارد بلکه این عشق و دوست داشتن در ذات خداوند است» (جان هیک، ۱۳۸۴، ص ۲۸).

رابطه قدرت و خیرخواهی خداوند با شرور

یکی از شبهات مهمی که در مورد شرور مطرح است، رابطه شرور با صفات قدرت و خیرخواهی خداوند می‌باشد. طرف‌داران این شبهه مدعای شان را در قالب مقدمات منطقی این گونه مطرح کرده‌اند:

مقدمه اول: خداوند قادر مطلق و خیرخواه مخلوقات است و برای توانایی و خیرخواهی او نباید هیچ حد و مانعی وجود داشته باشد.

مقدمه دوم: خیر، نقطه مقابل شر بوده و قدرت مطلقه و خیرخواه بودن خداوند ایجاب می‌کند تا شر را از میان بر دارد.

نتیجه: لازمه دو مقدمه مذکور این است که اگر خداوند هم خیرخواه محض باشد و هم قادر مطلق، باید شر را به کلی از بین ببرد. اما مشاهده می‌کنیم که شر در عالم وجود دارد. از این جهت دو قضیه متناقض «خداوند قادر مطلق و خیرخواه است» و «شر وجود دارد» با هم قابل جمع نیستند.

پاسخ

برای این شبهه چند پاسخ شده است:

اولا: علما معتقدند که منشاء این شبهه نادیده گرفتن یک اصل عقلی و فطری است. آن اصل این است که «امر محال از قلمرو قدرت بیرون است» زیرا خلق عالم ماده بدون شرور، بدلیل عدم قابلیت ماده در جذب خیر مطلق و ضرورت تضاد بین عناصر برای تکامل آن‌ها، یک امر محال عقلی و امکانی است. بحث در باره قدرت و عجز خالق و خیرخواه یا شریر بودن او به تبع این است که مخلوق، ذاتا و وقوعا امر ممکنی باشد و امتناع ذاتی یا وقوعی در آن متصور نباشد، زیرا در غیر این صورت، مشکل در جانب قابل است نه فاعل. اگر این اصل عقلی را نادیده بگیریم این شبهه به باب شر محدود نمی‌ماند و صفت قدرت مطلقه الهی و رابطه آن به همه مواردی که امتناع صادق است مانند اجتماع یا ارتفاع نقیضین، چهارضلع داشتن دایره مطرح خواهد شد (ربانی گلیپاگانی، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

ثانیا: از آنجایی که بسیاری انسان‌ها درک درستی از مصالح واقعی خود ندارند؛ خداوند حکیم نیز نسبت به خود انسان مصالح واقعی او بهتر و بیشتر مد نظر داشته و از این جهت همیشه تامین همه مطالبات انسان‌ها را به صلاح او نمی‌داند. مثلا هر والدینی درک می‌کند که تامین همه مطالبات طفل به مصلحت آن طفل نیست. از طرفی هم نباید امور الهی

را نیز با امور انسانی قیاس کرده و همه هستی و نظام حاکم در آن را از عینک انسانی دید؛ زیرا درک و فهم علل و عوامل همه امور عالم از ناحیه انسان ممکن نبوده و قضاوت او در مورد پدیده‌های هستی دقیق نیست (محمدبن عبد الوهاب، ۱۴۲۰ه: ۳۴). اگر ما نگاه خود را به مسائل عوض کنیم، خواهیم دید که همان نامالیقات و مصایبی که هر از گاهی دامنگیر انسان‌ها می‌گردند؛ زمینه‌ساز فرصت‌ها و برکات جدیدی نیز می‌گردند. مثلاً از فواید کرونا این بود که زمینه رشد علمی بشر گردید. فایده دیگر آن نشان دادن عجز و ناتوانی انسان و متواضع ساختن آنان در به رسمیت‌شناختن نیروهایی است که خارج از محدوده قدرت بشر بوده و باعث در ماندگی انسان‌ها می‌گردند.

ثالثاً: از طرفی هم باید متوجه بود که خداوند نیاز ندارد که حکمت‌ها و علل همه امور هستی را برای بندگان واضح سازد. ماهیت بنده بودن بنده ایجاب می‌کند تا در مقابل معبود خویش تعلل و چون و چرا به خرج نداده و ایمان محکم به حکمت الهی و استواری کار او داشته باشد (سبحانی، ۱۳۸۵ ش: ۵۱). چنان‌چه در حدیثی این مساله به خوبی اشاره شده است: «عن ابن الدَّیلمی، قال: أتیتُ أبی بن کعب فقلت له: وقع فی نفسی شیء من القَدْرِ، فحدَّثنی بشیءٍ لعلَّ الله عَزَّ وَجَلَّ أن یدهبه من قلبی، قال: لو أنَّ الله عدَّبَ أهل سماواته وأهل أرضه، عدَّبهم وهو غیرُ ظالم لهم، ولو رَحَمهم، کانت رحمته خیراً لهم من أعمالهم، ولو أنفقت مثل أحدٍ ذهباً فی سبیل الله ما قبله الله منك حتی تؤمن بالقَدْرِ، وتعلم أن ما أصابک لم یکن لیخطئک، وأنَّ ما أخطاک لم یکن لیصیبک، ولو مُتَّ علی غیر هذا لدخلت النار» (سنن ابن‌ماجه، ۱۴۳۰ه / ۱: ۵۵).

ابن دیلمی گوید: «به نزد ابی ابن کعب (رض) رفتم و به او گفتم: در باره قضا و قدر الهی در دلم شک‌های ایجاد شده است. حال شما مرا به چیزی رهنمون سازید تا بر اساس آن خداوند این تردیدها را از دلم دور گرداند. ابی بن کعب (رض) گفت: «اگر خداوند تمام موجودات و مخلوقات آسمانی و زمینی را به عذاب و عقاب خویش گرفتار کند، در این کارش ظالم و ستم پیشه نخواهد بود. و نیز بدان اگر تمام آن‌ها را در زیر چتر رحمت و لطف خویش قرار دهد این نیز از فضل و کرم الهی است، چرا که لطف او از اعمال بندگان، برای

آن‌ها بهتر خواهد بود. نیز بدان! اگر در راه خدا به اندازه‌ی کوه اُحد طلا انفاق کنی، مورد قبول خداوند قرار نخواهد گرفت تا وقتی که به تقدیر و سرنوشت مکتوب ازلی، ایمان بیاوری و معتقد باشی که آن‌چه به تو رسیده و برایت پیش آمده، خطایی در آن نیست و آن‌چه از تو خطا رفته است، به تو نخواهد رسید و همه بر اساس تقدیر و مکتوب ازلی است. اگر تو بر خلاف چیزی که گفته شد، عقیده داشته باشی و در همان حال بمیری، راهی دوزخ خواهی شد». حدیث فوق صراحت دارد که اعمال و کردار انسان، بدون ایمان به قضا و قدر الهی ارزش و جایگاهی در پیشگاه خداوند نخواهد داشت و هیچ عملی بدون ایمان به قضا و قدر الهی پذیرفته نخواهد شد.

رابعاً: دیگر این که انسان باید نگاه و بینش خود نسبت به صفت خیرخواهی و خیرخواه بودن خداوند را نیز تصحیح کند. انسان امروز به نسبت تیرگی که در روح و روان او پیدا شده است، درک درستی از مصالح واقعی خود را نداشته و منافع مادی خود را با مصالح واقعی خود خلط کرده است. تجارب تاریخی بشر نشان داده است که مطالبات انسان‌ها و حصول آن‌ها همیشه تامین مصالح او را بدنبال نداشته است. انسان مؤمن کسی است که قضاوت نابجا و تفسیر من‌درآوردی از خوب و بد زندگی خود نداشته باشد و اعتقاد راسخ به حکیمانه بودن امور زندگی داشته باشد و آن‌چه به او می‌رسد و آن‌چه به او نمی‌رسد را از ناحیه خداوند بدانند (حیدری، ۱۳۸۴ ش: ۱۱۰). زیرا کسی که به خدا و خیرخواهی خداوند به معنی واقعی کلمه باور داشته باشد؛ در برابر ناملائمات زندگی اعتراض نکرده و در مورد پیامدهای آن‌ها قضاوت عجولانه و نا آگاهانه به خرج نمی‌دهد. این نگاه باعث می‌گردد که همه شئون زندگی انسان مؤمن در معرض ایمان واقعی به خداوند قرار گرفته و از زندگی معنادار و رضایت‌بخشی توأم با طمأنینه و آرامش کامل درونی برخوردار گردد. روایتی دیگری صبر و عدم شکایت مؤمن در مصائب و بلاها را از نشانه‌های استحکام ایمان و موجب افزایش درجه انسان دانسته و فرموده است: *عن عبدالرحمن بن ابی لیلی عن صهیب قال قال رسول الله (ص): «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ، إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ»*

(صحیح مسلم، بی تا/ ۴: ۶۴)؛ عبدالرحمن بن ابی لیلی از صهیب و ایشان از پیامبر خدا (ص) روایت کرده که فرمود: شگفتا (از حکم خداوند) درباره کار مؤمن، که همه کارهای او خیر است و این، برای کسی جز مؤمن نیست. اگر ناز و نعمت نصیبش گردد، سپاس می‌گزارد که برای او خیر است، و اگر سختی گریبان‌گیرش شود، شکیبایی می‌ورزد، که باز هم برای او خیر است.

حدیث دیگری با مضمون متفاوت‌تری در همین موضوع را امام احمد بن حنبل (ره) نقل کرده است: «عن عمر بن سعد عن أبيه قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: «عجبتُ من قضاء الله عز وجل للمؤمن، إن أصابه خير حمد ربّه وشكر، وإن أصابته مصيبة حمد ربّه وصبر، المؤمن يؤجر في كل شيء، حتى في اللقمة يرفعها إلى في امرأته» (مسند احمد بن حنبل، ۱۴۱۶ هـ / ۲: ۲۳۱)؛ عمر بن سعد از پدرش نقل کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شگفتا از قضاء الهی برای مسلمان که برای او در هر چیزی خیر است. اگر آسایش دامنگیرش شود، ستایش خداوند را گفته و سپاس می‌گزارد و اگر سختی و مصیبتی گریبان‌گیرش گردد، باز هم حمد خداوند را گفته و صبر می‌ورزد. مؤمن در هر امری اجر داده می‌شود حتی برای لقمه‌ای که او برای همسرش بر می‌دارد».

راه‌حل‌های دیگر شرور

متکلمان مسلمان علاوه بر پاسخ‌های قبلی برای حل شبهه شرور و رابطه آن با خداوند قادر، حکیم و خیرخواه، راه‌حل‌های دیگری را نیز ارائه کرده‌اند که ذیلاً بیان می‌گردند:

۱. مخلوق بودن خیر و شر

مشهورترین دیدگاه اکثر فیلسوفان و برخی متکلمان اسلامی درباره شرور، عدمی دانستن آن است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که شرور در واقع و نفس‌الامر شرور نیستند و شرور می‌نمایند. مثلاً اگر سرما جوانه‌ها را از بین می‌برد، سرما شر نیست و از بین رفتن سبزه شر است در حالی‌که از بین رفتن از جنس عدم است (سروش، ۱۳۸۷ ش: ۵۸). این دیدگاه در یونان قدیم و در زمان ارسطو نیز مطرح بود. یونانی‌ها برای توجیه نا بسامانی‌های

عالم معتقد بودند که تمام موجودات جنبه خیریت محض داشته و چیزی به نام شر، وجود ذاتی و اصلی ندارد. برخی از بزرگان مسلمان نیز از این دیدگاه دفاع کرده‌اند. ابن سینا به صراحت شرور را عدمی دانسته و آن را مقصود اصلی خلقت ندانسته و می‌نویسد: «ما معتقدیم شروری که در عالم واقع می‌گردند در واقع امر عدمی و غیر مقصود بوده و خیرات مقصود اصلی‌اند» (ابن سینا، ۵۱۴۰۰: ۲۴۱). خواجه نصیرالدین طوسی نیز در مورد مبدا خیر و شر می‌نویسد: «همچنانکه نیافتن وجود عدم است و نیافتن توانگری درویشی است و نیافتن روز شب است و نیافتن خیر شر است. شر در ابداع وجود ندارد و خیر و شر را دو مبدأ نیست» (طوسی، ۱۳۶۳ ش: ۴۴). البته دیدگاه عدمی دانستن شرور، به منظور نفی ثنویت و دیدگاه مشرکانی بود که معتقد به دو خدای خیر و خدای شر بودند.

اما باید متوجه بود که خیر و شر، مخلوق خداوند اند. زیرا همه پدیده‌های عالم از محدوده خلق و تقدیر خداوند بیرون نیستند. هیچ امری در عالم واقع نمی‌گردد مگر این که خداوند متعال آن را خلق و تدبیر نماید و اگر خدای حکیم چیزی را نخواهد، هیچ پدیده‌ای اعم از خیر و شر تحقق نمی‌یابد. شکی نیست که خیر و شر حاصل مشیت الهی است. (محمد بن عبدالوهاب، ۵۱۴۲۰: ۳۴). اگر قائل شویم که شر، علی‌رغم اراده خداوند پدید آید، مایه پدید آمدن صفت ضعف در او می‌گردد. از این جهت باید قائل گردیم که خداوند جز عمل عادلانه کاری انجام نمی‌دهد و در نهایت امر می‌توان گفت که در ایجاد شر حکمتی است که ما از فهم حقیقت و مصلحت آن عاجز و جاهلیم (حلبی، ۱۳۷۶ ش: ۹۶). مشکل عمده دیگر این که عدمی دانستن شرور با برخی از آیات قرآن کریم که موجودیت شر را به رسمیت شناخته نیز قابل جمع نیست. قرآن کریم صریحاً خلقت همه موجودات و از جمله شرور و زشتی‌ها را به خدا نسبت می‌دهد، چنان چه می‌فرماید: «وَإِنْ تُصِبُّهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ لَئِنْ أُتُوا بِالْقَوْمِ لَا يُكَادُّونَ يُفْقَهُونَ حَدِيثًا» (النساء: ۸۷). در جایی دیگر قرآن کریم به صراحت خلقت شر را به خداوند نسبت داده است: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (فلق: ۱-۲). پس چگونه می‌توان خداوند را منشاء همه چیز و همه افعال دانست اما در عین حال

دامن او را از درد و رنج انسان‌ها پیراست و ساحت او را از سیل و طوفان و زلزله و کرونا و ...
میرا شمرد.؟

مشکل دیگر این‌که موجودات شریر و انسان‌های شرور، جنبه عدمی نداشته و در عالم وجود دارند. از طرفی هم عدمی دانستن شرور، پاسخ برای چالش‌های عقیدتی ناشی از پیامدهای ویرانگر شرور مانند کرونا، زلزله ترکیه و مشکلات دیگری که آثار محسوس و ویرانگری را به جا می‌گذارند، قانع کننده به نظر نمی‌رسد و بیش از آن که آن را جوابی بدانیم، پاک کردن اصل صورت مسأله است. زیرا عدمی دانستن، هم به لحاظ آثاری که به جا می‌گذارد و هم با علت‌العلل و مسبب‌الاسباب دانستن خداوند در تضاد است. زیرا خداوندی که در قرآن کریم معرفی می‌شود در قبال شرور بی‌مسئولیت نبوده بلکه همه‌کاره هستی و «حکیم مطلق» است. هرچند ممکن است ما اسرار و حکمت‌های بسیاری از امور الهی را درک نکنیم اما عدم درک ما هیچ گاه دلیل بر نارسایی و ناصحیح بودن واقع نیست.

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) نیز خالق خیر و شر را خداوند حکیم دانسته و انحصار خالقیت خداوند در خیرات را نکوهش کرده است: «عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «يَكُونُ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَبِالْقُرْآنِ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ كَمَا كَفَرَتِ الْيَهُودُ، وَالنَّصَارَى»، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ ذَلِكَ؟، قَالَ: «يَقْرُونَ بِنَعْصِ الْقَدْرِ وَيَكْفُرُونَ بِنَعْصِهِ» قَالَ: قُلْتُ: ثُمَّ مَا يَقُولُونَ؟ قَالَ: "يَقُولُونَ: الْخَيْرُ مِنَ اللَّهِ وَالشَّرُّ مِنْ إِبْلِيسَ، فَيَقْرُونَ عَلَى ذَلِكَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَكْفُرُونَ بِالْقُرْآنِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَالْمَعْرِفَةِ، فَمَا يَلْقَى أُمَّتِي مِنْهُمْ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ وَالْجِدَالِ أَوْلَيْكَ زَنَادِقَةٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِي زَمَانِهِمْ» (طبرانی، ۱۹۹۴م/ ۴: ۲۴۵)؛ رافع بن خدیج روایت می‌کند که از پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: «همان طور که یهود و نصارا کفر ورزیدند، گروهی از امت من هم به خدا و قرآن کفر می‌ورزند، در حالی که خودشان نمی‌فهمند». گفتم: ای پیامبر خدا! فدایت کردم! چگونه؟ فرمود: «به بخشی از قدر اعتراف دارند؛ ولی به بخشی از آن کافرند». گفتم: سپس چه می‌گویند؟ فرمود: «می‌گویند: خیر، از جانب خدا و شر، از جانب ابلیس است و کتاب خدا را هم بر این اساس قرائت می‌کنند و به قرآن، پس از ایمان و شناخت، کفر می‌ورزند. امت من، چه دشمنی و کینه و کشمکش از آنان می‌بیند! آنان، زندیقان امت من در زمان خودشان هستند.

۲. **شُرور، محصول سرکشی و طغیان انسان:** برخی از شرور؛ محصول طغیان خود انسان‌ها و وسیله تنبیه آن‌ها قلمداد شده‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَّوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (الشوری: ۲۷)؛ اگر خدا رزق را برای همه بندگان فراخ می‌کرد در زمین طغیان می‌کردند، و لیکن هر چه را بخواهد به اندازه نازل می‌کند، چون او از وضع بندگان با خبر و بینا است. در مورد دیگر می‌فرماید: «ان الله لا يظلم الناس شيئا و لكن الناس انفسهم يظلمون» (یونس: ۴۴)؛ خداوند بر مردمان هیچ ظلمی روا نمی‌دارد، این مردمان که برای خود شان ظلم می‌کنند.

جدا از این که عامل مشکلات انسانی را خداوند یا خود انسان‌ها بدانیم؛ فهم این نکته ضروری است که مشکلات و رنج‌ها انسان را در آغوش خود پرورش می‌دهد. قسمتی از حوادث ناخوشایند زندگی انسان، وظیفه زدودن غرور انسانی و از بین بردن غفلت و خواب‌بردگی را به عهده دارند. رانندگان باتجربه از راه‌های صاف و هموار شکایت دارند و این جاده‌ها را خطرناک توصیف می‌کنند. چرا که یک‌نواختی این جاده‌ها باعث خواب‌آلودگی آن‌ها گردیده و خطر انحراف و یا تصادف را بیشتر می‌سازد (شیرازی، ۱۳۸۷ ش: ۹۷)؛ بسیاری از ملت‌های شکست خورده شکست شان مهم‌ترین عامل تحرک و پیروزی شان گردیدند. تقریباً همه نوابغ دنیا از قشر ضعیف برخاسته و با مشکلات و ناراحتی‌ها بزرگ شده‌اند. فرماندهان بزرگ آنانی‌اند که در میدان‌های نبرد سخت و طولانی به پختگی رسیده‌اند. اگر بیماری وجود نداشت، قدر سلامتی را کسی درک نمی‌کرد. زندگی یکنواخت، هر چند با بهترین وسایل و امکانات رفاهی هم باشد، خسته‌کننده و مرگبار است. تجربه ثابت کرده است که میزان ناراضی‌تبی از زندگی و خودکشی در جوامع مرفه بیشتر است.

۳. **شر، ناشی از آزادی انسان:** خداوند حکیم برخی آزادی‌های نسبی برای انسان عطا کرده است و می‌فرماید: «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم» (الرعد: ۱۱)؛ خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حال شان را تغییر دهند. این آیه نشان می‌دهد که برخی از شرور، ناشی از نتایج اعمال اختیاری خود انسان است. مثلاً ظلمی که از ناحیه یک ظالم متوجه مجموعه‌ای گردیده است، می‌توان با هماهنگی ظلم‌دیدگان، منشاء ظلم را از بین برد. هم‌چنین می‌توان برخی شرور را به

عواقب اعمال و گناهان انسان‌ها نیز نسبت داد. در قرآن کریم سرگذشت اقوام گذشته مثل عاد و ثمود را بیان کرده که به نسبت عملکرد بدشان سزاوار عقوبات شدیدی گردیدند.

۴. **وسيله آزمائش و تصفيه روح آدمی:** برخی از شرور و وظیفه تصفیه انسان‌ها خالص و محکم از انسان‌ها سسست و بی‌خاصیت را به عهده دارند. چنان‌چه خداوند می‌فرماید: «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون» (عنکبوت: ۲)؛ آیا گمان می‌کنند که همین‌که گفتند ایمان آوردیم رها می‌شوند و ما آن‌ها را امتحان نمی‌کنیم؟ خداوند در جای دیگری می‌فرماید: «و ما ارسلنا فی قریه من نبی الا اخذنا اهلها بالباساء و الضراء لعلهم یضرعون» (الاعراف: ۹۳)؛ و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر این‌که اهل آن را ناراحتی‌ها و تنگناها دچار ساختیم؛ شاید (به خود آیند) و تضرع کنند.

۵. **ناشی از جزئی‌نگری و تبیین تئوری نظام احسن:** خداوند از روی علم و حکمت خودش بهترین جهان ممکن را آفریده است که هر چیز در جای خودش مناسب و زیباست. ولی اگر انسانی به نسبت دانش اندک خود، درک درست و داوری صحیحی نسبت به جهان نداشته باشد مشکل خود اوست. مثلاً کسی از تمام ساختمان زیبا، اگر فقط چاه فاضلاب آن را مشاهده کرده و زیبایی‌های دیگر ساختمان را نبیند مشکل در دید و قضاوت اوست و این امر باعث زشتی ساختمان نمی‌گردد. مساله دیگر این‌که بعضی شرور، مقدمه خیرات بزرگی محسوب می‌گردند. مثلاً ممکن است برای فردی درس خواندن علی‌الظاهر شر و سخت باشد و او را به زحمت اندازد؛ ولی نتیجه و محصول آن که علم باشد خیر بزرگی است. یا سخن حق گفتن ممکن است تلخ باشد اما نتیجه شیرین خواهد داشت. همین‌طور همه چیزهایی که ما به ظاهر آن را شر می‌پنداریم، ممکن است در نهایت به خیر و نفع ما باشند. دلیل دیگر این‌گروه این است که خیر محض در عالم بدون شر قابل درک و فهم نبود؛ زیرا طبق اصل «تعرف الاشياء باضدادها» دستگاه فهم و ادراک بشر به گونه‌ای ساخته شده که تنها قادر است اشیائی را بشناسد که نقطه مقابل هم داشته باشند. مثلاً اگر ظلمتی وجود نداشت نور را درک نمی‌توانستیم و نمی‌فهمیدیم که همه‌ی چیزها را به

واسطه نور می بینیم. همین طور نور و ظلمت، حرکت و سکون، حدوث و قدم، فنا و بقا، صحت و مریضی، شادی و ناراحتی، خیر و شر، علم و جهل (مطهری، ۱۳۷۰ ش: ۲۵۰).

۶. شر لازمه جهان مادی: در مبحث مخلوق بودن شرور مطرح شد که شرور موجود در جهان مادی، لازمه این جهان بوده و خلقت جهان توأم با شر بهتر از عدم آن است. لازمه عالم مادی علاوه بر محدودیت وجودی آن، توأم با تزاحم و تضاد نیز هست و ممکن نیست که عالم ماده ای بدون تضاد و تزاحم آفریده شود، زیرا عالم ماده به نسبت محدودیت وجودی نمی تواند خیر محض را بپذیرد. مثلاً وجود آتش در مجموع خیر است اما گاهی جان آدمیان را هم می سوزاند و باعث رنج آنان می گردد. از طرفی هم نادیده گرفتن خیر کثیر عالم ماده به دلیل وجود شرور اندک، با فیض الهی منافات دارد؛ زیرا ترک خیر کثیر به دلیل شر قلیل، خود شر کثیر محسوب می گردد (سبحانی، ۱۳۸۵ ش: ۵۱).

۷. اصالت شر و عدمی بودن خیر: برخی ناباوران به دین مانند شوپنهاور، قائل به اصالت شر شده و آن را ناشی از فقدان شادی و لذت آدمی می شمارد. او در مقاله ای تحت عنوان «در باب آلام جهان» اصالت را به رنج و درد می دهد و لذت های زندگی را عمدتاً غیاب و نبود درد و رنج برمی شمارد. از نظر شوپنهاور زندگی بشر، هم چون آونگی میان رنج و کسالت در حرکت است (شوپنهاور، ۱۳۸۶ ش: ۵۱). این دیدگاه بر خلاف اصول بدیهی عقلی است. زیرا هر عاقلی درک می کند که اگر شرور بر خیرات غلبه داشت، بقا و دوام این جهان ناممکن و محال به نظر می رسید و ما شاهد این همه زیبایی ها و کمالات وجودی موجودات در هستی نبودیم.

فواید شرور

مشکلات و محدودیت های زندگی انسان را انسان تر ساخته و خود او را برای خودش بیشتر می شناساند. انسان ها تا وقتی که با مشکلات و ناملازمات زندگی مواجه نگردیده اند، لایه های پنهان شخصیت خود و استعداد های نهفته زندگی شان را متوجه نمی گردند. انسان در زندگی همیشه نیازمند تلنگرهای مداوم است. برخی این تلنگرها برای انسان جایگاه اصلی خود او را برایش معرفی می کند و تفرعن او را کم تر می سازد. رنج و مشکلات زندگی صیقل دهنده روح آدمیان است. شرط

کامیابی این است که توانایی و استعداد درس گرفتن از این ناملایمتی‌ها را داشته باشد و زیر آوار یاس و ناامیدی مدفون نگردد. چه انسان‌های بزرگی مانند غزالی که برای خودشان رنج خودساخته می‌ساختند و یا هم مانند ملاصدرای شیرازی از ناملایمات و سختی‌های زندگی به لاک خودشان رفتند و گوهرهای وجودشان را یافتند. چه خوب است که آدمی بتواند فارغ از هیاهوی زندگی و روزمرگی‌های زندگی زندگی کند و تا دلش بخواهد خود را در معرض تنهایی خودخواسته قرار داده و غنچه‌های وجودش را به شگوفایی برساند.

لایه‌های زندگی انسان بسیار پیچیده شده اند و بسیار کم‌اند افرادی که بتوانند به مدیریت خودخواسته ابعاد زندگی‌اش نائل گردند. تکنولوژی مدرن امروزی به همه زوایای زندگی مان نفوذ کرده است. نمی‌توان نادیده گرفت که فرآورده‌های تمدن جدید هر چند سهولت‌های بسیار بزرگی را در زندگی انسان به ارمغان آورده اند اما شکی هم نیست که تهدید بسیار جدی را نیز متوجه او ساخته است. چه تهدیدی بزرگ‌تر از این که انسان را از انسانیت او غافل ساخته است. کالاها و محصولات مدرن تبلیغاتی تمدن جدید، فرهنگ مصرف‌گرایی را ترویج ساخته و نظام زندگی انسان را زیر و زبر ساخته است. کارخانه‌های عظیم تکنولوژی مدرن عصر ما با استخدام نخبه‌ترین روان‌شناسان بزرگ دنیا، برای پرساختن همه لحظه‌لحظه‌ی زندگی و همه ابعاد و وجوه زندگی افراد و جوامع محصول تولید کرده‌اند، به گونه‌ای که با تبلیغات محصولاتشان فرصت یک لحظه تفکر و خلوت کردن انسان با خودش را از او گرفته است. بسیار کم‌اند افرادی که بتوانند در شرایط فعلی به مدیریت خودساخته زندگی‌شان نائل گردند و زندگی خود و خانواده‌های‌شان را از چنگال دیوان و رهنزان زندگی نجات دهند.

یکی از انتقادهای منتقدان مساله شر، تفاوت در خلقت و عدم برخورداري همه انسان‌ها از امکانات و وسایل رفاهی یکسان است. باید متوجه بود که فواید و برکات این تفاوت‌ها به مراتب بیشتر از یک‌نواختی انسان‌ها در برخورداري از امکانات زندگی است. زیرا اگر همه انسان‌ها مانند بوعلی سینا نبوغ می‌داشت؛ بسیاری از جوانب زندگی انسان‌ها معطل می‌ماند و به این پیمانانه تحول و پیشرفت به وجود نمی‌آمد (ترسلی، ۱۳۹۰، ش: ۱۲۳). از طرفی هم خلقت یکسان انسان‌ها باعث اختلالات زندگی عادی آنان می‌گردد و انسان‌ها خاطی از نیکوکار تفکیک نمی‌گردید. این تفاوت و

فقر که نمونه بارز شر است؛ در عین حال بهترین مربی انسان نیز می‌تواند باشد. زیرا فقر محرک انسان به سوی تلاش و فعالیت است. به همین جهت است که اکثراً اشخاص با کفایت و با کمال، از صنف فقرا بروز می‌کنند و اغلب فرزندان اغنیا از کمالات ظاهری و باطنی بی‌بهره‌اند. جهتش آن است که مربی فقر، مواظبت حال فرزندان اغنیا را نکرده است (ملاهادی سبزواری، ۱۳۸۱ ش: ۴۵).

نتیجه‌گیری

مساله شر از کهن‌ترین مسائل کلامی همواره محل مشاجره دین‌داران و ناباوران به دین بوده و نقش مهمی در تحکیم باورهای دینی و یاهم بی‌ایمانی گروه دیگر داشته است. تبیین درست مساله شر می‌تواند گره معرفتی مهمی را باز کرده و شبهات ایمان‌برانداز و ویران‌گر را پاسخ دهد. راه‌حل‌ها و پاسخ‌های گوناگونی برای شبهه ناسازگاری شرور با خداوند حکیم و خیرخواه ارائه شده‌اند. برخی اصالت و جودی شرور را انکار کرده و موجودیت آن را ناشی از معدومیت خیرات دانسته‌اند؛ در حالی که گروه دیگر موجودیت شرور را به رسمیت شناخته و وجود شر قلیل را برای جلب خیرکثیر تجویز نموده‌اند. برخی هم شرور را معلول اختیار آدمی و برخی دیگر معلول نقصان ماده عالم دانسته‌اند. برخی هم گفته‌اند که خیرات بدون شرور وجود پیدا نمی‌کنند و شرور، لازمه وجود خیرات و یا مقدمه وجود آن‌ها هستند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین پاسخ در میان پاسخ‌ها مخلوق‌بودن شرور و درک فواید و برکات ناشی از شرور است.

درس مهم و بزرگی را که از شروری مانند کرونا، حوادث طبیعی و جنگ‌های ویران‌گری مانند جنگ اکراین و روسیه می‌توان گرفت این است که کشورهای بزرگ و مدعیان حقوق بشر و دموکراسی در عمل نسبت به سایر کشورها بیشتر به احتکار دارو و مواد ضروری پرداختند و بدبینی و نفرت را میان جوامع غنی و فقیر بیشتر ساختند. این جوامع به ظاهر مدرن با رقابت‌های ویران‌گر اقتصادی شان با جان انسان‌های زیادی بازی کردند و از تماشای جوامع فقیر و درگیر با ناملایمات لذت بردند. از طرفی هم همین‌ها بودند که نقش اول را در ایجاد جنگ‌های انسان‌برانداز گذشته و جاری دارند و منافع شان را در روشن‌نگه-داشتن موتور جنگ و ویرانی می‌بینند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۱ ش) دروس معرفت نفس، قم: الف لام میم.
- ابن سینا (۱۴۰۰ هـ) رسائل ابن سینا، قم: بیدار.
- ابن ماجه، ابوعبدالله محمدبن یزید (۱۴۳۰ هـ) سنن ابن ماجه، محقق: شعيب الارنؤط، بیروت: دارالرسالة العالمیه.
- احمد ابن حنبل، امام ابوعبدالله أحمد بن محمد بن حنبل (۱۴۱۶ هـ) مسند الامام احمد بن حنبل، محقق: احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث.
- ترسلی، محمد (۱۳۹۰ ش) اصول عقاید و پاسخ به پرسش‌های جوانان، قم: ذکری.
- جان هیک (۱۳۹۳ ش) فلسفه دین، مترجم: علی میرعمادی، نشر دیجیتالی.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۶ ش) تاریخ علم کلام در ایران و جهان، تهران: اساطیر.
- حیدری، عبدالله (۱۳۸۴ ش) ارکان ایمان، مدینه منوره: مرکز پژوهش‌های علوم اسلامی دانشگاه اسلامی مدینه منوره.
- سبحانی، جعفر و محمدرضایی، محمد (۱۳۸۵ ش) اندیشه اسلامی ۱، تهران، بی‌نا.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۱ ش) هادی المضلین، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۷ ش) حکمت و معیشت، تهران: صراط.
- شوینهاور، آرتور (1386 ش) جهان و تأملات فیلسوف: گزیده‌ای از نوشته‌های شوینهاور، مترجم: رضا ولی یاری، تهران: نشر مرکز.
- شیراز، ناصر مکارم (۱۳۸۷ ش) پنجاه درس اصول عقاید اسلامی برای جوانان، قم: انتشارات نسل جوان.
- الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن آیوب (۱۹۹۴ م) المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۳ ش) تصورات یا روضة التسلیم، تهران: نشر جامی.

قشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم (بی تا) صحیح مسلم، محقق: محمد فؤاد عبد الباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ربانی گلیپایگانی، علی (۱۳۸۷ ش) عقاید استدلالی ۱، قم: نشر هاجر.

محمد محمدی ری شهری (۱۳۸۶ ش) دانشنامه عقاید اسلامی، قم: دارالحدیث.

محمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۰ ق) اصول الایمان، محقق: باسم فیصل الجوابرة، مکه المکرمه: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰ ش) بیست گفتار، تهران: صدرا.

سفر امان‌الله خان به ایران، اثرات و پی‌آمدها

پوهنیار محمد بشیر الهام و پوهنیار محمدجواد نظری^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی شیرعلی صمیمی

چکیده

رضاخان در ایران، در اول ماه قوس ۱۳۰۴ هـ ش بعد از اینکه به ریاست موقت مملکت رسید، از طرف چند دولت پیام‌های مبنی بر به رسمیت شناختن دولت او رسید که افغانستان هم جزء آنها بود، نامه از سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار دولت افغانستان به تاریخ ۲۳ عقرب مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۲۵ م فرستاده شده بود با این مضمون که، دولت افغانستان ریاست موقت والا حضرت را در ایران به رسمیت شناخته است. بعد از این روابط دو کشور وارد مرحله جدید شد و امان‌الله خان بعد از سفرهای اروپایی خویش در ماه جوزای سال ۱۳۰۷ هـ ش، وارد ایران شد. هدف از سفر امان‌الله خان بازدید از پیشرفت‌های کشور ایران و جلب رضایت این کشور برای اجرای برنامه‌های مدنظرش در افغانستان بود، رفع چالش‌های مرزی، تحکیم روابط و عقد تفاهم‌نامه‌ها بوده و هنگام بازدید از مجلس شورای ملی ایران، در باره سفر خود به ایران و در جمع نماینده‌گان ایران به سخنرانی پرداخت و بیان کرده بود که از بودن در ایران و ترقیات رخ داده در این کشور بسیار خرسند است و برخی از محققین معتقدند که سفر امان‌الله خان در ایران با توجه به سابقه به قدرت رسیدن وی نسبت به رضا شاه و سفرهای خارجی امان‌الله خان، رضاشاه از اقدامات و تجارب امان‌الله خان تأثیر پذیرفته است.

کلمات کلیدی: امان‌الله خان؛ افغانستان؛ ایران؛ فرهنگ؛ شورای ملی.

Amanullah Khan's trip to Iran, effects and consequences

Mohammad Bashir Elham and Mohammad Jawad Nazari

Abstract

Within November 1925 Reza Khan became interim president of Iran, for the concept of supporting to Reza Khan legitimization many countries behave positively toward his government in Iran, in this concern; official letter were received from several governments regarding the recognition of Iran government under the rule of Reza Khan, including Afghanistan, That's when Sardar Abdul Aziz Khan the Minister of Afghanistan at 15 November of 1925 from Afghanistan government behalf sent them their warm word of congratulation and a letter with content of the Afghan government has been recognized his highness's temporary presidency in Iran. Countries were integrated and relations between them approach to a new phase, so Amanullh Khan post his Europe trip entered Iran pursuing May 1928, the purpose of his trip was to visit Iran's progress and to obtain the country's consent to implement his mission in Afghanistan, as well as resolve border challenges, strengthen concord tie and sign agreement between mentioned countries. However, while he visited the National Council of Iran, he gave speech about his trip to Iran among the Iranian representative's fellows; he appreciated and feels very pleased to be in Iran and being witness of Iranian development and achievements. Consequently, history considering that Reza Shah was influenced by Amanullah Khan's foreign tripe skill management, proceedings policies and his government authority, because some scholars believe that Amanullah Khan was senior to Reza Shah, addressed or compared their legacy of gaining power at their countries.

Keywords: Amanullah Khan, Afghanistan, Iran, culture, Parliament.

مقدمه

امان الله خان بعد از دیدار از یازده کشور آسیایی و اروپایی تصمیم گرفت که به ایران سفر نماید به همین منظور در روز چهارشنبه ۱۷ جوزا به بندر پهلوی رسید از آنجا در منطقه ای بنام رشت و روز شنبه ۲۰ جوزا وارد تهران پایتخت ایران شد. از تشریف آوری امان الله خان رضاشاه پهلوی و اعضای کابینه وی پذیرایی نموده، حاکم ایران به دست آورد های ۹ ساله شاه افغان به دیده قدر نگرسته، همچنان معاهده ای که قبلاً میان دو دولت به امضاء رسیده بود در ایام که امان الله خان در ایران تشریف داشت پروتوکول های آن نیز از جانب دو طرف به امضاء رسید (وکیلی، ۱۳۶۴، ص. ۱۸۱-۱۸۴).

امان الله خان خرد ترین پسر حبیب الله خان پس از رسیدن به پادشاهی برای تحصیل استقلال افغانستان با دولت انگلستان جنگ سخت راه انداخت و پیروز شد. او در سال های اول پادشاهی خود در اصلاح تشکیلات اداری و قضائی و توسعه فرهنگ اقدامات موثر داشت، رضاشاه در هنگام دیدار با امان الله خان بر وجود دوستی و منافع مشترک بین دو کشور تاکید کرده و خواهان بهبود روابط دو کشور شده بود، در این دیدار رضاشاه می گوید: احساسات و روابط دوستانه میان ما دو نفر برای تامین روابط دو مملکت کافی نیست، ایران و افغانستان دارای منافع مشترک هستند که آنها را به همدیگر اتصال میدهد و هر دو دولت باید در راه ترقی و تعالی سیر کنند، برای تامین این مقصود مکلف هستیم که احساسات قلبی خود مان را در مردم مملکت خودمان تلقین نمائیم و حس دوستی و نزدیکی بین دو مملکت را تقویت نموده که اگر هیچ نوع روابط شخصی هم میان ما موجود نباشد، معذالک سیاست مملکتین در روی پایه های دوستی و تشریک منافع محکم تر و بهتری باقی و برقرار بماند (سوبمن، ۱۳۷۰: ۴۰).

قابل یاد آوری است ملت ایران نسبت به دربار از امان الله خان پذیرایی صمیمانه تر کرده بود تا جایی که بسیاری از خانواده ها به افتخار ورود او پسران نو زاد خود شان را امان الله نام نهادند، شاهان دو کشور در زمان زمامداری خویش برخی پروژه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در پیش گرفت که بعضی از آنها با رسوم، سنتها و آداب

دینی و مذهبی مردمان دو کشور در تضاد بود، از مهمترین و جنجال برانگیزترین پروژه ها مسئله برداشتن حجاب و منع پوشش اسلامی برای زنان و تغییر لباس مردان در دو کشور بود این پروژه با مقاومت طیفهای مختلف مردمی رو برو شد، امان الله خان پادشاه مصلح و خیر خواه، ولی بی احتیاط و سبکسر بود. پیروزی در نخستین جنگ چنان وی را سرمست ساخته به غرور افگند که یکباره زمام تامل و تدبیر کشور داری را از کف نهاد. در آن زمان روس ها و ترک ها دوستان همدست امان الله بر خلاف انگلیس ها بود.

بعد از سفر امان الله خان به ایران و علاقه مندی مردم دو کشور تاثیر بر منش دولت مردان دو کشور داشته که باعث تقویت و گسترش روابط در آینده گردید، در راستای همچون مسائل این مقاله با اتکاء به منابع کتابخانه ای در نظر دارد به این مسئله بپردازد که چه عواملی باعث سفر امان الله خان به ایران شده و برخورد دولت و مردم ایران با شاه افغان و همراهانش چگونه بوده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات نیز روش اسنادی، روزنامه ها، منابع تاریخی و خاطرات و غیره است. در این مقاله کوشش شده است تا سفر شاه افغانستان به ایران در زمان رضاشاه بررسی شود که برای علاقه مندان به تاریخ روابط خارجی افغانستان و ایران در دوره مورد نظر خالی از اهمیت نخواهد بود.

آغاز سفر امان الله خان

از تشریف آوری امان الله خان رضاشاه پهلوی و اعضای کابینه وی پذیرایی نمود، شاه و ملت ایران به اقدامات و فعالیت های که امان الله خان در افغانستان انجام داده بود قدر دانی می نمودند، چون در بین دولت های ایران و ترکیه نسبت به بعضی مسایل سرحدی اندک ناسازگاری وجود داشت، در اثر مساعی جمیله پادشاه افغانستان رفع گردید و یک

معاهده توحیدی مساعی سیاسی بصورت که افغانستان با ترکیه امضاء نموده بود بین ترکیه و ایران نیز به امضاء رسید (وکیلی، ۱۳۶۴، ص. ۱۸۱-۱۸۵).

در بعضی منابع از جریان سفر امان الله خان چنین گزارش شده است، زمان که اعلیحضرت امان الله خان سفر خود را در ترکیه به انجام رسانیدند، بعد مطابق به برنامه وضع شده تشریف فرمای ایران خواهند شد و در آن جا دولت و ملت ایران ترتیبات سفر را به طور رسمی اتخاذ کرده اند که خیلی باعظمت و پر شکوه پذیرائی و استقبال شاننداری بعمل خواهند آمد، خبر های انتشار یافته حاکی از آن است که: بعد از ورود شاه افغانستان به ایران، اعلیحضرت رضاشاه پهلوی تاجدار ایران، از مهمانان خیرمقدم پر جوش و خروش بعمل خواهد آورد. مطابق برنامه از قبل آماده شده امان الله خان سفر به شیراز خواهند داشت تا از دیدن مناظر زیبای آن دیدن نماید همچنان بنیاد انجمن زنان ایرانی برنامه دارند تا به افتخار ملکه معظمه افغانستان گاردن پارتنی مجلل برپا کنند و در ضمن مدرسه خواتین ایران و متعلمان آن به حضور ملکه سپاسنامه تقدیم بدارند. بعد از ادای مراسم رسمی خیر مقدم، اعلیحضرت از دستجات سپاه ایران معاینه (دیدار) بعمل آورده، بعد به دیدار کارخانه های صنعتی ایران تشریف میبرند و آنجا معاینات دقیق انجام میدهند و ممکن اعلیحضرت رضاشاه پهلوی به افتخار امان الله خان ضیافت شاننداری برپا کند، در نظر است شخصیت های بزرگ و خردمندان عالی مقام در آن مجلس بزرگ شرکت نمایند (مرموز، ۲۰۰۹، ص. ۱۷۵).

برخی از پژوهش گران حوزه تاریخ با تحقیق در مورد رابطه ایران و افغانستان در زمان امان الله خان به چنین نتیجه رسیده و بیان میدارد که با به سلطنت رسیدن رضاشاه در سال ۱۳۰۴/۱۹۲۴ روابط ایران و افغانستان بر اساس معاهدات که در دوران وزارت جنگ و نخست وزیری او به امضا رسیده بود، همچنان عادی و بی تنش باقی ماند. امان الله خان در سال های اول پادشاهی رضاشاه اصول سیاست خارجی خود را به گونه تنظیم کرده بود که موازنه بین سیاست روس و انگلیس و همچنین ایران و ترکیه در برابر افغانستان ایجاد کند، اما به علت تند روی در این سیاست گاهی زمینه های عدم اعتماد هر دو طرف را به

خود بار می آورد، او در این راستا ضمن حمایت شدن از جانب انگلیس ها، روابط را نیز با روس ها برقرار کرد و برای مستحکم تر کردن موقعیت افغانستان در میان دیگر کشور ها در سال ۱۳۰۷ / ۱۹۲۷ سفری را به چندین کشور اروپایی آغاز کرد و در بازگشت از اروپا به ترکیه و ایران آمد، او در جریان این مسافرت خواهان امضای یک معاهده بین شوروی، ایران، ترکیه و افغانستان شد، اما از آن جا که پادشاه افغانستان این موضوع را پیشنهاد کرده بود دولت های ایران و ترکیه چندان موافق امضای آن نبودند، البته پشت سر این پیشنهاد، دولت شوروی قرار داشت که می خواست بین چهار کشور مذکور ائتلاف ضد انگلیس به وجود بیاورد، اما تلاش های انگلستان مانع از نفوذ بیشتر شوروی در این سه کشور شد و دولت انگلستان بر آن شد تا خود اتحادیه ای از این سه کشور به همراه کشور عراق علیه شوروی به وجود بیاورد. حضور امان الله خان در ایران و ملاقات او با رضاشاه کاملاً رسمی و به دور از هر گونه صمیمیت بود، غبار مورخ افغانستانی سرد بودن این سفر را بی حجاب بودن ملکه ثریا همسر امان الله خان ذکر کرده است، اما دلیل اصلی آنرا می بایست در رفتار های امان الله خان در ترکیه و سخنان او و بستن معاهده دوستی و اتحاد با ترکیه بدون حضور ایران جستجو کرد (متولی حقیقی، بی تا، ص. ۱۰۸).

از آتا ترک، امان الله خان و رضاشاه در کشور های ترکیه، افغانستان و ایران به عنوان مهره های ترویج فرهنگ سکولاریسم در این سه کشور یاد می شود که حد اقل ۸ سال، سال های حکومت شان همزمان بود، در این ۸ سال اقدامات فرهنگی فراوانی را به موازات یکدیگر در کشور های شان به وجود آوردند. مهمترین اقدامات فرهنگی آتاترک در ترکیه عبارت بود از: الغاء خلافت عثمانی، انحلال وزارت شریعت و داد گاه های مذهبی، تغییر تعطیلات رسمی هفته از پنجشنبه و جمعه به شنبه و یکشنبه، ممنوع کردن استفاده از روبند و چادر زنان و عمامه های سنتی ترکان عثمانی موسوم به (فنیه)، رایج کردن تقویم میلادی به جای تقویم اسلامی، تغییر دادن الفبای ترکی به الفبای لاتین، و معرفی رسمی حکومت ترکیه به عنوان لائیک. عمده ترین اقدامات امان الله خان در افغانستان عبارت بود از: دائرکردن مکاتب مختلط در کشور، برداشتن تدریجی چادر از سر زنان، استخدام مشاورین اروپائی، استخدام معلمان فرانسه و آلمانی، فرستادن محصلین افغانستانی به اروپا از جمله

اعزام دسته بزرگی از دخترخانم‌ها به ترکیه. مهمترین اقدامات فرهنگی رضاشاه در ایران عبارت بود از: تلاش برای جدایی دین از سیاست، جلوگیری از شعائر مذهبی به بهانه مبارزه با خرافات و برداشتن حجاب و مبارزه با پوشش اسلامی زنان، تاسیس مدارس مختلط، مبارزه با قشر روحانیت به بهانه لزوم اجرای قانون، لباسهای متحدالشکل، محدود کردن فعالیت‌های حوزه‌های علمیه و بستن بسیاری از مدارس علوم دینی، ترویج فرهنگ باستان‌گرایی به هدف تضعیف فرهنگ اسلامی (رسول، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۵-۱۳۸).

رضاه شاه پهلوی بی‌خبر از وضعیت افغانستان دیدار خصوصی که با امان‌الله خان داشت از وی خواسته بود که برای شیعیان افغانستان آزادی و رسوم مذهبی داده شود، اما پادشاه افغانستان در جواب گفته بود من سیاست خیلی روشن دارم و در اوایل جلوس خود عموم محبوسین را آزاد ساختم که در آن جمله از اهل تشیع نیز بودند با وصفی که متهم به جرایمی نیز بودند و خود اعتراف داشتند. اسرای مردم شیعه (هزاره) را بطور عموم آزاد ساخته و حقوق مساوی مانند هر فرد کشورم اعطاء نموده و نظم عمومی را روی کار آورده و قانون را با مهر پادشاهی نشر کردم که باید هیچگونه اختلاف بین هر دو فرقه (شیعه و سنی) در افغانستان نباشد. خود و کارداران مملکت در تعزیه‌خانه روز عاشورا اشتراک و وجه مصارف نیز تاحدی کافی به علماء و خدام تکایا و نذورات میدهیم.

با ورود پادشاه افغانستان جراید رسمی و نیمه رسمی کشور ایران مقالات نهایت پرآب و تاب ادبی، سیاسی و حماسی انتشار داده و عده‌ای از شاعران ایران قصاید و قطعات به وصف از موفقیت‌های بزرگ امان‌الله خان گفتند از جمله قصیده یحیی ریحان شاعر مشهور ایران را به حیث افکار روشنفکر و عام ایران میاوریم (وکیلی، ۱۳۶۴، ص. ۱۸۱-۱۸۴).

تاجلوه کرد کوبه‌ه شاه نامدار خورشید رشک برد ازین شهر و این دیار
خورشید رشک برد، همانا بند رشک برکشوری که خسرو خوبان کند گذار

در اخیر شاه افغان پس از بازدید از ایران از راه هرات به قندهار و از قندهار به کابل بازگشتند. مردم و دولت ایران شاه افغان را گرمی داشته حتی در روز نامه‌های ایران هم از امان‌الله خان تمجیدهای بسیاری می‌شد از جمله در روز نامه جبل‌المتین بارها از

دانش، تهور، جسارت و روشنفکری او به خوبی یاد شده و او را امیر تحصیل کرده و قهرمان فدا کار دانسته اند (نیرآبادی، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

همچنین همین روز نامه در جای دیگر ضمن اشاره به وضعیت جدید افغانستان بعد از روی کار آمدن امان الله خان، ترقی و پیشرفت روز افزون آن ها در سایه حکومت او به ملت افغانستان به خاطر وجود چنین پادشاهی این گونه تبریک می گوید: ای ملت افغان و ای افغانستان، ما از صمیم قلب تو را به یک چنین شهریار هوشمند، ملت پرور و مملکت دوست تبریک می گوئیم همچنان در ادامه همین مطلب از احساسات امان الله خان نسبت به ایران سخن گفته است: در این روز نامه آمده است که امیر امان الله خان همیشه ایران را برادر افغانستان و افراد ایرانی را برادر و عزیزان خود خطاب کرده است و احساسات او نسبت به ایرانی ها قلب هر ایرانی را مرتعش و منقلب می کند. همچنین در مقاله به نطق دیگری که از امان الله خان در میان نمایندگان لویه جرگه ایراد کرده بود اشاره شده است که در آن وی ایران را شریک خوشبختی و مصیبت کشور خود دانسته و از نماینده گان خواسته صحبتی برخلاف میل او در رابطه با ایران نکنند. در مدت اقامت امان الله خان و همسرش ملکه ثریا که بانوی فرهیخته و روشنفکر جلوه میکرد، روز نامه حبل المتین در یکی از شماره های خود از او تقدیر و ستایش کرده و او را پیشرو زنان شرق دانسته و اظهار کرده که طولی نخواهد کشید که در سایه تربیت و تعلیم وی، زنان افغانستان در اوج ترقی بال و پر گشایند، همچنین ابراز امیدواری کرده است که زنان ایران هم از او درس اخلاق و شهامت و جسارت مشروع بگیرند. در ادامه این مطلب از ملکه تقاضا شده است که برای تاسیس جامعه زنان شرق تلاش کرده و ترتیبات تاسیس آن را فراهم کند. علاوه در موقع حضور در شهرهای بزرگ با بانوان ایرانی هم ملاقات کنند تا آنها هم از نصایح و کلام ملکه سرمایه اخلاقی ذخیره کنند و همچنین ملکه شهامت را که در اروپا از خود بروز داد در ایران هم داشته باشد تا بانوان ایران هم درس شهامت گیرند (همان اثر، ص. ۳۹-۴۱).

در ادامه روابط فرهنگی دو کشور برای اولین بار در دهه ۱۳۲۰ ش در ملاقات سفیر ایران با یکی از وزیران افغانستان بود که راجع به بسط روابط فرهنگی بین دو طرف

مذاکراتی صورت گرفت و پس از آن سمینار نمایشگاه بین المللی نسخ خطی در کتابخانه پوهنتون کابل دایر شد (امامی، ۱۳۸۰، ص. ۳۹۳-۳۸۴).

آغاز روابط در دوره مدنظر

بعد از قدرت گرفتن رضاخان میرپنج در ایران، در اول ماه قوس ۱۳۰۴ ه.ش بعد از اینکه به ریاست موقت مملکت رسید، از طرف چند دولت پیام های مبنی بر به رسمیت شناختن دولت او رسید که افغانستان هم جزء آنها بود. نامه از سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار دولت افغانستان در تاریخ ۲۳ عرقب مطابق ۱۵ نوامبر ۱۹۲۵ م رسید با این متن که (دولت افغانستان ریاست موقت والا حضرت اقدس را در مملکت ایران به رسمیت شناخته است). باید یاد آور شد که امان الله خان به همراه همسرش ملکه ثریا هنگام بازگشت از سفر اروپا در آخرین ایستگاه مسافرت خود در ۱۵ ماه جوزا سال ۱۳۰۷ مصادف با جون ۱۹۲۸ به مدت ۹ روز در ایران اقامت نموده بود که هنگام ورود به ایران از جانب رضاشاه و تیمور تاش وزیر اعظم دربار همچنان گارد مخصوص سلطنتی برای استقبال شاه افغان عازم بندر پهلوی شده بود، به گفته بعضی منابع در مدت که امان الله خان مهمان ایرانی ها بود به گرمی پذیرفته شد و سفر او به ایران یکی از مهمترین سفرهای او محسوب می شود (بی نام، ۱۳۹۳، ص. ۲۵).

از مشترکات فرهنگی دو کشور زبان مشترک دو کشور است. زبان و ادبیات فارسی بسیار وسیع بوده و امروزه در حدود سرزمین های افغانستان و ایران محدود نمی شود و زبان فارسی میراث مشترک فرهنگی افغانستان، ایران و تاجکستان است (نقوی، ۱۳۴۹، ص. ۲). به علاوه زبان دری زبان پشتو هم در افغانستان داشت و در دوره مد نظر هیچ گاه توجه به این زبان از زبان دری کمتر نبوده است. مارگن سترنه Margn Strinh زبان شناس معروف می نویسد که پشتو از زبان های قدیمی منطقه و از زبان های هند و اروپایی موادی را گرفته و پرورش داده است، (مایل هروی، ۱۳۶۲، ص. ۸۶).

در زمان امان الله خان توجه به زبان پشتو صورت می گرفت چنانچه اعمار مکتب در افغانستان به ۳۳۴-۳۴۶ رسید و بعد این آمار فرهنگی برای تدریس زبان پشتو به ۴۴۶ باب مکتب رسید و بعد ها در زمان ظاهر شاه در این مکتب ها هر دو زبان دری و پشتو تدریس می شد (دولت آبادی، ۱۳۹۰، ص. ۴۷۲).

گزارش شده که شاه افغان در مدت اقامت در ایران از بسیاری از نهادها و سازمان‌های حکومتی و دولتی، مانند مجلس، مکتب‌های نظامی، شفاخانه‌های تهران، نهاد‌های اجتماعی، موسسات دولتی و غیره دیدار کرد. همچنان همسرش ملکه ثریا نیز از بعضی نهادها مانند شفاخانه‌های زنانه، یتیم‌خانه شاه و سایر موسسات خیریه بازدید به عمل آورد. برخی معتقدند که حضور امان‌الله خان در ایران باعث شد که رضاشاه از او تاثیر بگیرد و میل به تجددطلبی را در او تشدید کند، اما برخی دیگر امان‌الله خان را تحت تاثیر رضاشاه می‌دانند که باعث شد او هم در فکر تغییراتی در کشورش بیفتد، از آن جایی که امان‌الله خان قبل تر از رضاشاه به قدرت رسیده و خیلی زودتر دست به سفرهای خارجی نسبت به رضاشاه زده است بنابراین، شاید رضاشاه تحت تاثیر شاه افغان قرار گرفته باشد، امان‌الله خان در هنگام بازدید از مجلس شورای ملی ایران و بعد از خیرمقدم رئیس مجلس در باره سفر خود در آن کشور نطقی را هنگام حضور در جمع نمایندگان ایران بیان کرده و در آن از بودن در آن کشور و پیشرفت‌های رخ داده در آن جا ابراز خرسندی نموده بود که متن این مطلب در روزنامه چاپ تهران بنام حبل‌المتین مورخه ۲۳ جوزا ۱۳۰۷ ه.ش، چاپ شده است (نیرآبادی، ۱۳۸۹، ص. ۴۴).

من از مسافرت خود به ایران خیلی مشعوف و خرسندم؛ زیرا ملت ایران و ملت افغان از حیث نژاد، زبان و مذهب قدر مشترک دارند و من از ترقیاتی که در پایه توجّهات اعلی حضرت شاه ایران برای مملکت حاصل شده خیلی مسرور هستم و با همان نظری که به اوضاع داخلی مملکت و ملت افغانستان نگاه میکنم با همان چشم به اوضاع ایران نگریم و ترقیاتی و سعادت این مملکت را خواستارم..... خیلی میل داشتم ملت ایران را ببینم و حالا خوش وقتم که به این آرزو نائل شده و نمایندگان ملت ایران را هم که در حقیقت خود ملت ایران می‌باشد ملاقات می‌نمایم....

حبل‌المتین در ادامه، از احساسات شاه افغانستان نسبت به ملت ایران ابراز خوشحالی و نوشته است که ایران همیشه دید نیکو به سوی افغانستان داشته و از صمیم دل بقا و موفقیت این سلطان اسلامی را خواستار بوده است، همچنین ابراز امیدواری کرده که با روی کار آمدن دولت پهلوی، بیش از پیش برای ارتباط این دو کشور که "هم خون اسلامی" می‌باشند گام‌های محکم‌تری برداشته شود (همان اثر، ص. ۳۹).

رضاشاه هم در هنگام دیدار با امان الله خان بر وجود دوستی و منافع مشترک بین دو کشور تاکید کرده و خواهان بهبود روابط دو کشور شده بود، در این نطق رضاشاه می گوید: احساسات و روابط دوستانه بین ما دو نفر کافی برای تامین روابط بین دو مملکت نیست، ایران و افغانستان دارای منافع مشترک زیادی هستند که آنها را به همدیگر اتصال میدهد و هر دو دولت باید در راه ترقی و تعالی سیر کنند، برای تامین این مقصود مکلف هستیم که احساسات قلبی خود مان را طیف ها و دولت های خودمان را در مردم مملکت خودمان تلقین بکنیم و حس لزوم دوستی و نزدیکی بین دو مملکت را تقویت بکنیم که اگر هیچ نوع روابط شخصی هم بین ما موجود نباشد، معذالک سیاست مملکتین در روی پایه های دوستی و تشریک منافع محکم تر و بهتری باقی و برقرار بماند.

به نظر میرسد که در این دوره روابط این دو پادشاه دوستانه بوده است به طوری که در این زمان عهدنامه مهمی دوستانه میان دو کشور منعقد شد که همین عهدنامه پایه و اساس دوستی ها میان دو کشور را مستحکم تر کرد و راهگشای حل بسیاری از اختلافات موجود شد. ، چون در بین دولتین ترکیه و ایران نسبت به بعضی مسایل اندک اختلافات موجود بود در اثر مساعی جمیله شاه افغانستان در آن زمان رفع شد، به علاوه معاهدهء توحیدی مساعی سیاسی بصورتی که افغانستان با ترکیه امضاء نموده بود با کوشش و تلاش شاه افغان میان کشور های ترکیه و ایران نیز به امضاء رسید (متولی حقیقی، بی تا، ص. ۱۰۵-۱۱۲).

روابط دو کشور

در باره رابطه اقتصادی ایران و افغانستان باید گفت که به سبب ارتباط ریشه دار تاریخی این دو کشور، ایران نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان دارد علاوه بر آن ایران یکی از بزرگترین طرف های تجاری افغانستان بوده و تجارت افغانستان هم تابع حوادث اقتصادی و سیاسی با ممالک همجوار است؛ چرا که افغانستان به راه های دریایی دسترسی ندارد و در خشکی محاصره شده است طبیعی است که در زمان حضور امان الله خان در تهران در قسمت مسائل اقتصادی نیز صحبت شده باشد، در زمینه اقتصاد افغانستان می توان گفت تحولات اقتصادی بسیار زیادی در فاصله پادشاهی امان الله خان در افغانستان ایجاد شد. در زمان حکومت رضاشاه و امان الله خان واردات افغانستان از ایران عبارت بود از: چرم خام، بلور جات، گلسرین، صابون، سیگرت، توتون، چیق، منسوجات پارچه

ای و ابریشمی، پارچه های حریری، پارچه های نخی، نخ ابریشم، قالین و شال های ابریشم، تخم نوغان، کفش، پوستین، جوراب (که در مشهد تهیه می شد)، میوه، مرکبات، ماهی، شربنی و اشیاء متفرقه که با آنهم در باره میزان دقیق صادرات ایران آمار دقیق نیست و این بیانگر روابط حسنه دو دولت است، اما صادرات افغانستان در مقایسه با ایران نسبتاً کمتر است و اقلامی مانند شیرخشت که از کوه های هرات به دست می آمده است، تریاک چون به صورت قاچاق بوده میزان دقیق آن معلوم نیست، تخم یونجه، پسته و مغزپسته، پنبه، پشم، روده، آنقوزه، پوست قره قل، پوست روباه و صمور، پوست گوسفند و بز، پشم رشته شده، برک های هزارگی، پوستین، پتو، گلیم، نمد، چرس، تنباکو، گیاهان دارویی و اجناس متفرقه بوده است (نجم آبادی، ۱۳۵۱، ص. ۴۸).

تأثیرگذاری امان الله خان بر رضاشاه

شاه ایران به شدت دنبال به وجود آوردن اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی بوده دست به اقداماتی مانند کشف حجاب زده است که به عقیده تعدادی از محققین یکی از پیامد های سفر امان الله خان به ایران بوده است، اما به باور برخی از محققین دیگر رضاشاه تأثیر گذاری زیادی بر امان الله خان داشته تا حدی که بعد از برگشت از سفر به شدت دنبال ایجاد اصلاحات بوده است، به هر حال بودن ۹ روزه امان الله خان در ایران باعث حل بسیاری از منازعات مرزی، امضای قرار داد ها و رفع بسیار از سوی تفاهم های سیاسی و الهام بخشی های دو جانبه شده است.

یکی از موارد در دو کشور کشف یا برداشتن حجاب بود. در مورد برداشتن حجاب در ایران، افغانستان و ترکیه پروژه کشف حجاب با راهکار های متفاوت صورت می گرفت، البته در افغانستان اقدامات امان الله خان با زور و اجبار انجام می گرفت که از جمله در یک مورد اعضای مجلس ملی افغانستان را که از بزرگان و روسای طوایف و قومیت ها بودند به بیرون شهر دعوت و در آنجا به آنان دستور داد تا ریش های شان را بتراشند، لباس های سنتی خود را کنار گذاشته و با لباس های خود او از خارج آورده بود تعویض کرده به شهر برگردند. در ایران باسقوط حکومت قاجار و به قدرت رسیدن رضاشاه این کشور وارد دوران جدیدی شد، رضاشاه در دوران زمامداری خود برخی پروژه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در پیش گرفت که بعضی از آنها با رسوم، سنتها و آداب دینی و مذهبی مردم ایران در تضاد کامل بود، مثلاً یکی از مهمترین و جنجال برانگیزترین پروژه های رضاشاه مسئله

برداشتن حجاب و منع پوشش اسلامی برای زنان و تغییر لباس مردان بود این پروژه با مقاومت طیفهای مختلف مردمی رو به رو شد و در راستای این مسئله در نخستین روز های ماه جدی ۱۳۰۷ ه ش قانون لباسهای متحدالشکل در مجلس شورای ملی ایران به تصویب رسید و رضاشاه در سال ۱۳۱۰ ه ش دستور داد تا قانون تصویب شده اجراء گردد (بصیرت منش، ۱۳۹۵، ص. ۱۳-۳۳).

مسائلی از قبیل حضور و فعالیت های خارجی در جامعه ایران، تاسیس مدارس خارجی و فعالیت های گسترده در ایران، بازگشت فرزندان اشراف و دانشجویانی که به خارج از کشور جهت تحصیل مهاجرت کرده بودند، انتشار مطبوعات متأثر از فرهنگ غربی و مهمتر از همه سفر رضاشاه به ترکیه و تاثیر پذیری وی از آثارترک مهمترین دلایل پیگیری سیاست برداشتن حجاب توسط رضاشاه پهلوی در این زمان بوده است، رضاشاه برای ترویج برداشتن حجاب در جامعه نخست از خانواده خود و سایر دولت مردان خود شروع کرده بود (همان اثر، ص. ۳۵).

پروژه کشف حجاب مختص به ایران، افغانستان و ترکیه نبود؛ بلکه سایر کشورهای اسلامی از قبیل مصر و الجزایر نیز به دنبال این مسئله بودند، دو کشور ترکیه و افغانستان به دلیل نزدیکی به ایران و ارتباط که میان سران این سه کشور در مسئله برداشتن حجاب از همدیگر الگو گیری می کردند، در ترکیه و در زمان مصطفی کمال برخی اقدامات در قالب اصلاحات مانند منسوخ کردن دادگاههای شرعی انجام، در ترکیه مطابق قانون ۱۹۲۶ م حجاب به عنوان پوشش رسمی ملغی شد. همچنین رضاه شاه به محمود جم گفته بود: نزدیک دو سال است که این موضوع کشف حجاب سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است، خصوصا از وقتی که ترکیه رفتیم و زن های آن ها را دیدیم که (پیچه) و (حجاب) را دور انداخته و دوش به دوش مرد های شان در کار های مملکت به آنها کمک می کند، دیگر از هرچه زن چادر دار است بدم آمده است.

در افغانستان و در زمان امان الله خان نیز سیاست برداشتن حجاب بصورت اجباری پیگیری شد. امان الله خان در سال ۱۳۰۶ ه ش سفری طولانی و ۶ ماهه به مصر، ایتالیا، هالند، بلژیک، فرانسه، سوئیس، آلمان، لهستان، روسیه، ترکیه و ایران انجام داد که از این طریق با فرهنگ غربی و اروپایی آشنا شد، این مسافرت ها تاثیرات بسیاری در شکل گیری تفکر برداشتن حجاب در وی داشت. نهایتا این اقدامات با مخالفت مردم و روحانیون افغانستان مواجه شده باعث گسرتش

اعتراضات در نقاط مختلف افغانستان گردید که پیرو این اعتراضات امان الله خان در سال ۱۳۲۹ ه ش به خارج از کشور فراری شد و حکومت افغانستان به دست حبیب الله کلکانی افتاد (امان افغان، سال هفتم: شماره ۲۵). بعد از سقوط حکومت امان الله خان در زمان حکومت حبیب الله کلکانی رابطه میان دو کشور موجود نبود (حبیب الاسلام، ۱۳۰۸، ص. ۱۲).

از اقدامات دیگر امان الله خان این بود که عده‌ی از زنان کابل را در جولای ۱۹۲۸ م در حالی که اکثرشان با حجاب بودند در قصر دلکشا به حضور پذیرفت. او از تجارب سفرش به آنان قصه کرده گفت: خوشبختانه که من به چند مملکت اسلامی سفر نمودم و به این نتیجه رسیدم که در هیچ یک از آن ممالک نه ترکیه و نه ایران زنان زنده به گور نیستند. حجاب شما را از ترقی و پیشرفت باز داشته از نعمت علم محروم ساخته و مانع آن گردیده که برخلاف خواهران غربی تان بدون کسب و پیشه باقی مانده اید در واقع این موضوع شما را مجبور می سازد که محتاج شوهران تان باشید. امیدوارم روزی فرارسد که شما را از این قید رها بینم (رسول، ۱۳۹۵، صص. ۱۵۶-۱۵۷).

سفر امان الله خان باعث نزدیکی روابط شده و حتی زمان که امان الله خان در قندهار در صدد تهیه تدارکات جنگ علیه سقاو بود یک طیاره ایرانی در قندهار بدون اطلاع قبلی به میدان هوایی فرود آمد که در آن ژنرال ایرانی آمده بود، امان الله خان از این ژنرال به گرمی استقبال کرد. ژنرال مذکور پیام رضاشاه را به امان الله خان سپرد و گفت دولت ایران حاضر است به شما کمک مادی و معنوی نماید اگر شما اجازه بدهید این نشان دهنده پیامد سفر شاه افغانستان به ایران است (مجددی، ۱۳۹۴، صص. ۴۶۹-۴۷۴).

نتیجه گیری

امان الله خان در سال های اول پادشاهی رضاشاه، اصول سیاست خارجی خود را به گونه‌ی تنظیم کرده بود که موازنه بین سیاست روس و انگلیس و همچنین ایران و ترکیه در برابر افغانستان ایجاد کند. امان الله خان برای مستحکم تر کردن موقعیت افغانستان در میان دیگر کشورها در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۷ سفری به چندین کشور اروپایی آغاز کرد در اخیر وارد خاک ایران شد.

شاه افغان در مدت اقامت در ایران از بسیاری از نهاد ها و ساز مان های اساسی و دولتی، مانند مجلس، مکتب نظامی، شفاخانه های تهران، نهاد های اجتماعی، موسسات دولتی و غیره دیدار کرد، برخی از محققین معتقد اند که حضور امان الله خان در ایران باعث شد که رضاشاه از او تاثیر بگیرد و میل به تجدد طلبی را در او تشدید کند، اما برخی دیگر امان الله خان را تحت تاثیر رضاشاه می دانند که باعث شد او هم در فکر تغییراتی در کشورش بیفتد، از آن جایی که امان الله خان قبل تر از رضاشاه به قدرت رسیده و خیلی زودتر دست به سفر های خارجی نسبت به رضاشاه زده است بناً شاید رضاشاه تحت تأثیر شاه افغان قرار گرفته باشد، به هر حال بودن ۹ روزه امان الله خان در ایران باعث حل بسیاری از منازعات مرزی، امضای قرار داد ها و رفع بسیار از سوء تفاهم های سیاسی و الهام بخشی های دو جانبه شده است.

در قسمت روابط ایران و افغانستان در زمان امان الله خان به چنین نتیجه میتوان رسید که، با به سلطنت رسیدن رضاشاه روابط ایران و افغانستان بر اساس معاهدات که در دوران وزارت جنگ و نخست وزیری او به امضا رسیده بود، همچنان عادی و بی تنش باقی ماند.

منابع

- حمید، بصیرت منش (۱۳۹۵). مشرق: بی جا، انتشارات تاریخ.
- روزنامه امان افغان، سال هفتم. شماره ۲۵ جدی ۱۳۰۵.
- دولت آبادی، بصیر احمد (۱۳۹۰). شناسنامه افغان. تهران: انتشارات عرفان.
- روزنامه حبیب الاسلام، سال اول، شماره ۱۲. پنجشنبه اول فروردین ۱۳۰۸.
- شریف، امامی (۱۳۸۰). خاطرات جعفر شریف امامی. به کوشش حبیب الله لاجوردی، تهران: نشرنگاه امروز.
- سید رسول (۱۳۹۵). نگاهی به عهد سلطنت امانی، چاپ پنجم، کابل: انتشارات بین المللی سرور سعادت.
- سوبمن، نصرالله-ظریفی، فرهاد (۱۳۷۰). قسمت دوم نطق های اعلیحضرت امان الله خان، بی جا، مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم ج. آ.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۴). تاریخ و زبان افغانستان، علل تشتت فرهنگی و اجتماعی. تهران.
- مجددی، عبدالحق و مجددی، فضل الله (۱۳۹۴). حقیقت التواریخ (از امیرکبیر تا رهبرکبیر)، کابل: انتشارات میوند.
- مرموز، عزیزالله (۲۰۰۹). برگ سبز تازه از تاریخ معاصر کشور (گزارش سفراعلیحضرت امان الله خان به اروپا و مقایسه شاه امان الله با حکمفرمایان خلفش)، لندن.
- متولی حقیقی، یوسف (بی تا) نگاهی به روابط سیاسی ایران و افغانستان در نیمه اول سلطنت رضاشاه، فصلنامه تخصصی تاریخ، سال دوم، شماره پنجم، ۱۰۵-۱۱۲).
- نقوی، شهریار (۱۳۴۹). انجمن تاریخ افغانستان. مجله وحید. شماره ۸۵.
- نیرآبادی، معصومه (۱۳۸۹). روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و افغانستان در دوره پهلوی اول، پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.
- نجم آبادی، حسام الدین (۱۳۵۱). روابط بازرگانی ایران با شوروی و کشورهای بلوک شرق، پایان نامه دانشگاه تهران.
- وکیلی، عزیزالدین پوپلزائی (۱۳۶۴). سفرهای غازی امان الله شاه، بی جا.
- نامشخص (۱۳۹۳). روند روابط سیاسی افغانستان و ایران در دوره مناصر، کابل: انتشارات میوند.
- کلکسیون جریده امان افغان، کابل: ۱۳۰۶-۱۳۰۷ شمسی.

بررسی شاخص‌های توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه

گردشگری (فرا تحلیل)

پوهنیار محمدعلی امینی و نامزد پوهنیار علی رضا طاهری^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی شیرعلی صمیمی

چکیده

گردشگری یکی از صنایع پر درآمد در کشورهای جهان است که سالانه میلیون‌ها دالر از طریق این صنعت وارد چرخه اقتصاد می‌شود. گردشگری به عنوان صنعت پویا و با ویژگی‌های منحصر به فرد، امروزه بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی کشورها، به ویژه کشورهای توسعه یافته را به خود اختصاص داده است. به طور که، حجم مبادلات بین‌المللی گویای آن است که بیش از ۱۰ درصد مبادلات با جریان گردشگری آغاز می‌گردد. گردشگری به عنوان یک کاتالیزر، جهت توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی نیز نقش بسیار زیادی دارد. گردشگری هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی و داخلی می‌تواند منجر به رشد یک کشور شود. در این تحقیق با استفاده از تحقیق تحلیل محتوا به روش کدگذاری محتویات و کلید واژه‌های مقالات که در کشور ایران در زمینه ارزیابی توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری کار شده. در این تحقیق نتیجه تحلیل محتوا ده مقاله نشان می‌دهند که شاخص‌های مهارت و تخصص، آموزش، دانش و اطلاعات شغلی، دوره آموزشی، انگیزه شغلی و سطح نگرش در زمینه توانمندسازی نیروی انسانی و توسعه گردشگری مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: گردشگری؛ مهارت و تخصص؛ انگیزه شغلی؛ دوره آموزش و سطح نگرش

An Investigating on Empowering Human Resources Indicators in Tourism Development (Meta-analysis)

Mohammad Ali Amini Ali Reza Taheri

Abstract

Tourism is one of the most profitable industries in the world and each year billions of dollars enter the economic cycle through this industry. Tourism as a dynamic industry with unique characteristics, today occupies an important part of the economic and production activities of the countries - especially developed countries. So, the volume of international exchanges shows that more than 10% of exchanges start with the flow of tourism. Tourism, as a catalyst plays a very important role in the development of various economic sectors. The sector can lead to the growth of a country in both at the international and national levels. So, using content analysis research by coding the contents and keywords of the articles in Iran in the field of human resources empowerment evaluation in tourism development. In this research, the results of the content analysis of ten articles shown that the indicators of skills and expertise, education, knowledge, job information, training course, job motivation and attitude levels are effective in the field of human resources empowerment and tourism development.

Keywords: Tourism; Skill and Expertise; Job Motivation; Training Period; Attitude Level

مقدمه

گردشگری در جهان کنونی به عنوان صنعتی پاک و سومین پدیده اقتصادی پویا، و رو به توسعه پس از صنایع نفت و موتر سازی است (نصیری زاده و افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۲). صنعت گردشگری باعث سرمایه‌گذاری در تأسیسات جدید، سرمایه‌انسانی و تکنولوژی و نیز تحریک سایر صنایع مرتبط با اثرات مستقیم و غیرمستقیم می‌شود (محمدنجم آبادی، ۱۳۹۸: ۳۴). بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع مختلف پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها علاوه بر زیرساخت‌های مناسب و پتانسیل‌های گردشگری، از نهادهای تربیتی، حرفه‌ای و آموزشی توانمند و کارا نیز برخوردارند (شمس‌الدینی، ۱۳۹۵: ۲۵). غفلت و عدم توجه کافی به تغییرات محیطی و تکنولوژی و در کنار آن غفلت نسبت به تربیت نیروی انسانی متخصص و ارائه آموزش‌های لازم به آنان به عنوان تأثیرگذارترین عنصر جغرافیایی و همچنین غفلت از هماهنگی و تطابق سطح کیفی و کمی نیروی انسانی با سطح رشد علمی و فنی یا به زبانی دیگر عدم توانمندسازی نیروی انسانی، مشکلات زیادی را فراروی رشد و توسعه صنعت توریسم ایجاد نموده اند (رسول زاده، ۱۳۹۵: ۲۳). در جهان رقابتی امروزی، یکی از ابزارهای مهم برای ایجاد تحول و بقای سازمان و رسیدن به هدف‌ها و رسالت‌های مورد نظر، عنصر انسانی است (میرین بابازادگان، ۱۳۹۸: ۳۴). سطح رضایت و وفاداری میهمانان هتل‌ها ارتباط مستقیمی با سطح مهارت کارکنان آن‌ها دارد (رودسری، ۱۳۹۵: ۶۴).

همانطور که گردشگری یک فعالیت خدماتی است و کارمندان آن را ارائه می‌نمایند، توجه به آموزش و ارتقای دانش آنان یکی از اصول اصلی تضمین توسعه و پیشرفت این صنعت به شمار می‌رود و با توجه گردشگری بسیار تأثیرگذار از ارتباط دو سویه‌ی میزبان و مهمان می‌باشد و بدون شک مسئول این ارتباط تجربه‌ها و احساسات فراموش‌نشده‌ی است و منجر به تصمیم‌گیری در مورد تجربه مجدد و یا عدم تکرار آن می‌شود، نقش کارمندان از ارزش ویژه‌ای برخوردار است (خدایی و کلانتری، ۲۰۱۳: ۵۰). تحصیل در زمینه گردشگری یک موضوع نسبتاً جدید است و به رسمیت شناخته شدن این حرفه در شکل فراگیر به عنوان صنعتی حیاتی و رو به رشد اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. تعاریف متعددی با در نظر گرفتن اصطلاحات فنی برای گردشگری، گردشگر و صنعت توریسم وجود دارد که این نشان دهنده این است که این صنعت با حرفه‌های مختلف در ارتباط است (لیپر، ۱۹۷۹: ۴۰).

همچنین انواع فعالیت مختلف گردشگری با توجه با انگیزه گردشگر وجود دارد مانند اوقات فراغت، تجارت، ملاقات با دوستان و بستگان و غیره که این امر تلاش رسیدن برای یک تعریف واحد را محدود نموده اند. حتی برخی تاهنوز بحث می کند که گردشگری آیا تاهنوز می تواند یک رشته علمی باشد یا خیر؟ با اعتقاد بر این که «در حالی که گردشگری به منزله یک حوزه مطالعاتی تلقی می شود، اکنون فاقد سطح زیربنای نظری است که به یک رشته علمی تبدیل گردد» (ساربان حیدری، ۱۹۹۳). بحث در این میان وجود دارد که گردشگری بهتر است به عنوان صنعت باشد یا به عنوان یک حوزه که قادر به پیوند فعالیت های گردشگری با توجه به اهداف بازار مصرف باشد. طبق گفته لیکوریشن، گردشگری اساساً تقاضای ایجاد یک بازار است نه یک صنعت (Aghayar, 2004: 4). اغلب کارفرمایان گردشگری، فارغ التحصیلان غیر گردشگری را به خدمت فرا میخواند (مانند دانشجویان، مطالعات کسب و کار) که قادر هستند که مهارت کسب و کار را کسب کند (خشنودی فر و یغموری، ۲: ۱۳۹۴). یکی از چالش های پیش روی سازمان ها در قرن ۲۱ رقابت بر سر منابع با ارزش و گرانبها است که رشد و بقای سازمان را تضمین میکند (محمود زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳).

روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش فرا تحلیل انجام شده که در آن ده مقاله مرتبط با موضوع تحقیق، مورد تحلیل قرار گرفت و در این رابطه شش شاخص تاثیرگذار شناسایی شد.

تجزیه و تحلیل مقالات

وضعیت ساختاری مقالات

جنسیت	مرد	زن	ترکیبی	مجموعه
فراوانی	۷	۰	۳	۱۰
درصد	۷۰	۰	۳۰	۱۰۰

جدول شماره ۱: نویسندگان از لحاظ جنسیت

جدول فوق نشان می‌دهند که نقش زنان کمتر ملموس می‌باشد. بر اساس یافته‌های ده مقاله در زمینه ارزیابی توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری تجزیه و تحلیل صورت گرفت زنان به صورت مستقیماً مقاله را تحقیق نکردند بلکه ۳۰٪ مقالات به همکاری مردان تحقیق شدند. در مجموع ده مقاله که تحقیق شد ۷۰ درصد را مردها تحقیق نموده است.

تعداد نویسندگان مقالات

جدول شماره ۲: تعداد نویسندگان

تعداد نویسندگان	یک نفر	دو نفر	سه نفر	چهار نفر	مجموعه
فراوانی	۲	۴	۳	۱	۱۰
درصد	۲۰	۴۰	۳۰	۱۰	۱۰۰

در ده مقاله که مورد تحلیل قرار گرفت و بعد از تحلیل مشخص گردید که از بین این مقالات بیشتر به شکل کار اشتراکی انجام شدند که ۳۰٪ مقالات سه نفری، ۴۰٪ دو نفری، ۲۰٪ یک نفری تحقیق نموده اند.

ساختار چکیده مقالات

جدول ۳: ساختار چکیده مقالات

ساختار چکیده	زمینه و مقدمه	روش یافته‌ها	نتیجه‌گیری	چکیده انگلیسی	
فراوانی	۱۰	۶	۳	۰	۲۳
درصد	۴۳	۲۶	۱۳	۰	۱۰۰

از میان ده مقاله که مورد مطالعه قرار گرفته است ۴۳٪ چکیده‌های آن دارای زمینه و مقدمه بودند، ۲۶٪ چکیده‌ها روش کار را بیان داشته است و ۱۳٪ و ۱۴٪ به ترتیب دارای یافته‌ها و نتیجه‌گیری می‌باشد ولی متأسفانه هیچ مقاله از بین این مقالات چکیده انگلیسی نداشته.

چهار چوب نظری مقالات

جدول ۴: بررسی چهار چوب نظری

نوع	مبانی نظری	چهار چوب نظری	مرور ادبیات
موجودیت	۲	۱	۴
درصد	۲۰	۱۰	۴۰
عدم موجودیت	۳	۰	۰
درصد	۳۰	۰	۰

چنانچه که چهار چوب نظری در یک تحقیق ستون و پایه از تحقیقات را تشکیل می دهد و به اساس تحلیل محتوای ده مقاله نتیجه زیر واضح گردید که ۲۰ درصد از مقالات دارای مبانی نظری، ۱۰ درصد داری چهار چوب نظری، ۴۰٪ دارای مرور ادبیات و ۳۰٪ اصلن بدون مبانی نظری، مدل و مرور ادبیات هستند.

بررسی سطح جغرافیایی مورد مطالعه مقالات

جدول ۵: محدوده جغرافیایی

محدوده مطالعه	قریه	دهستان	بخش	شهر	ولسوالی	ولایت	کشور	نامشخص	مجموعه
فراوانی	۰	۰	۰	۱	۴	۲	۳	۱۰	
درصد	۰	۰	۰	۱۰	۴۰	۲۰	۳۰	۱۰۰	

محدوده مطالعه مقالات که در زمینه موضوع تحقیق مطالعه گردید ۱۰ درصد در سطح ولسوالی، ۲۰ درصد در سطح کشور، ۳۰ درصد سطح و محدوده مطالعه نامشخص می باشد و ۴۰ درصد در سطح ولایت هستند.

جامعه و نمونه آماری

جدول ۶: جامعه و نمونه آماری

نوع جامعه	ساکنان	گردشگر	خبرگان	ترکیبی	اسناد و مدارک
فراوانی	۱	۱	۴	۰	۴
درصد	۱۰	۱۰	۴۰	۰	۴۰

در بین ده مقاله که به روش تحلیل محتوا استفاده شده اند ۱۰ درصد از ساکنان محلی مورد تحقیق قرار گرفته است، ۱۰ درصد گردشگران، ۴۰ درصد خبرنگاران ۴۰ درصد از اسناد ومدارک که توسط دیگران قبلن تحریر شده بودن استفاده شده است.

حجم جامعه آماری

در مقالات که مورد مطالعه قرار گرفت از بین ده مقاله حدود ۶۰ درصد حجم مورد مطالعه آن مشخص بوده که ۴۰ درصد اطلاعات از طریق پرسشنامه، ۱۰ درصد از طریق مصاحبه و ۵۰ درصد از طریق اسناد مکتوب وروش کتابخانه ای جمع آوری شدند.

جدول ۷: حجم جامعه آماری

حجم جامعه	معلوم و مشخص	نامعلوم
فراوانی	۶	۴
درصد	۶۰	۴۰

ابزار جمع آوری اطلاعات

جدول ۸: ابزار جمع آوری اطلاعات

ابزار تحلیل	پرسشنامه	مصاحبه	مدارک واسناد	آمیخته	داده ها و لایه های جغرافیای
فراوانی	۴	۱	۵	۰	۰
درصد	۴۰	۱۰	۵۰	۰	۰

جدول فوق نشان می‌دهد که برای جمع آوری داده های ۴۰ درصد از پرسشنامه، ۴۰ درصد از مصاحبه، ۵۰ درصد از اسناد و مدارک استفاده شده است.

روش تحلیل مقالات

جدول شماره ۹: روش تحلیل مقالات

روش تحلیل	توصیفی	استنباطی	تصمیم گیری	فرا تحلیل	ترکیبی
فراوانی	۴	۰	۰	۱	۵
درصد	۴۰	۰	۰	۱۰	۵۰

حدود ۵۰٪ مقالات از روش ترکیبی، ۴۰ درصد از روش توصیفی و ۲۰ درصد از روش فرا تحلیل استفاده شدند.

شاخص های توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری

ده مقاله انتخاب شده مورد تحلیل قرار گرفت که شش شاخص عمده شناسایی شد که در ادامه معرفی می گردد.

جدول شماره ۱۰: درجه تاثیرگذاری شاخص ها

شماره	شاخص ها	فراوانی	درصد	درجه
۱	انگیزه شغلی	۵	۴	۵
۲	دانش و اطلاعات شغلی	۲۶	۲۰	۳
۳	مهارت و تخصص	۴۵	۳۵	۱
۴	سطح نگرش	۳	۲	۶
۵	آموزش	۳۹	۳۱	۲
۶	دوره آموزشی	۹	۷	۴

مهارت و تخصص

مهارت و تخصص یکی از ارکان اساسی هر سازمان اقتصادی است، همان طوری که بعد از تجزیه و تحلیل مقالات در زمینه موضوع نتیجه بدست آمده نظر به جدول (۱۰) نشان می دهد که در درجه نخست برای توسعه نیروی انسانی به منظور رشد گردشگری اهمیت دارد و نظر به این نتایج در صنعت گردشگری، کسانی که در این صنعت مشغول کار هستند از نگاه تخصص و مهارت در سطح خوب باشد. زیرا گردشگری در کل یک علم نوپا است و در حوزه مهارت و تخصص گردشگری کار چندان نشده است.

آموزش

از همان آغاز به دلیل نقش اساسی و حساس عرضه خدمات در توسعه جلب سیاحان، تربیت کارکنان آزموده برای به حرکت درآوردن چرخ های این بخش مهم از فعالیت های اقتصادی در سرلوحه برنامه ها قرار گرفته اند. مرکز آموزش خدمات گردشگری در راستای

وظایف اصلی در بخش توسعه منابع انسانی به خصوص آموزش گردشگری و با توجه به راهکارهای اجرایی برنامه های دولت به ویژه جلب مشارکت بخش خصوصی و واگذاری امور تصدی و اصلاح ساختار، تلاش دارد تا اقداماتی را انجام دهد. از آنجا که نیروی انسانی متخصص و کارآمد، مهم ترین ارزش هر سازمان و فعالیتی است، در حوزه گردشگری نیز باید با فراهم آوردن شرایط لازم بهترین نیروی انسانی را به کار گرفت. با در نظر داشته تحلیل محتوا مقالات نظر به نتیجه تحقیق که در جدول (۱۰) نشان داده شده بیان می دارد که در قدم دوم سیستم آموزشی کارآمد و استاندارد برای رشد نیروی انسانی و زمینه ساز توسعه گردشگری است.

دانش و اطلاعات شغلی

اطلاعات و دانش لازمه هر کار و فعالیت است و زمانی برای دست یابی بازار و حفظ نمودن خود در برار رقبا دانش و آگاهی است. در نتیجه که از طریق تحلیل محتوا تحقیق صورت گرفت درجه سوم دانش و اطلاعات شغلی در زمینه رشد گردشگری می باشد.

دوره آموزشی

دوره آموزشی در گردشگری یکی از شاخص های تاثیرگذار جهت توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری است که مطابق جدول (۱۰) در درجه چهارم عوامل توانمند سازی نیروی انسانی است.

انگیزه شغلی

قرار نتایج به دست آمده که در جدول (۱۰۹) نشان می دهد بعد از دوره آموزشی در زمینه توانمند سازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری انگیزه شغلی هر فرد است که برای توسعه رشد خویشتن استفاده می کند و ۴٪ را انگیزه شغلی برای توانمند سازی نیروی انسانی اختصاص داده است.

سطح نگرش

یکی از شاخص‌های تاثیرگذار برای توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری سطح نگرش افراد در قبال گردشگری می‌باشد که این بر می‌گردد به دانش و آگاهی افراد که برای توسعه گردشگری فعالیت دارد. بر اساس جدول (۱۰) که از طریق تحلیل محتوا بدست آمده است به درجه ششم سطح نگرش قرار گرفته.

نتیجه گیری

بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه در جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه‌ای کشورها علاوه بر زیرساخت‌های مناسب و پتانسیل‌های بالای گردشگری و جغرافیایی، از نهادهای تربیتی، حرفه‌ها و آموزشی کارا نیز برخوردارند. پرسنل سازمان‌های دولتی و خصوصی گردشگری، با ارائه خدمات مطلوب به ارباب رجوع و سرمایه‌گذاران در واحدهای اقتصادی و گردشگری، نقش به‌سزایی در جذب گردشگران و سرمایه‌گذاران و در نتیجه کمک به رشد و توسعه کشور و جامعه دارد. در این راستا، پژوهش حاضر با بررسی شاخص‌های توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری با تحلیل محتوا مقالات مطالعه شده اند.

با توجه به بررسی مقالات مرتبط به موضوع مسئله تحقیق که انتخاب شده شش شاخص تاثیرگذار در زمینه موضوع شناسایی شده است. بعد از تحلیل مقالات که درصد تاثیرگذاری آن مشخص شده که در قدم نخست مهارت و تخصص با ۳۵ درصد یکی از اساسی‌ترین متغیر برای توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه گردشگری می‌باشد زیرا گردشگری سازمان خدماتی است که با ارائه خدمات مناسب می‌تواند رضایتمندی گردشگران را جلب نموده که این مستلزم نیروی متخصص و ماهر است. برای توسعه گردشگری در ساحات توریستی لازم است که نیروی متخصص استخدام و زمینه‌ساز توسعه و بهبود زیرساخت‌ها و حفظ منابع گردشگری گردد. در قدم دوم، شاخص آموزش با ۳۱ درصد برای توانمندسازی نیروی انسانی و توسعه گردشگری موثر است برای این که بتوان نیروی کار و موثر داشت زمینه تسهیلات آموزش و برنامه‌های ارقای ظرفیت برای

ذیدخلان و دست اندرکاران گردشگری در سطح محلی و ملی دولت‌ها و سازمان‌های غیر دولتی روی دست گیرند، شاخص سومی دانش و اطلاعات شغلی با امتیاز ۲۰ درصد دانش و اطلاعات شغلی کارمندان و دست اندرکاران گردشگری می‌باشد و این شاخصه بر می‌گردد باز موضوع تخصص و آموزش افراد که در صنعت گردشگری مصروف است. مثلاً نحوه ارائه خدمات و برخورد با گردشگران چگونه باشد. شاخص که در درجه سوم برای توسعه گردشگری در مناطق توریستی موثر است دوره آموزشی می‌باشد؛ گردشگری مثل سایر علوم نیازمند کسب دانش و تخصص است و آن لازم است که نیروی انسانی در مقاطع مختلف دانش آموخته و در عرصه توسعه و برنامه ریزی گردشگری از مهارت‌های شان استفاده نمایند. در هر شغلی انگیزه و علاقه شغلی می‌تواند که برای مهم باشد گردشگری نیز از این امر مستثنی نیست و در این تحقیق بعد از تحلیل مقالات پنجمین شاخص موثر در توسعه گردشگری است. در درجه آخر، سطح نگرش و برداشت افراد برای توسعه گردشگری تأثیرگذار است؛ افراد نسبت به توسعه گردشگری در ساحه توریستی چگونه است.

پیشنهادات

نظر به تحلیل مقالات مورد مطالعه برای ولایت بامیان موارد زیر پیشنهاد می‌گردد؛ برای دولت محلی بامیان پیشنهاد می‌شود که برای توسعه صنعت توریسم در این ولایت افراد که مهارت و تخصص در عرصه گردشگری و هتلداری داری داشته باشد استخدام گردد. از سازمان‌های حامی رشد اقتصادی جامعه محلی و دولت محلی تقاضا می‌شود برنامه‌های آموزشی با همکاری دیپارتمنت توریسم دانشگاه بامیان برای مردم محل و دست اندرکاران گردشگری ولایت بامیان روی دست بگیرند. دولت برای تغییر نگرش افراد جامعه و ذیدخلان گردشگری نسبت به اهمیت صنعت توریسم آگاهی لازم را ارائه نمایند.

منابع

- خدائی، زهرا و خلیل آباد، حسین کلاتری (۱۳۹۱). توسعه گردشگری با تاکید بر نقش آموزش نیروی انسانی، فصل نامه مطالعات مدیریت شهری، (شماره ۱۲).
- خشنودی فر، مهر نوش و یغموری، سهیلا، نقش آموزش در توسعه گردشگری (گردشگری در جمهوری ایران)، همایش ملی پژوهش های کاربردی در جغرافیا و گردشگری.
- رسول زاده اقدام، صمد (۱۳۹۵). فرصت ها و محدودیت های صنعت گردشگری در ایران، مطالعات جامعه شناسی، (سال هشتم، شماره ۸).
- ساربان حیدری، وکیل (۱۳۹۰). تحلیل موانع موثر بر توسعه گردشگری روستای سردابه شهرستان اردبیل.
- شمس الدینی، علی، درخشان، الهام و همکاران (۱۳۹۵). ارزیابی توانمندسازی نیروی انسانی در توسعه صنعت گردشگری (استان کهگیلویه و بویر احمد)، فصل نامه برنامه ریزی منطقه ای، (سال ششم، شماره ۲۴).
- محمدی نجف آبادی، اعتباراریان خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۸). طرح مدل استراتژی محور توسعه منابع انسانی گردشگری و تدوین نقشه راه (استان اصفهان)، فصل نامه علمی و پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی.
- محمدی، مصطفی، میرتقیان رودسری و همکاران (۱۳۹۵). شایستگی های فردی منابع انسانی و وفا داری کنشی میهمانان در هتل های چهار ستاره استان مازندران، فصلنامه مدیریت گردشگری، (شماره ۳۵، سال یازدهم).
- محمود زاده، سید مجتبی، زارع، رحیم و همکاران (۱۳۹۹). مدیریت منابع در صنعت گردشگری با تاکید بر اهداف کار کرد ها و اقدامات، مجله نخبگان علوم مهندسی، (شماره ۲).
- میرین بابازادگان (۱۳۹۸). تدوین الگو راهبردی توانمندسازی نیروی انسانی با رویکرد معادلات ساختاری (سازمان گردشگری استان تهران)، فصل نامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، (شماره ۱۱، سال سوم).
- نصیر زاده، حمید رضا و افتخاری، مریم (۱۳۹۳). نقش آموزش در توسعه صنعت گردشگری، همایش ملی جغرافیا و محیط زیست.
- Aghayar, S. (2004): a new method enabling the competitive environment. Monthly tadbir. Number 135. (In persian).

نقش کنترل در مدیریت

پوهنیار محمدعلی طاهری ۱
تقریظ دهنده: پوهنوال دکتور باز محمد فروغ

چکیده

کنترل در امر مدیریت و اعمال آن در هر سازمان و تشکیلات اجتناب‌ناپذیر است. اگر کنترل در سازمان صورت نپذیرد، سازمان دچار هرج‌ومرج می‌شود و به اهداف از پیش تعیین شده خویش دست نخواهد یافت. مدیران بنا به تشخیص خود و با توجه به شرایط و مقتضیات موجود از انواع روش‌های کنترل استفاده می‌کنند. کنترل پیشگیر درصدد است که از انحرافات در کیفیت و کمیت منابع انسانی، مادی و مالی مورد استفاده سازمان، پیشاپیش جلوگیری کند. در کنترل همگام مدیر با مشاهده مستقیم کار زيردستان پی می‌برند که آیا کارها و عملیات سازمان مطابق اهداف تعیین شده پیش می‌رود یا خیر. با استفاده از کنترل بازخورد می‌توان نتایج کار و عملیات را با ملاک‌ها مقایسه نموده و اقدامات اصلاحی را مشخص کند. هدف این تحقیق بررسی نقش کنترل در مدیریت بود که با روش کتاب‌خانه‌ای با استفاده از منابع معتبر و مقالات علمی جمع‌آوری و با بررسی دیدگاه‌های مختلف دریافت شد که کنترل یک مکانیسم خوبی برای پیشبرد اهداف سازمانی است که با استفاده از این مکانیسم می‌توان بخش منابع مالی، اطلاعاتی، انسانی کنترل و اطمینان حاصل می‌شود که فعالیت و برنامه‌های سازمان مطابق اهداف از پیش تعیین شده انجام می‌شود.

کلمات کلیدی: نظارت؛ کنترل؛ مدیریت؛ ارزیابی؛ اندازه‌گیری.

Examining the Role of Control in Management

Assistant pro. Mohammad Ali Tahiri

Abstract

control is inevitable in the matter of management and its application in any organization. If monitoring and control does not take place in the organization, it will suffer chaos and will not achieve its predetermined goals. Managers use a variety of control methods based on their discretion and the existing conditions and requirements. Preventive control tries to prevent deviations in the quality and quantity of human, material and financial resources used by the organization in advance. In simultaneous control, the manager directly observes the work of her subordinates to find out whether the work and operations of the organization are progressing based on detained goals or not. By using control-feedback, the results of work and operations can be compared with the standards, and corrective actions can be determined. The purpose of this research is to examine the role of control in management, which was collected by the library method using authentic books and scientific articles and by examining different points of view, we found that control is a good mechanism to advance organizational goals, which by using this mechanism we can control the financial, information, and human resources, and ensure that the activities and programs of the organization are carried out or are being carried out according to the predetermined goals.

Keywords: role; supervision; control; management; evaluation; measurement.

مقدمه

شاید به جرئت بتوان ادعا کرد که انجام هیچ فعالیتی در سازمان قرین توفیق نخواهد بود مگر آن که کنترل‌های لازم نسبت به آن به عمل آمده باشند. به کمک کنترل است که مدیریت نسبت به نحوه تحقق هدف‌ها و انجام عملیات آگاهی می‌یابد و قدرت پیگیری، سنجش و اصلاح آن‌ها را پیدا می‌کند. کنترل، ابزار کار مدیران در رده‌های مختلف سازمان از مراتب عالی تا رده‌های سرپرستی است و لزوم آن در مراتب مختلف به سادگی احساس می‌شود. سازمان بدون وجود یک سیستم مؤثر کنترل در تحقق مأموریت‌های خود موفق نیست و نمی‌تواند از منابع خود به درستی استفاده کند (الوانی، ۱۳۸۸).

از آنجایی که سازمان‌ها در معرض تغییرات مداوم قرار دارند و فعالیت آن‌ها روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند و تفویض اختیار برای تسهیل کار اجتناب‌ناپذیر است، اهمیت نظارت و کنترل در سازمان‌ها آشکارتر می‌شود و لازم است متناسب با این تغییرات فنون و روش‌های جدید نظارتی جایگزین روش‌های سنتی و متداول نظارت شود؛ لذا در این تحقیق سعی به عمل آمد که کنترل از دیدگاه مختلف مورد بررسی قرار گیرد و نقش کنترل در مدیریت شناسایی و برجسته شود و معلوم شود که در مدیریت کدام فعالیت‌ها کنترل شود؟.

مبانی نظری تحقیق

کنترل^۱

کنترل، فرایندی است برای حصول اطمینان از اینکه فعالیت‌های انجام شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده مطابقت دارد (فیضی، ۱۳۸۸، ص. ۳۵۱). به تعبیر دیگر، کنترل فرایندی است که از طریق آن عملیات انجام شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تطبیق داده می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۹).

بدین ترتیب کنترل فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجود‌ها، پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و تصویری واضح از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه از عوامل در اختیار مدیر و مسئول مربوطه قرار می‌دهد. یا به عبارت دیگر، فعالیتی منظم است که ضمن آن نتایج مورد انتظار در قالب استانداردهای انجام عملیات معین می‌شوند، سیستم دریافت اطلاعات طراحی می‌شود، عملیات پیش‌بینی شده و انجام شده باهم مقایسه می‌شوند، اختلافات و انحرافات مشاهده شده ارزیابی و میزان اهمیت آن‌ها مشخص می‌شود و سرانجام اصلاحات لازم برای تحقق هدف‌ها و مأموریت‌های سازمانی انجام می‌گیرند (الوانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۰).

همچنین، باید توجه داشت که اگر از نظارت، مفهومی فضولی، جاسوسی و یا کسب اطلاعات برای توییح، تنبیه و یا دوسیه سازی درک شود، جوی از بازدارندگی، مقاومت و مکانیسم‌های دفاعی به وجود خواهد آمد (میر کمالی، ۱۳۹۲).

دیدگاه‌ها در مورد کنترل

دیدگاه سنتی، این دیدگاه مبتنی بر کار فردریک وینسلور تیلور، پدر مدیریت علمی است. او تأکید می‌کرد که با کنترل جدی مدیریتی، در سراسر محیط کار، نظم ایجاد می‌شود که موجب تحقق کار آیی نیروی کار می‌گردد. در محیطی که عرصه مطالعات تیلور بود، کار به اجزای کوچکی تقسیم شده و مشاغل برای افرادی که مسئول اجرای آن بودند، استاندارد شده و در ساختار مدیریتی سلسله مراتبی وجود داشت که تلاش می‌کرد برای افزایش کار آیی کار، کارکنان را کنترل کند. تیلور طرفدار جدایی برنامه‌ریزی از اجرا بود؛ زیرا می‌بایست مدیران، مسئول برنامه‌ریزی و کارکنان، مسئول اجرا باشند. تیلور فکر می‌کرد که مدیران، فاقد دانش موردنیاز برای فرآیندهای عملیاتی سازمانی هستند (شریعتمداری، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۳-۱۴۹).

باید توجه داشت شیوه‌های کنترل سنتی که مبتنی بر کاربرد مقررات و نظارت دقیق است در دنیایی که تغییرات به سرعت انجام می‌شود و محیط بسیار نامطمئن است این شیوه‌های کنترل کارساز واقع نمی‌شود، سازمان‌ها امروزه بیشتر از الگوهای نوین استفاده می‌کنند (دف، ۱۹۹۶).

دیدگاه جدید، در این دیدگاه باید به جای افراد، فرآیندها را کنترل کرد. به همین علت، سازمان‌ها با مشارکت دادن کارکنان در وظیفه کنترل، با گسترش حوزه مشاغل و با دادن فرصت به گروه‌های

خودگردان، برای پرداختن به مسائل گوناگون، موجب بهبود بهره‌وری و کیفیت در سازمان می‌گردند. در این سازمان‌ها کارکنان به جای اجرا کردن وظایف محدود، برای مراقبت و اصلاح فعالیت‌های کاری خود تشویق می‌شوند (شریعتمداری، ۱۳۹۵، ص، ۱۴۳-۱۴۹).

دیدگاه مدرنیستی، در نظریه‌های مدرنیستی^۱ کنترل با این پیش فرض آغاز می‌شود که افراد مختلف دلایل مختلفی برای مشارکت در سازمان‌ها دارند. در نتیجه، سازمان‌ها همیشه با مسئله‌ی ایجاد اطمینان از این نکته که منافع واگرا^۲ با راهبردها و اهداف سازمانی تقابل نمی‌کنند، مواجه‌اند. این امر خرد مایه^۳ کنترل را بیان می‌کند؛ چون سازمان‌ها متشکل از افرادی با منافع واگرا هستند، مدیران باید اعمال کنترل کنند. نظریه‌های مدرنیست کنترل، به سازوکارهایی برای کنترل رفتار تأکید دارند تا اطمینان حاصل کنند که از طریق فعالیت‌هایی که درون و از جانب سازمان انجام شده، منفعت‌طلبی شخصی افراد حداقل می‌شود و منافع سازمانی محقق می‌گردد (جو هیچ، ۱۳۹۱، ص، ۴۳۴). مدیران عمدتاً بر یکی از این پنج حوزه کنترل می‌کنند: افراد، منابع مالی، عملیات، اطلاعات و عملکرد کل سازمان.

الف) افراد: مدیران با کار کردن با افراد می‌توانند به اهداف خود نائل شوند. برای تحقق هدف‌های هر واحدی، مدیران به پیروان خود وابسته‌اند و به آنان نیاز دارند؛ بنابراین، مدیران باید اطمینان حاصل کنند که کارکنان آن‌گونه عمل می‌کنند که مورد انتظار است. مدیران به‌طور مستمر کار کارکنان را نظارت و اشتباهات آنان را اصلاح می‌کنند. مدیران کارکنانشان را از راه‌های رسمی و با ارزیابی منظم عملکرد آنان می‌سنجند.

ب) منابع مالی: هدف اولیه هر مؤسسه تجاری کسب سود است. برای رسیدن به این هدف، مدیران نظارت‌های مالی را اعمال می‌کنند.

1. Modernist control theories

2. Divergent interest

3. Rationale

ج) عملیات: موفقیت هر سازمان به توانایی آن سازمان در تولید کالاها و خدمات، به طور مؤثر و کارآمد بستگی دارد. فنون نظارت بر عملیات به گونه‌ای طراحی شده است تا چگونگی کارآمدی و تأثیر فرآیندهای عملیاتی سازمان را ارزیابی کند. نظارت بر عملیات شامل پیگیری فعالیت‌های زیر است:

- ۱- تولید، برای اطمینان از این که این فعالیت‌ها مطابق برنامه پیش می‌رود. ۲- ارزیابی ۳- حداقل هزینه ۴- کنترل کیفیت محصولات ۵- خدمات. برای اطمینان از اینکه با استانداردهای از پیش تعیین شده مطابقت دارند. حفاظت و نگهداری: برای اطمینان از اینکه از تجهیزات سازمان به خوبی نگهداری می‌شود (رابنز، ۱۹۹۴ ص، ۵۸۲).

د) اطلاعات: مدیران برای اجرای وظایف خود به اطلاعات نیازمندند. اطلاعات نادرست، ناقص، زیاده از حد و با تأخیر به طور جدی مانع موفقیت مدیران می‌شود.

ه) عملکرد سازمان: عملکرد یا اثربخشی کل سازمان، به طور منظم به وسیله عده‌ای از مؤسسان ارزیابی می‌شود. البته مدیران به عملکرد سازمان علاقه‌مندند، اما تنها گروهی نیستند که اثربخشی سازمان را ارزیابی می‌کنند (فیضی، ۱۳۸۸ ص، ۳۷۷-۳۷۸).

مزایای کنترل در مدیریت

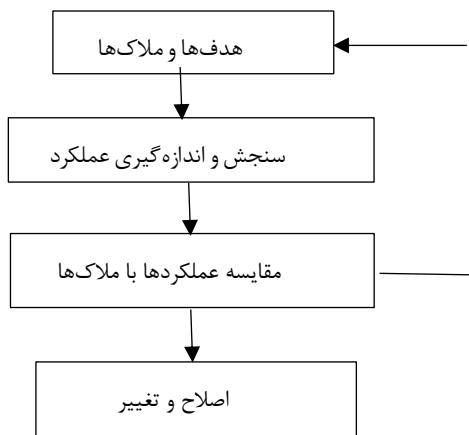
کنترل دارای مزایایی اند که به چند نمونه آن اشاره می‌گردد:

- ۱- جلوگیری از بحران: اگر مدیر از امور سازمان خود آگاه نباشد، احتمالاً یک مشکل کوچک و قابل حل تبدیل به یک مشکل بزرگ خواهد شد.
- ۲- خروجی‌های استاندارد شده: مشکلات و خدمات را می‌توان از نظر کمی و کیفی بر مبنای کنترل‌های درست و خوب استاندارد نمود.
- ۳- ارزیابی عملکرد کارکنان: کنترل‌های مناسب و به موقع، موجب می‌شوند تا اطلاعات هدفمند در اختیار مدیر قرار گیرد.
- ۴- برنامه‌های به روز درآمده: ضرورت به روز درآوردن برنامه، (حتی بهترین و دقیق‌ترین برنامه‌ها) به علت تغییر محیطی و تغییرات درون سازمانی از کارهای اساسی مدیر است. کنترل امور موجب می‌گردد تا مدیر متوجه شود که امور جاری در مقایسه با آنچه باید انجام شود در چه وضعیتی است.

۵- حمایت و مراقبت از سرمایه سازمان: انجام کنترل‌های به‌موقع در رابطه با آگاهی و جلوگیری از عدم کار آیی، اتلاف وقت، سوءاستفاده از قدرت و حیف‌ومیل اموال سازمان سبب حمایت از سرمایه سازمانی می‌گردد (نجف بیگی، ۱۳۹۶، ص، ۴۲).

مراحل کنترل

فرایند کنترل دارای چهار مرحله هست: مرحله اول تعیین ملاک‌ها، سنجش و اندازه‌گیری عملکرد، مقایسه عملکردها با ملاک‌ها، اصلاح و تغییر.



شکل (۱) مراحل کنترل، اقتباس از علاقه بند (۱۳۹۵)

مرحله اول، ملاک و روش‌ها سنجش عملکردهاست که شامل همه جوانب کار و فعالیت‌های سازمان می‌شود. برای اینکه ملاک‌ها مؤثر واقع شوند، آن‌ها باید دقیق، موردقبول اعضای سازمان و دارای روش‌های اندازه‌گیری درست و متناسب باشند. مرحله دوم، نظارت عملکردها و سنجش و اندازه‌گیری آن‌هاست. اگر ملاک‌ها، مثلاً برحسب سود یا هزینه است، عملکرد واقعی هم باید با مقیاس‌های پولی اندازه‌گیری شوند. یا اگر خدمات سازمانی ملاک تعیین شده‌اند، لازم است که مقیاسی متناسب با نوع خدمات، برای سنجش به‌کاربرده شود. مرحله سوم، بازنگری یا مقایسه نتایج حاصله از سنجش عملکردها با ملاک‌ها و هدف‌های تعیین شده است. اگر تفاوت‌ها و انحرافات مشاهده شود، در مرحله چهارم، اقداماتی برای تصحیح عملکردها صورت می‌گیرد. غالباً عمل

تصحیح مستلزم تلاش‌هایی در جهت هدایت رفتارها و بالا بردن میزان عملکرد تا سطح مطلوب است (علاقه بند، ۱۳۹۵ ص، ۱۵۲). مراحل ذکرشده را به گونه زیر نیز می‌توان بیان نمود.

مرحله اول، تعیین معیار^۱ها

این استانداردها باید برای تمام اعضای سازمان قابل فهم و شفاف و بدون هر ابهامی باشد مثلاً یک استاد پوهنتون در نظر دارد ده فصل از یک کتاب را برای یک سمسטר تدریس نماید او می‌تواند تدریس خود را طبق این هدف برنامه‌ریزی نماید. این معیار بر اساس استانداردهای تعیین شده استاد را در برقراری ارتباط با افراد در جریان کنترل و نظارت یاری می‌کند. تعیین استاندارد، نیاز اولیه برنامه‌ریزی است که خود مستلزم شناخت هدف‌های سازمان هست. تفسیر هدف‌های سازمان در قالب بازده دقیق و قابل اندازه‌گیری را تعیین استاندارد می‌نامند. این مرحله هم مفاهیم سازمانی مانند برنامه‌ریزی، تعیین خط‌مشی، رویه‌ها و بودجه‌بندی را در برمی‌گیرد. به یاد داشته باشیم که آنچه اندازه‌گیری می‌کنیم چیزی است که به دست می‌آوریم. مطمئن شویم که هر معیار عملکردی که داریم با دستاوردهای ارزش یا اهداف سازمان ما سازگار است. در غیر این صورت سازمان خود را با خطر سوء مدیریت مواجه کرده ایم (دراکر، ۱۹۴۱).

مرحله دوم، سنجش عملکرد^۲

پس از اینکه استانداردها تعیین گردید، گام بعدی در جریان کنترل، نظارت و اندازه‌گیری دقیق عملیات اجرایی است. نظارت و اندازه‌گیری جزء فعالیت‌های مستمری استاندارد که شامل دریافت اطلاعات مربوط که بیانگر اقدامات دقیق اجرایی جهت مقایسه نتایج عملیات انجام شده باهدف‌ها و استانداردهایی که از قبل تعیین شده است، هست.

مرحله سوم، شیوه اندازه‌گیری عملکرد^۳

یکی از وظایف مشکل در اندازه‌گیری عملکرد، انتخاب شیوه اندازه‌گیری است. خیلی مهم است که معیار اندازه‌گیری عملکرد در کنترل سازمان‌ها و عملیات مشخص فرد صحیح و دارای اعتبار باشد،

-
1. Establishing standards
 2. Measuring performance
 3. Measuring devices

صحیح از این دیدگاه که تا چه مقدار اندازه‌گیری عملکرد مناسب بوده و اعتبار از این منظر که چطور این‌گونه اندازه‌گیری عملکرد در دستیابی به نتایج مؤثر است. روش‌های اندازه‌گیری تعیین‌شده می‌تواند پاسخی باشد به این سؤال، چه چیزی، چطور و چه زمانی اندازه‌گیری شود؟

برای مثال بعضی از اساتید معیار اندازه‌گیری عملکرد محصلان خود را با یک امتحان نهایی می‌سنجند، ولی اساتید دیگر با گرفتن امتحانات متعدد در طی سمستر تحصیلی می‌سنجند.

مرحله چهارم، مقایسه اندازه‌گیری عملکرد با استاندارد عملکرد^۱

گام بعدی در جریان کنترل مقایسه دقیق عملکرد با استانداردهای تعیین‌شده برای آن عملکرد است. این مقایسه معلوم می‌کند که انحراف در نتیجه استانداردهای غیرواقعی حادث شده است یا در نتیجه فقدان عملکرد کارآمد پدید آمده است.

مرحله پنجم، اقدامات اصلاحی^۲

تصحیح انحرافات عملکرد، کل وظایف مدیریت را در کانون توجه قرار می‌دهد. مدیران می‌توانند از طریق تغییر معیارها، عملکرد را اصلاح کنند. همچنین شاید انحراف‌ها را با تغییر طرح‌ها از بین ببرند. مدیریت می‌تواند عملکرد ضعیف را از طریق تغییر چگونگی انجام کارها به‌وسیله استخدام افراد جدید، بازآموزی کارکنان فعلی، تغییر شغل‌ها و امثال آن بهبود بخشد؛ بنابراین تصحیح انحرافات از طرح‌ها می‌تواند همه بخش‌ها، وظایف و مسئولیت‌های مدیران عملیات را شامل گردد (پیرز، جان ای؛ رابینسون، ریچاردی، ۱۹۴۷).

به‌محض شناخت انحرافات توسط مدیریت سیستم اقدامات لازم به‌منظور اصلاح شرایط موجود می‌بایست معمول گردد و منابع موجود به‌سوی هدف‌های از پیش تعیین‌شده هدایت شوند. در هر حال هرگونه اقدام اصلاحی باید با توجه به عوامل محدودکننده در سازمان مانند فرهنگ‌سازمانی، اتحادیه‌های کارگری، موقعیت سیاسی، اقتصادی و نظایر آن اعمال شود. از آنجایی که نتایج واقعی در اکثر موارد با نتایج مطلوب مطابقت نداشته؛ لذا انتظار می‌رود که انحراف قابل توجه باشد. چنانچه

1. Comparing measured performance with performance standards
2. Taking corrective action

انحراف ناچیز باشد اقدام اصلاحی به سهولت انجام می‌گیرد اما در صورتی که انحراف فراوان و مهم باشد، برای انجام اقدامات اصلاحی باید به نکات ذیل توجه نمود.

الف) مدیران نباید صرفاً به علائم و نشانه‌های انحراف توجه کنند، بلکه بایستی علل و ریشه‌های مسائل را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهند.

ب) هرگونه اقدام اصلاحی باید سریع و به موقع جهت اثربخشی بهتر صورت گیرد.

ج) هر وقت و در هر مورد که امکان دارد، اقدامات اصلاحی باید در محتوای برنامه گنجانیده شود. در این زمینه بهتر است از دستگاه‌های کنترل خودکار (سایبرنیتیکس^۱) استفاده شود.

د) باید درک کرد که هدف به‌تنهایی پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه تابع تغییرات محیط است. لذا؛ با توجه به نیازها و تحولات محیطی و تکنالوژی، تغییر هدف ضروری است (میرابی، ۱۳۹۵، ص، ۲۳۷-۲۴۳).

نکات مهم در کنترل

۱. همیشه در وظیفه کنترل و نظارت باید این نامساوی را در نظر بگیریم هزینه > (کوچکتر از) نتیجه کنترل باشد.

۲. به علت هزینه زیاد کنترل، کنترل و نظارت باید در نقاط استراتژیک صورت بگیرد (پرچ، مهرداد و همکاران، ۱۳۹۴).

انواع کنترل

مدیران بنا به تشخیص خود و با توجه به شرایط و مقتضیات موجود، از انواع روش‌های کنترل استفاده می‌کنند. بادر نظر گرفتن زمان کنترل، جایگاه کنترل، و میزان کنترل می‌توان انواع مختلف را در نظر گرفت که عبارت انداز: کنترل پیشگیر، کنترل همگام، کنترل بازخورد. کنترل پیشگیر، چنان‌که از نام آن پیدا است، می‌کوشد از بروز انحرافات در گردش کار سازمان جلوگیری کند. کنترل همگام برای اطمینان از اینکه هدف‌های پیگیری می‌شوند، ناظر به عملیات جاری سازمان است. کنترل

بازخورد به اطلاعات حاصله از نتایج نهایی عملکردهای سازمانی وابسته است و به این منظور طراحی می‌شود که انحرافات احتمالی را پس از وقوع، اصلاح کند (علاقه بند، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

از بررسی دیدگاه‌های مختلف چنین نتیجه می‌گیریم که با داشتن یک سیستم خوب کنترل، می‌توان بایدها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه کرد و تصویری واضح از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه از عوامل در اختیار مدیر و مسئول مربوطه قرارداد. کنترل در مدیریت موجب می‌شود تا مدیر از مشکلات آگاه شود. مشکل مدیران هنگامی است که نتوانند هدف‌های تعیین شده را تحقق بخشند. مشکل سطوح مدیریت میانی و پایه نیز آن است که موفق به دستیابی هدف‌های واحدهای تحت سرپرستی خود نشوند، مانند هدف‌های اداری و استانداردهای تولیدی؛ بنابراین، با استفاده از کنترل پیشگیر می‌توان از انحرافات در کیفیت و کمیت پیشاپیش جلوگیری کرد. و با استفاده از کنترل همگام مطمئن می‌شویم که آیا کارها و عملیات سازمان، طبق خط‌مشی‌ها و رویه‌های پیش‌بینی شده جریان دارد یا نه. و در کنترل بازخورد نتایج کار و مقایسه آن با ملاک‌ها، انحرافات احتمالی و اقدام اصلاحی از. مرحله کنترل در مدیریت به این دلیل طراحی می‌شوند که به مدیر درباره پیشرفت فعالیت‌ها که از اهمیت زیادی برخوردار است، اطلاعات دقیقی داده شود. در طراحی سیستم کنترل، مدیریت باید اهداف و نتایجی را که از اجرای برنامه‌ها انتظار دارد مشخص سازد. در جریان کنترل باید شاخص‌هایی وجود داشته باشند تا به وسیله آن‌ها بتوانیم میزان نیل به نتایج موردنظر را موردسنجش قرار دهیم. این شاخص‌ها در واقع مقیاس‌هایی برای سنجش عملکردها به شمار می‌روند و تمام منابع مدیریت را که شامل؛ منابع مالی، منابع انسانی، منابع اطلاعاتی و منابع مادی می‌شود، کنترل کرد.

منابع

- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۸). مدیریت عمومی. چاپ سی و چهارم. تهران: نشر نی.
- پرچ، مهرداد و همکاران (۱۳۹۴). کتاب جامع مدیریت. چاپ نهم. تهران: مهربان نشر.
- پیرز، جان ای؛ رایبسنسون، ریچارد بی (۱۹۴۴۷). مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل). ترجمه سید محمود حسینی (۱۳۹۶). چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
- جو هچ، ماری (۱۳۹۱). تئوری سازمان. برگردان حسن دانایی فر. چاپ سوم. تهران: مهربان نشر.
- بیگی، ابراهیم حسن (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- دف، ریچارد ال (۱۹۹۶). مبانی تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان، سید محمد اعرابی (۱۳۹۶)، چاپ دوازدهم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- دراکر، پیتر اف؛ ماچیارلو، جوزف ای (۱۹۴۱). شش دهه اندیشه‌های مدیریت، ترجمه سید رضا افتخاری (۱۳۸۸)، مشهد: نشر مرندیز.
- رضائیان، علی (۱۳۹۹). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ بیست و یکم. تهران: سمت
- رابنز، استیفن پی (۱۹۴۳). مبانی رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان، سید محمد اعرابی (۱۳۹۶)، چاپ چهل و هفتم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۹۵). اصول و مبانی مدیریت. چاپ پنجم. تهران: انتشارات کوهسار.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۵). مدیریت عمومی. چاپ بیست و نهم. تهران: نشر روان.
- فیضی، طاهره (۱۳۸۸). مبانی سازمان و مدیریت. چاپ پانزدهم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- قشمی، آرش (۱۳۸۸). دانش مدیریت و سازمان. چاپ اول. تهران: علم و دانش، مؤسسه علامه محدث نوری.
- میرابی، وحید رضا (۱۳۹۵). مبانی و استراتژی مدیریت. چاپ هفتم. تهران: انتشارات شهرآشوب.
- میر کمالی، سید محمد (۱۳۹۲). رهبری و مدیریت آموزشی. چاپ نوزدهم. تهران: انتشارات یسطرون
- نجف بیگی، رضا (۱۳۹۶). سازمان و مدیریت. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات ترمه

زمان و مکان از نظر کانت

پوهنیار خلیل الله فرزام^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی شیر علی صمیمی

چکیده

کانت در نقد عقل محض عنوانی دارد به نام "حسیات استعلایی" که در ذیل این عنوان به بررسی حسیات انسانی یا به عبارت دیگر، مطالعه مکان و زمان به عنوان فرم‌ها یا صورت-های پیشینی ادراک حسی می‌پردازد. این مفهوم با مبادی احساس مرتبط است و تمرکز آن بر بازنمایی ما از مکان و زمان قرار دارد. کانت استدلال می‌کند که مکان و زمان شهودهای محض قوه حسی ما هستند. تجربه حسی تنها از آن رو معنی دار است که قوه حسی ما داده‌های حسی را مطابق با شهودات ما از زمان و مکان پردازش و سازماندهی می‌کند. این شهودات منبع ریاضیات‌اند: اعداد همان شهود ما از انات متوالی زمان و هندسه همان شهود ما از مکان‌اند. مکان و زمان به ترتیب شکل‌دهنده شهودات بیرونی و درونی ما هستند. از آنجاکه مکان باید به مثابه شرط هرنوع تجربه بیرونی و زمان باید به مثابه شرط هر نوع تجربه‌ای پیش‌فرض گرفته‌شوند، کانت مکان و زمان را قابل شناخت به طریق پیشینی تلقی می‌کند. این دو فرم‌های ذهن‌اند که مقدم بر تجربه حسی هستند و ادراکات حسی را نظم می‌دهند و هر فردی به صورت مثابه از آن‌ها برخوردارند. چنین است که کانت مکان و زمان را فرم‌های پیشینی ادراک حسی نام‌گذاری می‌کند.

کلمات کلیدی: زمان؛ مکان؛ حسیات استعلایی؛ شهود؛ مفاهیم؛ تجربه‌گرایی.

۱. دبیرارتمنت فلسفه، پوهنځی علوم اجتماعی، پوهنتون بامیان khalilfarzam@yahoo.com

Time and Space according to Kant

Teacher assistant Khalilullah Farzam

Abstract

Kant's Transcendental aesthetic is a study of the human senses or in another words, it is the study of space and time as the a priori forms of perception. it deals with all principles of a priori sensibility and focuses on our representation of space and time. Space and time, Kant argues, are pure intuitions of our faculty of sensibility. Sensory experience only makes sense because our faculty of sensibility processes it, organizing it according to our intuitions of time and space. These intuitions are the source of mathematics: our number sense comes from our intuition of successive moments in time, and geometry comes from our intuition of space. Space and time, as a priori intuitions form outer and inner intuition respectively. Insofar as space must be presupposed as the condition for any outer experience, and insofar as time must be presupposed as the condition for any experience, Kant refers to them as knowable a priori. They are forms of the mind prior to sensory experience that each human has identically, and that order our sensations into a common and objective form. He refers to space and time in technical terms as p priori forms of sensibility.

Key concepts: Time; Space; Transcendental aesthetic; intuition; concepts; Empiricism.

مقدمه

ما آسمان آبی، چراغ سبز، لباس سفید و پرچم سرخ را می‌بینیم و گزاره های (احکامی) می‌سازیم. در حالی که ما چیزی را ادراک می‌کنیم و کیفیت خاصی را به آن چیز، به عنوان الف ب است، نسبت می‌دهیم، کانت فرم انتزاعی این احکام را بررسی می‌کند. سپس او با تأمل بر این فرم ابتدایی منطقی، نظریه معرفت خود را می‌سازد.

کانت در ابتدای کتاب نقد عقل محض سعی می‌کند میان دو چیز تمایز ایجاد کند: بخشی از شناسایی که قوه منفعل حسی انسان آن را می‌سازد و بخشی که صرفاً ابژه‌های موثر بر انسان آن را می‌سازد (کانت، ۱۳۹۴، ص. ۳۶). در نظر کانت، مکان و زمان صورت-ها یا فرم‌های ناب همه شهودهایی هستند که قوه حس‌پذیری به ما می‌دهد و از این‌رو، فرم چیزهایی هستند که می‌توانیم در باره آن‌ها شناخت پیشینی داشته باشیم. راه حل کانت، در منازعه نیوتن و لایبنیتس بر سر زمان و مکان، بر همین پایه استوار است: نیوتن مکان و زمان را اموری خودبنیاد می‌دانست، یعنی مستقل از ابژه‌هایی که اشغالشان کرده‌اند. لایبنیتس آن‌ها را نظامی از نسبت‌ها بر می‌شمرد، سازه‌هایی مفهومی که بر ویژگی‌های ذاتی و غیرنسبی اشیا مبتنی‌اند؛ اشیایی که در نظر ما، به صورت مکانی-زمانی با هم مرتبط‌اند. اما عقیده کانت این است که مکان و زمان نه اموری خودایستا هستند و نه طوری به اشیا چسپیده‌اند که گویی ذاتی‌اند؛ بلکه فقط صورت‌های حس‌پذیری ما هستند و از این رو شرط‌هایی هستند که ابژه‌های تجربه فقط در ظرف آنها پدیدار می‌شوند (وود و گایر، ۱۳۹۲، ص. ۲۶).

در این مقاله ما برای وارد شدن به مسئله کانت، از نقد او بر تجربه‌گرایی انگلیسی با محوریت مسئله علیت آغاز می‌کنیم که راه سرراستی را برای آشنا شدن با نظریه کانت در اختیار ما قرار خواهد داد. نقد کانت بر تجربه‌گرایی مبتنی بر رابطه درونی دو تمایز است: ۱. احکام تحلیلی در برابر احکام ترکیبی و ۲. احکامی که به صورت پیشینی صادق است و احکامی که صدق‌شان پسینی است. از دل رابطه درونی این دو تمایز، احکام خاصی پدیدار می‌شود. این نوع سومی احکام، احکام ترکیبی پیشینی هستند که کانت بخاطر

تشخیص آن شهرت دارد. مقاله با این نتیجه‌گیری جمع بسته خواهد شد که کانت چگونه با بررسی فرم انتزاعی احکام ساده (الف ب است) شرح خود را از هم‌کنشی قوای ذهنی، هنگامی که گزاره‌ها را می‌سازد، بسط می‌دهد.

روش تحقیق: این مقاله با رویکرد تحلیلی و در محوریت کتاب "نقد عقل محض" کانت نوشته شده است.

تجربه‌گرایی انگلیسی: پرسش از بنیادهای علم

«من چیزی را باور می‌کنم که آن را ببینم.» این سخن مشهور به یاد ما می‌آورد که چگونه تجربه شخصی دست‌اول، به عنوان روش متقاعدکننده در اینکه چه چیزی را باور کنیم، قبول عام دارد. چند قرن قبل، به عنوان مثال، این یک امر غیرقابل قبول بود که موجود زنده‌ای چنان کوچک وجود داشته باشد که برای چشم عادی قابل دیدن نباشد. نظرها زمانی تغییر کرد که در در اواخر ۱۶۰۰ میکروسکوپ ما را قادر کرد تا این موجودات ریز را مشاهده کنیم.

تاکید بر تجربه شخصی مستقیم، به لحاظ فلسفی، به این دیدگاه تجویزی می‌انجامد که کلمات، چگونه باید معنی پیدا کنند. به این صورت که اگر کلمه‌ای معنی داشته باشد این معنی باید از یک تجربه حسی سرچشمه گرفته باشد. در غیر این صورت، کلمه باید به مثابه یک صوت بی‌معنی در نظر گرفته شود. مدافع این نظریه تجربی معنی فیلسوف اسکاتلندی دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) است (هیوم، ۱۳۹۵، ص. ۹۸).

آنچه در فوق آمد به این معنی نیست که کلمات باید صرفاً به چیزی ارجاع دهند که وجود دارد. ممکن است هیچ اسب تک‌شاخی در جنگل‌های جهان زندگی نکنند؛ اما کلمه «اسب تک‌شاخ» به مثابه ترکیبی از «اسب» و «شاخ» دارای معنی است؛ زیرا ما تجربه مستقیم از اسب و شاخ داریم. اسم «هیرکول» نیز به‌طور مثابه دارای معنی است؛ زیرا این اسم، بزرگ‌سازی تصویر یک مرد تنومند است. هرچند کلمات ممکن است به تجربه واقعی ارجاع ندهند؛ اما عناصر سازنده آن باید چنین باشند.

هیوم یک فیلسوف تجربه‌گرا بود و تجربه‌گرا کسی است که اعتقاد دارد هرآنچه وجود دارد یا هرآنچه صادق است صرفاً می‌تواند از راه مشاهده شناخته شود. برای دانستن چیزی اولاً باید تجربه حسی انجام شود. این فیلسوف تجربه‌گرای قرن هجدهم به طریق مشابه می‌گوید ذهن پیش از زمانی که به تجربه آغاز می‌کند، خالی است؛ دقیقاً مثل یک تخته سفید، چنان‌که فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی دیگری (جان لاک) گفته است. می‌توان چنین گفت که تجربه حسی بر روی تخته ابتداً خالی ذهن ما می‌نویسد.

از آن‌جا که موضع تجربه‌گرا، ما را ملزم می‌کند قبل از هر دعوی‌ای در باب این‌که چه چیزی وجود دارد یا چه چیزی صادق است، به مشاهده و تجربه متوسل شویم ممکن است موضع و مرام علم را نیز که متکی بر مشاهده و تجربه است تایید کنیم. به‌صورت غافل-گیرکننده‌ای رابطه‌ای و خیمی میان تجربه‌گرایی و اندیشه علمی وجود دارد؛ به این قرار که یک تجربه‌گرای سفت و سخت نگرش شکاکانه نسبت به مفهوم «علیت» دارد؛ همان چیزی که علم استوار بر آن هست. در بنیاد استدلال علمی رابطه علیت قرار دارد که بدون آن علم قادر نیست هیچ قانون طبیعی‌ای را فرمول‌بندی کند. ما متمایل هستیم که بگوئیم، به عنوان مثال، حرارت دادن آب در شرایط استاندارد تا ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد سبب خواهد شد آب به جوش بیاید یا در معرض نور قرار دادن، سبب یک واکنش کیمیاوی در فیلم عکاسی خواهد شد. بدون یک مفهوم معنی‌دار از علیت ما قادر نخواهیم بود به‌طور موجه چنان ادعاهایی را مطرح کنیم.

بگذارید ببینیم با کاربست تعریف معنی‌زبان‌شناختی‌ی که در بالا ارائه کردیم، مفهوم علیت به چه صورت معنی خود را در رویکرد تجربه‌گرایی به دست می‌آورد؟ مهم‌تر از این، چه نوع معنی‌ای این مفهوم در نظر تجربه‌گرا دارد؟ علم به آن مفهومی از علیت نیاز دارد که بیان می‌کند دو حادثه با هم مرتبط اند؛ مثلاً نمی‌توانیم ادعا کنیم که آب که در ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد به جوش می‌آید، تحت شرایط دقیقاً مشابه، یک روز در ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد به جوش خواهد آمد و روز دیگر در ۱۱۰ درجه سانتی‌گراد. وقتی ادعا کردیم که آب در ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد به جوش می‌آید در واقع گفته‌ایم که آب ضرورتاً و بالاجبار در همان دما به جوش می‌آید. دلالت این سخن پذیرش یکنواختی در سازوکار

جهان است. ادعا در مورد نقطه جوش آب پیش‌بینی آینده نیز هست. این همان چیزی است که کار علم را تشکیل می‌دهد.

در روش علمی، و نیز عقل متعارف، علیت به این معنی است که یک حادثه (a)، با حادثه دیگر (b) از طریق یک پیوند ضروری مرتبط است. این ارتباط متحوی سه عنصر است: ۱. حادثه a، ۲. حادثه b و ۳. رابطه‌ای میان a و b (این رابطه را R می‌نامیم که نشان‌دهنده پیوند ضروری میان a و b است). آنچه را گفتیم می‌توانیم به اختصار به این صورت بازنویسی کنیم: aRb (همان منبع، ص. ۱۱۴).

به منظور فهمیدن معنی کلمه «علیت» در اصطلاح‌شناسی تجربه‌گرا، نیاز داریم هریک از این سه عنصر را مستقلاً تجربه کنیم و چیستی آن‌ها را مشخص نمائیم. یک آزمون ساده در رسیدن به مقصود کمک خواهد کرد. در این آزمون با رعایت احتیاط به هریک از سه عنصر در تجربه شخصی خود نگاه می‌اندازیم. تصور کنید در حال مشاهده فردی هستیم که در استدیوم به توپ ضربه می‌زند. ما برخورد مکرر توپ به زمین را می‌بینیم و با هربار برخورد صدای تصادم توپ به زمین را می‌شنویم. طبیعتاً نتیجه می‌گیریم که صدای تصادم به سبب برخورد توپ به زمین است. با کاربست نظریه تجربی معنی، بگذارید به سه عنصر رابطه علی معلولی که در بالا اشاره کردیم (a، b و R) برگردیم و ببینیم با تجربه ما از مشاهده توپ تطابق دارند یا نه؟ چه مشاهده می‌کنیم؟

a و b (تویی که به زمین اصابت می‌کند و صدای که به دنبال برخورد بلند می‌شود) را به صورت سراسر ادراک می‌کنیم. مشکل با R است. سورپرایز تجربه‌گرا همین جاست: گذشته از a و b چیز عینی و انضمامی دیگری در کف استدیوم وجود ندارد که مشاهده کنیم و به علیت ربط دهیم. ما نمی‌توانیم در رخدادی که توپ به زمین می‌خورد پیوندی میان برخورد توپ به زمین و صدایی که به دنبال آن ایجاد می‌شود مشاهده کنیم آن‌چنان-که گویی سیمی یا اتصالی برخورد توپ و صدای بلندشده را به هم وصل کرده باشد. تجربه مستقیم و بی‌واسطه ما از زمین استدیوم دو حادثه متوالی است و فقط همان دو حادثه. R را در زمین استدیوم نمی‌بینیم.

اینک تجربه‌ای داریم که با دو عنصر a و b مطابقت دارد اما این تجربه‌ای نیست که بتوان در آن پیوند عینی‌ای یافت که با تعریف ما از R هم‌چون پیوند ضروری مطابقت داشته باشد. برای یافتن R نیاز هست جای دیگری نگاه کنیم: به درون خود و به احساسات خود به جای نگرستن به بیرون، به زمین استدیوم.

تجربه‌ای که با R همنشینی دارد احساس توقعی‌ای است که به هنگام رخداد a شکل می‌گیرد. در مثال ما، توقع ما این است که به محض مشاهده برخورد توپ به زمین صدایی بشنویم. با توجه به این که بارها در گذشته شاهد بوده‌ایم که برخورد توپ به زمین به دنبال خود صدایی تولید کرده است، انتظار مورد بحث ما، مسئله‌ای مربوط به عادت است. احساس توقع امری روان‌شناختی و ذهنی است. برغم قدرتی که این احساس توقع دارد این احتمال به لحاظ عینی ممکن هست که توپ به زمین تصادم کند و صدایی به دنبال آن ایجاد نشود. هیچ چیز مانع این احتمال نیست. آینده می‌تواند مثل گذشته نباشد.

نتیجه غیرقابل انتظار سخن بالا این است که معنی علیت در چارچوب نظریه تجربی معنی، نه یک پیوند ضروری؛ بلکه همنشینی قراردادی مبتنی بر سنت و عادت است. در تجارب گذشته ما، رخدادها چنان ظاهر شده‌اند که باهم و متفارن بوده‌اند؛ اما ضرورتی وجود نداشته که چنین باشند و نیز ضرورتی نیست که در آینده هم چنان باهم و در ارتباط با هم اتفاق بی‌افتند. این نتیجه‌گیری با وسعت زیاد زیر پای تحقیق علمی را خالی می‌کند. تجربه‌گرا می‌خواهد ما جهان را با احتیاط و دقت مشاهده کنیم به این منظور که دانش ما زیربنای محکم داشته باشد و مشاهده نشان می‌دهد که مفهوم علیت که زیربنای علم است و علم براساس آن قوانین طبیعت را فرمول‌بندی می‌کند، فاقد قدرت لازم برای پیش‌بینی‌های محکم است. تنها معنی مجاز برای مفهوم علیت، ظاهراً، این است که علیت نوعی تداعی معانی روان‌شناختی است نه این که یک پیوند عینی و ضروری باشد.

ایمانوئل کانت این شرح و برداشت تجربه‌گرایانه از مفهوم علیت را غیرقابل قبول دید و باور داشت که علم و تحقیق علمی بنیادی مستحکم‌تر از صرف یک عادت دارد. بجای قبول فلسفه تجربه‌گرا که مدعی بود تحقیق علمی بنیاد عینی ندارد کانت متقاعد شد که

مشکل نه در تحقیق علمی؛ بلکه در خود تجربه‌گرایی است. در میان نظریه‌های ممکنه که علیت را به رسمیت نمی‌شاختند، راه درستی وجود داشت که علیت را به مثابه پیوند ضروری بنیادگذاری کند (اندرو، ۱۳۹۶، ص. ۴۵).

اینک پرسش این است که کانت چگونه تجربه‌گرایی انگلیسی را به پرسش می‌کشد و نقد می‌کند؟ نوک پیکان نقد کانت معطوف به این ایده تجربه‌گرایان است که همه دانش، ناشی از تجربه حسی است. در مقابل آنچه تجربه‌گرایان باور داشتند، کانت مدعی می‌شود ذهن ما در اصل مثل تخته سفید، صفحه خالی یا آینه نیست که داده‌های حسی آن را پر کند. هرچند ممکن است ذهن قبل از آغاز تجربه خالی از محتوی حسی باشد، به رغم این ذهن دارای ساختار پیشینی‌ی هست که به تجربه حسی شکل می‌دهد. مطابق باور کانت، ما اساساً موجودات عقلانی هستیم و بنابراین منطق و عقل، قبل از هر تجربه‌ای با ما هست. این منطق و عقل به تجربه ما شکل می‌دهد.

کانت چالش خود بر تجربه‌گرایی را با تمرکز بر نظریه تجربه‌گرایانه حکم (داوری) توسعه می‌دهد. این چیزی هست که ما اینک مورد توجه قرار می‌دهیم. از آنجاکه تجربه-گرایان، تجربه حسی را یگانه راه کسب دانش غیر پیش‌افتاده می‌شناسند، معتقدند که جملات بنیادی حمل‌کننده دانش به سادگی جملاتی مربوط به امور واقع هستند که به اشیا و اعیان، کیفیت و روابط آن‌ها در جهان خارج ارجاع می‌دهند. گذشته از این تعریف کلمات هم هست که ما می‌سازیم. این تعاریف همیشه صادق‌اند، اما اطلاع و معرفتی به ما نمی‌دهند، چون خود ما این تعاریف را می‌سازیم. گزاره‌های حاوی امور واقع صادق‌اند، به این دلیل که جهان را چنان مشاهده می‌کنیم.

هیوم (۱۷۴۸) در اثر خود، تحقیق در باب فاهمه انسانی، احکام را به دو دسته بزرگ تقسیم می‌کند: ۱. روابط ایده‌ها و ۲. امور واقع. روابط ایده‌ها شامل دانش‌های مثل هندسه، الجبر و حساب می‌شود. امور واقع شامل مشاهداتی از قبیل این‌که آسمان آبی است، علف سبز است و ... می‌شود. دانش‌های دسته اخیر تنها زمانی ممکن‌اند که چشم

بگشایم و ببینیم جهان چگونه است. فیلسوف دیگر، لایپنیتس، تمایز مشابهی را بین حقایق عقل و حقایق امور واقع به عمل آورده است (کورنر، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۸).

کانت می‌پرسد آیا این تمایز بین امور واقع و روابط ایده‌ها جامع هستند؟ کانت این پرسش را از این رو پیش می‌کشد که او تمایز دوگانه هیوم را ناکافی می‌داند. هیوم، خودش که پنج سال قبل از انتشار نقد خرد محض کانت درگذشت، این تقسیم‌بندی را کامل و جامع تلقی می‌کرد. به این خاطر، او کتاب خود، تحقیق در باب فاهمه انسانی را با این تذکر به پایان می‌رساند که هر کتابی که نه حاوی امور واقع یا روابط ایده‌ها است باید سوزانده شود.

نظریه حکم کانت: پرسش از بنیادهای تجربه‌گرایی

کانت در تلاش خود برای پرورش یک نظریه دانش، تصدیق می‌کند که تمایز هیوم میان امور واقع و روابط ایده‌ها در نگاه اول معقول و پذیرفتنی می‌نماید. با نظریه‌پردازی در یک سطح عمیق‌تر، کانت کار خودش را با فرم الف ب است، آغاز می‌کند؛ زیرا امور واقع و روابط ایده‌ها، هر دو، این فرم را فرض می‌گیرند. دغدغه اولیه کانت فرم منطقی الف ب است، هست و همین‌جا از ما می‌خواهد روابط ممکن میان الف و ب را در نظر بگیریم. فقط دو شق داریم: در بررسی فرم الف ب است، یا معنی محمول، ب، داخل در معنی موضوع، الف، است یا چنین نیست و موضوع معنی اضافه‌ای ارائه می‌کند. شق اول را در نظر بگیریم. اگر الف عذب باشد، پس مفهوم مرد داخل در مفهوم الف است. حکم "عذب مرد است" معرفت جدیدی نسبت به آنچه "عذب" دارد عرضه نمی‌کند. در حکم‌های نظیر این، S تحلیل می‌شود و می‌توان گفت به همین دلیل، کانت به این دسته از احکام، عنوان احکام تحلیلی را می‌دهد. این احکام صادق اند اما معرفت‌بخش نیستند.

باید توجه داشته باشیم که وقتی می‌گوییم در حکم تحلیلی، محمول ب داخل در موضوع الف است ممکن است این تداخل معنایی ما را به آسانی گیج کند. این پرسش را در نظر بگیرید: آیا مفهوم "حیوان" داخل در مفهوم "گرهه" است یا مفهوم "گرهه" داخل در مفهوم "حیوان" است؟ کسی ممکن است در ابتدا امر فکر کند گرهه داخل در حیوان است

از آنجا که حیوان شامل انواع گوناگون، مثل گریه، سگ، گوسفند، بز و ... است. این آن چیزی نیست که کانت در نظر دارد. با برگشت به مثال بالا، منظور این نیست که مرد محتوی عذب است. چون مرد شامل انواع مردان مجرد و متأهل، جوان و پیر، قد بلند و قد کوتاه است. کانت چیزی دیگری در سر دارد. مثال بهتر کاسه سوب بادنجان است که همیشه حاوی مایع و بادنجان است. زمانی که می گوئیم سوب بادنجان مایع دارد یا سوب بادنجان، بادنجان دارد، عناصر سوب بادنجان را ذکر کرده ایم و از این گفته هیچ چیز جدید نمی آموزیم. به طریق مشابه، می توان عناصر متشکله مثلث را تحلیل کرد و گفت که مثلث دارای سه ضلع است. در این مثال ها، مفهوم محتوی بودن با مفهوم بزرگتر و غنی تر شروع می شود (مفهومی که دارای چندین عنصر است که با هم مفهوم مورد نظر را تعریف می کنند). حکم تحلیلی که یک مفهوم غنی را بیان می کند، در واقع، این جنبه یا آن جنبه از معنی مفهوم را تصریح می کند.

همین طور است فهم کانت از حکم تحلیلی؛ جایکه معنی محمول در معنی موضوع مندرج است. لذا حکم تحلیلی، معرفت بخش نیست؛ چرا که چنین احکامی به صراحت آن چیزی را عرضه می کند که ما قبلاً به صورت ضمنی می دانسته ایم. گذشته از هندسه، الجبر و ریاضیات، که کانت تفسیر متفاوتی از آن ها دارد، طبقه روابط ایده های هیوم با طبقه احکام تحلیلی کانت مطابقت دارد. اینک می توانیم سراغ گزینه دوم را بگیریم: زمانی که معنی محمول در معنی موضوع مندرج نیست. کانت به این دسته، احکام ترکیبی (تالیفی) می گوید؛ زیرا محمول اطلاعات جدیدی ارائه می کند که در موضوع به صورت ضمنی نهفته نیست. برخلاف احکام تحلیلی، همه احکام ترکیبی معرفت بخش هستند. تا این جا به نظر می رسد کانت تمایز هیوم بین روابط ایده ها و امور واقع را نقد کرده یا به صورت جدی تعدیل نموده باشد؛ زیرا چنان به نظر می آید که کانت صرفاً تمایز هیوم را با ترمنولوجی جدیدی بیان کرده باشد (کورنر، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۱).

جنبه نوآورانه نظریه حکم کانت، افزودن یک تمایز دیگر بر تمایز تحلیلی / ترکیبی است. تمایز تحلیلی / ترکیبی اساساً معطوف به این امر است که آیا حکم، معرفت بخش

است یا نه؟ اما تمایز دومی معطوف به راه‌های متفاوت تعیین صدق و کذب حکم است. در هر حکمی، الف ب است، شی هست که حکم به آن ارجاع می‌دهد. حالا سوال این است که آیا ما نیاز داریم تا آن شی را بررسی کنیم تا به صدق حکم پی ببریم یا نه؟ اگر حکم این باشد که "هر مجردی بی‌همسر است" و فرض کنیم فرد مورد اشاره حکم هم مجرد باشد در آن صورت بی‌معنی است از فرد بپرسیم شما که مجرد هستید، بی‌همسر هم هستید؟ یکبار که دانستیم فرد مجرد است ما به صورت پیشینی و بدون پرسش از خود فرد، می‌دانیم که فرد بی‌همسر است. اگر کسی مجرد است، چنان که کانت گفته است به صورت پیشینی می‌دانیم که فرد بی‌همسر است. علاوه بر این اگر فرد مجرد است ضرورتاً بی‌همسر است؛ یعنی این حکم صدق ضروری دارد. پس اگر ما بدون توسل به تجربه و مشاهده شی مورد ارجاع حکم، می‌دانیم که حکمی صادق است در آن صورت ما صدق حکم را به صورت پیشینی می‌دانیم. مطابق کانت، همه احکام و دانش‌های پیشینی ضروری و کلی اند. هر مجردی ضرورتاً بی‌همسر است و هیچ استثنایی هم وجود ندارد. از نقطه نظر فلسفی، خوب است که در نظریه خود گزاره‌های داشته باشیم که پیشینی اند چرا که پیشینی بودن سبب خواهد شد گزاره‌ها ضرورتاً صادق و بدون قید و شرط قابل کار بست باشند (کاپلستون، ۱۳۶۰، ص. ۱۶۵)

در مقابل، هنگامی که باید اقلامی را که مورد ارجاع حکم الف ب است، تجربه کنیم تا بدانیم صادق است یا کاذب، مسئله پیش‌رو ما امور واقع محتمل هستند. هرکدام از آن‌ها می‌توانستند طور دیگری باشند. برای مثال، اگر گفتیم "این فرد مجرد ۲۴ ساله است"؛ نیاز خواهیم داشت اطلاعاتی در مورد تاریخ چه شخصی آن فرد مجرد داشته باشیم تا بدانیم حکم صادق است یا نه؟ چنین احکامی صادق یا کاذب‌اند صرفاً پس از آن که امور واقع مورد ارجاع احکام را بررسی کرده باشیم. کانت به دانشی که به چنین طریقی بدست آمده باشند، نام دانش پسینی را داده است.

اگر دو تمایز پیش‌گفته را ترکیب کنیم، یعنی تمایز تحلیلی / ترکیبی و تمایز پیشینی / پسینی، برخی نتایج جالب توجه پدیدار می‌شوند که فراتر از آثار و نتایج تمایز بین روابط

ایده‌ها و حقایق امور هستند که هیوم طرح کرده است. با نتیجه‌ای شروع می‌کنیم که از دل حکم تحلیلی استخراج می‌شود. اگر همه احکام تحلیلی بر حسب معنی کلمات‌شان صادق‌اند، پس به جهت تعیین صدق‌شان نیاز نیست به بررسی آن چیزی بپردازیم که حکم به آن ارجاع می‌دهد؛ لذا همه احکام تحلیلی به صورت پیشینی شناخته می‌شوند. حکمی را فرض بیگیرید که موضوع آن پیشاپیش محمول را در خود داشته باشد. اینک برای تعیین این که حکم صادق است یا نه، چنان چه فردی برای نشان دادن صدق حکم مورد نظر به جهان خارج مراجعه کند، تناقضی خلق می‌شود؛ زیرا اگر موضوع، محمول را مندرج در خود دارد، ما پیشاپیش می‌دانیم که حکم صادق است. در نتیجه حکم تحلیلی‌ای که صدق آن به طریق پسینی تعیین شود وجود ندارد (وود، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۳).

در میان احکام ترکیبی که موضوع پیشاپیش محتوی محمول نیست، احکامی هست که صدق آن‌ها با ارجاع به آن چیزی تعیین می‌شود که حکم به آن مربوط است. اگر بگوییم "گرچه بزرگ است"، تعیین صدق حکم نیازمند بررسی اندازه خود گرچه است. بنابراین برخی احکام ترکیبی، یا احتمالاً اکثریت چنین احکامی، به صورت پسینی شناخته می‌شوند. دیدگاه هیوم این است که احکام ترکیبی همه پسینی‌اند، زیرا به عقیده او همه احکام ترکیبی حقایق امور هستند. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که راه کانت را از هیوم جدا می‌کند. کانت کنجکاو است آیا حکمی هست که در عین معرفت‌بخش بودن، ترکیبی بودن، ضرورتاً صادق نیز باشد؟ به عبارت دیگر پیشینی باشد؟ پرسش کانت چنین است: آیا احکام ترکیبی پیشینی وجود دارند؟ این پرسش که اهمیت فلسفی زیادی دارد کانت به آن پاسخ مثبت می‌دهد. اگر کسی بتواند حکمی از این نوع را شناسایی کند، بنیاد محکم و برجسته برای فلسفه‌اش فراهم خواهد کرد. احکام معرفت‌بخش که صدق ضروری نیز دارند حقایق زیادی را هم درباره جهان و هم درباره خود ما آشکار خواهند نمود (همان منبع، ص. ۱۲۳).

این دو حکم را برابر هم در نظر بگیرید: ۱. "همه معلول‌ها علت دارند." ۲. "همه رخدادهای علت دارند." اولی تحلیلی است و صدق پیشینی دارد، صرفاً بر حسب معانی کلمات آن. بنا به تعریف، معلول بودن چیزی جز علت داشتن نیست. این جمله ضرورتاً صادق است و علاوه بر این به صورت پیش‌پافتاده صادق است. این یک حکم تحلیلی

پیشینی است. اما حکم "همه رخدادها علت دارند." یک مسئله دیگر است. این حکم اندیشه‌برانگیز است. رخداد بودن منطقاً به معنای علت داشتن نیست. هرچند دور از ذهن و تصورناپذیر است، اما متناقض نیست اگر اظهار کنیم که رخدادی بدون علت و به صورت خودجوش از ناکجا رخ داده است. برحسب دلایل کانتی، هر انسانی در تصور این امر دچار سختی می‌شود. برغم این، تصدیق صرف امکان تصور رخداد بدون علت مثل تصور دایره مربع، چوب آهنی یا سبز سرخ نیست. ایده معلول بدون علت ممکن است متناقض باشد، اما ایده رخداد بدون علت چنین نیست. "همه رخدادها علت دارند" یک حکم ترکیبی است که محمول آن در موضوع اش مندرج نیست؛ اما از قبل از این حکم چیز نوی فرامی‌گیریم. در واقع، این حکم یک ادعای بزرگی فلسفی را مطرح می‌کند دال بر این که جبرگرایی درست است. کانت علاوه می‌کند که حکم "هر رخداد علتی دارد" حاوی صدق ضروری است. ضروری است در ارتباط به این که ما به مثابه انسان‌های عاقل این‌گونه جهان را می‌فهمیم. چنین است که در مثال بالا، تصور رخداد بدون علت برای ما سخت است. این اندیشه (رخداد بدون علت) علیه ذات عقلانی ما است. اینک در این جا، مثالی داریم از حکم ترکیبی پیشینی. اگر انسانی وجود داشته‌باشد، پس قبل از توسل به هر نوع تجربه‌ای از سازوکار جهان، آن فرد انسانی هر رخدادی را دارای علت در نظر خواهد گرفت.

شهود و مفاهیم

حالا که نظریه حکم را با انواع گوناگون الف ب است شرح داده‌ایم از یک زوایه جدید به حکم، نظر می‌افکنیم. از نقطه نظر این که چه اتفاقی در ذهن ما می‌افتد هنگامی که حکم الف ب است را می‌سازیم.

در یک سطح، مفهوم کانت از این کنش ذهنی سراسر واضح است. ابتدا با در نظر گرفتن قالب الف ب است کانت با بررسی تصور ما از S شروع می‌کند. Sها اعیان منفرد هستند و کانت به آگاهی ما از منفردها شهود می‌گوید. شهود به ادراک مستقیم اعیان منفرد اشاره دارد، مثل میز، چوکی، پیاله، کلکین، موتر یا درخت. در مرحله دوم، کانت تصور ما از Pها را بررسی می‌کند. Pها محمول یا خصیصه‌های عمومی است که ما به

اعیان نسبت می‌دهیم. کانت از Pها به عنوان مفاهیم نام می‌گیرد. در سطح واقعی فرایند تفکر، وقتی ما چیزی را می‌دانیم، فرم الف ب است نشان می‌دهد که در یک روند ذهنی، S که یک عین است با P که یک مفهوم است ادغام شده است. نتیجه این ادغام یک حکم است. در حالی که نه S و نه P هیچ کدام به تنهایی حکمی را نمی‌سازد. S و P هر کدام عناصری متفاوتی در آگاهی ما هستند که هیچ کدام به تنهایی دانشی را فراهم نمی‌کند. دانش مستلزم این است که ابتدا عینی به ذهنی ما عرضه شود و سپس مفهومی به این عین نسبت داده شود.

کانت با بررسی رفتار ذهن در جهت اطلاق مفهوم به عین برای شکل‌گیری دانش از جهان یک مدل روان‌شناختی خلق می‌کند که منعکس‌کننده فرم الف ب است، است. با هم‌نشین‌سازی S به مثابه عین منفرد و P به مثابه مفهوم کانت فرض می‌گیرد که بخشی از قوه ذهن اعیان را ادراک و به ذهن عرضه می‌کند و بخش دیگری از قوه ذهن حاوی مفاهیم است که با بخش اول هماهنگ می‌شود تا ذهن قادر به انطباق یک مفهوم به یک شیء شود. به عبارت دیگر، کانت فرض می‌کند قسمتی در ذهن هست که کارش ادراک اعیان است و قسمت دیگری نیز هست که حاوی مفاهیم است. با ترکیب S و P در یک حکم این دو قسمت ذهن، این دو قوه، با هم عمل می‌کنند: قوه‌ای که حاوی S است و آن را عرضه می‌کند با قوه‌ای که حاوی P است و آن را به S نسبت می‌دهد، ترکیب می‌شود. کانت با شرح ساختار ابتدایی حکم، نظریه‌ای را استنتاج می‌کند که عمل کرد ذهن در ساختار را توضیح می‌دهد. شهود و مفاهیم که Sها و Pها مطابق آن‌ها هستند هنگامی که حکمی می‌سازیم در ذهن با هم ترکیب می‌شوند. مطابق این دو عنصر و سازوکار ترکیب آن‌ها، دو بخش ذهن وجود دارند که به ترتیب محتوی اعیان و مفاهیم هستند و در عمل کرد هماهنگ باعث می‌شوند اعیان و مفاهیم با هم درآمیزند (Scruton, 2001, p. 47).

کانت به قسمتی از ذهن که اعیان را عرضه می‌کند "احساس" و به قوه‌ای که مفاهیم را به اعیان نسبت می‌دهد "فاهمه" می‌گوید. در موازات ساختار حکم (الف ب است) که متشکل از دو عنصر عین و مفهوم است، دو قوه ذهنی داریم که هم‌کنشی دارند در عین این که هم‌ارز و مستقل هستند. کانت این امر را در "نقد عقل محض" چنین شرح داده است:

"هیچ‌یک از این دو کیفیت یا قوه قابل ترجیح به دیگری نیستند. بدون احساس اشیا به به ذهن ما داده نخواهد شد و بدون فاهمه آن‌ها توسط ما اندیشه نخواهد شد. اندیشه بدون اعیان خالی است و شهود بدون مفاهیم کور است. بنابراین به یک اندازه ضروری است که مفاهیم را حسی بسازیم. برای مثال برای معقول‌سازی شهودات به شهودات موضوع آن‌را علاوه می‌کنیم؛ یعنی آن‌ها را ذیل مفهوم قرار می‌دهیم. این دو قوه کارکرد خود را تبادله نمی‌کنند. فاهمه نمی‌تواند چیزی را مشاهده کند و احساس نمی‌تواند به چیزی به اندیشید (کانت، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۷).

اینک می‌توانیم جزئیات بیشتری از احساس و فاهمه ارائه کنیم. قوه احساس مطابق فرم‌های زمان و مکان ساخت‌مند می‌شود. ساختار قوه فاهمه مبتنی بر فرم‌های منطقی است. پس از شرح ساختارهای هر یک از این دو قوه شناختی، ما به بررسی شرح کانت از نحوه ترکیب ساختار منطقی فاهمه و ساختار زمانی-مکانی احساس خواهیم پرداخت. این یک چالشی برای کانت است؛ زیرا جدا از شباهت‌های که بین این دو قوه وجود دارد، احساس و فاهمه تفاوت‌های جدی دارند که باید کانت بر آن‌ها غلبه نماید تا این دو قوه را با هم هماهنگ کند (Scruton, 2001, p. 48).

به جهت دنبال کردن زنجیره توضیحات کانت در نقد خرد محض از مسئله فوق، هم‌چنان با تکیب کردن مسیری که شی توسط تجربه به ما داده می‌شود که متعاقباً مفهومی را بر آن انطباق می‌دهیم، در ابتدا ساختار احساس را بررسی خواهیم کرد و سپس سراغ ساختار فاهمه خواهیم رفت. لذا مسئله بعدی ما بررسی نظریه کانت درباره زمان و مکان خواهد بود. آنچه را که کانت به عنوان فرم‌های احساس نام می‌برد و معتقد است درک ما از این دو فرم پیشینی است.

زمان و مکان: ساختار قوه احساس

در میان اثرگذارترین استدلال‌های که کانت عرضه کرده است یکی همین است که زمان و مکان، تا آن‌جا که می‌دانیم، چیزی جز خصیصه‌های ذهن انسان، که داده‌های حسی را سامان می‌دهند، نیستند. در این‌جا ما این استدلال کانت را بررسی می‌کنیم و نیز سعی

خواهیم کرد نشان دهیم چگونه کانت از راه استدلال فوق، به این پرسش مهم پاسخ می‌دهد که احکام ترکیبی پیشینی چگونه ممکن هستند.

قبل از پرداختن به نظریه زمان-مکان کانت نگاهی می‌کنیم به نظریه‌های نیوتن و لایپنتس از زمان و مکان.

زمان مثل خود ماست. هر چند ما به‌طور دایم با خود زندگی می‌کنیم و با خویشتن خود احساس آشنایی داریم، زمانی که از کیستی و چیستی خود سوال می‌کنیم مات و مبهوت می‌شویم. چطور چیزی این‌همه نزدیک به ما غیرقابل توضیح است؟ مکان نیز معمایی مثابه است. ظاهراً برای آشکارسازی عمق حقیقت مکان، فرد باید به نهایت مرز جهان سفر کند، اما مهم نیست چقدر دور برویم؛ زیرا برای فهم حل معمای مکان فاصله مکانی هیچ اهمیتی ندارد. سنت اگوستین در کتاب اعترافات احساس مثابه را در مورد زمان ابراز می‌کند: "زمان چیست؟ اگر کسی از من نپرسد می‌دانم زمان چیست؛ اما اگر کسی از من بپرسد هیچ جوابی ندارم". برای خیلی از اندیشمندان و مردم عادی زمان و مکان همان قدر واقعی هستند که باید باشند؛ اما برای برخی دیگر، زمان و مکان توهم‌اند. موضع کانت میان این دو منتهاالیه است.

به منظور فهم نظریه کانت از زمان و مکان، ابتدا به نظریه‌ای می‌پردازیم که او علیه آن موضع گرفت: نظریه‌ای که از طرف اسحق نیوتن (۱۶۴۶-۱۷۱۶) و معاصر او گوتفرید ویلهلم لایپنیتس حمایت می‌شد. نیوتن، زمان و مکان را واقعیت‌های مستقل از ذهن انسان در نظر می‌گیرد: یک مکان مطلق، غیرمتحرک و تغییرناپذیر وجود دارد که همه موقعیت‌ها در دورن آن است؛ و یک زمان مطلق و متحرک یکنواخت وجود دارد که همه حرکات و تغییرات در درون آن اتفاق می‌افتد. مکان و زمان، هر دو، ظرف‌های خالی هستند که مقدم بر ماده وجود دارد.

هر چند کانت به سودمندی نظریه فوق در مطالعات علمی واقف بود، نظریه مکان و زمان مطلق نیوتن را به عنوان تهدیدی علیه اخلاق و آزادی می‌دید. اگر مکان و زمان مطلق باشند، روابط ریاضیاتی، هندسی و علی به‌صورت مطلق بر همه عالم مسلط خواهند بود.

جهان ما، جهانی واحد، قابل پیش‌بینی، ماشینی و عاری از آزادی خواهد بود. علاوه بر این، اگر مکان و زمان مطلق باشند و اگر کسی به خدا اعتقاد داشته باشد، در نتیجه باید مکان و زمان جز صفات و خصوصیات خدا باشد. جهان مکانی-زمانی با همه ناقص بودن آن و درد و رنج‌های آن کاملاً یا نسبتاً با خود خدا مساوی و معادل خواهد بود: همه‌خدانگاری‌یی که در آن روزگار بیش‌تر به خداناباوری می‌مانست تا خدا باوری. کانت این معادله را به نفع یک برداشت سنتی‌تر رد کرد؛ جایی که خدا بیرون و مستقل از مکان و زمان واقع شده است. به این دلیل کانت به جستجو شد تا به ایده‌ای از مکان و زمان دست یابد به نحوی که نه تنها از سودمندی علمی برخوردار باشد؛ بلکه مکان و زمان را از نظم مطلق چیزها دور نگه دارد. راهی که کانت در پیش گرفت او را به این برداشت رساند که مکان و زمان صرفاً حالت‌های آگاهی انسان‌اند (کورنر، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۱).

برخلاف ایده نسبتاً طبیعی نیوتن از مکان و زمان، شرح لایپنیتس از این دو مفهوم، صرفاً زمانی معنا پیدا می‌کند که در چارچوب نظریه متافیزیکی او، که ملهم از یافته‌های او در ریاضیات است، در نظر گرفته شود. مطابق تلقی لایپنیتس، جهان متشکل از جواهر ساده است که هر جوهر یک روح مستقل دارای ادراک است. این جواهر در مکان و زمان قرار ندارند؛ بلکه زمان و مکان صرفاً نظم و ترتیبی در ادراک این نقطه‌های روحانی است. هیچ‌یک از این جواهر با هم تعامل ندارند. هر یک کل‌های مجزا، در خود فرو بسته و بدون پنجره است. نامی که لایپنیتس به این جواهر داده است موند است. ادراک هر موند با ادراک موند‌های دیگر هم‌زمانی دارد. مثل مجموعه‌ای از صفحات نمایش که همه فیلم واحدی را پخش می‌کنند و هر سکانسی را که یکی از آن نمایش‌گرها نشان می‌دهد، نمایش‌گرهای دیگر نیز هم‌زمان پخش می‌کنند. خدا به عنوان عالی‌ترین روح و هدایت‌کننده این نمایش‌گرها، موند‌ها را در یک هماهنگی پیش‌بنیاد، هماهنگ می‌کند.

برای درک نظریه لایپنیتس از مکان، و همین‌طور زمان، دو فردی را در نظر بگیریم که با چشمان بسته شطرنج بازی می‌کنند و تنها با کلام با هم ارتباط برقرار می‌کنند. تخته شطرنج واقعی در عالم خارج وجود ندارد. هر کدام تصویری از تخته شطرنج در ذهن دارند

که بازی آن‌ها بر آن تخته جریان دارد؛ اما یک ارتباط معنا دار میان هر دو تصویر ذهنی تخته شطرنج وجود دارد که بازی گران در ذهن دارند. از آن جا که هر موند مجموعه‌ای از ادراکات دارد، مکان و زمان چیزی نیستند جز مجموعه‌ای از روابط میان این ادراکات. در نظر لایپنیتس، مونها و ادراکات آن‌ها مقدم اند بر مکان و زمان که مشتق از روابط مونها هستند. در این طرح، مکان و زمان صرفاً روابط یا نظم‌ی میان مونها هستند. بنابراین بدون هیچ موندی، زمان و مکان هم وجود نخواهد داشت.

کانت با لایپنیتس موافق نیست. او معتقد است اعیان در مکان و زمان نمی‌توانند مستقل از مکان و زمان وجود داشته باشند. برای او عکس قضیه درست است: اولاً، ما در ذهن خود، ظرف‌های خالی مکان و زمان را داریم و ثانیاً، تجربیات حسی ما مکان و زمان را با اعیانی پر می‌کند که به آن داده شده است. لایپنیتس با ادامه دادن خط استدلالی خویش بیان می‌دارد که چون خدا نیازی به مکان و زمان برای ادراک چیزها ندارد، مکان و زمان نمی‌توانند موجودیت‌های مطلق باشند. دیدگاه او در باب مکان و زمان نامتعارف است، اما لایپنیتس دلایلی دارد که موضع‌اش را حمایت می‌کند. دیدگاه کانت اما این است که از آن جا که نمی‌دانیم خدا وجود دارد یا نه؟ مشکل است که بگوئیم ادراکی هست که مستقل از مکان و زمان است (وارد، ۱۳۹۶، ص. ۸۷).

کانت در دفاع از دیدگاه خود مجموعه‌ای از استدلال‌های را طرح می‌کند که او را در حد وسط لایپنیتس و نیوتن قرار می‌دهد. برخلاف مفهوم مکان مطلق نیوتن، کانت معتقد است، تا آن جا که ما می‌دانیم، مکان و زمان تنها کارکردهای ذهن انسان اند که به ادراکات نظم و سامان می‌دهند. برخلاف لایپنیتس، کانت می‌گوید مکان و زمان باید مقدم بر اعیانی باشند که در داخل ظرف مکان و زمان جا می‌گیرند؛ با این حال مکان و زمان هم چنان مستقل از ماده هستند (همان منبع، ص. ۹۰).

کانت در بدو امر اشاره می‌کند که مکان و زمان مفهوم نیستند؛ بلکه هستی‌های منفرداند. او می‌بیند که وقتی ما به مکان و زمان اشاره می‌کنیم به این دو به مثابه کل‌های می‌نگریم که دارای اجزا هستند. اجزای متعدد مکان تمامیت مکان را شکل می‌دهد و

اجزای متعدد زمان، لحظه‌ها و بی‌انتهایی زمان را می‌سازند. این رابطه کل / جز یک آرایش متفاوتی از رابطه میان مفهوم و مصداق آن است؛ مثلاً مفهوم «سرخ» یا «سرخ‌ی» را در نظر بگیریم. چیزهای سرخ زیادی در جهان هست، اما ما همه مصادیق سرخی را به عنوان اجزای بی‌پایان و کیهانی ورق سرخ تصور نمی‌کنیم طوری که این ورق با قیچی به قسمت‌های بریده شده باشد و سپس به اشیا چسپانده شده باشد تا سرخ گردند. و نیز ما «سرخ‌ی» را چنان دیگی از رنگ تصور نمی‌کنیم که در ورای جهان قرار دارد و با هربار رنگ سرخ گرفتن چیزها در عالم، از مقدار رنگ سرخ داخل دیگ کاسته شود.

رابطه میان یک مفهوم و مصداق آن در دید کانت با رابطه میان یک کل و اجزای آن فرق دارد. در نظر داشته‌باشیم که چگونه مفهوم «سرخ» ثابت باقی می‌ماند حتی اگر همه چیزهای سرخ از عالم ناپدید شوند؛ اما این امر در مورد اجزای مکان یا زمان درست نیست. ناپدید شدن همه اجزا مکان یا زمان برابر هست با ناپدید شدن خود مکان و زمان. در نتیجه، کانت مفهوم بودن مکان و زمان را انکار می‌کند و در عوض از آن‌ها به مثابه «شهودات» نام می‌برد (Wicks, 2012, p. 115).

کانت علاوه بر این که معتقد است زمان و مکان شهود هستند، این دو را ساخت‌های فرمی صرف قلم‌داد می‌کند که به‌طور پیشینی قابل شناخت‌اند. برای فهم مراد کانت باید نظریه شناخت او را به خاطر بیاوریم. پیش از این دیدیم که چگونه ابتدایی‌ترین فرم‌های شناخت از طریق حکم الف ب است قابل بیان‌اند؛ درحالی که S یک عین و P یک مفهوم است. از آنجا که اعیان در انواع خود متفاوت از مفاهیم هستند، کانت برای ممکن بودن چنان حکمی، دو حوزه یا قوه را در درون ذهن فرض می‌گیرد که با هم تعاملی دارند که قبل از این، در پاراگراف‌های قبلی، شرح داده شده است. یکی از این دو قوه، احساس است که حاوی شهودات است و قوه دیگر فاهمه است که حوزه مفاهیم است. برای این که دانشی در فرم الف ب است، داشته‌باشیم این دو قوه باید به‌طور هماهنگ باهم تعامل داشته‌باشند چنانکه قوه احساس، Sها را فراهم کند و قوه فاهمه نیز Pها را تامین نماید تا حکمی ساخته‌شود. (Dicker, 204, p. 78).

همان‌گونه که پیش از این یادآور شده بودیم کانت در این که ذهن در بدو امر کاملاً خالی است با تجربه‌گرایان هم‌صدا نیست. دیدگاه او این است که ذهن انسان از همان ابتدا مسلح به دو قوه احساس و فاهمه است و هر قوه ساخت خاص خودش را دارد که قابل شناخت پیشینی‌اند. این ساخت قبل از هر نوع تجربه‌ای در ذهن موجود و آماده است تا به ادراکات حسی که وارد ذهن می‌شوند نظم و سامان بخشند. کانت با توجه به قوه احساس چنین استدلال می‌کند: « روشن است که قوه احساس که از مجرای آن ادراکات حسی سامان می‌یابند و در فرم‌های مشخص جا داده می‌شوند، خودش یک امر حسی نیست. بنابراین، هر چند پدیدارها به ما به صورت پسینی داده می‌شوند، فرم آن‌ها باید از قبل و به صورت پیشینی در ذهن موجود باشد و به همین دلیل باید قابل تفکیک از ادراکات حسی باشد» (کانت، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۴).

زمان و مکان مثل مفاهیم تجربی، از تجارب حسی منتزع نشده‌اند؛ بلکه باید چنان شرط هر نوع تجربه فرض گرفته‌شوند. از این که نظم مکانی-زمانی‌ای وجود دارد، که ضرورتاً باید چنین باشد، برای کانت روشن می‌کند که ادراکات حسی در توالی زمانی نظم داده‌شده است طوری که یک ادراک حسی پس از ادراک حسی دیگری قرار دارد و همین‌طور در چیدمان مکانی، یکی در کنار دیگر قرار دارند که از قوانین ریاضی و هندسه تبعیت می‌کنند. کانت دیدگاه خودش را در مجموعه‌ای از استدلال‌ها با جزئیات شرح داده است. دو نمونه از استدلال‌های او چنین‌اند: « مکان یک بازنمایی پیشینی ضروری است که شهودات را شکل می‌دهد. ناممکن است که چیزی را تصور کنیم که در مکان قرار نداشته‌باشد حالانکه می‌توانیم به خوبی تصور کنیم که مکانی وجود دارد که خالی از هر شیء‌ای است. به این جهت، مکان به مثابه شرط امکان هر نوع نمودی در نظر گرفته می‌شود نه به عنوان چیزی مستقل از نمودها» (همان، ص. ۱۳۸). «زمان یک بازنمایی ضروری است که زمینه‌ساز شهودات است. نمی‌توانیم زمان را به صورت عمومی، از نمودها حذف کنیم، هر چند می‌توانیم نمودها را از زمان جدا کنیم. بنابراین، زمان به صورت پیشینی داده‌شده است. در زمان است که نمودها ممکن می‌شوند. نمودها ممکن

است همه ناپدید شوند؛ اما زمان (به مثابه شرط کلی امکان نموده‌ها) نمی‌تواند نابود شود (همان منبع، ص. ۱۴۰).

این دو استدلال مکمل به ما درکی از روش فلسفی کانتی می‌دهند تا با جداسازی لایه‌های هر نوع پدیده‌ای، ساختار زیرین آن را آشکار کنیم. در نظر می‌توان مکان و زمان، که عین در آن‌ها منزل گزیده، را برای بررسی بیش‌تر از هم جدا کرد. یک‌بار اگر این انتزاع را به عمل آوردیم خواهیم دید بدون مکان و زمان عینی نخواهد بود که ادراک شود. ادراک عین بسته به فرم مکانی-زمانی است اما فرم مکانی-زمانی بسته به عین نیست. لب کلام استدلال‌های کانت همین نکته است. بنابراین، مکان و زمان که عین در آن واقع شده مستقل و پیشین از خود عین است. در نظر کانت، می‌توانیم به زمان فکر کنیم بدون آنکه لحظه خاصی را مدنظر بگیریم و می‌توانیم به مکان فکر کنیم بدون آنکه شیء‌ای درون آن قرار داشته‌باشد. مکان و زمان خالی قابل تصورات و به‌علاوه باید آن‌ها را چنین تصور کنیم زیرا پیش شرط‌های اند که در ذیل آن‌ها قادر می‌شویم تجربه‌ای داشته‌باشیم. با چنین تأملاتی، کانت معتقد است که مکان و زمان قبل از تجربه هر عینی، درون ما هستند.

از آنجاکه مکان باید به مثابه شرط هر نوع تجربه بیرونی و زمان باید به مثابه شرط هر نوع تجربه‌ای پیش‌فرض گرفته‌شوند، کانت مکان و زمان را قابل شناخت به طریق پیشینی تلقی می‌کند. این دو فرم‌های ذهن‌اند که مقدم بر تجربه حسی هستند و ادراکات حسی را نظیم می‌دهند و هر فردی به صورت مثابه از آن‌ها برخوردارند. چنین است که کانت مکان و زمان را فرم‌های پیشینی ادراک حسی نام‌گذاری می‌کند و نتایج جالب توجه‌ای از بررسی مکان و زمان استخراج می‌کند:

«...هر چیزی که در مکان و زمان ادراک شود، از همین‌رو هر عینی متعلق تجربه برای ما ممکن می‌شود، چیزی نیستند جز نموده‌ها، به عبارت دیگر، بازنمایی صرف هستند، آن‌گونه که پدیدار شده‌اند، یعنی چونان شیء ممتد یا زنجیره‌ای از تغییرات، موجودیت مستقل در خارج از افکار ما ندارند (همان، ص. ۱۹۷).

احکام ترکیبی پیشینی چگونه ممکن اند؟

پیش از این شرح دادیم که نظریه حکم کانت چگونه تمایز ابتدایی هیوم بین «روابط ایده‌ها» و «امور واقع» را با افزودن تمایز بین دانستن صدق یک حکم به صورت پیشینی در مقابل دانستن صدق حکم به صورت پسینی وسعت می‌بخشد. در نتیجه نوع جدیدی از حکم متولد می‌شود که قبلاً مورد اشاره هیچ کس قرار نگرفته بود. این دسته جدید احکام معرفت‌بخش اند و در عین حال قابل شناخت به طریق پیشینی و مستقل از تجربه شیء‌ای که حکم به آن ارجاع می‌دهد. از نقطه نظر نظریه پرداز فلسفی، این نوع احکام مطلوب هستند. زیرا نه فقط معرفت‌بخش اند، بلکه ضرورتاً صادق نیز هستند. قبل بر این، مثالی از این نوع حکم آورده بودیم (هر رخدادی علت دارد). این حکم متفاوت از حکم «هر معلول علت دارد» هست. در حالی که حکم دومی بنا به تعریف صادق است، حکم اولی چنین نیست. کانت فهرستی از احکام ترکیبی پیشینی ارائه نموده است که شامل هندسه و ریاضی می‌شود. اینک می‌توانیم سراغ پاسخ کانت به پرسش اصلی خود برویم، یعنی این پرسش که احکام ترکیبی پیشینی در هندسه و ریاضی چگونه ممکن اند؟ (کاپلستون، ۱۳۶۰، صص. ۹۱-۱۰۶).

برای کانت محرز است که هندسه علم روابط فضایی است که شامل مجموعه‌ای از گزاره‌های ضرورتاً صادق است. این مجموعه گزاره‌های ضرورتاً صادق، مثلاً شامل این گزاره می‌شود که مجموع زوایای داخلی یک مثلث برابر با ۱۸۰ درجه است. و نیز این گزاره که دو خط موازی یک‌دیگر را قطع نمی‌کنند. به نظر نمی‌رسد این گزاره‌ها صرفاً بنا به تعریف صادق باشند. کانت وجه همت خود قرار می‌دهد تا ماهیت این قضایا را روشن کند.

پاسخ کانت، چنانکه می‌توان تصور نمود، این است که کیفیت ترکیبی پیشینی مکان در حکم ترکیبی پیشینی که روابط هندسی مکان را توضیح می‌دهد، حضور دارد. احکام ترکیبی پیشینی هندسه ممکن اند، زیرا مکان خود، به مثابه خاصه ذهن انسان، قابل شناخت پیشینی است. هندسه بیان‌گر سرشت مکان است (کانت، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۳). به طریق مشابه کانت کیفیت ترکیبی پیشینی گزاره‌های ریاضی چون $۷+۵=۱۲$ را توضیح می‌دهد. در این جا کسی نمی‌تواند نتیجه ۱۲ را به بررسی ۵ و ۷ بدست آورد، چنان که می‌توان به عنوان مثال صدق «عزب مجرد است» را بدست می‌آوریم. در مورد اخیر، برای تعیین صدق گزاره، ما تنها به بررسی معانی کلمات «عزب» و «مجرد» نیاز داریم. در

مقابل، کانت مدعی است در گزاره ریاضیاتی بالا هرچند می‌توان ۵ و ۷ را تحلیل مفهومی نمود با این‌هم نمی‌توان هرگز مفهوم ۱۲ را از آن نتیجه گرفت (کانت، همان، ص. ۱۲۵). ریاضی چنان‌که کانت نتیجه‌گیری می‌کند متشکل از احکام ترکیبی پیشینی است نه احکام نامعرفت‌بخش تحلیلی.

نقدی بر نظریه مکان و زمان کانت

نظریه مکان و زمان کانت اگر انقلابی نباشد دست‌کم نوآورانه است. به علاوه نظریه‌ای جدل‌انگیز نیز هست. احتمالاً اساسی‌ترین مخالفت از سبک انتزاعی و علمی‌ای ناشی می‌شود که کانت برای شناسایی سرشت مکان به کار می‌گیرد. کانت از ما می‌خواهد شی معولی‌ای را در نظر بگیریم و تصور کنیم که این شی وجود ندارد و این فرایند انحلال را تا آنجا ادامه دهیم که هیچ شی‌ای در جهان فیزیکی باقی نماند. اینک کانت درخواست می‌کند به مکان خالی‌ای فکر کنیم که پیش از این اشیا در آن قرار داشتند. کانت معتقد است چنین اندیشیدنی به مکان خالی از آن جهت اهمیت دارد که ما را ناگزیر می‌کند اعتراف نماییم مکان را به چنین وضعی هرگز تجربه نخواهیم کرد؛ اما این امر ناروشن می‌ماند که آیا خواهیم توانست چنان مفهومی از مکان از این تجربه ذهنی بسازیم یا خیر؟ (Dicker, 2004, p.106).

اعتراض دیگر از وضع دانش در زمانه کانت سرچشمه می‌گیرد. برای کانت و معاصران او، منطق همان منطق ارسطویی بود و هندسه نیز همان هندسه اقلیدسی. این امر سبب گشت او نتیجه بگیرد که مکان صرفاً دارای سه بعد است. هرگز به ذهن او خطور هم نمی‌کرد که ابعاد دیگری نیز مکان داشته باشد یا هندسه‌ای را تصور کند که توضیح متفاوتی از هندسه اقلیدسی از مکان ارائه می‌کند. بنابراین این پرسش اهمیت دارد که آیا چنان‌که کانت تصور می‌کند، تجربه انسان نیازمند آن است که چنان سازمان‌دهی شود که هندسه اقلیدسی تعیین می‌کند یا خیر؟ (Wicks, 2012: 156-163).

یک پاسخ به این نقد این است که موضع کانتی عمومی‌تری اختیار کنیم که مکان را به مثابه فرمی از ذهن انسان تلقی می‌کند، با این افزوده که این فرم تماماً عام است و شامل تمام ابعاد بالاتر و فضاها غیراقلیدسی نیز می‌شود.

نتیجه‌گیری

چنانکه دیدیم، مراد کانت از "حسیات استعلایی" نظریه‌ای درباره عناصر تالیفی پیشینی شهود است. در ظاهر امر این یک پارادوکس است: شهود ما مشتق از حواس است و حواس پذیرنده و منفعل است. این تنها دیدگاه تجربه‌گرایان نیست، بسیاری از فیلسوفان از جمله دکارت، و نیز پوزتویست‌ها سخن از یک ادراک حسی بی‌واسطه می‌گویند که انطباعات بسیط را همچون واحدهای سازنده برای تصورات مرکب ارائه می‌دهند. کانت در سراسر کتاب نقد عقل محض، علیه مفهوم بسیط بودن احساس استدلال می‌کند و نه تنها این کار را در سطح اندیشیدن مفهومی و آگاهی از "من می‌اندیشم" بلکه پیش از این در سطح ادراک حسی انجام می‌دهد.

در نظر کانت، شهود صرفاً منفعل و پذیرنده نیست و علاوه بر این، دریافت حسی نیز به تنهایی قادر به تامین و تدارک داده‌های جزئی و حسی نیست. با وجود این، احساس منفعل یا اثرپذیر، شهود نیست؛ احساس منفعل چیزی نیست جز ماده‌های بی‌شکل و نامحدود که به خاطر خود ادراک حسی و به خاطر توانایی ما در تمایز نهادن میان اجزا مجزای آن، نیازمند اشکال معینی از نظم و سازماندهی است. این الگوهای نظم، از طریق ذهن فی‌نفسه، به وسیله فرم‌های پیشینی مکان و زمان فراهم می‌آیند.

لذا، عمل شهود به فرم و ماده تقسیم شده است. ماده شهود، احساس در گوناگونی آن است، در حالی که فرم شهود جایگاه و محل حس و روابط متقابل درون قالب‌های زمان و مکان است. متعلق شهود، یعنی پدیدارهای حسی، همواره موضوع نظم حداقلی تعیین‌یافته به وسیله مکان و زمان است. این فرم‌های شهود، مکان و زمان، این امر را ممکن می‌کنند که انطباعات حسی به صورت اجزا تکین درآیند؛ به این دلیل که حواس از یک‌دیگر جدا و متمایز هستند و گویی بسیط هستند. اما در واقعیت امر بی‌سبب بودن آن توهم است. زمان و مکان خود متعلق احساس نیستند بلکه شرایط شهود و توانایی ما برای ادراک تجربی هستند.

فهرست منابع

- وود، آلن؛ و پل گایر (1999). شرحی بر نقد خرد ناب. ترجمه کسرا حاتم‌پوری (۱۳۹۲). تهران: ققنوس.
- وود، آلن (2005). کانت، ترجمه عقیل فولادی (۱۳۹۶). تهران: نگاه معاصر.
- کاپلستون، فردریک (1964). کانت، ترجمه منوچهر بزرگمهر (۱۳۶۰). تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- کانت، ایمانوئل، (1781). نقد عقل محض. ترجمه بهروز نظری (۱۳۹۴). تهران: انتشارات ققنوس.
- کانت، ایمانوئل، (1783). تمهیدات: مقدمه‌ای بر هر مابعدالطبیعه آینده. ترجمه غلام‌علی حداد عادل (۱۳۹۰). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کورنر، اشتفان، (1990). فلسفه کانت. ترجمه عزت‌الله فولادوند (۱۳۸۹). تهران: خوارزمی.
- وارد، اندرو، (2006). درآمدی بر فلسفه کانت. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی (۱۳۹۶). تهران: حکمت.
- هیوم، دیوید (1748). رساله‌ای درباره طبیعت آدمی. ترجمه جلال پیکانی (۱۳۹۵). تهران: ققنوس.
- Dicker, Georges, (2004). Kant's theory of knowledge. London: Oxford university press.
- Scruton, Roger, (2001). Kant: a very short introduction. London: oxford university press.
- Wicks, Robert, (2012). Kant: A complete introduction. USA: Hodder and Stoughton.

مطالعه اکولوژیکی زیره سبز

پوهنیار جعفر شیرزاد^۱

تقریظ دهنده: پوهنمل دکتور زین الله حازم

چکیده

زیره سبز نباتی به طول روز حساس و نباتی روز بلند است گرمای شدید، هرچند ممکن است مستقیماً موجب خسارات زیاد به زیره سبز نگردد، ولی سبب کوتاه شدن فصل رشد و زودرسی آن می‌گردد. زیره سبز در مناطق خشک و نمیه خشک کشور توافق دارد. دوره رشد کوتاه ۱۰۰-۱۲۰ روز و نیاز آبی کم آن در زمره نباتات سازگار به اقلیم خشک آورده است درجه حرارت مطلوب برای رشد ۲۵-۳۰ درجه سانتی گراد می‌باشد تا ارتفاع ۳۸۰۰ متر از سطح بحر برای کشت این محصول مناسب است بطورکلی زیره سبز نباتی است مقاوم به خشکی که با توجه به انطباق دوره رشد یا بارش های زمستان و بهار، نیاز به آبیاری ندارند مگر اینکه دوره خشکی طولانی بوده و امکان سبز شدن نباشد که در این صورت به آبیاری تکمیلی نیاز است. کاشت نبات در زمان مناسب سبب می‌شود که مجموعه‌ی عوامل محیطی برای سبز شدن، استقرار و بقای نبات مناسب باشد و نبات حتی الامکان در مرحله از رشد با شرایط مطلوب رشد خود رو به رو گردد. تاریخ کاشت و تراکم بوته زیره سبز بر روی صفاتی از جمله زمان سبز شدن، عملکرد دانه، وزن هزاردانه، درصد اسانس، ارتفاع ساقه در مرحله گلدهی، زمان کاشت تا برداشت و حاصلدهی دانه مؤثر است. بررسی از نتایج حاصل از تحقیقات مختلف بر روی زیره سبز مشخص نمود که با توجه به حساسیت زیره سبز به عوامل اقلیمی بویژه فتوپریود و حرارت ضروری است که کشت این نبات زمانی صورت می‌گیرد که فرصت کافی به منظور رشد رویشی آن وجود داشته باشد. چرا که انتظار می‌رود هر چه ماده خشک تولید شده توسط نبات قبل از رشد گلدهی بیشتر باشد، عملکرد دانه بیشتر است.

کلمات: کلیدی: مطالعه، حاصل، زیره سبز، اکولوژیکی

Ecological Study of Cumin (*Cuminum cyminum L*)

Teacher assistant Jaffar Shirzad

Abstract

Cumin is a Mediterranean plant that is sensitive to the length of the day. The day length not directly cause much damage to cumin but it causes shortening of the growing season and premature the plants adapted to dry clima the optimal temperature for the plant 24-30 c⁰ up to 3800 meters above sea level it is suitable for growing this plant in general cumin is a drought resistant plant that those not need irrigation due to the adaptation of the growth period or the supplementary irrigation is effective. plants are planted at the right time when a set of environmental factors are suitable for the growth establishment and survival of the plant, the plant grows under favrable conditions as much as possible during its growth stage planting date and density of cumin plants are effective on characteristics such as time of greening seeds yield 1000 seed weight. Stem height at flowering stage time from planting to harvest and seed yield. A rivew of the results of various research on cumin revealed that due to the sensitivity of cumin to climate factors, especially photoperiod and heat, it is necessary that the cultivation of this plant takes place when there is enough light and moisture it is expected that the drier matter produced by the plant before flowering, the higher the seed yield the higher the dry matter.

Keyword: Study, Ecology, cumin, yield

مقدمه

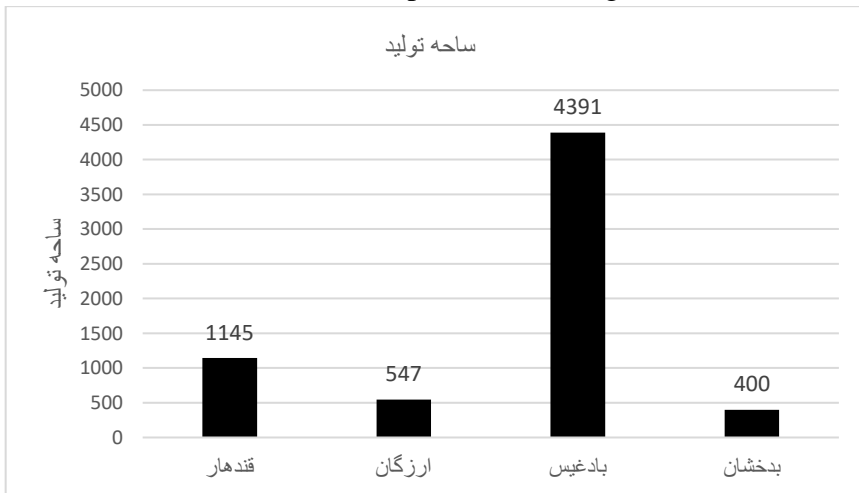
عوامل محیطی تأثیر مهمی بر رشد و تولید محصولات نباتی دارند، یکی از عوامل که در تولید نباتات کمیت و کیفیت آنها موثر است خاک منطقه می باشد که از جمله عواملی است که توسط بشر بیشتر قابل کنترل می باشد یا افزودن کود های عضوی و کیمیاوی تأمین عناصر غذایی مورد نیاز نبات، همچنین تأمین آب برای کشت می توان باعث افزایش تولید محصولات گردید. از میان ارجحیت نبات به کودهای عضوی و کیمیاوی چه ارجحیت تأمین عناصر غذایی و چه از نظر جنبه های زیست محیطی برهمگان آشکار است در حالیکه کود های حیوانی علاوه بر افزودن در دسترس قرار دادن بسیاری از عناصر غذایی بهبود بافت و ساختمان باعث افزایش رشد ریشه و بدنبال افزایش رشد کلروفیل و افزایش حاصلدهی و همچنین باعث بهبود کیفیت نباتات زراعتی می شود. کمبود آب عامل محدود کننده زراعت می باشد. آب از نظر کیفی و چه از لحاظ کمی اهمیت فوق العاده ای در انتخاب نباتات زراعتی در هر منطقه دارد. در مناطق خشک و نمیه خشک باید در انتخاب نباتات مقاوم به خشکی و سازگار با شرایط هر منطقه اقدام به کشت بهترین محصول کرد. زیره سبز از جمله نباتاتی است که علاوه بر داشتن فصل رشد کوتاه، مقاومت بسیار خوبی به کم آبی داشته و در واقع رطوبت عامل محدود کننده زراعت به حساب می آید در مورد تعیین نیاز آبی آن در برخی مناطق تحقیقاتی صورت گرفته که بصورت للمی و یا آبی با حداکثر ۶ نوبت آبیاری به حد اکثر محصول رسید (خواجه پور، ۱۳۶۵). زیره سبز در مناطق خشک و نمیه خشک کشت می شود. دوره رشد کوتاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ روز و نیاز آبی کم، آن در زمره نباتات سازگار به اقلیم خشک می باشد. (افشاری و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین وجود تهویه کافی و اکسیجن فراوان خاک برای زراعت موفق این نبات توصیه می گردد (Chandula et al, 1970). محدوده pH مناسب خاک برای کشت و رشد و نمو زیره سبز بین ۶/۸ تا ۸/۳ و همچنین درجه حرارت برای رشد ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتی گراد می باشد. (Weiss, 2002). تا ارتفاع ۳۸۰۰ متر از سطح بحر برای کشت این محصول مناسب است (Sahana et al, 2011). جوانه زنی، سبز شدن و استقرار جوانه زنی در مزرعه یکی از

جنبه های تولید نباتات زراعتی می باشد. اما این خصوصیات تابع شرایط رشد نباتات مادری است و ممکن است به دلایلی مانند کشت در تاریخ نامناسب، تحریک رشد نموی سریع تر، برخورد با تنش های طبیعی در هر منطقه اقلیمی و در نهایت تغذیه نامتعادل نبات مادری کیفیت تخم را دستخوش تغییراتی کند که در تولید محصول از این تخم ها کارایی را بروز ندهد. (قوامی و همکاران، ۲۰۰۴).

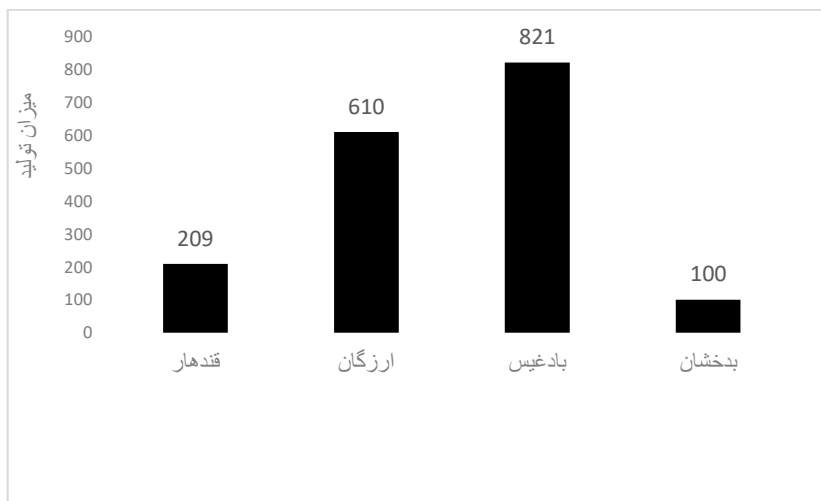
زیره در افغانستان

زیره از جمله گیاهان دارویی است که در سطح کشور به گونه وحشی و زراعتی وجود دارد. زیره در طبابت یونانی و غذا های افغانی استفاده می شود. آمار احصاییه وزرات زراعت در سال ۱۳۹۸ که در سراسر کشور از هشت هزار و ۶۴۰ هکتار زمین ۱۲۹۸۹ متریک تن زیره تولید شده است در همین سال ۱۰ میلیون و ۵۴۸ هزار و ۴۲۸ کیلوگرام زیره کشور هند، پاکستان، ترکیه و کشورهای اروپایی صادر شده و به ارزش ۲۸ میلیون ۶۶۰ هزار افغانی عواید دولت شده است.

(<https://www.mail.gov.af/cumin-harvested>)



شکل (۱). نشان دهند ساحه تولید زیره در بعضی از ولایات افغانستان است.



شکل (۲). نشان دهنده میزان تولید سالانه زیره در بعضی از ولایات افغانستان است

زیره سبز با نام علمی *Cuminum cyminum L.* از شاخه *Magnoliophyta* رده *Magnoliopsida* راسته *Apiales* فامیل چتریان و جنس *Cuminum* زیره سبز نبات یکساله، معطر بدون کرک جز میوه ساقه علفی با انشعابات دوتایی و گاهی سه تایی که ارتفاع آن ۱۰ تا ۵۰ سانتی متر می رسد. ساقه نبات خراش دار بوده و دارای بافت گلانشیم محیطی است (Cronquist, 1981). گل آذین آنها از نوع چتر مرکب به سه تا شش چترک ختم می شود و هر چترک نیز دارای سه تا چهار گل می باشد. برگها کشیده و دوکی شکل، کرک دار و از نوع دو فندقه شیزو کارپ می باشد. ریشه آن راست و باریک، به طول ۱۰ تا ۲۰ سانتی متر و ساقه آن علفی، راست و منشعب با تقسیمات دوتایی و به ندرت سه تایی است (احترامیان، ۲۰۰۷).



زیره سبز Wikiwand -

خصوصیات دارویی زیره سبز

میوه این گیاه دارویی ادرارآور، اشتها آور، ضد اسپاسم، بادشکن، مسکن، ضد نفخ و تقویت کننده معده است و همچنین به عنوان ضد تشنج، ضدنفخ، مسکن و محرک بکار گرفته می شود. اسانس آن هم به عنوان فعالیت های که ضد باکتریها دارد (Haghiroalsadat et al,2010). فعالیت های فارما کولوژیکی متعدد مانند اثرات آنتی اکسیدانی و مقوی معده، ضد سرطان و مهار تجمع پلاکت ها برای زیره سبز گزارش شده است. باتوجه به خاصیت آنتی اکسیدانی زیره سبز مصرف آن باعث کاهش خطر امراض های قلبی می شود آنتی اکسیدان ها از عوامل خنثی کننده رادیکال های آزاد موادی فعال و مضر برای انسان هستند می باشند. لذا تامین ذخایر آنتی اکسیدان به منظور کاهش آثار تنش اکسایشی امری مهم امری مهم تلقی می شود. (کامکار و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین این گیاه در ترکیب انواع مسهل، داروهای چشم موجود بوده و به عنوان خلط آور، ترشح زا و معطر کننده نیز به کار می رود. (Regiani,1995). این گیاه در درمان نفخ و سوء هاضمه و همچنین جهت ازدیاد شیر استفاده می شود. همچنین تاثیرات این گیاه بر روی میکرو ارگانیسم های گرم مثبت نشان داده شده است (Ani et al,2006).

اکولوژی زیره سبز

زیره سبز نبات مدیترانه ای بوده و مانند سایر نباتات خانواده چتریان به طول روز حساس و نباتی روز بلند است (امید بیگی، ۱۳۷۷). گرمایی شدید، هرچند ممکن است مستقیماً موجب خسارت زیاد به زیره سبز نگردد، ولی سبب کوتاه شدن فصل رشد و زود رسی آن می گردد (امیدبیگی، ۱۳۷۷). حداقل دمای رشد زیره سبز ۹ درجه سانتی گراد و حد اکثر ۲۶ درجه سانتی گراد است. (افشاری، ۱۳۷۳). در چنین مناطق تنشهای خشکی، شوری، گرما و سرما و باد به صورت منفرد یا مجتمع در طول سال زراعتی وجود دارد زیره سبز به طور موفقیت آمیز در این مناطق در طول قرنهای گذشته تولید محصول نموده است (patel et al, 1991) گیاهچه زیره سبز بسیار طریف و ضعیف و سبز شدن آن در خاکهای سنگین خصوصاً در صورت سله در لایه سطحی خاک بسیار مشکل است. لذا خاکهای سلت - لومی برای زراعت زیره توصیه گردیده است (کافی، ۱۳۸۱) هرچند در منابع علمی زیره سبز را جزء نباتات حاره ای نیز آوردند ولی شواهد موجود حاکی از حساسیت شدید مراحل فنولوژی این نبات به گرما است. در شرایط روزهای گرم نبات وارد مراحل گلدهی شده و دوام این دوره نیز رابط مستقیمی با گرما دارد. کوتاه شدن دوره گلدهی نبات با کاهش عملکرد آن همراه می باشد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که احتمال شیوع بیماری آلترناریایی نیز در شرایط گرما کاهش می یابد لذا از آنجا که زیره سبز در مراحل انتهایی فصل رشد که از نظر تولید عملکرد نیز بسیار شناسایی جینوتایپ متحمل بسیاری ضروری می باشد (علوی، ۱۳۸۴)

زراعت زیره سبز

بهتر است قبل از کاشت، تخم زیره سبز را جهت افزایش در صد جوانه زنی به مدت ۲۴-۳۶ ساعت در آب نسبتاً جاری قرار دهیم تا مواد باز دارند، جوانه زنی که در پوسته تخم وجود دارد حل شده و از بین برود (Hornok, 1992) زیره سبز نسبت به تغییرات محیط حساسیتهای زیادی دارد و عملکرد آن نوسانات زیادی را نشان می دهد و به طور کلی هر سه یا چهار سال یک بار کاهش محصول وجود دارد (کافی، ۱۳۸۱) یکی از مهمترین عوامل

مدیریت در تولید محصولات زراعتی تاریخ کاشت مناسب می باشد (Adamsen and Coffrilt, 2005) هدف از تعیین تاریخ کاشت مناسب، مشخص کردن بهترین زمان کاشت وراثتی یا دسته از وراثتی های مشابه نباتات زراعتی است، بطوری که مجموعه عوامل محیطی در آن زمان، برای سبز شدن، استقرار و بقاء جوانه مناسب باشد ضمن اینکه هر مرحله از رشد نیز با شرایط مطلوب خود روبرو شود (سهیلی و همکاران، ۲۰۱۰) آزمایش های مختلف نشان داده است چنانچه کاشت زیره سبز در خزان یا اوایل زمستان انجام بگیرد میزان حاصلدهی نسبت به کاشت بهاره آن میزان قابل توجهی افزایش می یابد (کهریزی و همکاران، ۲۰۱۱). نباتات کشت خزانی و زمستانه، توانایی استفاده بهتر و موثرتر از نزولات جوی زمستانه را دارند (سهیلی و همکاران، ۲۰۱۰) ضمن این که با طولانی تر شدن دوره رشد نمویی، افزایش جذب تشعشع فعال فتوسنتز و در نتیجه افزایش بیوماس نبات در این شرایط فراهم شده که این امر سبب افزایش حاصلدهی نباتات می شود (نظامی و همکاران، ۲۰۰۷)



زیره سبز (vista.ir)

محیط رشد زیره سبز

با توجه به منشاء اهلی شدن زیره سبز مناسب‌ترین منطقه رشد برای آن منطقه معتدله می‌باشد مناسب‌ترین محدود حرارتی مورد نیاز این نبات ۲۶-۹ درجه سانتی‌گرید است که این حرارت در اکثر مناطق زیره کاری در ماه‌های آخر زمستان و اوایل بهار تأمین گردد (Raychaudhuri, 1992) بطور کلی زیره سبز نباتی است مقاوم به خشکی که با توجه به انطباق دوره رشد یا بارش‌های زمستان و بهار، نیاز به آبیاری ندارند مگر اینکه دوره خشکی طولانی بوده و امکان سبز شدن نباشد که در این صورت به آبیاری تکمیلی موثر است (کافی، ۱۳۸۱). پس از کشت باید بلافاصله زمین را به صورت ملایم آبیاری نمود تا تخم شسته و در مرز کرت‌ها متراکم نشوند. دومین آبیاری باید ۸-۱۰ روز پس از اولین آبیاری انجام گیرد. رویش تخم‌ها پس از دومین آبیاری آغاز می‌شود. در صورت دمای بالای محیط باید ۵-۶ روز پس از دومین آبیاری، مجدداً آبیاری صورت گیرد. پس از آن هر ۱۲ تا ۲۰ روز بسته به شرایط اقلیمی باید آبیاری نمود (معاونی، ۱۳۸۸). بطور کلی زیره سبز نباتی است مقاوم به خشکی که با توجه به انطباق دوره رشدش را بارش‌های زمستانه و بهاره، نیاز به آبیاری ندارد مگر اینکه دوره خشکی طولانی بوده و امکان سبز شدن نباشد که در این صورت انجام آبیاری تکمیلی موثر است (کافی و همکاران، ۱۳۸۱) پس از کاشت باید بلافاصله زمین را به صورت ملایم آبیاری نمود تا تخم‌ها شسته و در مرز کرت‌ها متراکم نشوند. دومین آبیاری باید ۸ تا ۱۰ روز پس از اولین آبیاری انجام گیرد. رویش تخم‌ها پس از دومین آبیاری آغاز می‌شود. در صورت حرارت بالای محیط باید ۵-۶ روز پس از دومین آبیاری، مجدداً آبیاری صورت گیرد. پس از آن هر ۱۲ تا ۲۰ روز بسته به شرایط اقلیمی باید آبیاری نمود (معاونی، ۱۳۸۸)

نیاز های حرارتی زیره سبز

زیره سبز بدلیل دارا بودن برگ‌های رشته‌ای، درصد کمی از نور رسیده سطح زمین را دریافت می‌کند. لذا بحث سایه اندازی و رقابت بر سر جذب نور در این نبات منتفی است، روزهای آفتابی و خشک شرایط مطلوبی را فرار نبات از ابتلا به امراض قارچی فراهم می‌کند، (کافی، ۱۳۷۱)

خاک مناسب زیره سبز

گیاهچه زیره سبز بسیار ظریف و ضعیف است، سبز شدن آن در خاکهای سنگین خصوصاً در صورت تشکیل سله در لایه سطحی خاک بسیار مشکل می‌شود (Chandula, 1970) لذا خاکهای شنی لومی برای زراعت زیره سبز پیشنهاد می‌گردد. همچنین وجود تهویه کافی و اکسیجن فراوان خاک برای زراعت موفق این نبات توصیه می‌گردد و pH خاکها نیز باید در محدوده ۸/۸ تا ۸/۳ باشد (Weiss, 2002)

نیاز نوری زیره سبز

زیره سبز بدلیل دارا بودن برگها رشته ای، درصد کمی از نور رسیده به سطح زمین را دریافت می‌کند. لذا بحث سایه اندازی و رقابت بر سر جذب نور در این نبات منتفی است، روزهای آفتابی و خشک و شرایط مطلوبی را برای نبات از ابتلا به امراض های قارچی فراهم می‌کند (کافی، ۱۳۷۱)

نتیجه گیری کلی

خصوصیات ، اکولوژی، زیره سبز طبیعی به خصوص در شرایط کشت اکولوژیک در جهان روبه افزایش می‌باشد کشت اکولوژیک نباتات طبی، کیفیت آن ها را تضمین کرده و احتمال اثرات منفی روی کیفیت طبی و عملکرد آنها را نیز کاهش می‌دهد زیره سبز در مناطق خشک و نیمه خشک کشت می‌شود دوره رشد کوتا ۱۰۰-۱۲۰ روز و نیاز آبی کم، آن را در زمره نباتات سازگار به اقلیم خشک در آورده است. زیره سبز نبات مدیترانه بوده و مانند سایر نباتات خانواده چتریان.

به طول روز حساس و نبات روز بلند است. گرمای شدید، هر چند ممکن است مستقیماً موجب خسارات زیاد به زیره سبز نگردد، ولی سبب کوتاه شدن فصل رشد و زود رسی آن می‌گردد زیره سبز به دلیل دارا بودن برگهای رشته ای، در صد کمی از نور رسیده به سطح زمین را دریافت می‌کند و به ندرت شاخص سطح برگ ۱/۵ می‌رسد. لذا بحث سایه اندازی و رقابت بر سر جذب نور در این نبات منتفی است، مگر اینکه علف‌های هرز چنین محدودیتی را برای نبات ایجاد نمایند در مورد درجه حرارت یایه زیره سبز در دماهای نزدیک به صفر جوانه نمی‌زند حداقل دامای رشد زیره سبز ۹ درجه سانتی گراد و حد اکثر آن ۲۶ درجه سانتی گراد است ولی در آزمایشگاه محدوده حرارتی ۳۰-۲۰

درجه سانتی گراد برای زیره سبز پیشنهاد شده زیره سبز نبات است که کشت آن در خاکی امکان پذیر است مشروط بر آن که خاک، شور نبوده و دارای زهکشی خوب باشد. در خاکهای لومی شنی که ماده عضوی بالایی داشته باشد، حاصلدهی خوبی خواهد داشت. همچنین وجود تهویه کافی و اکسیجن فراوان خاک و عمق نفوذ ریشه زیره سبز بین ۱۵-۱۲ سانتی متر می باشد pH مناسب خاک برای کشت و رشد و نمو زیره سبز بین ۶/۸ - ۸/۳ است. زیره سبز یکی از نبات است که تاریخ کشت می تواند روی حاصلدهی آن تاثیر گذار باشد تاریخ کاشت و تراکم بوته زیره سبز بر روی صفاتی از جمله زمان سبز شدن، عملکرد دانه، وزن هزار دانه، درصد اسانس، ارتفاع ساقه در مرحله گلدهی، زمان کاشت تا برداشت و حاصلدهی دانه مؤثر است.

منابع

- معاونی، پروانه. (۱۳۸۸). گیاهان دارویی جلدیک چاپ اول. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، تهران.
- افشاری، ولدآبادی، دانشیان، جهانفر، اکبری نیا، & احمد. (۲۰۰۸). مطالعه خصوصیات زراعی توده های محلی زیره سبز در شرایط کاربرد مقادیر مختلف نیتروژن. یافته های نوین کشاورزی، ۲(شماره ۳ (بهار ۱۳۸۷)، ۷)، ۲۱۳-۲۲۳.
- امیدبیگی، رضا. (۱۳۷۷). رهیافت های تولید و فرآوری گیاهان دارویی. جلد دوم. انتشارات طراحان نشر ص. ۴۲۴
- امیدبیگی، رضا، ۱۳۷۷، تولید و فرآوری گیاهان دارویی، جلد سوم، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۶۴
- خواچه پور، محمد رضا. (۱۳۶۵). اصول و مبانی زراعت. انتشارات جهاد دانشگاهی صنعتی اصفهان.
- سهیلی، نظامی، احمد، خزاعی، & نصیری محلاتی. (۲۰۱۰). بررسی اثر تاریخ های کاشت بر عملکرد و اجزاء عملکرد چهار توده بومی زیره سبز (*Cuminum cyminum*). پژوهشهای زراعی ایران، ۸(۵)، ۷۷۲-۷۸۳.
- علوی، ابراهیم. (۱۳۸۴). بیماری بوته میری زیره سبز. نشریه جمعیت کارشناسان بیماری های گیاهی ایران، وزارت کشاورزی، صفحه ۹۸-۹۲.
- (۲۰۰۴). بررسی واکنش ارقام متحمل گندم ایرانی به تنش شوری در مرحله جوانه زنی و گیاهچه. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۵(۲).
- کافی، محمد. و. محمد. حسین. راشد محصل. (۱۳۷۱). اثر دفعات کنترل علفهای هرز، فاصله ردیف و تراکم بر رشد و عملکرد زیره سبز. علوم و صنایع کشاورزی، ۶: ۱۵۸-۱۵۱. گردآوری و بررسی خصوصیات بوتانیکی توده های محلی زیره سبز ایران. انتشارات سازمان سازمان پژوهش های علمی و صنعتی، پژوهشکده خراسان. ص. ۱۵.
- کافی، محمد. (۱۳۸۱). زیره سبز فناوری، تولید و فرآوری. انتشارات قطب علمی گیاهان

کاکایی، کهریزی، دانیال، & منصوری. (۲۰۱۱). مطالعه تاثیر میزان پتانسیل اسمزی محیط بر جوانه زنی برخی ژنوتیپ های زیره سبز. یافته های نوین کشاورزی، ۶ (شماره ۱ (پاییز ۱۳۹۰)، ۲۱)، ۶۳-۷۰.

کامکار، بهنام، کوچکی، نصیری محلاتی، & رضوانی مقدم. (۲۰۰۷). آنالیز خلاء عملکرد زیره سبز در ۹ منطقه از استان های خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی با استفاده از رهیافت مدل سازی. پژوهشهای زراعی ایران، ۵ (۲)، ۳۳۳-۳۴۲.

کوروش احترامیان، جعفر بحرانی، & رضوانی مقدم. (۲۰۰۷). بررسی اثر مقادیر مختلف کود نیتروژن و تاریخ های مختلف کاشت بر عملکرد و اجزاء عملکرد زیره سبز (*Cuminum cyminum*) در منطقه کوشک استان فارس. پژوهشهای زراعی ایران، ۵.

نظامی، احمد، خرم دل، سرور، نصیری محلاتی، & محمدآبادی. (۲۰۰۹). واکنش تعدادی از توده های بومی زیره سبز (*Cuminum cyminum* L) به تاریخ های کاشت پاییزه در شرایط آب و هوایی مشهد. تنش های محیطی در علوم زراعی، ۲. ویژه دانشگاه فردوسی مشهد

Adamsen, F. J., & Coffelt, T. A. (2005). Planting date effects on flowering, seed yield, and oil content of rape and crambe cultivars. *Industrial Crops and Products*, 21(3), 293-307.

Agrawal, P. K. (1993). Handbook of seed testing. *National seeds Corporation Limited. New Dehli, India.*

Ani, V., Varadaraj, M. C., & Naidu, K. A. (2006). Antioxidant and antibacterial activities of polyphenolic compounds from bitter cumin (*Cuminum nigrum* L.). *European Food Research and Technology*, 224, 109-115

Chandola, R. P., Mathur, S. C., & Sriva-stava, V. K. (1970). Cumin cultivation in Rajasthan. *Indian Farming*, 20(4), 13-16.

Cronquist, A. (1981). *An integrated system of classification of flowering plants*. Columbia university press.

Haghirossadat, F., Bernard, F., Kalantar, M., Sheikhha, M. H., Hokmollahi, F., Azimzadeh, M., & Hoori, M. (2010). *Bunium Persicum* (Black Caraway) of Yazd province: Chemical assessment and Evaluation of

- its antioxidant effects. *SSU_Journals*, 18(3), 284-291.
- Hornok, L., 1992. Cultivation and processing of medicinal plants. Academic Kiado.
- Patel, K. S., Patel, J. C., & Patel, B. S. (1991). Water and Nutrient Management in Cumin (*Cuminum cyminum*).
- Raychaudhuri, S. P. (1991). Recent advances in medicinal, aromatic and spice crops.
- Reggiani, R., Bertani, A., & Bozo, S. (1995). The effect of salinity on early seedling growth of seeds of three wheat (*Triticum aestivum* L.) cultivars. *Canadian journal of plant science*, 75(1), 175-177.
- Sahana, K., Nagarajan, S., & Rao, L. J. M. (2011). Cumin (*Cuminum cyminum* L.) seed volatile oil: Chemistry and role in health and disease prevention. In *Nuts and seeds in health and disease prevention* (pp. 417-427). Academic Press.
- Weiss, E. A. (2002). *Spice crops*. CABI.

مرور بر خصوصیات نباتی و اکولوژیکی کنجد

پوهنیار محمد دین روستازاده ۱

تقریظ دهنده: دکتور دولت شاه پویش

چکیده

کنجد از جمله نباتات مهم تولید کننده روغن خوراکی در جهان و افغانستان می باشد. این نبات می تواند در مناطق خشک، نمودی مناسب داشته باشد. نوع های مختلف کنجد به خشکی مقاوم هستند. این نبات مردابی شدن را حتی برای یک دوره کوتاه مدت هم نمی-تواند تحمل کند. در این نبات زراعتی نسبت ریشه به ساقه بسیار زیاد است. ارتفاع ساقه معمولاً از ۶۰ تا ۱۵۰ سانتی متر متغیر بوده و گاهی تا ۲ متر می رسد. برگ ها از نظر شکل و اندازه روی یک بوته در بین واریتهی ها متفاوت هستند، به طور کلی برگ های پایین بوته عریض و اغلب دنداندار بوده و دارای بریدگی های زیادی می باشد. با پیشروی به سمت فوقانی ساقه، از میزان بریدگی ها به شدت کاسته شده و باریک تر و کشیده تر می شوند. شکل عمومی برگ های اولیه تا حدی شبیه برگ ریحان می باشد. آرایش برگ های نزدیک به ساقه، متقابل بوده اما در بالا به صورت متناوب در می آیند میزان و نوع شاخه دهی یک صفت جنیتیکی است، گل ها به صورت زنگوله ای و به رنگ های سفید، گلابی یا ارغوانی به طور منفرد یا به گروپ های ۲ تا ۳ عددی در زوایه های هر برگ مشاهده می شوند، میوه کنجد به صورت کپسولی چهار گوش با راست کوتاه مثلثی، کرک دار و با جری های عمیق طولی است، کنجد نبات روز کوتاه و گرما دوست است لذا به هوای گرم و نور فراوان احتیاج داشته و به حرارت پایین حساس می باشد.

کلیمات کلیدی: خصوصیات اکولوژی؛ کنجد؛ خصوصیات نباتی و روغن کنجد

Botanical and Ecological Traits of Sesame

Assistant professor Mohammad Din Rostazada,

Abstract

Sesame is one of the most important eatable production oil crops product in worldwide. Sesame is a plant in the genus *Sesame*, also called benne. Numerous wild relatives occur in Africa and a smaller number in India. It is widely naturalized in tropical regions around the world and is cultivated for its edible seeds, which grow in pods. The general shape of the primary leaves is somewhat similar to basil leaves. flowers individually and numerical hands 2-3 are viewing at the angles of each leaf. Fruit of sesame is like a quadrangle capsule; capsule is varying from 2.4 to 8 cm and its diagonal varies from 0.5 to 2 cm. Sesame capsule content 2 to 4 Carpel sometimes 12 Carpel are observed. Sesame is a short-day period, so it needs warm air and sunlight and is sensitive to low heat. Initiation of flowering is sensitive to photoperiod and sesame variety. The photoperiod also affects the oil content in sesame seed; increased photoperiod increases oil content. The oil content of the seed is inversely proportional to its protein content. Sesame seeds occur in many colors depending on the cultivar. The most traded variety of sesame is off-white colored. Other common colors are buff, tan, gold, brown, reddish, gray, and black. The color is the same for the hull and the fruit.

Key Word: Botanical traits, Ecological traits, Sesame and sesame oil

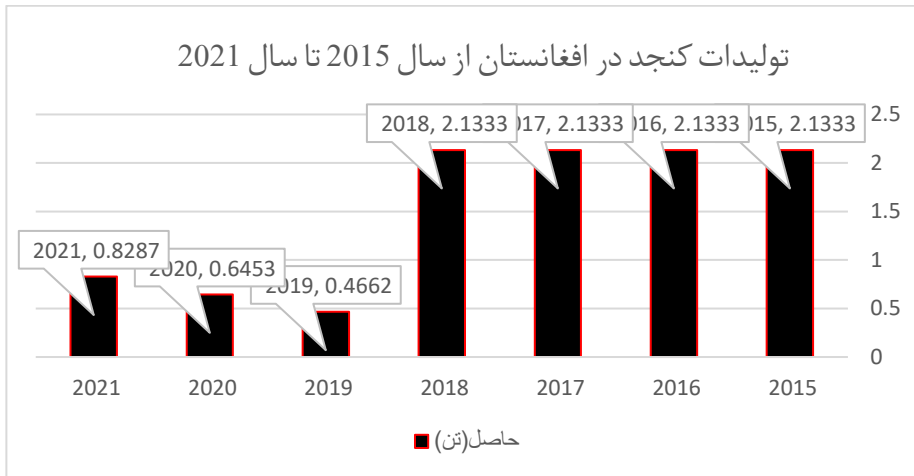
مقدمه

نیاز شدید به تأمین مواد غذایی برای جمعیت رو به رشد کشور عزیزمان افغانستان از یک طرف و لزوم نیل به خود کفای در امر تولیدات زراعتی مخصوصاً تولید نباتات تیلی، بی نیازی از واردات و ایجاد امینیت غذایی از طرف دیگر، ایجاب می‌کند تا در حد امکان میزان تولیدات کشاورزی در کشور افزایش داده شود. بیشتر نقاط کشورمان در مناطق خشک و نیمه خشک قرار گرفته است. بنابر این آب اولین و مهمترین عامل محدودیت در افزایش تولیدات زراعتی به شمار می‌رود. همچنین دلیل تغییرات اقلیمی و گرم شدن هوا نیاز آبی نباتات افزایش یافته و استفاده از منابع آب هر چه بیشتر محدود می‌گردد. لذا برنامه ریزی دقیق در استفاده دقیق از منابع آب موجود، مخصوصاً در مصارف زراعتی که قسمت عمده مصرف منابع آب کشور را شامل می‌شود، ضروری است. از طرف دیگر با توجه به وقوع دوره های خشکی و کم آبی در سالهای اخیر، نیاز بیشتری به کارهای اصلاحی برای مقاومت به این تنش های محیطی احساس می‌شود. برای انتخاب جنوتایپ های متحلل به نوع تنش ها از دوروش مستقیم و غیر مستقیم بر اساس صفات مارفولوژی و فزیولوژی که با تحمل تنش همبستگی دارند استفاده می‌کنند (Singh, 2000). دانه های روغنی منبع اصلی تأمین کننده دو ماده غذایی (روغن و پروتئین) می‌باشد. روغن و چربی پس از هایدروکاربن به عنوان دومین انرژی در تغذیه انسان از اهمیت ویژه برخوردارند (عرشی، ۱۳۷۵). کنجد در افغانستان در ولایات شمال شرقی مانند بغلان، تخار، کندز و بدخشان در ولایات شمال مانند بلخ، جوزجان و فاریاب کشت و پرورش می‌شود، نیز کشت کنجد در ولایات مثل قندهار و ارزگان نیز گسترش یافته است (کشاورز، ۱۳۴۱). محصول اصلی کنجد روغن خوراکی بوده، روغن کنجد دارای رنگ زرد مایل به سفیدی می‌باشد، خوش مزه بوده که ذایقه آن از تمام روغن های دیگر برتری دارد. کشت کنجد در تناوب با گندم و جو توسعه می‌شود، حاصل کنجد از یک هکتار ۱۵۰۰-۲۵۰۰ کیلوگرام دانه به دست می‌آید. از کنجد در صنایع خوراکی سازی مانند قنادی های شیرینی سازی کانسرها و تولید شیرینی ها حلوا های کنجد استفاده می‌شود (مرادی، ۱۳۶۴). کنجد از قدیمی ترین

نباتات کشت شده توسط بشر و احتمالاً کهن ترین نبات روغنی جهان است. این نبات دارای ۱۶ جنس و ۶۰ نوع می باشد. وطن اصلی آن افریقا بوده و به سرعت به هند، چین و جاپان پراکنده شده در اکثر نقاط افغانستان توافق داشته در مناطق شمال به منظور تولید روغن خوراکی زیاد کشت می شود. این نبات از ویژگی های برجسته متعدد بی نظیر میزان روغن بالا، کیفیت عالی، مقاومت نسبی به کم آبی و سازگاری وسیع، جایگاه ویژه ای را در نباتات روغنی به خود اختصاص داده است (منصور، ۱۳۸۰). کنگد دانه روغنی با ارزشی است که بسته به شرایط و وراثتی ۴۵ تا ۶۰٪ روغن، ۱۶ تا ۲۵٪ پروتئین ۱۶ تا ۱۸٪ کاربوهایدریت و حدود ۵ در صد رطوبت دارد و به دلیل دارا بودن یک ترکیب فنولی آنتی اکسیدان به نام سزا مول از دوام خوبی برخوردار است (منصوری، ۱۳۸۳).

روغن کنگد به دلیل دارا بودن اسیدهای چرب اشباع نشده و ثبات زیاد در برابر اکسیداتیو روغن از کیفیت و دوام بالایی برخوردار بوده است و استحصال آن آسان است. ترکیب فنولی و سزا مول که ثبات و پایداری روغن کنگد را در برابر تند شدن اکسیداتیو افزایش می دهد، از تجزیه سزامولین حاصل می شود. روغن کنگد در مجاورت درجه حرارت فیصد زیاد اکسیجن تولید می گردد. روغن کنگد شامل ۸۷٪ اسید چرب غیر اشباع و ۱۳ فیصد اسید چرب اشباع می باشد (Song, 2021). اسید های آمینه تریپتوفان و متیونین مهم ترین اجزای پروتئین می باشند، به ویژه اسید آمینه تریپتوفان که بیشترین مقدار آن از بین نباتات زراعتی در کنگد قرار دارد که محرک تولید اسید آمینه نیاسین بوده و برای شادابی پوست و سلامتی مو و سیستم عصبی بدن بسیار مؤثر است. اسید های آمینه متیونین نیز سبب تولید کولین شده که در کنترل کلسترول مؤثر است، دانه کنگد حاوی اسید های چرب غیر اشباع می باشد. اسید های چرب در توسعه و تمایز سیستم عصبی نقش مهمی ایفای می کنند (Sudhir., 1996). کنگد گرفتگی صدا را از بین می برد، برای چاق شدن و تقویت نیروی جنسی مؤثر است، نرم کننده روده و معده، ضد روماتیسم است، برگ کنگد اگر به سرمالیده شود باعث رشد و سیاهی مو می شود. فشار خون بالا را کاهش می دهد، برای رفع تنگی نفس، سرفه خشک، زخم ریه مفید است. روغن کنگد سوزش ادرار را برطرف می کند، روغن کنگد باعث کاهش کلسترول خون و پیشگیری از امراض های قلبی و عروقی می شود، باعث رفع ناراحتی های کیسه

صفر می‌شود. دم کرده برگ آن اسهال خونی را برطرف می‌کند، خوردن یک قاشق غذا خوری کنجد موجب تأمین ۱۴ فیصد از نیاز کلسیم خانم‌ها شده و از پوکی استخوان جلوگیری می‌کند و موجب استحکام ناخن‌ها می‌شود، مصرف دو قاشق غذا خوری از کنجد حدود ۵ میلی‌گرم مس بدن را تأمین می‌کند (Carrie et al., 2000) طبق آمارهای جهان (FAO) در سال ۲۰۰۶ سطح زیر کشت کنجد در کل جهان هفت میلیون و سیصد و نود و دو هزار و دو صد و چهل و پنج هزار هکتار می‌رسد، بدین ملحوظ مقام ۲۱ از نقطه نظر سطح به خود اختصاص داده است. کنجد اساساً یک محصول خاص مناطق گرم سیر و نمیه گرم سیر می‌باشد، اما با اصلاح رقم‌های مناسب گسترش آن به مناطق معتدل‌تر نیز امکان پذیر شده است، پراکندگی عمده ای کنجد در جهان میان عرض‌های جغرافیایی ۲۵ درجه جنوبی و ۲۵ درجه شمالی است اما تا ۴۰ درجه شمالی در چین، شوروری و امریکا، تا ۳۰ درجه جنوبی در استرالیا، ۳۵ درجه جنوبی در امریکا جنوبی رشد می‌کند (خواچه پور، ۱۳۷۹). کنجد اساساً یک محصول خاص مناطق گرم سیری و نمیه گرم سیری می‌باشد. اما با اصلاح وراثتی‌های مناسب گسترش آن به مناطق معتدل‌تر امکان پذیر شده است سابقه کشت و پراکندگی انواع مختلف کنجد در آفریقا، هندوستان، ایران، افغانستان و استرالیا آن قدر زیاد است که در رابط با محل دقیق اهلی شدن آن اتفاق نظر نیست (رستگار، ۱۳۸۴). حسب (شکل ۱) نوسانات تولیدات کنجد افغانستان از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ جمع‌آوری شده، نشان می‌دهد که بیشترین میزان تولیدات را در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و پایین‌ترین سطح تولید در سال ۲۰۱۹ بوده (<https://www.fao.org/faostat/en/#data/QCL>). هدف از این جریان مطالعات منظم کتاب‌خانه ای گام به گام، جمع‌آوری معلومات لازم در خصوص اکولوژی، خصوصیات نباتی و نموی کنجد، در قالب یک مقاله ارائه شده تا مورد استفاده مطالعه‌گران این مقاله به صورت جمعی از اطلاعات ما قبل به گونه دستکاری، تعدیل و باز نویسی شده قرار گیرد.



شکل ۱. تولیدات کنجد در افغانستان از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد.

خصوصیات نباتی

کنجد با نام علمی (*Sesamum indicum* L.) نباتی است یک ساله از تیره کنجد Pedaliaceae و دیپلوئید $2n=26$ به صورت بوته ای استوار رشد می‌کند. طول دوره رشد کنجد از ۳ تا ۶ ماه متغیر بوده و غالباً ۱۰۰ تا ۱۲۰ روز می‌باشد (خواجه پور، ۱۳۸۳). نبات است یک ساله که متعلق به جنس سزاموم از خانواده کنجد Pedaliaceae و راسته توئیفلورا می‌باشد. خانواده Pedaliaceae دارای ۱۴ جنس و ۷۰ نوع بوده که جنس سزاموم دارای ۴۰ نوع بوده حدود ۲۰ نوع وحشی جنس سزاموم که در آسیا و آفریقا کشت می‌شود فقط نوع هندی *Sesamum indicum* از دیدگاه اقتصادی از ارزش بیشتری برخوردار است (Mariod, et al 2017). دو نوع عمده کنجد شامل کنجد دیر رس با تعداد شاخه های بیشتر گاهی به صورت چند ساله و نفوذ پذیر و در برابر خشکی مقاوم تر کنجد زود رس با تعداد شاخه کم و گستردگی ریشه های آن کمتر بوده و بیش تر به صورت سطحی می‌باشند (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۳).



شکل ۲. خصوصیات نباتی کنگد به رویت شکل فوق مشاهده می‌گردد.

<https://nejatab.blogsky.com/1391/02/27/post-37>

ریشه

کنجد سیستم ریشه ای مستقیم قوی و گسترده ای دارد که قادر است در خاک های نفوذ پذیر، گرم و مرطوب تا عمق زیاد نفوذ می‌نماید. عمق توسعه ریشه در شرایط کشت آبی غالباً کمتر از یک متر است و قسمت اعظم توسعه ریشه تا عمق ۶۰ سانتی متر مشاهده می‌شود (خواجه پور، ۱۳۸۳). از آنجا که ریشه کنگد در عمق خاک نفوذ می‌کند و خود را به رطوبت می‌رساند، نوع های مختلف کنگد به خشکی مقاوم هستند (Chakraborty et al. 2008). این نبات مردابی شدن را حتی برای یک دوره کوتاه مدت هم نمی‌تواند تحمل کند. در بین نباتات زراعتی نسبت ریشه به ساقه در کنگد بسیار زیاد است (خواجه پور، ۱۳۷۹).

ساقه

ساقه کنگد مستقیم بوده دارای جری های طولی و در برش عرضی به صورت گوشه دار و کم و بیش دارای تارک های مو مانند می‌باشد. ظاهراً بین مقدار کرک در سطح ساقه و مقاومت وراثتی به خشکی همبستگی مثبتی وجود دارد رنگ ساقه می‌تواند از سبز روشن

تا ارغوانی تغییر کند، اما معمولاً به رنگ سبز تیره دیده می‌شود، ساقه کنگد دارای مواد لزج بوده و آب دار است (خواجه پور، ۱۳۸۳). ارتفاع ساقه معمولاً از ۶۰ تا ۱۵۰ سانتی متر متغیر بوده (شکل ۳). میزان و نوع شاخه دهی یک صفت جینیکی است و معمولاً برین اساس کنگد را به دو نوع یک شاخه و چند شاخه تقسیم می‌کند. محل پیدایش شاخه های جانبی به type رشدی وراثتی بستگی دارد و ممکن است از ناحیه پایینی و بالای ساقه اصلی باشد (مظاهری و مجنون حسینی، ۱۳۸۰). فوتوپریود های کوتاه، گرما و روز های بلند، قطر ساقه ی واریته های زود رس را افزایش می‌دهد. انواع یک ساقه معمولاً زود رس بوده و از لحاظ یکنواختی رسیدگی، کمتر بودن ریزش دانه، سهولت عملیات برداشت و حمل نقل مطلوب تر از انواع زراعتی از نوع یک ساقه هستند (خواجه پور، ۱۳۸۳).



شکل ۳. ارتفاع و نحوه تشکیل برگ و میوه ارایه می‌کند. (Sheng et al., 2021)

برگ

برگ ها از نظر شکل و اندازه روی یک بوته و نیز در بین وراثتی ها متفاوت اند و به طور کلی پایین بوته عریض و اغلب دنداندار بوده و دارای بریدگی های زیادی می‌باشد. با بیش‌روی به سمت فوقانی ساقه، از میزان بریدگی ها به شدت کاسته شده و باریک تر و کشیده تر می‌شوند. شکل عمومی برگ

های اولیه تا حدی شبیه برگ ریحان می‌باشد. آرایش برگ های نزدیک به ساقه، متقابل بوده اما در بالا به صورت متناوب در می‌آیند (خواجه پور، ۱۳۸۳). ترتیب برگ ها حائز اهمیت است، زیرا این ویژگی بر تعداد گل های که از کنار برگ می‌روید، مؤثر بوده و از این رو بر عملکرد مطلوب دانه تأثیر می‌گذارد (مظاهری و مجنون حسینی، ۱۳۸۰). ترتیب متقابل برگ ها موجب چند برابر شدن گلدهی می‌شود زیرا در هر گره دو برگ وجود داشته و در زاویه داخلی هر برگ یک یا چند کپسول به وجود می‌آید. برگ های تحتانی به طول ۸ تا ۱۸ سانتی متر و عرض ۶ تا ۱۰ سانتی متر بوده و طول دم برگ آن ها به ۵ سانتی متر می‌رسد برگ های فوقانی به طول ۵ تا ۱۳ سانتی متر و عرض ۱ تا ۳ سانتی متر مشاهده گردیده و طول دم برگ آن ها به ۵ سانتی متر می‌رسید برگ های فوقانی به طول ۵ تا ۱۳ سانتی متر و عرض ۱ تا ۳ سانتی متر مشاهده می‌گردد و طول دم برگ آن ۱ تا ۳ سانتی متر است برگ ها به رنگ سبز روشن بوده، کم و بیش کرک دار و دارای مواد لزج می‌باشد. آرایش برگها بر روی ساقه به رقم بستگی دارد (خواجه پور، ۱۳۸۳).

گل

گل ها به صورت زنگوله ای و به رنگ های سفید، صورتی یا ارغوانی به طور منفرد یا دستجات ۲ تا ۳ عددی در زوایه های هر برگ مشاهده می‌شوند. گل ها حدود یک و نیم تا دو نیم ماه پس از سسبز شدن در قسمت های پایینی نبات ظاهر شده و گلدهی به سمت بالای نبات پیش می‌رود بالاترین گره های ساقه به گل تبدیل نمی‌گردند و بدین لحاظ رشد نبات نا محدود می‌باشد. (خواجه پور، ۱۳۸۰). ۹۵٪ گل ها صبح زود بین ساعت ۵ تا ۷ صبح باز شده و بعد از ظهر پژمرده می‌شوند و اکثر آن بین ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر می‌ریزند Anther ها از طریق شکاف طولی و در مدت کوتاهی بعد از باز شدن گل، یک روز بعد از باز شدن گل آماده ای پذیرش دانه ای گرده هستند (خواجه پور، ۱۳۷۹). پایین ترین گره ای که اولین گل در روی آن ظاهر می‌شود بستگی زیادی به رقم دارد. گل های واقع در گره های پایینی ساقه غالباً منفرد و در گره های بالایی به صورت دسته ها دو تا سه گلی مشاهده می‌شوند. هر چند که کنگد اساساً نبات خود

القاح است اما مقداری گرده افشانی توسط حشرات می‌تواند اتفاق بیافتد به طوری که بین ۴ تا ۵٪ دیگر القاح مشاهده گردیده است. گل‌ها به صورت منفرد ظاهر می‌شوند (سعادت لاجوردی، ۱۳۵۹). گل‌ها تا ۴ سانتی متر طول دارند و با دمگل کوتاهی به ساقه متصل می‌شوند بخش‌های کاسه گل از قاعده به هم پیوسته باریک، نوک تیز و کرک دار می‌باشد (مظاهری و مجنون حسینی، ۱۳۸۰). هر گل دارای ۴ تا ۸ Carpel است Anther ها به رنگ سبز مایل به زرد و تخم مرغی شکل به طول ۳ تا ۴ میلی متر می‌باشد. جام گل لوله ای و دارای ۵ گلبرگ به هم پیوسته است. جام گل به رنگ سفید صورتی کمرنگ و یا ارغوانی بوده و در سطح داخلی ممکن است لکه‌های زرد مایل به ارغوانی، سرخ سیاه داشته باشند (خواجه پور، ۱۳۸۳).

میوه

میوه کنجد به صورت کپسولی چهار گوش راست کوتاه مثلثی، کرک دار و با جری‌های عمیق طولی است، طول کپسول از ۲/۴ تا ۸ سانتی متر و قطر آن از ۰/۵ تا ۲ سانتی متر متغیر است. در هر کپسول معمولاً ۲ یا ۴ و گاه ۱۲ Carpel مشاهده می‌شود (خواجه پور، ۱۳۸۳). کپسول‌ها با شکافتن دیواره از طول و از بالا به پایین و یا به وسیله دو سوراخ که در نوک کپسول واقع‌اند، می‌شکفتند، میزان شکوفایی کپسول‌ها از پایین نبات شروع شده و به طرف بالا ادامه می‌یابد. در وارسته‌ها شکوفا باید بیش از تلف شدن تخم کپسول پایینی، محصول برداشت نمود، دانه‌های کنجد کوچک بیضوی و کمی صاف‌اند، وزن هزاردانه ای بین ۲ تا ۵ گرم متفاوت است. رنگ دانه کنجد معمولاً سفید، زرد، خاکستر، سرخ‌ریال قهوه‌ای و یا سیاه می‌باشد. تخم‌های با رنگ روشن از ارزش اقتصادی بالاتری برخوردارند، در حالی که تخم‌های تیره رنگ میزان روغن بیشتری وجود دارد. در رایستی که رنگ پوست تخم آنها سفید است، درصد وزن پوست بالا بوده و حدود ۱۰ تا ۲۰ فیصد است. پوسته دانه ممکن است صاف و یا نا هموار باشد (خواجه پور، ۱۳۸۳).

اکولوژی کنجد

کنجد نبات روز کوتاه و گرما دوست است لذا به هوای گرم و نور فراوان احتیاج داشته و به حرارت پایین حساس است. البته هوای بسیار گرم باعث نقصان، تشکیل کیسول می‌شود. حد اقل حرارت لازم برای جوانه زنی و سبز شدن تخم کنجد ۱۰ درجه سانتی گراد است. لذا باید زمانی کشت صورت گیرد که حد وسط حرارت از ۲۵ - ۲۰ درجه سانتی گراد نباشد، حرارت مطلوب برای رشد کنجد ۲۷ درجه سانتی گراد. در مناطق که کمتر از ۱۵۰ روز یخبندان دارد می‌توان نبات کنجد را مورد کشت قرار داد. این نبات از کشت تا رسیدگی به ۲۷۰۰ واحد حرارتی نیاز دارد (الباری و شکاری، ۱۳۷۸). همچنین به علت دارا بودن سیستم ریشه ای منشعب به خشکی مقاوم می‌باشد. و نیاز زیادی به آبیاری تکمیلی ندارد در صورتی که متوسط بارندگی در فص رشد کمتر از ۴۰۰ میلی متر نباشد کنجد را به صورت للمی هم می‌توانمورد کاشت قرار داد (خواجه پور، ۱۳۸۶). نبات کنجد به غرقاب شدن بسیار حساس است (حتی برای زمان بسیار کوتاه) لذا باید در آبیاری و دفعات آن دقت زیاد شود کنجد نباتی است که شوری خاک را نمی‌تواند تحمل کند و pH مناسب رشد آن در محدوده ی خثی می‌باشد. Type کوتاه شاخه های فرعی کم عموماً زود رس تر از type که بلند تر و دارای ساقه های فرعی بیشتری می‌باشد. موقعیت کنجد در تناوب زراعتی مانند سورگم به طوری که در کشت آبی به عنوان سومین و گاهی دومین محصول و جینی در تناوب قرار می‌گیرد (رستگار، ۱۳۸۴). کنجد معمولاً ۴۲-۴۵ روز گل می‌دهد. اما بسیاری از واریته ها از نظر طول روز مشابه با وطن اصلی و از حیث بارندگی یا حرارت با آن متفاوت باشد. غالباً در مقایسه با وقتی که در محل اصلی خود می‌رویند. در رشد و حاصلدهی آنها تفاوتی قابل ملاحظه به وجود می‌آید (شکوه فر و یعقوبی، ۱۳۹۱). در انواع مختلف خاک به خوبی رشد می‌کند اما در خاک های نسبتاً حاصلخیز که آب سهولت عبور می‌کند. خاکهای دارای بافت متوسط شامل لوم، لوم ریگی با ذرات کوچک و لوم سیلتی با ساختمان خوب و باروری متوسط برای کنجد مناسب به شمار می‌روند. (خواجه پور، ۱۳۷۰). کنجد محصولی روز کوتاه که در مناطق معتدل گرمسیری می‌گردد (Gandhi,

2009). این نبات دارای وراثتی محلی زیادی است که در اغلب کشورها توسط دهاقین کم بضاعت به صورت سنتی کشت و کار می‌گردد (Weise, 2000). کنگد نخستین بار به مناطقی یا فصل رشد طولانی و خاک‌های زهکشی خوب سازگار گردید. کنگد خاک‌های اندکی اسیدی را به خاک‌های قلیایی ($\text{pH} = 5-8$). یا حاصلخیزی مناسب، ترجیح می‌دهد. این نبات به طور قابل توجهی کمبود رطوبت را تحمل می‌کند و به سبب ریشه بسیار بلندی که دارد به خوبی در برابر خشکی پایداری نشان می‌دهد (Langham et al., 2010). ویژگی مقاومت در برابر خشکی از مزایای عمده آن محسوب می‌شود، زیرا می‌توان آن را در مناطق تا حدودی خشک نیز کشت کرد. یا اینکه کنگد تا حدودی مقاوم به خشکی است، ولی این امر به این معنی نیست که با آب کم، محصول خوبی می‌دهد. به علاوه کنگد در مراحل اولیه رشد، نسبت به خشکی فوق‌العاده حساس است (سید شریفی، ۱۳۸۸). به طور کلی این نبات به تنش‌های نوری، حرارتی و رطوبتی حساس می‌باشد. حاصل آن تحت تاثیر تنش به طور قابل توجهی تغییر می‌کند (Kumaresan and Nadarajan, 2010). کنگد پس از ساقه رفتن نه می‌تواند آب زیاد در ساقه را تحمل کند، زیرا آب زیاد سبب محدودیت حضور هوا در ریشه‌ها و همچنین خفگی نبات می‌گردد. در این شرایط ممکن است نبات نه می‌مرد اما، به پوسیدگی ریشه‌ها حساس می‌گردد و در نتیجه حاصل کاهش می‌یابد (Langham et al., 2010). کنگد به ۱۵۰ روز عاری از سرما و یخبندان برای رشد نیاز دارد (ناصری، ۱۳۷۰).

نتیجه گیری

کنجد نبات روز کوتاه و گرما دوست است لذا به هوای گرم و نور فراوان احتیاج داشته و به حرارت پایین حساس است. البته هوای بسیار گرم باعث نقصان، تشکیل کپسول می شود. حداقل حرارت لازم برای جوانه زنی و سبز شدن تخم کنجد ۱۰ درجه سانتی گراد است. لذا باید زمانی کشت صورت گیرد که حد وسط حرارت از ۲۰-۲۵ درجه سانتی گراد نه باشد. در انواع مختلف خاک به خوبی رشد می کند اما در خاک های نسبتاً حاصلخیز که آب سهولت عبور می کند. خاک های دارای بافت متوسط شامل لوم، لوم ریگی با ذرات کوچک و لوم سیلتی با ساختمان خوب و باروری متوسط برای کنجد مناسب به شمار می روند این نبات افزایش رطوبت را در محیط ریش را حتی برای یک دوره کوتاه مدت هم نه می تواند تحمل کند. در بین نباتات زراعتی نسبت ریشه به ساقه در کنجد بسیار زیاد است ارتفاع ساقه معمولاً از ۶۰ تا ۱۵۰ سانتی متر متغیر بوده و گاهی تا ۳ متر می رسد ترتیب برگ ها حائز اهمیت است. زیرا، این ویژگی بر تعداد گل های که از کنار برگ می روید، مؤثر بوده و از این رو بر عملکرد مطلوب دانه تأثیر می گذارد عمق توسعه ریشه در شرایط کشت آبی غالباً کمتر از یک متر است و قسمت اعظم توسعه ریشه تا عمق ۶۰ سانتی متر مشاهده می شود گل های واقع در گره های پایینی ساقه غالباً منفرد و در گره های بالایی به صورت دسته ها دو تا سه گلی مشاهده می شوند. هر چند که کنجد اساساً نبات خود القاح است اما مقداری گرده افشانی توسط حشرات می تواند اتفاق بی افتد به طوری که بین ۴ تا ۵% دیگر القاح مشاهده گردیده است. دانه های کنجد کوچک بیضوی و کمی صاف اند، وزن هزار دانه ای بین ۲ تا ۵۵ گرم متفاوت است. رنگ دانه کنجد معمولاً سفید، زرد، خاکستر، قهوه ای و یا سیاه می باشد.

منابع

- آلیاری، هوشنگ، شکاری، فرید. (۱۳۷۹). دانه های روغنی (زراعت و فیزیولوژی) انتشارات عمیدی تبریز. ص ۱۸۲.
- خواجه پور، محمد رضا. (۱۳۸۱). اصول و مبانی زراعت، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان، ص، ۴۰۰.
- خواجه پور، محمد رضا. (۱۳۸۳). گیاهان صنعتی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان. ص، ۵۶۴.
- خواجه پور، محمد رضا. (۱۳۸۶). اصول و مبانی زراعت. اصفهان. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان. ص. ۳۸۶.
- خواجه پور، محمد رضا. (۱۳۷۹). اصول و مبانی زراعت. انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان ص ۴۰۰.
- رحیمی، محمد مهدی و همکاران، (۱۳۸۳). تاثیر عناصر ریز مغذی های آهن و روی بر روی عملکرد و اجزای عملکرد کشت دوم دو رقم آفتابگردان در منطقه رسنجان.
- رستگار، محمد علی. (۱۳۸۴). زراعت گیاهان صنعتی. انتشارات برهمند، تهران. ص. ۴۶۹.
- شریفی، سید رئوف. (۱۳۸۸). گیاهان صنعتی، چاپ دوم، اردبیل. انتشارات عمیدی، جلد دوم.
- سعادت لاجوردی، ناصر. (۱۳۵۹). دانه های روغنی. انتشارات دانشگاه تهران. ص. ۲۱۷.
- شکوه فر علیرضا و یعقوبی، نژاد سینا. (۱۳۹۱). اثر تنش خشکی بر اجزاء عملکرد ارقام مختلف کنجد. مجله زراعت و اصلاح نباتات. ش. ۴، ص ۱۹-۲۶.
- عرشی، یما. (۱۳۷۵). گیاهان روغنی انتشارات دانشگاه تهران، ۱۲۴ ص.
- کشاورز، محمد ناصر عمر، (۱۳۴۱). زراعت و مالداری در افغانستان. مدیریت اطلاعات و تبلیغات، صص. ۱-۱۴.
- مرادی، عباس، غلام علی، (۱۳۶۴). گیاهان روغنی. انتشارات سازمان ترویج کشاورزی - صص: ۱۱۹-۱۲۵.
- مظاهری، داریوش، ناصر. مجنون حسینی (۱۳۸۰). مبانی زراعت عمومی. دانشگاه

تهران. ص. ۳۲۰.

منصوری، سعداله. (۱۳۸۰). کنجد وزراعت آن موسسه تحقیقات اصلاح نهال و بذر، بخش تحقیقات دانه روغنی.

منصوری سعداله، سلطانی، نجف آبادی، مسعود. (۱۳۸۳). بررسی و تجزیه تحلیل سیستمیک عملکرد و اجزای آن برای اصلاح کنجد نثریه نهال بذر، دوره ۲۰، ش ۲، ص، ۱۴۹۱۴۹-۱۶۵. ناصری، فاطمه. (۱۳۷۰). دانه های روغنی ترجمه انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

AP, G. (2009). Simplified process for the production of sesame seed (*Sesamum indicum* L) butter and its nutritional profile. *Asian Journal of Food and Agro-Industry*, 2(1), 24-27.

Carrié, I., Guesnet, P., Bourre, J. M., & Francès, H. (2000). Diets containing long-chain n-3 polyunsaturated fatty acids affect behaviour differently during development than ageing in mice. *British journal of nutrition*, 83(4), 439-447.

Chakraborty, G.S., Sharma, G. and Kaushik, K.N. (2008) *Sesamum indicum*: A Review. *Journal of Herbal Medicine and Toxicology*, 2, 15-19

EA, W. (2000). *Castor in oil seed crops*. Blackwell Scientific Ltd Oxford. 364 P.

FAO, 2008. *FAO Stat-Agriculture*. Food & Agriculture Organization of the United Nations. Available online at <http://www.fao.org/site/408>.

FAO, 20۲۱. *FAO Stat-Agriculture*. Food & Agriculture Organization of the United Nations. Available online at <https://www.fao.org/faostat/en/#data/QCL>.

Gandhi, A. P., & Taimini, V. (2009). Organoleptic and nutritional assessment of sesame (*Sesame indicum*, L.) biscuits. *Asian journal of food and Agro-Industry*, 2(2), 87-92.

Kumaresan, D., & Nadarajan, N. (2010). Genotype x environment interactions for seed yield and its components in sesame (*Sesame indicum* L.). *Electronic journal of plant breeding*, 1(4), 1126-1132.

Langham, D. R., Riney, J., Smith, G., Wiemers, T., Pepper, D., & Speed,

- T. (2010). Sesame producers guide. *Sesaco Corp*, 33. www.sesaco.net.
- Mariod, A. A., Mirghani, M. E. S., & Hussein, I. H. (2017). *Unconventional oilseeds and oil sources*. academic press.
- Sheng, C., Song, S., Zhou, R., Li, D., Gao, Y., Cui, X., ... & Wang, L. (2021). QTL-seq and transcriptome analysis disclose major QTL and candidate genes controlling leaf size in Sesame (*Sesamum indicum* L.). *Frontiers in Plant Science*, 12, 580846.
- Singh, H. C., Nagaich, V. P., & Singh, S. K. (2000). Genetic variability for dry matter production in sesame (*Sesamum indicum* L.). *Annals of Agricultural Research*, 21(3), 323-327.
- Song, S., You, J., Shi, L., Sheng, C., Zhou, W., Dossou, S. S. K., ... & Zhang, X. (2021). Genome-wide analysis of nsltp gene family and identification of siltps contributing to high oil accumulation in sesame (*Sesamum indicum* L.). *International Journal of Molecular Sciences*, 22(10), 5291.
- Sudhir S.D., U.S. Deshande, and D.K. Salunkhe, 1996. Sesame oil. *Bailey's Industrial Oil and Fat Product*. 5th Edition 2: 457-491
- Weiss, E.A. (2000) *Oilseed Crops*. 2nd Edition, Blackwell Science, Malden, 259-273
- Wu, M. S., Aquino, L. B. B., Barbaza, M. Y. U., Hsieh, C. L., De Castro-Cruz, K. A., Yang, L. L., & Tsai, P. W. (2019). Anti-inflammatory and anticancer properties of bioactive compounds from *Sesamum indicum* L.—A review. *Molecules*, 24(24), 4426.

نقش منابع مالی هند در رشد اقتصاد غزنویان

پوهنیار محمد جواد نظری و پوهنیار محمد بشیر الهام^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی شیر علی صمیمی

چکیده

یکی از اساسی ترین دلایل فرمانروایان غزنوی از حمله به هند کسب منابع مالی بود. به منظور رسیدن به این هدف از زمان سبگتگین حملاتی به این سرزمین آغاز شد که کمابیش تا پایان عمر دودمان غزنویان ادامه داشت و نتایج حاصله از این حملات کنترل و دستبرد به منابع وسیع و فراوان هند بود که در ساختن امپراطوری غزنویان نقش عمده و حیاتی را بازی می کرد. منابع مالی مذکور از سه طریق به دربار سلاطین غزنوی سرازیر می شد: یکی از طریق حملات و سفرهای جنگی که از حجم و ارزش بسیار بالایی برخوردار بود، دوم از طریق تجارت برده گان هندی به همسایه های همجوار و سوم از طریق اخذ خراج ایالات و مناطق متصرف شده و گاهی هدایا و پیشکش های اعطا شده توسط راجه ها و شاهزادگان هندی پرداخت می شد، تامین می گردید. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که نقش مهم منابع مالی هند در رونق اقتصاد غزنه را مورد بررسی قرار می دهد. این موضوع با رویکرد اقتصادی به بررسی گرفته شده است که بر اهمیت موضوع می افزاید. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و متکی بر متون تاریخی، جغرافیایی و ادبی با هدف بررسی برخی از مهم ترین فتوحات غزنویان در هند و تاثیر منابع مالی ناشی از آن بر ساختار اقتصادی شهر غزنه صورت گرفته است و در نهایت به این نتیجه رسیده که غزنویان بنا به انگیزه های مختلفی از جمله کسب منابع مالی به هند حمله کردند و غنایم فراوانی به ویژه در عصر اول حکومت این خاندان به دست آمد.

واژه های کلیدی: اقتصاد؛ تجارت؛ غزنه؛ غزنویان؛ غنیمت.

^۱ . استاد دیپارتمنت تاریخ، پوهنهی علوم اجتماعی، پوهنتون بامیان jawad.nazari25@yahoo.com

The Role of Indians Finance Resource for the Growth of Ghaznavids Economy

Mohammad Jawad Nazari and Mohammad Bashir Elham

Abstract

The main reasons and Cause of the Ghaznavid rulers to capture the Indian subcontinent was to obtain the resource of financial income. In order to achieve this goal, from the reign of Sabuctagin conquer and attacks on this land were started, which continued until the end of the Ghaznavid dynasty, and the results of these attacks were the control and manipulation of the vast and abundant resources of India, which played a major and vital role in building of the Ghaznavid Empire. The aforementioned spoils flowed to the court of the Ghaznavid sultans in three ways: one through the attacks and war expeditions which had a very high volume and value, the second through the trade of Indian slaves to the neighbors and the third through the collection of tribute from the captured states and regions and sometimes the gifts and offerings granted by Indian Rajas and princes were paid and provided. This issue is important because it examines the important role of Indian spoils in the economic prosperity of Ghazni. This issue has been investigated with an economic approach, which adds to the importance of the issue. This article has been done with a descriptive-analytical method and based on historical, geographical and literary texts with the aim of investigating some of the most important conquests of the Ghaznavids in India and the impact of the resulting financial resources on the economic structure of the Ghazni city. Among other things, they attacked India to obtain financial resources, as a result of which, a lot of booty was obtained, especially in the first era of the rule of this dynasty

Key words: economy, trade, Ghazna, Ghaznavids and spoils.

مقدمه

با استقرار دودمان غزنوی در شهر غزنه در سال ۳۵۱ قمری دور تازه ای از حیات اقتصادی این شهر آغاز شد در اوایل حکومت غزنوی، غزنه از نظر اقتصادی روزگار چندان خوبی نداشت اما با تثبیت حکومت غزنویان در خراسان و با احساس توانایی در خود سلاطین غزنوی به منظور گسترش قلمرو و کسب غنیمت حملاتی را به هند آغاز کردند که کمابیش تا پایان عمر این حکومت ادامه داشت. اوج این فتوحات در زمان سبکتگین و سلطان محمود صورت گرفت بعد از فوت سلطان محمود به دلیل مشکلات متعددی که دامن گیر حکومت غزنوی شد سیر فتوحات در هند روندی نزولی پیدا کرد اما بطور کلی متوقف نشد. در نتیجه این فتوحات غنائم فراوانی به دست آمد (همدانی، ۱۳۶۲: ۱۱۲).

لذا سوال اصلی مقاله حاضر این است که چه میزان منابع مالی در نتیجه فتوحات غزنوی در هند بدست آمده و این ثروت ها چه کاربردی در اقتصاد شهر غزنه داشته اند؟ فرضیه های که می توان در برابر این سوال مطرح نمود بدین شکل است که منابع مالی فراوانی بخصوص در عصر اول حکومت این خاندان ۳۵۱-۴۳۱ قمری از فتوحات هند بدست آمد که در جنبه های مختلف همچو تجارت، ضرب مسکوک، فعالیت های عمرانی و غیره به بهبود اقتصاد غزنه کمک کرد ولی تمام این منابع مالی در ساختار اقتصادی شهر غزنه مورد استفاده قرار نگرفت و بخش اعظم آن در خزائن و قلاع نگهداری شد. در باره این موضوع تحقیقات چندی انجام شده است که از جمله آن میتوان به «نقش غنائم و ثروت هند در بنیه های اقتصادی غزنویان» اشاره کرد که نگارنده آن نه تنها به بررسی مبسوط میزان غنائم هند پرداخته بلکه به بررسی تاثیر این غنائم در ساختار کل حکومت غزنوی و بخش های مختلفی همچون تجارت، معماری و شهر و بناهای پادشاهان غزنوی پرداخته که با موضوع این مقاله متفاوت است. این مقاله در قیاس با تحقیقات مشابه قبلی از سه جهت دارای تفاوت نوآوری است. نخست: به خاطر بررسی فلسفه تهاجمات غزنویان به سرزمین هند، دوم: مورد کاوش قرار دادن سیر مهم ترین فتوحات غزنویان در هند و غنائم ناشی از آن و در نهایت ویژگی سوم که به نوآورانه بودن این موضوع کمک کرده

بررسی تاثیر این غنائم بر وضعیت شهر غزنه است (شبانکاره، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۳).

روش تحقیق در این مقاله، با استناد بر منابع کتابخانه ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات برعلاوه کتب تاریخی شامل روزنامه ها، منابع تاریخی و خاطرات و غیره می باشد.

فلسفه تهاجمات غزنویان به سرزمین هند

غزنویان سلسله ای از غلامان ترک نژاد بودند که در ربع آخر قرن یازده میلادی برشرق و جنوب افغانستان مسلط شدند آنها در ابتدا سلسله محلی بودند که سرانجام حکومت با شکوه و مستقل تشکیل دادند. این سلسله نیز مانند سایر حکومت های قبل و بعد از خود از منبع در آمد متفاوتی برخوردار بود؛ اما نقش منابع مالی و ثروت های هند از لحاظ حجم و ارزش بسیار چشم گیر تر و تاثیر گذار تر از سایر منابع در آمد آنها بود. هند منبع پایان ناپذیری از ثروت و غلام بود. و حکومت غزنوی به عنوان یک ماشین جنگی نظامی که وظیفه استثمار هند را بر عهده داشت. برای بقای خود نیاز به پول فراوانی داشت (طوسی، ۱۳۳۴: ۶۹).

در یک دوره ۳۲ ساله حکومت این خاندان از ۳۸۸-۴۲۱ قمری حاکمان پر توان و فعال این سلسله همچون سبکتگین و سلطان یمین الدوله محمود قلمرو حکومت خویش را به وسیله نیروی نظامی بسط داده تا اینکه بر غرب ایران و دره های پرثروت هندوستان مسلط شدند. بدینسان غزنویان از همان ابتدای استقرار حاکمیت خود یعنی در عصر سبکتگین در راستای منافع اقتصادی و کسب شهرت حملات خود را بر هند آغاز کردند. این حملات در روزگار سلطان محمود به اوج خود رسیده به گونه ای که سلطان محمود در طول بیست و سه سال حاکمیت خود هفده بار به هند حمله کرد. در سال های آغازین تشکیل حکومت غزنوی بنیه مالی آن به حدی ضعیف بود به غیر از سه صدخرسوار سلاح و پانصد جامه نابریده هیچ گونه مالی در خزانه موجود نبود و خزانه آنها خالی بود. به گونه ای که سبکتگین برای دادن مهمانی به سران سپاه و حکومت اش به ناچار از ثروت شخصی خویش استفاده می نمود (عتبی، ۱۳۷۴: ۱۹-۱۸).

این وضعیت برای یک حکومت نو بنیاد خطر ناک بوده زیرا از یک طرف وفاداری سربازان

اش در معرض تهدید قرار میگرفت و از جانب دیگر در صورت تهاجم دشمنان کمبود منابع مالی میتوانست بسیار خطر ساز باشد. بنابر این می بایست یک چاره اساسی اندیشه میشد سبکتگین به درستی به راه حل این مشکل پی برده بود؛ حمله به هند و گسترش قلمرو بهترین گزینه برای خروج از این بن بست مالی بود؛ بنابر این تا این مرحله از تاریخ شهر غزنه در پرتو حکومت غزنویان ما شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی در غزنه نیستم زیرا حکومت به سختی می توانست از عهده مخارج روز مره خویش برآید. و عملاً فرصت سرمایه گذاری در بخش اقتصادی تجاری را نداشت همچنین در این مرحله حکومت غزنویان هنوز در معرض خطر تهاجم دشمنانش قرار داشت. از دیگر عوامل که حمله به هند را تسهیل و تشویق می نمود موقعیت جغرافیایی مناسب شهر غزنه بود. شهر غزنه چون در بین خراسان و هند قرار گرفته بود. غزنویان از این شهر به عنوان نقطه جهشی جهت لشکر کشی های زمستانی به درون هندوستان استفاده می کردند (پاسورث، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۰).

شکی در این نیست که تعداد سفر های جنگی غزنویان به هندوستان بسیار زیاد بوده است حتی اگر از حملات اولیه آنها یعنی از آلبتگین تا بوری تگین صرف نظر کنیم؛ باز حد اقل بیش از بیست حمله کوچک و بزرگ توسط سه تن از سلاطین بعدی آن دولت یعنی سبکتگین، محمود و مسعود به هندوستان صورت گرفته است؛ که در حقیقت بیشترین منابع مالی اخذ گردیده نیز در همین دوران بوده است. هر چند منابع و ماخذ آن دوره یا نزدیک به آن عصر از غنائم هند با اغراق و توأم با فخر و مباحات سخن می گویند؛ اما این واقیعت را نیز نمیتوان انکار کرد که گنجینه های عظیمی از آن سرزمین به دربار غزنویان سرازیر میگرددید و در بعضی از مواقع حقیقتاً به لحاظ حجم و گسترده گی قابل شمارش و اندازه گیری نبوده است (استر آبادی، ۱۳۸۷: ۶۱-۶۰).

علاوه بر این سبکتگین در نبرد های مختلفی که با جیپال انجام داد غنائم گوناگونی همچون فیل، زر و اسیر بدست آورد. طبق اشاره منابع معابد فراوانی توسط سبکتگین ویران شده است. که طبیعتاً به غنائم که در این قلاع مستور بود نیز دست یافته است. بعد از مرگ سبکتگین ۳۸۵ قمری فتوحات هند در ابعاد گسترده تری توسط فرزند و

جانشینش سلطان محمود که نذر کرده بود سالی یک بار به جنگ هندوان برود دنبال شد. محمود نخستین هجوم گسترده و مهم خویش به سرزمین هند را در سال ۳۹۰ قمری شروع کرد (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۸۹). در ادامه به بررسی برخی از مهم ترین نبردهای غزنویان در هند میپردازیم که بیشترین حجم غنائم را در برداشته اند.

گذری برخی از مهم ترین فتوحات غزنویان در هند و غنائم حاصله از آن

هدف ما در این مبحث پرداخت به روند کامل فتوحات غزنویان در هند و چگونگی پیروزی آنها نیست؛ زیرا که این امر خود تحقیق جداگانه می طلبد. آنچه ما در این بخش در صد دست یابی بدان هستیم ارائه یک چشم انداز کلی از غنائم ناشی از این فتوحات از خلال بررسی برخی از شاخص ترین آن ها است تا خواننده محترم بتواند به خوبی از تاثیر این غنائم بر اقتصاد غزنه آگاه شود.

غنائم فتح پشاور

این جنگ در سال ۳۹۲ قمری رخ داد که به پیروزی غزنویان منجر شد و در نتیجه آن اموال و اسراری فراوانی به دست غزنویان افتاد که از جمله آنها پانصد هزار برده به همراه گردنبندهای گران قیمت و مرصع جیپال بود که دویست هزار دینار قیمت گذاری شد. خوافی از صد و پنجاه فیل یاد میکند که به همراه دوصد هزار دیناری در قبال آزادی جیپال از وی گرفته شده بود به دست غزنویان افتاده بود شبانکاره تعداد این فیل ها را صد و پنجاه زنجیر ذکر کرده است (خوافی، ۱۳۶۱: ۱۰۵).

غنائم حاصله از فتح بهیم نگر

فتح بهیم نگر در سال ۳۹۸ قمری رخ داد. عبدالجبار عتبی به شیوه متکلفانه خاص خویش غنائم فتح بهیم نگر را در این چنین توصیف می کند: «از نفایس و ذخایر و جواهر و بنات معادن و دقایق خزاین چیزها یافت که هفتاد هزار درهم و هفتصد هزار و چهار صد من زرینه و از اصناف جامهای شش تری و روسی و دیگر انواع چند بود که پیران دولت و دبیران حضرت از ضبط آن عاجز آمدند و معترف شدند که مثل آن جام ها در حسن صنعت ندیده بودند (عتبی، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

مستوفی نیز ضمن اشاره به مال بسیاری که در این فتح به دست آمد از صد بت نام می

برد که وزن یکی از آنها هزار مثقال طلا بود. خوافی غنائم این جنگ را هفتاد هزار بار هزار درم شاهی و هفتصد و چهارصد من زر و سیم و جواهر و اجناس زیاد معرفی می کند. ابن اثیر باندکی اختلاف میزان غنائم فتح بهیم نگر را هزار هزار در هم نقدینه و چهارصد من ظروف طلا و نقره و خانه ای پر از سیم و کالاهای دیگر ذکر می کند. در واقع در باره میزان غنائم این جنگ ها اختلافاتی در روایت های مورخان وجود دارد. به گونه ای که خواند میرمقدار غنائم حاصله از این پیروزی هفتاد هزار درم و هفتصد هزار من آلات زرین و سیمین و جواهر و اجناس فراوانی می داند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۸۶-۳۸۵).

غنائم فتح مهره و قنوج

فتح مهره و قنوج در سال ۴۰۷ قمری رخ داد. در طول این سفر جنگ هفت قلعه توسط سپاه غزنوی گشوده شد (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۹). که یقیناً غنائم فراوانی از غارت آن بدست آمده؛ و در ادامه جنگی که با راجیپال راجه قنوج روی داد سر انجام مذکور فرار کرد و سلطان نیز قلاع و آبادی های آنجا را فتح نمود و اموال فراوانی را به دست آورد در این نبرد آن چنان برده اسیر شد که قیمت برده از ده درم نمی گذشت. تعداد این برده گان براساس روایت گردیزی پنجاه و سه هزار تن است که به همراه بیست و اند بارهزار درم و پنجاه فیل به دست سپاه غزنوی افتادند (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹۹). تعداد این بردگان به حدی بود که بنا به قول اغراق آمیز مورخان خیابان های غزنه گنجایش عبور و مرور آنها را نداشت و تهیه غذا و سایر مایحتاج آن ها به مشکل مواجه شد؛ و تجار برده از سایر مناطق جهان اسلام همچون عراق، خراسان و ماوراءالنهر برای خرید و فروش این برده گان به غزنه روی آورده اند. از جمله غنائم قابل توجه این نبرد که آن را با غنائم سلطان محمود و سایر پیروزی هایش متفاوت می کند پنج بت از جنس طلاست که چشمانشان از یاقوت بوده و هر پاره از این یاقوت ها پنجاه هزار دینار زر سرخ ارزش داشت (شبانکاره، ۱۳۸۱: ۴۵). بنابراین این جنگ به نوعی یکی از پردرآمدترین فتوحات سلطان در هند بوده است.

فتح سومنات و غنائم به دست آمده از آن

سفر جنگی سومنات چه از لحاظ مذهبی و تبلیغاتی از نظر حجم و ارزش غنائمی که در نتیجه آن بدست آمده از اهمیت و ارزش فراوانی در نزد اکثر مورخان و نویسندگان برخوردار است و به نوعی می توان آن را شاه بیت فتوحات غزنویان در هند دانست. معبد بزرگ و ثروتمند سومنات در سال ۴۱۶ قمری گشوده شد. این بتکده از تقدس و احترام خاصی در نزد هندوان برخوردار بود به گونه ای که پیش از ده هزار قریه در آنجا بود. و راز ثروتمند بودن آن نیز در همین امر نهفته بود. خواند میردر توصیف ثروت های نهفته در این بتکده می گویند «چندان نفیسه آنجا موجود بود که عشر آن در خزانه هیچ پادشاهی ننگند... و زنجیری از طلا به وزن دویست من که جرس ها بر اطراف آن بود از گوشه آن کنیسه آویخته بودند» (بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۲۱-۲۲۰).

غنائم هند از روی کار آمدن سلطان مسعود تا پایان عصر غزنوی

در زمان سلطان مسعود مشکلاتی فراوانی از جمله شبیخون های مکرر ترکمانان سلجوقی به خراسان و آزار و اذیت مردم به این نواحی با عث ایجاد بحران عظیمی در قلمرو امپراتوری غزنوی شده بود این امر در کنار مسائل دیگری موجب شد که هر چی به پایان حکومت غزنویان نزدیک شویم روند فتوحات غزنویان در هند کمتر شد. علیرغم این شرایط حساس و خطرناک سلطان مغرور و مستبد غزنوی در سفر جنگی سال ۴۲۷ قمری مناطقی همچون «سونی پت» و «دیبال هریانه» به تصرف در آورد و مال و برده فراوانی حاصل کرد. از جمله این اسرا باید به زن و فرزندان مقتول هانسی اشاره کرد. به دنبال تجربه خراسان از پیکره حکومت غزنوی توسط قدرت نوظهور و تازه نفس ترکمنان سلجوقی و پس از آن ماجرای سلطان مسعود در رباط مارگیله انتظار آن میرفت که توجه غزنویان بیشتر معطوف به هند و انجام فتوحات در آن شود؛ اما بر خلاف این انتظار سیر فتوحات غزنویان در هند رو به کاستی نهاد. به طوری که دیگر این فتوحات محدود و پراکنده جانشینان محمود و مسعود توجهی را بر نمی انگیخت به نظر میرسد که کاهش نسبی قدرت نظامی دولت غزنوی بعد از مرگ سلطان محمود و اشتغال آن ها به مقابله با امپراتوری تازه به دوران

رسیده سلجوقی در عدم توجه به هندوستان موثر بوده است. با این حال فتوحات غزنویان در هند به طور کامل متوقف نشد. ابن اثیر بدون اشاره به مقدار غنائم از حمله سلطان ابراهیم به «قلعه روبال»، «دژ اجود» و «دره نور» در سال ۴۷۲ قمری خبر میدهد. به نظر میرسد که دلیل عدم اشاره ابن اثیر به میزان غنائم این نبرد ها مقدار کم این غنائم باشد که دیگر نمی توانسته اغراقات مورخانه را برانگیزد. خواند میر که با شور و حرارت و بعضی مبالغاتی مقدار غنائم حاصله از فتوحات غزنویان در هند را در دوره اول این حکومت گزارش می کند (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۰۳-۵۰۰).

اما به هر حال روشن و واضح است که بلاخره غنائمی هرچند اندک بدست آمده است. نظر ما را روایت بدوانی که معتقد است بردگان فراوانی به همراه غنائم زیاد به دست آمده، تأیید می کند. میرخواند بدون اشاره به غنائم خاصی به فتح نقاطی از هند توسط بهرام شاه یاد می کند که دست اسلاف به آن نرسیده بود. این امر ما را بدین نتیجه میرساند که یا میزان این غنائم در دوره دوم حکومت غزنویان آنقدر ناچیز بوده که مورخان دیگر آن را شایسته بیان و ثبت نمی دانستند و یا این که به دلیل دور افتادن غزنویان از خراسان دیگر آنها به عنوان یک حکومت ایرانی نگاه نکرده لذا چندان به اخبار آنها اهمیت نمی داده اند (بدایونی، ۱۳۷۹: ۲۴). به همین مقدار از فتوحات غزنویان در هند و غنائم حاصله از این پیروزی ها اکتفا کرده و در ادامه به کاربرد این غنائم در اقتصاد غزنه می پردازیم.

کاربرد غنائم هند در شهر غزنه

غنائم به دست آمده از رهگذر فتوحات پس از ثبت و ضبط توسط عمال حکومتی به غزنه فرستاده می شدند و در آنجا در باره نحوه استفاده از آنها تصمیم گیری می شد. از جمله کاربرد های این غنائم میتوان به انواع بهر برداری های اشاره کرد که از بردگان در جنبه های مختلف نظامی، تجاری و عمرانی استفاده می شد. همچنین شمش های طلا و نقره و بت های زرین و سیمین نیز توسط ضرب مسکوکات به طلا و نقره تبدیل شدند (خواند میر، ۱۳۳۳: ۳۸۲). در ادامه به بررسی نحوه کاربرد این غنائم در چرخه اقتصادی شهر غزنه می پردازیم.

بردگان و انواع بهره برداری از آن ها

تجارت برده

یکی از مهم ترین کاربردهای اقتصادی بردگان اسیر شده در غزنه تجارت آنها بود. نصرالمعالی که هشت سال در غزنه ندیم خاص سلطان مودود غزنوی بود. خرید و فروش برده را به عنوان یکی از مشاغل بازرگانی نام برده، فروش برده گان علاوه بر درآمدزایی که داشت و به کمک اقتصاد غزنه کمک می کرد باعث آشنایی بیشتر تجار و سوداگران برده باراه های تجاری بین غزنه و سایر نواحی و شناخت نیازمندی های داخلی و خارجی بازار غزنه به دلیل رفت آمد آنها بدین شهر می شد پس از آنکه غزنویان برده گان هند را در حجم و مقیاز وسیع به شهر غزنه می آوردند سوداگران برده از مناطق مختلف قلمرو اسلامی همچو عراق، خراسان و ماورالنهر برای خرید و فروش این برده گان به شهر غزنه می آمدند این تجاران بنا بر روایت عتبی آنچه برده از غزنه به عراق، خراسان و ماوراءالنهر که عدد ایشان به عدد حرایر و احرار زیاد شد. عطوفت، شجاعت و خرد بردگان هند به همراه تربیت آنها بر اساس نظام کاست که باعث پرداختن آن ها به حرفه مشخصی می شد بر ارزش این برده گان و تقاضا برای خرید آن ها می افزود (نصرالمعالی، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۱۵).

استفاده از نیروی کار بردگان در فعالیت های عمرانی

علاوه بر تجارت و خرید و فروش بردگان، از آن ها استفاده دیگری نیز می شد یکی از مصادیق آن به کارگیری برده گان در فعالیت ها عمرانی وزیر ساختی بود. سلطان محمود به ساخت وسازه های عظیمی در غزنه دست زد و برای پیشبرد این هدف خویش از نیروی کار بردگان در ساخت مراکز اقتصادی همچون بازارها و کاروانسراها استفاده کرد. در واقع سلاطین غزنوی از طبقه اجتماعی جدید در غزنه نهایت بهره را بردند زیرا در میان آن ها تعدادی افراد ماهر در فنون مختلف بودند که در ساخت کاخ ها، بناها و موارد دیگر به صورت رایگان به کار گرفته می شدند. توجه به اهل حرفه و صنایع در میان تمام اقوام و مهاجمان در طول تاریخ مهم بوده است به گونه ای که مغولان با وجود آن همه خونریزی و قتل عام های که از مردم شهرهای گوناگون ایران انجام دادند نسبت به اهل حرفه احترام ویژه ای قائل بودند. غزنویان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. سلطان محمود هر کجا مرد یا

زنی را در صنعت استاد می یافت به غزنه می آورد. بنابراین برخی از افراد ماهر در امور صنعتی در بین این اسرا وجود داشته که باعث رونق فعالیت های صنعتی می شد. چون دولت مجبور نبود که از خزانه مرکزی حقوقی به آن ها اختصاص دهد بنابراین این نیروها کار رایگان در حفظ ثروت خزانه، تولید محصولات کشاورزی و صنعتی بسیار موثر بود آنان در گروه های مختلف وارد بازارهای غزنه و شهرهای تابعه شده و باعث رونق دادوستد و به طور کلی اقتصاد شهری می شدند (بیهقی، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۵). بنابراین مشاهده می شود که نیروی کار بردگان ابراز مهمی برای توسعه اقتصادی شهر غزنه به حساب می آمده است.

استفاده از بردگان در قالب نظامیان و غلامان

بردگان و غلامان تنها رونق بخشی امر تجارت در غزنه نبودند بلکه در ارتش غزنویان نیز نقش موثریت داشتند. غزنویان از این نیروها در جهات مختلف با انگیزه های گوناگونی استفاده می کردند از یک طرف دستمزد کمی که به آنها داده می شد هزینه کم تری را بر خزانه وارد می کرد و از طرف دیگر به کارگیری گروه های مختلف قومی در سپاه غزنوی در نهایت باعث افزایش کارایی نظامی و انجام فتوحات جدید می شد. این نظامیان هندو از دو طریق وارد سپاه غزنوی می شدند. گروه از آن ها سواران حرفه ای بودند که در جریان قراردادهای صلحی که بین غزنویان و راجه های هندی منعقد می شد به جرگه سپاه غزنوی پیوستند. گزارش منابع حاکی از آن است که در جریان فتح ناردین در سال ۴۰۰ قمری هزار و بنا به روایتی دیگر دو هزار سوار هندو توسط راجه ناردین به سلطان محمود اهدا شده است. میرخواند نیز از مصالحه سلطان محمود به راجه نا معلومی یاد می کند به موجب آن راجه مذکور ملزم به اهدای دو هزار سوار به سلطان شد. گروه دوم از میان بردگان و اسرای انتخاب می شدند که از نظر بدنی ورزیده و برای حرفه نظامی گری مناسب بودند (میرخواند، ۱۳۷۵: ۵۹۳-۵۹۰).

فیل غنیمتی باارزش از رهگذر فتوحات هندوستان

از دیگر غنائم باارزشی که صرفه نظامی و اقتصادی داشت می توان به تعداد فراوانی فیل اشاره کرد که در جریان فتوحات مکرر غزنویان در هندچه به صورت قهری و چه به عنوان

هدیه به دست آن ها افتاد. این فیل ها علاوه بر تقویت سپاه غزنوی که منجر به پیروزی های بعدی و در نتیجه کسب غنائم بیشتر و تقویت خزانه می شد. در برخی موارد به عنوان هدیه ای باارزش به ملوک اطراف داده می شد و در ازای آن نیز سلاطین غزنوی هدایایی دریافت می کردند. در واقع فیل یک ابزار نظامی بازدارنده در خدمت ارتش غزنوی بود که فتوحات بعدی آن ها در هند را تضمین کرده و امپراتوری را در برابر تهاجمات خارجی همچون هجوم قراخانیان بیمه می نمود (خوافی، ۱۳۶۱: ۱۲۶-۱۲۴).

تأمین پشتوانه های ارضی خزانه

بخش قابل توجهی از غنائم هند به صورت شمش ها طلا و نقره و اصنام زرین و سیمین بود. در احکام اسلامی جایگاه بسیار بدی داشت و یکی از مهم ترین انگیزه های غزنیان از جمله به هند درهم شکستن این بت ها بوده است. بنابراین بهترین گزینه برای استفاده از این اصنام ذوب و تبدیل کردن آن ها به مقدار قابل داد و ستد بود. سلطان مسعود به این امر اشاره کرده و می گوید: " پدر ما بتان زرین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال تر مال هاست " این روایت در کنار عیار بالای مسکوکات غزنیان به خوبی بیانگر دسترسی آن ها به منابع طلا و نقره هند و استفاده از این منابع جهت ضرب مسکوکات طلا و نقره می باشد. در واقع مهم ترین مصرف شمش های طلا و نقره برای مقاصد ضرب سکه بود. حجم بالای طلا و نقره در دسترس غزنیان عملاً مانع استفاده آن ها از مسکوکات مسین شده بود (پاسورث، ۱۳۸۴: ۷۴-۷۳).

اخذ خراج از بعضی شاهزاده گان هندی

آنچه مسلم است به نظر می رسد این است که غنائم فراوان هند عامل موثری در ساختن امپراتوری غزنوی بود. غنائم مذکور از دو طریق به دربار سلاطین غزنوی سرازیر می گردید. یک از طریق حملات و سفر های جنگی که از حجم و ارزش بسیار بالایی برخوردار بود، دوم هدایا و پیشکش های اعطا شده توسط راجه ها و شاهزاده گان هندی؛ هر چند به لحاظ حجم و ارزش قابل مقایسه یا غنائم جنگی بود؛ اما حقیقتاً نمی توان از خراج یا مالیات نا منظم و چشم گیر ایالت های هندی نیز چشم پوشی کرد. البته نظم خراج ملتان

در میان ایالت های هند یک استثناء بود چرا که آن شهر به لحاظ نزدیکی به غزنه نسبت به شهر های دیگر شمال هند، سلاطین غزنوی را قادر ساخته بود تا خراج مقرر آن را منظم دریافت کنند؛ اما نکته قابل توجه این است و دقیقاً نمی توان تمایز پرداخت منظم یا نا منظم خراج هایی که شاهزاده گان هندی به غزنه فرستادند و تاراج هایی که از سفر های جنگی به دست می آمد را مشخص کرد. از آنجا که در دوره نخست غزنوی دیوان ویژه یا تشکیلات کشوری ثابتی در هند شمالی بود درآمدی که از آنجا می رسید نامنظم بود (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹۶).

لازم به یادآوری است که بخش اعظمی از این غنائم صرف امور فرهنگی و نواختن شعرا می شد، به گونه ای که این رسم در دوره های بعدی حکومت غزنوی نیز با شعرای بزرگی مانند مسعود سعد سلمان، سنایی، عصمان مختاری، ابوالفرج رونی و سید حسن غزنوی ادامه داشت. حمایت از شعرا و پرداخت صله های گران بها به آن ها باعث شد تا دوره اول حکومت غزنوی عصر رستاخیز فرهنگی ایران نامیده شود. این امر باعث توجه بیشتری تجار و بازرگانان برای تجارت با این شهر شده و از جهتی دیگر موجبات رونق و شگوفایی غزنه را فراهم می نمود (همدانی، ۱۳۶۲: ۲۱۱).

نتیجه گیری

غزنویان پس از تحکیم پایه های قدرت خویش در خراسان بنا به انگیزه های مختلفی همچون کسب غنیمت، مجموعه حملاتی را به سرزمینی هند تدارک دیدند. وضعیت اقتصادی نامناسب حکومت غزنوی، ساختار پراکنده قدرت در هند زرخیز بودن آن همراه مجاورت غزنه با این سرزمین را از جمله مهمترین عوامل جاذبه در حمله به هند گردانده بود. در یک چنین شرایطی و از زمان سبکتگین فتوحات در هند آغاز شد؛ و دردوره سلطان محمود به اوج خود رسید. سیر فتوحات غزنویان در هند اگر چه با مرگ سلطان محمود روندی نزولی یافت ولی به طور کامل متوقف نشد کما بیش تا آخر عمر این دودمان ادامه داشت. در نتیجه این فتوحات غنائم بسیاری همچون اصنام زرین و سیمین، برده، فیل و اجناس وظروف و کالاهای فراوان دیگری به دست آمد. گسترش روابط بازرگانی بین هند و قلمرو حکومت غزنوی و اخذ خراج از برخی شاهزاده گان هندی نیز در زمره غنائم بلند مدت ناشی از فتوحات هند بود.

این غنائم پس از وارد شدن به شهر غزنه در کنار سایر منابع درآمد حکومت غزنوی از جنبه های مختلف موجبات رونق اقتصادی این شهر را فراهم می کردند. ورود خیل عظیم از بردگان باعث هجوم سوداگران برده به غزنه شده و در کنار امنیتی که در نتیجه این فتوحات در مسیر های بازرگانی مابین هند و خراسان برقرار شده بود به رونق بازرگانی کمک نمود همچنین از این برده گان در فعالیت های عمرانی و امور نظامی نیز استفاده می شد و از این جهت نیز موجبات شگوفایی اقتصادی غزنه را فراهم می کردند زیرا علاوه بر آن که دستمزد کم تری به آن ها داده می شد از مهارت آن ها برای بهبود فعالیت های پیشه وری و صنعتی و در نتیجه صدور کالاها استفاده می کردند. حجم زیاد طلا و نقره ای که از هند به دست می آمد نیز علاوه بر تأمین پشتوانه های ارضی و خزانه به رونق تجارت کمک می نمود. همچنین برخی غنائم دیگر مانند فیل نیز ضامن پیروزی های بعدی غزنویان در هند و در نتیجه کسب غنیمت بیشتر می شدند. اگر چه این غنائم نقش مهمی در رونق اقتصادی غزنه ایفا نمودند ولی سلاطین غزنوی بیشتر آن ها را در قلاع و خزاین نگه داشته و از تمام قابلیت های این ثروت ها برای شگوفایی هر چه بیشتر اقتصاد غزنه استفاده کامل را نبردند.

منابع

- استرآبادی، محمد قاسم (۱۳۸۷). تاریخ فرشته از آغاز تا بابر، ج ۱ تصحیح محمد رضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ابن اثیر جزری، عزالدین (۱۳۷۱). تاریخ کامل اسلام و ایران، ج ۲۱، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- بدایونی، عبدالقادر بن ملوک شاه (۱۳۷۹). منتخب التواریخ، ج ۱، تصحیح توفیق سجادی و مولوی احمد صاحب، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- بناکتی، ابوسلیمان داوود بن ابی الفضل محمد (۱۳۶۸). روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ ولانساب (تاریخ بناکتی)، تصحیح جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۷۳). تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- پاسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۴). تاریخ غزنویان، ج ۱، حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- خوافی، احمد بن محمد فصیح (۱۳۴۱). مجمعل فصیحی، ج ۱، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتاب فروشی باستان.
- خواند میر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی (۱۳۳۳). حبیب السیرد فی اخبار افراد البشر، ج ۱، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- شبانکاره، ایف محمد بن علی بن محمد (۱۳۸۱). مجمع الانساب، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- طوسی، نظام الملک (۱۳۳۴). سیاست نامه، تصحیح و حواشی محمد قزوینی، تهران: بی نا.
- نصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر بین قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۸۶). قابوس نامه، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفیف تهران: علمی فرهنگی.
- عتبی، محمد بن عبدالجبار (۱۳۷۴). تاریخ یمینی، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاذقانی، تصحیح جعفر شعار، تهران: علمی فرهنگی.
- گردیزی، ابوالسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمد (۱۳۷۳). تاریخ گردیزی، تصحیح

عبدالحمی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، ج ۳، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.
میرخواند، محمد بن خاوند شاه بلخی (۱۳۷۵). تاریخ روضه الصفا، ج ۱، تهذیب و
تلخیص عباس زریاب، تهران: علمی.

همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۶۲). جامع التواریخ، ج ۲، به سعی و اهتمام احمد
آتش، تهران: دنیای کتاب.

ادراک و نقش آن در رفتار سازمانی

پوهنمل شریف فرین^۱

تقریظ دهنده: پوهنوال محمدالله معتمد

چکیده

تیم، گروهی از افراد است که در ارتباط با هدف مشخصی گرد هم می‌آیند و از آن برای انجام وظایفی که دارای پیچیدگی و قابل تقسیم به زیر وظایف ساده‌تر می‌باشند استفاده می‌شود. هدف این تحقیق بررسی نقش تیم در بهبود سازمان بود، طرح این تحقیق کیفی و روش آن توصیفی بود که با استفاده از منابع معتبر علمی به شکل کتابخانه جمع‌آوری گردیده و شامل؛ مفاهیم و تعاریف تیم، تاریخچه، انواع، توان بالقوه تیم، مزایای کار تیمی، خلق تیم‌های اثربخش، اساس یک تیم کاری، نقش تیم و پنج تیم که هر سازمان نیاز دارد، می‌باشد. یک تیم شامل تعداد کمی از افراد با مهارت‌های مکمل است، که برای رسیدن به یک هدف مشترک در کارها مشارکت دارند. به طوریکه در این راه تمامی اعضای گروه خود را در مقابل یکدیگر و هدف نهایی مسئول می‌دانند. در واقع برای اثر بخشی و کارایی بیشتر اهداف سازمان افراد سعی می‌کند بصورتی تیمی کار انجام دهد و فرض هم بر این است که در کار تیمی کمتر خطا وجود دارد تا کار فردی؛ زیرا در کار تیمی اجماع نظریات متخصصان باهم رقم می‌خورند. در این مقاله نیز سعی بر آن شده که مطالب لازم در رابطه به نقش تیم در سازمان بصورت مختصر و جامع در خدمت خواننده گان قرار دهد تا ممد خوبی باشد برای کسانی که می‌خواهند در سازمان به صورت تیمی کار کنند و یا معلومات کسب نمایند.

واژه‌های کلیدی: تیم؛ بهره‌وری؛ اثربخشی؛ سازمان؛ گروه.

Perception and its role in organizational behavior

Teacher Assist Sharif Farin

Abstract

Team is a group of people who come together for a specific purpose and are used to perform tasks that are complex and can be divided into simpler sub-tasks. The purpose of this research was to investigate the role of the team in the improvement of the organization, the design of this research was qualitative and its method was descriptive, which was collected using reliable scientific sources in the form of a library and included; The concepts and definitions of the team, history, types, potential of the team, advantages of teamwork, creation of effective teams, the basis of a work team, the role of the team and the five teams that every organization needs. A team consists of a small number of people with complementary skills who work together to achieve a common goal. So that in this way, all the members of the group consider themselves responsible for each other and the final goal. In fact, in order to be more effective and efficient, people try to work as a team, and it is assumed that there are fewer mistakes in team work than individual work; Because in team work, the consensus of experts' opinions is formed together. In this article, an attempt has been made to provide the readers with the necessary information regarding the role of the team in the organization in a concise and comprehensive manner, so that it will be a good resource for those who want to work as a team in the organization or gain information.

Keywords: Team; Efficiency; Effectiveness; Organization; Group.

مقدمه

تیم‌ها، می‌توانند کارهای مختلفی انجام دهند؛ می‌توانند محصول تولید کنند؛ خدمات ارائه کنند؛ پروژه را هماهنگ کنند؛ طرف مشورت قرر گیرند و تصمیم‌گیری کنند (جاج، ۱۳۹۴، ص ۳۱۲). در این مقاله می‌خواهیم چهار نوع تیم که بیش از همه رایج بوده‌اند و احتمالاً در هر سازمانی مشاهده می‌گردد بررسی می‌گردد؛ تیم‌های حل مسئله، تیم‌های کاری خودگردان، تیم‌های چند وظیفه‌ای و تیم‌های مجازی.

تیم‌های حل مسئله

بیست سال قبل یا کمی بیشتر، تیم‌ها تازه مشهور شده بودند و اکثر آنها شکل مشابهی داشتند. این تیم‌ها نوعاً از ۵ تا ۱۲ کارمند ساعتی تشکیل شده بود که عضو یک بخش سازمان بوده و هر هفته چند ساعت برای بحث در خصوص روش‌های بهبود کیفیت، کارایی و محیط کار دور هم جمع می‌شدند. این تیم‌ها را تیم‌های حل مسئله (Problem-solving teams) می‌نامیده بود. اعضای تیم‌های حل مسئله ایده‌ها را با یکدیگر به اشتراک گذاشته یا پیشنهادهای برای چگونگی بهبود فرایندها و روش‌های انجام کار ارائه می‌کردند؛ اما به ندرت پیش می‌آمد که اختیاری برای اجرای ایده‌های خود داشته باشند. به عنوان نمونه شرکت مریل لینچ تیم‌های حل مسئله را تشکیل داد تا به طور خاص روش‌های برای کاهش زمان لازم و تهیه گزارش موجود نقدی بیابند. این تیم پیشنهاد کرد با کاهش مراحل این فرایند از ۴۶ مرحله به ۳۶ مرحله، متوسط زمان لازم را از ۱۵ روز به ۸ روز کاهش دهند (جاج، ۱۳۹۴، ص ۳۱۲).

تیم‌های خودگردان

تیم‌های که بر حل مسائل به وجود آمدند، دچار انحراف نشدند، چون مسیر کاری آنها مشخص بود و نمی‌توانستند دامنه فعالیت خود را بدانجا بکشانند که کارکنان را در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت دهند. این ضعف منجر به تجربه جدیدی شد که در سایه آن تیم‌های مستقل به وجود آمد و این نه تنها مسائل را حل می‌کرد، بلکه جنبه اجرایی را نیز بر عهده می‌گرفت و مسئولیت کامل نتیجه کار را عهده دار می‌گردید (رابینز، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴).

تیم های خودگردان، گروهی از کارمندان (عموماً ۱۰ تا ۱۵ نفر) هستند که وظایفی وابسته به شغلشان را انجام میدهند و مسئولیت های بسیاری را بر عهده می گیرند. این وظایفی وابسته به شغلشان را انجام می دهند و مسئولیت های بسیاری را بر عهده می گیرند. این وظایف عبارتند از: برنامه ریزی و زمان بندی کار، تخصیص وظایف به اعضا، کنترل سرعت کار، تصمیم گیری، کارکردن روی مشکلات و همکاری با تأمین کنندگان و مشتریان تیم های کاملاً خودگردان حتی اعضای تیم را خود انتخاب می کنند و اعضا نیز نحوه ی عملکرد یکدیگر را ارزیابی می کنند در نتیجه، اهمیت جایگاه نظارتی کاهش یافته و حتی حذف می شود (همان).

تیم های چند وظیفه ای

شرکت بوئینگ^۱ تیمی متشکل از کارمندان بخش های تولید، برنامه ریزی، کیفیت، موجودی طراحی انجیری و سیستم های اطلاعاتی برای ماشینی کردن ابزار در برنامه C-17 شرکت، تشکیل داد. پیشنهاد های تیم به کاهش زمان و هزینه ها و بهبود کیفیت در این برنامه منجر شد. به طور مثال، بوئینگ کار برد تیم های فرا-وظیفه ای را روشن می کند. این تیمها متشکل از کامندانی از سلسله مراتب یکسان اما از بخشهای مختلف کاری هستند که برای انجام کاری گردهم آمده اند (رابینز، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷).

تیم های مجازی

تیم های که پیش از این اشاره شد، کار خود را به صورت رو در رو انجام می دهند. تیم های مجازی از تکنولوژی کامپیوتر برای گردهم آوردن افراد پراکنده در جهت دستیابی به اهداف مشترک استفاده می کنند. آنها امکان همکاری آن لاین را به افراد، بدون توجه به فاصله ای آنها، می دهند (رابینز، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸). در این روش اعضای تیم به وسیله سیستم های ارتباطی مانند شبکه های گسترده کامپیوتر، کنفرانس ویدیویی یا ایمیل با هم ارتباط برقرار می کنند و تفاوتی هم ندارد که یک اتاق از هم فاصله دارند یا یک قاره، تیم های مجازی

آنقدر فراگیر شده و تکنولوژی آنقدر پیشرفت کرده که دیگر مجازی نامیدن این تیم‌ها نادرست به حساب می‌آید. امروزه تقریباً همه تیم‌ها حد اقل بخشی از کار خود را از راه دور انجام می‌دهند (جاج، ۱۳۹۴، ص ۳۱۴).

توان بالقوه تیم

تیم‌هایی که افراد آن به نحوی مؤثر با هم کار می‌کنند:

- ✓ نسبت به افرادی که به تنهایی کار می‌کنند، از نتایج مطلوب‌تری بهره‌مند می‌شوند.
- ✓ نسبت به گروه‌های بزرگ‌تر، از انعطاف بیشتری برخوردارند.
- ✓ بیشتر از افراد منفرد خطر تقبل می‌کنند و در مسائل بیشتری کندوکاو می‌کنند (صدری نیا، محمد، ۲۰۰۸، ص ۱۲).

چه زمانی به تیم نیاز دارید؟

- زمانی که سعی می‌کنید برای مشکلاتی که کسی به تنهایی برای آنها راه حل نمی‌شناسد، راه حل پیدا کنید.
- زمانی که در کاری بی‌ثباتی به چشم می‌خورد.
- تنها در صورت لزوم.
- تیم‌ها زمانی بوجود می‌آیند که نیاز به تخصص‌ها و تجارب مهارت‌ها و دیگر افراد مختلف برای رسیدن به يك هدف لازم باشد (میرحسینیموسوی، ۱۳۹۸، ص ۵۶).

مزایای کار تیمی

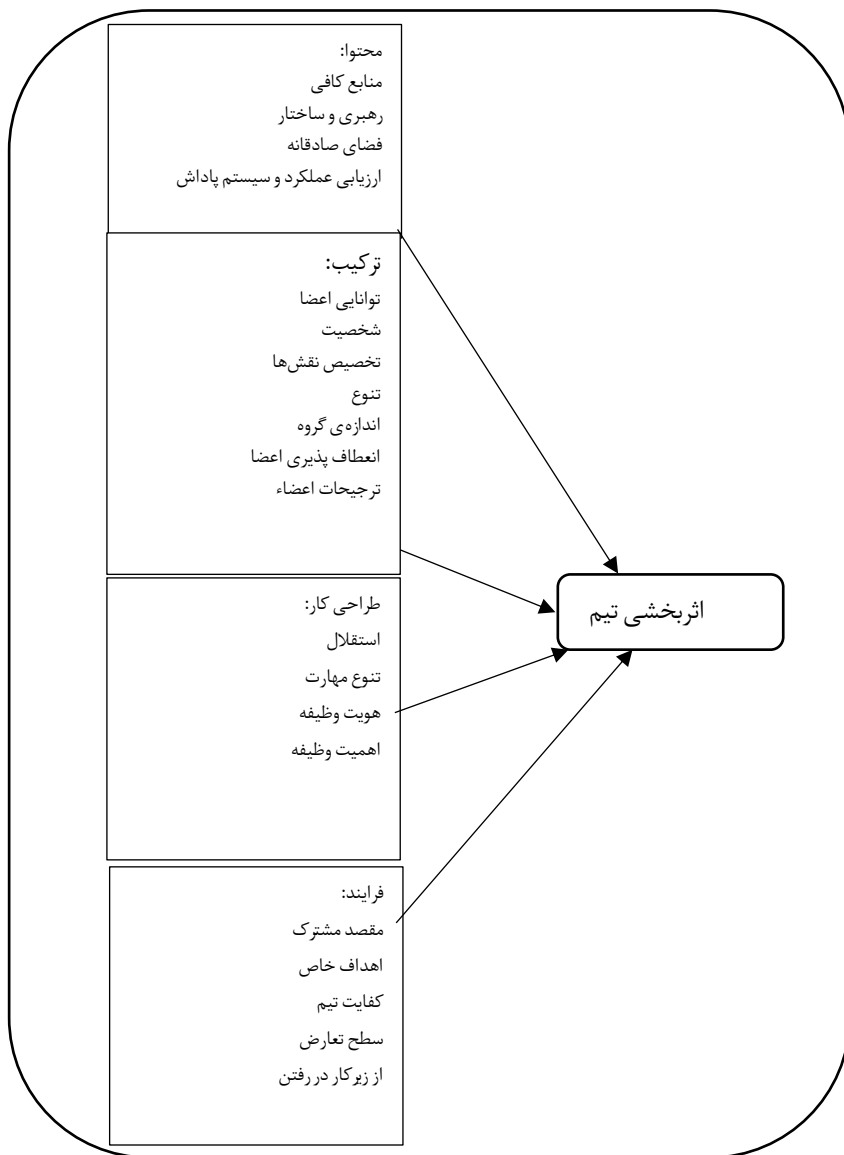
تیم‌های موفق و کار تیمی اهداف استراتژیک را برآورده می‌سازند. کار تیمی موفق سبب افزایش توان انجام کار هرکدام از کارمندان سازمان می‌شود و به سازمان کمک می‌کند بهتر به مشتریان خود خدمات ارائه نماید (یان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

مشکلاتی که تیم‌ها با آن روبه‌رو هستند

- ۱- زمانی که الگوی کاری موجود نباشد: بدون الگوی کار، کسی نیست که از او پیروی شود. در این فرهنگ تیم‌سازی کار ساده‌ای نیست؛ اما تا وقتی بتوانید چیزهایی را که اتفاق می‌افتد درک کنید، تیم‌سازی امکان‌پذیر است.
- ۲- عملکرد ارزیابی نمی‌شود: تشکیلات، عملکرد را ارزیابی نمی‌کند چون کارایی تیم مستلزم شرکت افراد در چالش‌های دشوار و پر زحمتی است که برای همه دست‌اندرکاران آن معنادار تلقی می‌شود.
- ۳- تیم‌های متعدد: تیم‌ها به عنوان پاسخی برای هرگونه شرایطی مطرح می‌شوند.
- ۴- تأکید بر افراد: سازمان‌ها افراد را می‌شناسند نه تیم‌ها را.
- ۵- فرهنگ رقابت: فرهنگ سازمان، همکاری را ترغیب نمی‌کند.
- ۶- افراد متعدد: تیم از افراد زیادی تشکیل شده است. هرچه تعداد بیشتر باشد، برقراری ارتباط با آنها مشکل‌تر خواهد بود. مسئله مهم این است که اگر تیم‌ها اشتباه‌کار گرفته شوند، موجب هدررفتن وقت و انرژی می‌شوند (یان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸).

خلق تیم‌های اثربخش

تلاش‌های زیادی برای معرفی عوامل مرتبط با اثربخشی تیم‌ها صورت گرفته است. مطالعات اخیر آنچه را که زمانی "لیستی از خصوصیات" بود به الگویی نسبتاً متمرکز تبدیل کرده است. شکل (۱) آنچه را که ما در حال حاضر درباره‌ی چگونگی ایجاد تیم‌های اثربخش می‌دانیم، خلاصه کرده است (رابینز، ۱۳۹۲، ص ۲۰۹).



شکل ۱؛ الگوی اثربخشی تیم (پی رابینز، ۱۳۹۲، ص ۲۱۰)

اساس يك تيم كارى

تيم ها زمانى بوجود مى آيند كه نياز به تخصص ها و تجارب مهارت هاى افراد مختلف براى رسيدن به يك هدف لازم باشد. همه تيم هاى موفق با چند ويژگى اصلى توصيف مى شوند: رهبرى قوى و تأثيرگذار، تعيين دقيق اهداف، قوانين و دستورات شفاف، توانايى سريع عمل كردن به طوريكه در كمترين زمان دستورات و خواسته ها برآورده شوند، به آزادى و راحتى ارتباط برقرار مى شود، مهارت ها و فنون لازم تقويت مى شوند تا وظايف محوله تمام و كامل انجام شود (ساعتچى، ۱۴۰۰، ص ۴۵).

بهترين راه براى شناخت تيم بررسى رفتار داخلى آن است. داستان شكل گيرى هر تيم نحوه رسيدن آن تيم به هدف كمالات، مهارت ها، محرك ها، تعهد و در نتيجه نحوه عمل آن را آشكار مى سازد. يعنى براى افزايش كارايى تيم بايد تجارب گذشته را مورد بازبيني قرار داد. اگر چه براى رسيدن به اين مهم بايد مرتباً كارايى و قابليت هاى تيم را بررسى و تعقيب كرد. هر تيم يك واحد پايه كارايى براى بيشتر سازمان هاست. تجربيات موفق تيم ها به خاطر كارهايى كه انجام شده (موفقيتى كه كسب شده) و چيزهاي كه اعضاى تيم ها آموخته اند حايز اهميت است. تيم ها بايد مسئول و انعطاف پذير باشند تا بتوانند رويدادها را رقم بزنند و جوابگوى تقاضاها باشند (همان).

نقش تيم

تيم براى انجام وظايف خود و براى رسيدن به بهره ورى بالا نياز دارد كه به تناسب توانايى و مهارت اعضا، نقش هايى را به افراد واگذار كنند، به گونه اى كه افراد بتوانند براى بهبود عملکرد تيم، نقش هاى خود را به خوبي ايفا نمايند (قاسمى، ۱۳۹۱، ص ۳۷۶).

مك كان و مرجريسن^۱ هشت نقش براى تيم بيان نموده اند كه عبارتند از:

۱. **گزارش دهنده-مشاور:** دوست دارد كمك كننده و حمايت كننده باشد و به عنوان يك منبع اطلاعاتى تلقى شود.

۲. **خلاق-نوآور:** از پیچیدگی لذت می‌برد؛ تحقیق و پژوهش در کار را دوست دارد، توجه خود را به آینده معطوف می‌دارد؛ از قدرت تخیل بالایی برخوردار بوده و در صدد راه‌های جدیدی برای حل مسائل می‌باشد.

۳. **کاشف-تسهیل کننده:** دارای انرژی در سطح بالا می‌باشد؛ می‌داند مردم چه می‌خواهند؛ راه دست‌یابی به منابع را خوب می‌شناسد. خوب ارتباط برقرار می‌کند و تنوع را دوست دارد.

۴. **ارزیاب-توسعه دهنده:** دارای قدرت تحلیل بالا می‌باشد؛ ایده‌ها را پرورش می‌دهد؛ مشاغل معمولی را دوست ندارد و سعی دارد از شغلی به شغل دیگری رود و عملگرا باشد.

۵. **سازنده-سازمان دهنده:** به سرعت تصمیم می‌گیرد؛ اهل سازماندهی و اجرا می‌باشد، به نتیجه توجه دارد و سعی دارد از طریق برنامه‌ریزی و سازماندهی به هدف برسد.

۶. **تولیدکننده-نتیجه‌گیرنده:** عمل‌گرا و تولیدگرا است. به جدول زمانی و برنامه کاری پای بند است و همواره به نتایج تولید توجه دارد.

۷. **کنترل کننده-بازرس:** توان زیادی برای کنترل و تنظیم معیارهای مناسب جهت جلوگیری از کارهای نادرست را دارد.

۸. **تأکیدکننده-نگهدارنده:** افرادی حمایت کننده می‌باشند؛ برای درست انجام شدن کارها با حساسیت زیادی اقدام می‌نمایند و به خوبی می‌توانند با دیگران وارد مذاکره شوند (قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۳۸۰).

پنج تیمی که هر سازمان به آن نیاز دارد.

اگر شما یک تیم کاری دارید که اکنون فعال است، ابتدا باید مشخص کنید سازمان شما به چه فعالیت‌های تیمی احتیاج دارد و از کدامیک از آنها می‌تواند پشتیبانی کند. تیم‌ها به منابع و به خصوص زمان نیاز دارند. کارکرد تیم شما زمانی در اوج است که:

- ✓ یک گروه از کارمندان مختلف در آن بتوانند با یکدیگر مشارکت کنند.
- ✓ تعداد تیم‌ها را محدود کنید تا میزان مشارکت کارکنان را افزایش دهید.
- ✓ تیم‌ها زمانی را برای شرکت در جلسات منظم قرار دهند.

- ✓ شما احتیاج به اهداف دوره‌ای دارید، که باید برای هر تیم تعریف شود.
 - ✓ از هر جلسه خلاصه و نتایج یادداشت شده و اجرا شوند.
 - ✓ تیم‌ها با اضافه کردن کارمندان جدید جاودانه می‌شوند (قوت دین، ۱۳۹۷، ص ۴۳).
- هر سازمان به پنج تیم کاری نیاز دارد. البته می‌توان تیم‌ها را به گونه‌ای دیگر هم سازماندهی کرد ولی پنج تیم کاری که توصیه می‌شود اینها هستند.

۱. تیم رهبری

معمولاً رئیس، مدیر یا سرپرست قسمت هستند. تیم رهبری گروهی که باید با همکاری یکدیگر سازمان شما را رهبری کنند. تیم رهبری مسئول اهداف استراتژیک سازمان شماست. تیم رهبری نقشه می‌ریزد، اهداف را تعیین می‌کند، رهنمودها را فراهم می‌کند و سازمان را مدیریت می‌کند.

۲. تیم محرك

این تیم در سازمان‌های مختلف نام‌های مختلفی دارد. این تیم طرح‌هایی را ارائه می‌کند و فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد تا در کارمندان رمق و انگیزه مثبت ایجاد کند. وظایف این تیم می‌تواند شامل تهیه ابزار، برنامه ریزی برای سفرهای تفریحی، ایجاد صندوق‌های حمایتی برای مشکلات کارمندان و غیره باشد. این تیم می‌تواند وقایع مهم و مثبت سازمان را جشن بگیرد، یا برای روز تولد افراد یا نوزاد تازه بدنیا آمده آنها تبریکاتی در نظر بگیرد یا برای آنها جشن بگیرد. این تیم می‌تواند اسپانسر یک تیم ورزشی شود. این تیم می‌تواند بساط سرگرمی و دلگرمی پرسنل را فراهم کند.

۳. تیم ایمنی و بهداشت

این تیم مراقب ایمنی افراد در محل کار است. این تیم آموزش‌های لازم بهداشت و ایمنی را برگزار می‌کند. جلسات ماهیانه ایمنی بسیار مهم و ضروری است حتی آموزش‌هایی برای خانواده کارمندان می‌تواند ارائه شود. رعایت نظافت و پاکیزگی محیط با همکاری کارمندان بسیار اهمیت دارد و باید توسط این تیم پی‌گیری شود.

۴. تیم رفاه کارمندان

تیم رفاه بر روی سلامتی و تناسب اندام کارکنان کار می‌کند. از آن جمله می‌توان به ارائه برنامه‌های پیاده روی و همچنین انجام آزمایشات دوره‌ای مانند آزمایش خون و فشار خون از جمله فعالیت‌های این تیم‌ها است.

۵. تیم ارتباط و فرهنگ

این تیم کار می‌کند تا فرهنگ لازم برای رسیدن به موفقیت سازمان را تعریف و ایجاد کند. این تیم همچنین ارتباط دو طرفه را آموزش می‌دهد تا مطمئن شود در سازمان شما کارمندان زنجیره دستورات را رعایت می‌کنند. این تیم می‌تواند به صورت هفتگی روزنامه تهیه کند، آخرین رخداد‌های سازمان را بیان کند. و هر سه ماه در زمینه میزان رضایت کارمندان تحقیق کند و مشکلات را پیدا کرده و برای رفع آنها با تیم رهبری مشورت کند و در صورت نیاز پیشنهاد استخدام نیروی جدید کند. نکته اینجاست که این تیم زمانی به اوج موفقیت می‌رسد که دو تیم قبلی کار خود را بدرستی انجام دهند (قوت‌دین، ۱۳۹۷، ص ۴۵).

شاید اگر شما به عنوان مدیر يك سازمان این مقاله را بخوانید بگویید خوب اینکه می‌شود افزایش هزینه؟! ولی بدانید که شما اگر اکنون این تیم‌ها را ندارید و این اقدامات را برای پرسنل خود انجام نمی‌دهید. هزینه زیادی برای پرسنل خود می‌کنید ولی این هزینه آنقدر نیست که به آنها اجازه دهید با فراغ خاطر و عشق به کار معجزه درونی خود را بروز دهند. این کار اخیراً در چند سازمان انجام شده است و با وجود مخالفت و مقاومت بعضی از مدیران، نتیجه آن افزایش رغبت پرسنل برای شرکت در این تیم‌ها و همینطور افزایش تعهد و میزان مشارکت آنها در رسیدن به اهداف سازمان بوده است. که همه اینها در نهایت منجر به يك سازمان قوی و رو به رشد است (همان اثر، ص ۵۵).

نتیجه گیری

امروزه سازمان‌ها در بازارهای جهانی رقابت می‌کند و آن رقابت به شکل مؤثر و کارا میسر نمی‌گردد، مگر اینکه سازمان دارای یک تیم قوی نباشد و به صورت یکپارچه در پیشرفت و عرصه رقابت عمل نکند. بناً تیم عبارت از گروهی از افراد است که در جهت رسیدن به اهداف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کند. و یا گروه از افراد که به صورت هماهنگ عمل نموده و به منظور رسیدن به اهداف مشترک باهم تعامل می‌کند. اگر نگاه به تاریخچه تیم اندازیم درست از سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شکل یافته و در سال ۱۹۹۰ اوج شکل گیری تیم‌های کاری در سطوح مختلف سازمان بوده است و امروزه ۷۸٪ کارها به صورت تیمی اجرا می‌شوند. انواع گوناگون تیم‌ها می‌تواند کارهای مختلف را انجام دهند. در این مقاله از چهار نوع تیم که بسیار رایج است و در همه سازمانها مورد استفاده دارد صحبت شده و آنها عبارتند؛ از تیم‌های حل مسئله، تیم‌های خودگردان، تیم‌های چند وظیفه‌ای و تیم‌های مجازی. همچنان در این مقاله دانستیم که توانائی‌های بالقوه تیم عبارت است از نسبت به افرادی که به تنهایی کار می‌کنند، از نتایج مطلوب‌تری بهره‌مند می‌شوند و توان بالقوه تیم این است که نسبت به گروه‌های بزرگتر، از انعطاف بیشتری برخوردارند و بیشتر از افراد منفرد خطر تقبل می‌کنند و در مسائل بیشتر کندوکاوی می‌کنند. همچنان ما زمانی به تیم نیاز داریم که بری مشکلاتی که کسی به تنهایی برای آنها راه حل را نمی‌شناسد، راه حل پیدا کنیم.

در رابطه به مزایای کار تیمی آگاهی حاصل نمودیم که تیم‌های موفق اهداف استراتژیک سازمان را برآورده می‌سازد و سبب افزایش انجام کار هر کدام از کارمندان سازمان می‌شود و سر انجام به سازمان کمک می‌کند تا بهتر به مشتریان خود خدمات بدهد. در مورد این که یک تیم اثر بخش چیست و چگونه شکل می‌گیرد نیز آشنا شدیم و دانستیم اثربخشی یک تیم به محتوا، ترکیب، طراحی کار و اجرای درست آن بستگی دارد. اساس تشکیل یک تیم زمانی آغاز می‌گردد که نیاز به تخصص، تجارب و مهارت‌های افراد مختلف برای رسیدن به یک هدف لازم باشد. جهت اجرای درست و مؤثریت کار تیمی نیاز است که یک رئیس این تیم را رهبری کند که بنام تیم رهبر یاد می‌شود و این بخش اهداف استراتژیک سازمان را تعیین می‌کند و نقش می‌ریزد. بر علاوه این تیم، تیم‌های دیگری در سازمان وجود دارد که بنام‌های تیم محرک، تیم ایمنی و بهداشت، تیم رفاه کارمندان و تیم ارتباط و فرهنگ یاد می‌شود و هر کدام این‌ها نقش ویژه در ساختار تیمی سازمان دارد.

منابع

- اصغری، آریاداد (۱۳۹۲). مدیریت منابع انسانی. تهران: انتشارات صفار.
- جاج، رایبیز (۱۳۹۴). رفتار سازمانی. مترجم؛ مهدی زارع، تهران: انتشارات فرهنگی نص.
- رایبیز، استیون پی (۱۳۹۲). مبانی رفتار سازمانی. چاپ پنجم. ترجمه؛ فرزاد امیدواران و همکاران. تهران: انتشارات مهربان نشر.
- رایبیز، استیون پی (۱۳۹۴). مبانی رفتار سازمانی. مترجمان: علی پارسائیان و سیر محمد اعرابی، تهران: انتشارات پژوهشهای فرهنگی.
- سلطانی، ایرج و محسن پور، سینا (۱۳۹۳). بنیادهای کار تیمی. تهران: نشر مراکز پخش کتاب.
- ساعتچی، محمود (۱۴۰۰). روانشناسی کار. تهران، نشر ویرایش.
- صدری نیا، محمد (۲۰۰۸). عوامل اثربخش تیم، تلفیق تفاوتها. ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، (۱۹۰)، صص ۱۰-۲۱.
- علامه فلسفی، احمدی (۱۳۹۸). روانشناسی مدیریت. تهران، انتشارات: فرا روانشناسی.
- قاسمی، بهروز (۱۳۹۱). مدیریت رفتار سازمانی. تهران؛ انتشارات سپاهان.
- قوت دین، محمد سعید (۱۳۹۷). تیم سازی. کتاب الکترونیکی.
- کاظمی، محمدی؛ اصغری، آریاداد؛ رسولی، مریم (۱۳۸۴). رفتار مدنی سازمانی. سومین کنفرانس بین المللی مدیریت.
- میرحسینی موسوی، ساناز (۱۳۹۸). مدیریت رفتار سازمانی. تهران، انتشارات سمت.
- هیچ، ماری (۱۳۹۸). تیوری سازمان. چاپ اول، تهران: انتشارات نشر افکار.
- یان، فلمینگ (۱۳۸۵). کلیدهای طلایی کار تیمی. ترجمه؛ مریم تقدیسی، تهران؛ انتشارات آسیا.
- Raymond, William. "Building A Successful Team", The Project Network 5 - 6 Newsletter, October 2005.

غلو مسیحیان در شأن عیسی علیه السلام

پوهنبار حبیب‌الله حق پرست^۱

تقریظ دهنده: پوهندوی سید خلیل کوهی

چکیده

این مقاله در مورد غلو مسیحیان در شان حضرت عیسی علیه السلام بود که در نخست پیرامون غلو نصاری آیات قرآن کریم آورده شده و بعد اقوال مفسران به بررسی گرفته شده است. مسیحیان در حق عیسی علیه السلام مرتکب غلو شده و او را اله و پروردگار خود قرار دادند و برخی هم گفتند: عیسی یکی از سه اله است؛ منظور آنان از سه اله؛ الله، عیسی و مریم بوده که گروه‌هایی از مسیحیان از جمله ملکیان، یعقوبیان و نسطوریان چنین اعتقادی داشتند. در حالی که عیسی علیه السلام بنی اسرائیل را به بندگی اله یگانه دعوت می‌کرد و الله متعال عیسی مسیح را پسر مریم خوانده است و امر الوهیت را که مسیحیان باور داشتند از او نفی می‌کند، چون کسی که به مادرش نسبت داده شده چگونه می‌تواند اله باشد، در حالی که اله باید قدیم و غیر مخلوق و غیر محدث باشد. آیات مختلفی از قرآن کریم عیسی را بنده و آفریده‌ی اله معرفی کرده‌اند که هیچ سهمی از الوهیت و ربوبیت اله را ندارد. عیسی علیه السلام «کلمة الله» نامیده شده است، چون بدون پدر و بدون نطفه و تنها با گفتن واژه‌ی «کن» توسط الله متعال آفریده شده است همچنان «و روح منه» گفته شده؛ یعنی رحمتی از جانب الله متعال، چون حضرت عیسی علیه السلام رحمت الله برای افراد پیروان خود بوده است و در نتیجه این تحقیق محورهای مختلف از موضوع به دست آمده از جمله یهودی‌ها در مورد عیسی علیه السلام دچار غلو شدند تا جایی که مادرش مریم رضی الله عنها را به زنا و خود او را به دروغ گویی متهم کردند.

کلمات کلیدی: عیسی؛ غلو؛ کلمة الله؛ مسیحیان؛ یهود.

Exaggeration of Christians in the dignity of Jesus, peace be upon him

Teaching Assistant Habibullah Haqparast

Abstract

This article is about the exaggeration of the Christians in dignity of Jesus (PBUH), which is firstly about the exaggeration of the Christians in the verses of the Holy Quran and then the comments of the commentators have been studied. Christians have committed exaggeration against Jesus and made him their Allah and Lord and some of them said: Jesus is one of the three Allah's; what they mean by three Gods; It was Allah, Jesus and Mary, that some groups of Christians, such as the Malachi's, the Jacobites, and the Nestorians, had such a belief. While Jesus, peace be upon him, called the Bani Israel to worship the only Allah and Allah Almighty called Jesus Christ the son of Mary and negated the divinity that Christians believed in him, because how can someone who is attributed to his mother be God? While Allah must be ancient, uncreated, and uninvited. Various verses of the Holy Qur'an have introduced Jesus as the servant and creation of Allah, who has no share in Allah's divinity and lordship. Jesus, peace be upon him, has been called "the word of Allah" because he was created by Allah Almighty without a father and without a seed, and only by saying the word "do"; and said the (روح منه) means mercy from Almighty Allah, because Jesus, peace be upon him, was the mercy of Allah to his followers, and as a result of this research, various axes of the subject, including the Jews, became exaggerated about Jesus, peace be upon him, to the point where he accused his mother Maryam of adultery and himself accused to lying

Keywords: Jesus; exaggeration; the word of Allah; Christians; Jew.

مقدمه

الله متعال تمام داستان حضرت عیسی مسیح را از آوان پیدایش و سخن زدن وی در گهواره و شهادت وی در مورد مادر بزرگوارش مریم رضی الله عنها، ادعای پیامبری و اثبات آن به آوردن کتاب انجیل و اعتراف وی به بنده بودن و رد الوهیت و معبود بودنش تا جوانی و دعوت و تبلیغش و رفتن به بالای آسمان و رد نمودن و آویخته شدن وی به دار در قرآن کریم ذکر نموده است و چنین توجه بیان گر این است که عیسی علیه السلام بنده الله و فرستاده اوست، بشر و دارای خصوصیات بشری و همه را به توحید و یکتاپرستی دعوت کرده و عیسی علیه السلام یک شخصیت صادق و راست گو بوده و از گناه معصوم می باشد.

روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای تهیه شده و اطلاعاتی که از طریق آیات قرآن کریم و روایات و منابع کتبی تاریخی که به دست آمده، به گونه‌ای تنظیم گردیده است که ابعاد مختلف موضوع را روشن ساخته و موضوع به شکل درست آن بیان گردد.

غلو در لغت

غلو در لغت به معنای زیادت و بلند شدن است. در لسان العرب غلو چنین معنا شده است: غلو تجاوز کردن از حد و اندازه و یا خارج شدن از حد اعتدال است یا غلو بلند شدن و تجاوز از حد و اندازه در هر چیز را غلو می نامند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵، ص. ۱۳۳).

به عبارت دیگر، واژه غلو در مقابل تقصیر است و در لغت به معنی تجاوز از حد و افراط درشی است؛ یعنی فرد یا چیزی بیش از آنچه در او است؛ توصیف شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵، ص. ۱۳۴). یا اینکه غلو؛ تشدد و افراط و تجاوز از حد می باشد (عمر، ۱۴۲۹، ۲، ص. ۱۶۳۹). یا غلو، زیاده روی در قیمت و بلند بردن قیمت و گذشتن از حد را گویند (رنهارت، ۱۹۷۹ - ۲۰۰۰ م، ۷، ص. ۴۳۰).

و در جای و غلا الناس فی الأمر، یعنی زیاده روی نمودن مردم در کار، از حد گذشتن، مانند زیاده روی یهودی ها در دین (البصری، بی تا، ۴، ص. ۴۴۶).

همچنان به معنی تجاوز و گذشتن از حد می‌باشد و در آیه قرآن کریم: «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ» (المائده، ۷۷). به این معنی آمده است؛ و ابن اثیر فرموده: غلو در دین، بحث در مورد باطن اشیاء و کشف علت‌ها و پوشیدگی‌های موارد که به‌عنوان عبادات انجام می‌شود بوده (الزبیدی، بی تا، ۳۹، ص. ۱۷۸).

یا غلو ارتفاع در چیزی و تجاوز از حد در آن طوری که در آیه قرآن کریم ذکر شده {لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ} یعنی از اندازه تجاوز نکنید (الازدی، ۱۹۸۷، ۲، ص. ۹۶۱).

تعریف اصطلاحی

غلو در اصطلاح شرع به معنای افراط در دین است و آن تجاوز از حد وحی به‌سوی هوا و هوس و سلیقه‌های مختلف است؛ مانند اینکه پیامبران علیه‌السلام را الله بدانند؛ مثل نصاری که به پیامبران خود مقام الوهیت قائل شدند.

معنی غلو در قرآن کریم و حکم آن

در مورد غلو، الله متعال خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ...» (النساء: ۱۷۱).

ای اهل کتاب! در دین خود غلو نکنید «و درباره‌ی عیسی راه افراط و تفریط را در پیش نگیرید» و درباره‌ی الله جز حق نگویند «و برای او شریک و همسر و فرزند قرار ندهید».

غلو به معنی گذشتن از حد (و افراط و تفریط) است. یهودیان در مورد عیسی علیه‌السلام دچار غلو شدند تا جایی که مادرش مریم را به زنا و خود او را به دروغ‌گویی متهم کردند. همچنان مسیحیان مرتکب غلو شدند و او را الله و پروردگار خود قرار دادند. در حالی که هرگونه افراط و تفریط حرام است و گاهی موجب کافر شدن انسان می‌گردد همان طوری که مسیحیان با افراط در شأن عیسی و یهودیان با تفریط در حق او کافر شدند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص. ۲۱).

الله متعال در آیه فوق نصاری را مورد خطاب قرار داده به خاطر تهمت که به دروغ به الله و عیسی علیه‌السلام بسته‌اند. (الراغب، ۱۴۲۰، ۴، ص. ۲۳۸).

آیه فوق در مورد نصاری نازل شده و ایشان به چهار گرو تقسیم شدند ۱- یعقوبیه ۲- ملکانبیه ۳- نسطوریه ۴- مرقوسییه. یعقوبیه: عیسی علیه السلام را الله می دانستند. ملکانبیه نیز چنین نظر داشتند که عیسی، الله است. نسطوریه: می گفتند که عیسی علیه سلام پسر الله است. مرقوسییه: می گفتند که عیسی علیه السلام یکی از سه خدایان است. الله جل جلاله در جوابشان آیه فوق را نازل گردانید و این چهار گروه را یک فرد یهودی بنام بولس آموختانده بود (البغوی، ۱۴۲۰، ۱، ص. ۷۲۴).

غلو عبارت است از خارج شدن از حد اعتدال و میانه روی در حکم و یا قضاوت زیرا که از برای هر چیز یک حد وسط قرار دارد و دارای دو طرف می باشد و زمانی که یک شخص یک طرف را گرفت و طرف دیگر را رها کرد میگوییم برایش که افراط و تفریط کردی (الشعراوی، ۱۹۹۷، ۵، ص. ۲۸۶۱).

غلو مسیحیان در شأن عیسی علیه السلام

مسیحیان با غلو و افراط در شأن حضرت عیسی علیه السلام در واقع مرتکب کفر شدند، چون برخی از آنان عیسی را پسر الله نامیدند. طوری که الله متعال در مورد می فرماید:

«وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ». (التوبه: ۳۰).

«و مسیحیان گفتند: مسیح پسر الله است».

عده ای هم عیسی را الله خود قرار دادند: طوری که الله متعال در مورد ایشان فرموده است:

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ» (المائده: ۷۲). «بی گمان کافر شدند کسانی که می گفتند: الله همان مسیح پسر مریم است».

این سخن و باور یعقوبیه که فرقه ای از مسیحیان هستند می باشد (قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۴۹/۶).

مقاتل ابن سلیمان فرموده: که آیه «لقد كفر الذين» در مورد نصاری نجران نازل شده است. (الجوزی، ۱۴۲۲: ۵۷۱/۱).

همچنان در قرآن کریم آمده است: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ» (المائده: ۷۳). مجاهد گفته مراد از آیه فوق نصاری است. وهب بن منبه فرموده: زمانی که حضرت عیسی تولد شد هیچ بت باقی نماند مگر به روی افتید، تمام شیاطین به پیش ابلیس جمع شدند و او را از واقعه خبر دادند ابلیس روان شد تمام اطراف و کناره های زمین را طواف نمود، بعد دوباره برگشت و گفت: این

مولودی به‌غیراز پدر تولد شده و من قصد داشتم که نگاه کنم به‌سوی آن ملائک را دریافتم که دور مادرش حلقه‌زده بودند (الجوزی، ۱۴۲۲: ۵۷۱/۱).

برخی هم گفتند: عیسی یکی از سه اله است: طوریکه اله متعال در مورد آنها می‌فرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ» (المائده: ۷۳). «بی‌گمان کافر شدند کسانی که گفتند: الهه یکی از سه اله است». منظور آنان از سه اله؛ اله، عیسی و مریم بود. گروه‌هایی از مسیحیان از جمله ملکیان، یعقوبیان و نسطوریان چنین اعتقادی داشتند (قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص. ۲۴۹).

سده‌ی و دیگران گفته‌اند: این آیه در مورد کسانی نازل شده که عیسی و مادرش را به همراه اله متعال، اله خود دانسته و بدین ترتیب اله متعال را یکی از سه اله قرار می‌دادند. در آیه دیگری نیز چنین آمده است: «وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَلَمْ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ» (المائده: ۱۱۶).

«و (به یاد بیاور) آنگاه را که اله می‌فرماید: این عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای که من و مادرم را به‌جز اله تعالی، اله خود قرار دهی؟ (عیسی) گفت: تو را منزه می‌دانم که دارای شریک و انباز باشی!».

ابن کثیر در مورد گفته‌ی سده‌ی گفته است: این سخن در مورد «اله» ثالث ثلاثه از همه اقوال واضح‌تر است (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۲، ص. ۸۱).

ابن کثیر همچنین در مورد آرا و نظریات مسیحیان در مورد حضرت عیسی که اگرچه مختلف‌اند، ولی همه کفرآمیز هستند می‌گوید: مسیحیان به خاطر جهالت و نادانی‌شان ضوابطی را نمی‌شناسند و برای کفر و گمراهی آنان حدومرزی وجود ندارد، عده‌ای عیسی را اله وعده‌ای هم او را شریک اله می‌دانند و برخی هم او را پسر اله می‌خوانند. درواقع مسیحیان گروه‌های مختلفی هستند که هرکدام از آن‌ها دارای آرا و نظریات خاص خود هستند و اتفاق نظری باهم ندارند (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۱، ص. ۵۹۱).

عیسی علیه السلام بنی اسرائیل را به بندگی الله یگانه دعوت می کند

بدون شک دعوت عیسی علیه السلام مبتنی بر توحید و یگانه پرستی بوده است، امری که تمام پیامبران به خاطر آن مبعوث شده اند.

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (النحل: ۳۶). «ما در میان هر ملت‌ای پیامبری را فرستادیم (و پیام اصلی همه‌ی پیامبران این بوده است) که الله را پرستید و از طاغوت دوری کنید».

درواقع هرآن چه غیر الله است، آفریده‌ای الله و بنده او است و حضرت عیسی علیه السلام هنوز در گهواره بود که به این امر اعتراف کرد.

الله متعال به نقل از عیسی علیه السلام می فرماید: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» (مریم: ۳۰). «(عیسی) گفت: به پرستی که من بنده‌ی الله یم».

الله همچنین به نقل از عیسی علیه السلام در دعوت بنی اسرائیل به عبادت و بندگی الله می فرماید: «وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (المائدة: ۷۲). «و عیسی» گفت: ای بنی اسرائیل! الله بی را پرستید که پروردگار من و پروردگار شما است. بی گمان هرکس برای الله شریک قرار دهد، الله بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه او آتش دوزخ است و ستمکاران هیچ باوری ندارند.

حضرت عیسی علیه السلام در این آیه، بنی اسرائیل را به بندگی الله یگانه‌ای دعوت کرده است که پروردگار او و پروردگار آنها است و آنان را از شرک بر حذر داشته است و هیچ گونه تفاوتی میان خود و آنان در بندگی الله متعال قائل نشده و خود را هم مانند آنان مخلوق الله و بنده‌ی او به حساب آورده و خود را موظف دانسته است که تنها او را بندگی کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ص. ۶۶۳).

الله متعال در این باره همچنین می فرماید: «وَأَذِّقْ آلَ اللَّهِ يَاعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتِ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ

فُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ» (المائدة: ۱۱۶-۱۱۷).

«و (به یاد بیاور) آنگاه را که الله متعال می گوید: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفته‌ای که به جز الله من و مادرم را نیز دو الله دیگر بدانید؟ عیسی می گوید: تو را (از اینکه از شریک داشته باشی) منزّه می دانم. شایسته‌ی من نیست که چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته باشم، بی گمان تو از آن آگاهی. تو می دانی آنچه در درون من است ولی من از آنچه بر من پنهان می داری بی خبرم، زیرا تو داننده‌ی ای رازهای نهانی. من به آنان چیزی نگفته‌ام مگر آنچه مرا به گفتن آن فرمان داده‌ای (و آن) اینکه (تنها) الله را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است».

حضرت عیسی علیه السلام مأموریتی که الله متعال در قبال بنی اسرائیل بر عهده‌ی او گذاشته به خوبی انجام داده و آن را به بندگی الله یگانه دعوت کرده و از تمام مظاهر شرک بر حذر داشته است.

حقیقت عیسی علیه السلام از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان کتاب وحی و رهنمایی از جانب الله متعال حقیقت حضرت عیسی علیه السلام را بیان کرده است طوری که الله متعال می فرماید:

«... إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا» (النساء: ۱۷۱)

«عیسی مسیح پسر مریم تنها فرستاده‌ی الله است و او واژه‌ی الله است که آن را به مریم رساند و او روحی است از جانب الله، پس به الله و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید که (الله) سه تا است (از این سخن بیهوده) دست بردارید که برای شما بهتر است. الله برحق تنها یکی است و آن الله است و او پاک و منزّه است از اینکه فرزندی داشته باشد در حالی که آنچه که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و کافی است که الله وکیل باشد».

در این آیه الله متعال عیسی مسیح را پسر مریم خوانده است و این امر الوهیت را از او نفی می‌کند، چون کسی که به مادرش نسبت داده شده چگونه می‌تواند الله باشد در حالی که الله باید قدیم و غیر مخلوق و غیر محدث باشد (قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص. ۲۰).

در این آیه همچنین عیسی علیه‌السلام «کلمه‌ی الله» نامیده شده است، چون بدون پدر و بدون نطفه و تنها با گفتن واژه‌ی «کن» توسط الله متعال آفریده شده است؛ و این در میان عرب‌ها رسم است که اگر چیزی از چیز دیگری صادر شد به نام آن نام‌گذاری شود و چون عیسی علیه‌السلام با واژه‌ی «کن» که از الله صادر شده آفریده شده است پس می‌توان او را «کلمه‌ی الله» نامید (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ص. ۵۹۳ و قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص. ۲۲).

القای کلمه به مریم به این معنی است که الله متعال کلمه‌ی را که عیسی علیه‌السلام را با آن آفرید با دمیدن جبرئیل علیه‌السلام به مریم رسانید و عیسی را در (شکم) او قرارداد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ص. ۵۹۳ و ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۴، ص. ۳۰۱).

در مورد (و روح منه) در آیه فوق اقوال مختلفی به شرح زیر از مفسران نقل شده است که همه آن‌ها سخن باطل مسیحیان را مبنی بر اینکه عیسی علیه‌السلام جزئی از الله متعال است فرض می‌کردند:

الف - عیسی علیه‌السلام با دمیدن روح یعنی جبرئیل (در مادرش مریم) آفریده شده است. این گروه از مفسران استدلال کرده‌اند به آیه‌ی «وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» (التحریم: ۱۲). آنکه به گناه دامن نیالود و خود را پاک نگهداشت و ما از روح خود در او دمیدیم.

عده‌ای هم در این آیه «روح» را به معنی خود دمیدن، یعنی دمیدن جبرئیل در مریم به امرالله متعال، گرفته‌اند.

ب - عیسی علیه‌السلام به وسیله‌ی روحی از جانب الله متعال که جبرئیل ملقب به «روح‌القدس» است مورد تأیید قرار گرفته است. همان‌طور که الله متعال فرموده است: «واید ناه بروح القدس». «او را به وسیله‌ی روح القدس یعنی جبرئیل مورد تأیید قراردادیم».

ج- رشید رضا در تفسیر المنار بعد از ذکر دو قول فوق گفته است: می توان گفت که هر دو قول فوق در مورد «و روح منه» صادق هستند؛ یعنی عیسی علیه السلام با دمیدن فرشته ای که از او به «روح» و «روح القدس» تعبیر شده در مادرش مریم که به منزله ی تلقیح بین مرد و همسرش بوده، پدید آمده و در طول زندگی خود به وسیله این روح یعنی جبرئیل مورد تأیید قرار گرفته است. از این روی، هم در زمان کودکی وهم در زمان مردانگی روحانیت بر او غلبه داشته است. الله متعال می فرماید:

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتْكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا» (المائدة: ۱۱۰)

بدین ترتیب واژه ی «روح» بر عیسی علیه السلام اطلاق شده است؛ و گویا عیسی همان فرشته است که به سبب دمیدن او آفریده شده و در طول زندگی به وسیله ی او مورد تأیید الله متعال قرار گرفته است. همان طور که به منظور مبالغه به جای اینکه گفته شود فلانی عادل است، گفته می شود فلانی عدالت است (رضا، ۱۹۹۰ م، ۶، صص ۸۲-۸۳).

أبی ابن کعب گفته است: وقتی که الله متعال (در ازل) از فرزندان آدم عهد و پیمان گرفت، ارواح آنان را آفرید و سپس آن ها را به پشت آدم منتقل کرد و تنها روح عیسی را نزد خود نگه داشت. وقتی که خواست او را بیافریند، آن روح را به سوی مریم فرستاد و بدین ترتیب عیسی از او متولد شد. از این روی الله متعال فرمود: «و روح منه» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۴، ص ۳۰۱ و قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص ۹۲).

ه - منظور از (و روح منه) این است که الله متعال روح عیسی را هم مانند دیگر ارواح، خود آفریده است، همان طور از (جمعاً منه) در آیه ی «و سخر لکم مافی السموات و ما فی الارض جمعاً منه» این است که همه ی این ها آفریده ی الله متعال به منظور تکریم و گرامی داشت حضرت عیسی علیه السلام روح او را به خود نسبت داده و فرموده است: «ناقة الله» (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ص ۵۹ و قرطبی، ۱۳۸۴، ۶، ص ۹۲).

و- «و روح منه» یعنی رحمتی از جانب الله متعال، چون حضرت عیسی علیه السلام رحمت الله برای پیروان خود بوده است؛ و مقصود از واژه ی «روح» در آیه ی (و ایدهم بروح منه) (المجادله: ۲۲). نیز رحمت الله متعال است (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۱، ص ۵۱۷).

ز - حضرت عیسی روحی از جانب الله نامیده شده است، چون روح او از جانب الله متعال و به وسیله‌ی قدرت او آفریده شده است بدون اینکه جزئی از یک صاحب روح دیگر و نطفه‌ای از یک پدر زنده بوده باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ص. ۵۹۳).

مسئله آفرینش عیسی همچون آفرینش آدم است

الله متعال در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹) «مسئله‌ی (آفرینش) عیسی نزد الله همچون مسئله‌ی (آفرینش) آدم است که او را از خاک آفریده، سپس بدو گفت: پدید آی! و او (بی‌درنگ) پدید آمد».

یعنی الله که توانسته است آدم را بدون پدر و مادر از خاک بیافریند، می‌تواند عیسی را هم بدون پدر بیافریند. در واقع خواسته است قدرت خود را (به صورت‌های مختلف) به نمایش بگذارد، آنگاه که آدم را بدون پدر و مادر آفرید و حوا را از جنس نر یعنی پهلوی‌ای آدم و بدون جنس ماده و عیسی را از جنس ماده و بدون جنس نر و بقیه انسان‌ها را از جنس نر و ماده آفرید (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۱، ص. ۳۶۷).

عیسی بنده الله است

آیات مختلفی از قرآن کریم از جمله آیات زیر عیسی را بنده و آفریده‌ی الله معرفی کرده‌اند که هیچ سهمی از الوهیت و ربوبیت الله ندارد:

الف - «مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ» (المائدة: ۷۵). «مسیح پسر مریم پیامبری بیش نبود که پیش از او نیز پیامبرانی (آمده‌اند و) رفته‌اند و مادرش زن بسیار راست‌گوئی است. هر یک عیسی و هم مادرش (چون انسان بودند) غذا می‌خوردند».

یعنی عیسی خود مانند تمام پیامبران قبل از خود پیامبری قبل از خود پیامبری بوده که الله متعال آیات و معجزاتی را به او داده است همچنان که به دیگر پیامبران داده است و اگر او را بدون پدر آفریده، آدم را بدون پدر و مادر آفریده است و مادرش هم مانند زنان راست‌گوی و درستکار بوده است. سپس نفی الوهیتی که به عیسی و مادرش نسبت داده شده، الله متعال می‌فرماید که آنان هر دو غذا

می خورند و بدیهی است کسی که غذا بخورد نمی تواند سهمی از ربوبیت و الوهیت داشته باشد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ص. ۶۶۴).

ب- «إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» (الزخرف: ۵۹).

«عیسی بنده ای بیش نیست که نعمت خود را بر او ارزانی داشتیم (و او را همچون آدم بدون سبب آفریدیم و بدو شرافت و کرامت نبوت را دادیم) و او را نمونه و الگوی (و عبرتی) برای بنی اسرائیل قرار دادیم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴، ص. ۲۶۱).

ج- (قال إني عبدالله...) (مریم: ۳۰) «عیسی» گفت: به درستی که من بنده ی الله یم ...

حضرت عیسی بعد از آنکه متولد شد و مادرش او را به میان بنی اسرائیل برد، اولین سخنی که بر زبان آورد این بود که من بنده ی الله یم و نگفت من پسر الله یم آن گونه که مسیحیان درباره ی او ادعا می کنند، چون این سخن باطلی است و حضرت عیسی علیه السلام به جز سخن حق چیزی دیگری را بر زبان نمی آورد.

د- «لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا» (النساء: ۱۷۲). هرگز مسیح ابایی ندارد از اینکه بنده ای برای الله باشد (همانطوری که) فرشتگان مقرب نیز از بندگی او ابایی ندارند و هر کس از عبادت الله امتناع ورزد و خود را بزرگ پندارد، الله متعال همگی آنان را (در روز قیامت) در پیشگاه خود گرد می آورد) و عادلانه در میان آنان قضاوت می کند (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۱، ص. ۵۹۱).

نتیجه‌گیری

از بیانات فوق نتیجه‌های که گرفته می‌شود عبارت‌اند از:
 غلو عبارت از افراط و تفریط است که به تعبیر ساده زیاده‌روی از حد و یا کمی و کاستی در یک مورد را گویند.

در مورد حضرت عیسی علیه سلام یهود و نصاری از حد گذشتند و یهود حضرت عیسی و مادرش را دروغ‌گو معرفی کردند و از تفریط کار گرفتند؛ و نصاری در مورد حضرت عیسی افراط نمودند و او را ابن الله خواندند و یکی از سه الله که ایشان معتقد بودند می‌شماریدند در حالی که حضرت عیسی این ادعا را رد می‌کند و می‌گوید که من بنده الله هستم و برای من کتاب داده شده و بابرکت گردانیده شده‌ام هر جا که باشم و الله متعال انبیاء علیه سلام را به خاطر توحید و یکتاپرستی و رد شرک و طاغوت فرستاده و همه انبیا اعتراف می‌کنند که ما بنده الله یم و آمدیم که مردم را از بردگی انسان‌ها نجات بدهیم و به بندگی پروردگار بکشانیم حضرت عیسی بعد از آنکه متولد شد و مادرش او را به میان بنی اسرائیل برد، اولین سخنی که بر زبان آورد این بود که من بنده‌ی الله یم و نگفت من پسر الله یم آن‌گونه که مسیحیان درباره‌ی او ادعا می‌کنند، چون این سخن باطلی است و حضرت عیسی علیه‌السلام به جز سخن حق چیزی دیگری را بر زبان نمی‌آورد.

القای کلمه به مریم به این معنی است که الله متعال کلمه‌ی را که عیسی علیه‌السلام را با آن آفرید با دمیدن جبرئیل علیه‌السلام به مریم رسانید و عیسی را در (شکم) او قرارداد. «و روح منه» یعنی رحمتی از جانب الله متعال، چون حضرت عیسی علیه‌السلام رحمت‌الله برای پیروان خود بوده است. حضرت عیسی روحی از جانب الله نامیده شده است، چون روح او از جانب الله متعال و به وسیله‌ی قدرت او آفریده شده است بدون اینکه جزئی از یک صاحب روح دیگر و نطفه‌ای از یک پدر زنده بوده باشد.

عیسی علیه‌السلام با دمیدن فرشته‌ای که از او به «روح» و «روح‌القدس» تعبیر شده در مادرش مریم که به منزله‌ی تلقیح بین مرد و همسرش بوده، پدید آمده و در طول زندگی خود به وسیله این روح یعنی جبرئیل مورد تأیید قرار گرفته است. از این روی، هم در زمان کودکی و هم در زمان مردانگی روحانیت بر او غلبه داشته است.

منابع

قرآن كريم.

ابن كثير، ابو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير (١٤٢٠ ق). تفسير القرآن العظيم، محقق: سامي بن محمد سلامة، بيروت، دار طيبة للنشر و التوزيع.

الازدي، ابوبكر محمد بن الحسن بن دريد (١٩٨٧ م). جهرة اللغة، محقق: رمزي منير بعلبكي، بيروت: دار العلم للماين.

اصفهانى، ابوالقاسم الحسين بن محمد (١٤٢٠ ق). تفسير الراغب الاصفهانى، تحقيق و دراسة: محمد عبدالعزيز بسيونى، الناشر: كلية الآداب - جامعة طنطا.

البصرى، ابو عبدالرحمن الخليل بن احمد بن عمرو (بى تا). كتاب العين، المحقق: د مهدي المخزومي و د ابراهيم السامرائى، الناشر: دار و مكتبة الهلال.

البغوى، محيى السنة ابو محمد الحسين بن مسعود (١٤٢٠ ق). تفسير البغوى، المحقق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: دار احياء التراث العربى.

الجوزى، جما الدين ابو الفرج عبد الرحمن بن على (١٤٢٢ ق). زاد المسير فى علم التفسير، محقق: عبد الرزاق المهدي، بيروت: دار الكتاب العربى.

الحسينى، محمد رشيد بن على رضا (١٩٩٠ م). تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

الرازى، محمد بن ابوبكر (١٤٢٠ ق). مختار الصحاح، محقق: يوسف الشيخ محمد، بيروت: المكتبة العصرية.

رضا، محمد رشيد بن على (١٩٩٠ م). تفسير المنار، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب. رنهارت، بيتر آن دوزى (١٩٧٩-٢٠٠٠). تكملة المعاجم العربية، تعليق: محمد سليم النعيمى و

جمال الخياط، العراق: وزارة الثقافة و الاعلام الجمهورية العراقية.

الزبيدى، محمد بن محمد بن عبد الرزاق (بى تا). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق: مجموعة من المحققين.

الزمخشري، ابو القاسم محمود بن عمرو بن احمد (١٤٠٧ ق). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربي.

الشعراوي، محمد متولى (١٩٩٧ م). تفسير الشعراوي - الخواطر، الناشر: مطابع اخبار اليوم.

عمر، احمد مختار عبد الحميد (١٤٢٤ ق). معجم اللغة العربية المعاصرة، الناشر: عالم الكتب.

القرطبي، ابو عبد الله محمد بن احمد بن ابى بكر (١٣٨٤ ش). الجامع لاحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: احمد البردوني و ابراهيم اطفيش، القاهرة: دار الكتب المصرية.

المحاربي، ابو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن (١٤٢٢ ق). المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، محقق: عبد السلام عبد الشافى محمد، بيروت: دار الكتب العلمية.

ROLES AND RESPONSIBILITIES OF SOCIOLOGISTS IN THE DEVELOPMENT OF THE SOCIETY

Senior Teaching Assistant Mohammad Reza Akbari & Senior Teaching Assistant Ramazan Ahmadi ¹

Abstract

In human society, all scientists especially sociologists have an active role in the development of societies. It is impossible to achieve a modern and democratic society without manpower and expertise and it is not possible without modern man, modern man is nobody except the intellectuals of modern society, and modern man is an integral part of modern society., This article has been investigated by qualitative research which is a type of descriptive research which data was gathered by the library method.

The result shows that sociologist plays important roles in society; From the role of a researcher to executive activities, from education to counseling and raising awareness in social, cultural, political, and economic fields. Sociologist acts as a social activist and intellectual in society. The duty and responsibility of a sociologist are to inform society; Awareness is the foundation of society's dynamism and leads to positive change and transformation. Sociologists have a critical view of social issues criticize social unrest and make political officials aware of their main duties, and a sociologist does an operation for direct action in influencing social justice movements. As important elements of society, sociologists have a fundamental role and responsibility in the transformation and development of society, and as social engineers, they will speed up the development movement in society and contribute to the improvement and welfare of society.

Keywords: Sociology; Sociologist; Society; Development; Role; Change; Policy.

1. Sociology Dep., social science faculty, Bamyan University. rezaakbari3050@yahoo.com

نقش‌ها و مسئولیت‌های جامعه‌شناسان در توسعه جامعه

پوهنمل رمضان احمدی و پوهنمل محمدرضا اکبری

چکیده

در جامعه‌ی بشری، همه دانشمندان به‌ویژه جامعه‌شناسان، نقش فعالی در توسعه‌ی جوامع دارند. دستیابی به یک جامعه‌ی مدرن و دموکراتیک بدون نیروی انسانی و متخصص غیرممکن است و بدون انسان مدرن ممکن نیست و انسان مدرن کسی جز روشنفکران جامعه مدرن نیست و انسان مدرن جزء لاینفک جامعه‌ی مدرن است؛ لذا این مقاله با هدف بررسی نقش جامعه‌شناسان در توسعه‌ی جامعه با روش کیفی انجام شد و از نوع تحقیقات توصیفی است و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. نتیجه‌ی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جامعه‌شناس نقش مهمی در جامعه ایفاء می‌کند. از نقش پژوهشگر تا فعالیت‌های اجرایی؛ از آموزش تا مشاوره و آگاهی بخشی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. جامعه‌شناس به‌عنوان فعال اجتماعی و روشنفکر در جامعه عمل می‌کند و وظیفه و مسئولیت جامعه‌شناس آگاه کردن جامعه است. آگاهی، زیربنای پویایی جامعه است و منجر به تغییر و تحول مثبت می‌شود. جامعه‌شناسان نگاهی انتقادی به مسائل اجتماعی دارند و ناآرامی‌های اجتماعی را نقد می‌کنند و مسئولان سیاسی را به وظایف اصلی خودآگاه می‌کنند و جامعه‌شناس برای اقدام مستقیم در تأثیرگذاری بر جنبش‌های عدالت اجتماعی، عملیاتی را انجام می‌دهد. جامعه‌شناسان به‌عنوان ارکان مهم جامعه، نقش و مسئولیت اساسی در تحول و توسعه جامعه دارند و به‌عنوان مهندسان اجتماعی، حرکت توسعه را در جامعه سرعت می‌بخشند و به بهبود و رفاه جامعه کمک می‌کنند.

کلمات کلیدی: جامعه‌شناسی؛ نقش جامعه‌شناسان؛ توسعه‌ی جامعه؛ تغییر جامعه

Introduction

The role of the sociologist is to research to find a logical way to a sustainable society that is organized around power structures, groups, and individuals. A sociologist can study society with a wide variety of focuses. In my viewpoint from studying the power elite to the interaction of the economy, society, and the environment, to the examination of various rights of movements. Sociology examines the way different aspects of society behave and function. Sociology is also not a static discipline. According to most scholars' beliefs, Sociology began with what is sociology has known by the founding fathers Marx, Durkheim, and Weber. Each of them has had a very different outlook on how society should be studied. The sociologist has also evolved in various directions and has new areas of study and consideration such as Elite Networking Theory and World Systems Theory. Many people do not realize that Sociology has a profound impact on society both in an overt manner and behind the scenes.

Literature Review

Regarding the role and responsibility of sociologists in the development of society in Afghanistan, less attention is paid and there is no scientific research. a lot of research has been done in foreign countries, and several scientific works can be mentioned as the background of the research.

According to Go Million's view, the first task of the sociologist as a citizen was helping the citizens define the situation in which they lived. What a person or a population group does depend very largely upon how the situation is defined. The other task was to discover the nature, the degree, or the extent of the difference between that which was desired and that which was, or that which existed. This effort enabled members of the culturally disadvantaged group to see, or understand, the extent of the gap between their legal, educational, economic, political, and social status, opportunities, and services and those of the national population. The other task was that of discovering what human and cultural resources were

available for use in efforts to change the situation, to increase opportunities and services, and to raise statuses (Gomillion, 1998: 37).

According to the view of Quah, sociologists play four roles: 'theorist, researcher, applier, and critic'. Two of these roles, theorist, and researcher, focus 'on developing sociology as a discipline' and may be seen as the equivalent of Burawoy's professional sociology. The role of 'applier' could fit Burawoy's policy sociology, but Rubington and Weinberg have a wider vision of the application of sociology to policy. In their view, 'For appliers and critics, sociology should work permanently on behalf of society. Appliers draw on a given sociological theory's implications to propose solutions for specific social problems' (Quah, 2005: 397).

Bielecka-Prus as a Poland sociologist believes that I have assumed that the way the social roles of sociologists are defined changes depending on the socio-political context and the demands of various interest groups, especially those in power. Limited freedom in the development of science, such as that that existed in communist Poland, and the process of political change, motivated sociologists to redefine both their roles and the function of sociology, to gain as much freedom as possible; simultaneously governments attempted to limit this freedom. For this reason, the debate about the role of sociologists is part of a wider debate about the freedom of scientific research and civil rights in general. It, therefore, has a political significance (Bielecka-Prus, 2011: 751).

Methodology

One of the main contributions of our study related to qualitative research which the data have been collected and generated by us from the library through books and scientific articles from websites. Besides this, the data collected in quantitative from previous large generated knowledge that we selected and developed one method of data collection to use for better understanding of the role of sociologists and make them pay more attention to their role and responsibilities.

What is Sociology?

Studying and understanding human society is not limited to a discipline. Various areas of study such as sociology, history, economics, psychology, ethnography, anthropology, demographics, law, politics, and other related social sciences studies in different aspects of social life and contribute to each other in general understanding of society. Among other sciences, sociology has more relations with other social and humanitarian sciences.

Sociology is the study of social roles, norms, and social procedures which evaluate people both, individuals and members of social associations, groups, and organizations. Sociology has a wide and comprehensive scope which includes people's interactions on the road to the global level.

As a part of human knowledge, humanities study different social and human phenomena which include; psychic, educational, economic, juridical, political, and social aspects. As an independent discipline, but as a part of social sciences, sociology has a significant position among social sciences. Mohseni According to Pierre Neville explain sociology is the intersection point of a collection of disciplines in social sciences. He describes it as very difficult to study sociology without relying on the results obtained in other fields; as sociology is the crossroad of other social sciences (Mohseni, 2013:47). Abdul Hamid says, briefly "In a word, sociologist is the same as the main actor, if social researchers don't use sociological terms in their conversations and texts, or don't look from a sociologic perspective, they will be accused of intellectual stagnation and illiteracy" (Abdul Hamid, 1987:13).

In terms of the relation to sociology, we can find a few general points below:

- Some people believe that other social sciences are like sociology's councils, as they study all social phenomena.

- Some people believe that sociology is the study of the relationships between social sciences and sociologists use the study subject of other disciplines' scholars.
- Some others believe that the subject matter of sociology and other social sciences are almost the same, as sociology uses a method that is not different from other social sciences. It is worth noting that each branch of social sciences studies an aspect of human social life and they are close to each other.

Every branch of science benefit from the knowledge, information, and results of other fields. A scholar can't be successful in his areas of study without benefiting from the research of other scholars and researchers from other fields. Sociology pays more attention to historical, economical, and political point, and also mention disciplines which dependent on sociology as well. Moreover, sociology can't study and understand social phenomena and their real causes and factors without benefiting the results of research in other disciplines.

Carriers in Sociology

sociology provides career preparation for a variety of career opportunities, as noted throughout the following chapters.

Researcher

One of the most important duties of sociologists are researches. research is very crucial and significant parts of the sociology curriculum. In fact, research is the main task of sociologists. Sociologists, social issues, and social anomalies can be investigated through research. The roots, factors, and consequences of problems and the solution of problems can be investigated and clarified with scientific principles and methods. Sociologists are the main researchers of society, and through research, changes can be made in society.

Learning and Development Officer

Learning and development professionals design and lead programs to help employees improve their skills and knowledge at companies in a variety of industries. In practice, the job often involves conducting surveys and conducting interviews with employees or managers to assess training needs, as well as facilitating a variety of training sessions, which can be in the form of group discussions, team exercises, or self-guided videos. Programs can cover topics such as leadership, conflict resolution, ethics, and time management.

Social Worker

Social workers help people cope with a wide range of issues in their daily lives, including housing, unemployment, mental health, substance abuse, domestic conflict, and child welfare. They can be employed in schools, hospitals, senior centers, health clinics, and various public and private organizations that serve people in need.

Human Resources (HR) professionals, manage issues that affect the workforce in an organization, including hiring, compensation, benefits, training, and workplace safety. In an HR role, you can answer employee questions about topics such as benefits, payroll, and company policy. Help with new hires; planning training sessions and team building activities; maintaining employment records and processing documents; Scheduling candidates' interviews; etc.

Human resources are usually a good fit for sociology majors because they develop strong communication and interpersonal skills as well as a broad understanding of social dynamics in the world of work.

Urban Planner

Urban planners help shape the appearance of communities. They are responsible for developing short-term and long-term solutions to improve infrastructure and revitalize areas based on community needs. The urban

planning can include planning of new parks, buildings, streets and neighborhoods. Planners use both a macro-level understanding of how society works and a micro-level, like how people go about their daily lives, and sociology students are trained in both levels.

The field of planning requires a lot of research and analysis, such as reviewing environmental impact studies and census data, as well as working with government officials and community members when developing a land use plan. There's a strong expectation in urban planning now that when you want to change something, whether you want to build something or change the design of a neighborhood, you get community with sociologist; however, the sociology students are really well positioned to lead these kinds of conversations.

Market Research Analyst

Market research analysts help companies to understand what products and services people really want; customers what are willing to buy, and what prices are reasonable. They do this by evaluating data collected on consumer behavior through interviews, questionnaires, focus groups, market analysis surveys, and public surveys to predict future trends. This type of role is attractive to sociology students who are well versed in research methods and statistical analysis from their courses.

Public Relations Expert

Public Relations (PR) professionals are responsible for managing the organization's external communications and public image. This includes drafting press releases, responding to media inquiries, writing and giving speeches, etc. Depending on the company, public relations professionals are sometimes called communications or media specialists, and in government roles they are usually known as public information officers or press secretaries.

Being able to present information and communicate ideas effectively is a big part of the job, and sociology majors are trained to do this public relation expert. Their understanding of society and human behavior can also help them create an effective message.

Diversity Manager

A diversity manager, typically part of an organization's human resources department, focuses on developing and implementing strategic initiatives that help attract and retain a diverse workforce. Responsibilities include collecting and analyzing statistical data to assess employee and candidate populations, providing training sessions on diversity and inclusion topics, and making recommendations on policy updates.

Sociology gives them a good understanding of how prejudice is shaped, but sociology graduates not only have the research and communication skills for this type of role, but often have the cultural background to see the big picture and improve processes. For example, hiring and promotion practices. or how organizations can change to become more just and inclusive.

School Consultant

School counselors help students navigate their academic careers and support their social development. Responsibilities vary depending on what age group they work with. For example, for elementary school students, counselors may meet with parents or guardians to discuss their child's developmental progress, challenges, and needs. In middle school, counselors help prepare students for the transition to high school. And in high school, counselors advise students on planning after graduation

Responsibilities of Sociologist in the Development of the Society

One of the important controversies subjects among sociologists is, in spite of the academic career the sociologist, hold others social responsibilities or not? regarding this, there are several theories. Pareto believes that

sociology should seek the truth behaviors and attitudes, not the benefits, so the sociologist has no responsibility for the community. While Durkheim as the well-known sociologist believes, if the sociologist does not have a responsibility against the community issues or not play a role in improving the society, it's not worth it to work even an hour on it. Sociologists play an important role in the construction of society (Nikguher, 2004:16). According to Saint-Simon and August Comte sociology began its work in response to the great transformations of cultural, social, and economic changes resulting from the industrial revolution and revolutions necessary to meet the needs of their own time and both founders themselves against accidents socially responsible and aware on the mission.

Sociology plays an active role in social reforms or transformations. sociology experts are aware of the inequalities and the lack of social justice that exist in today's world in many social situations or the deprivations suffered by millions of people. Sociologists try to study social life objectively and deal with their work in a free-thinking manner (Giddens, 2004:48-49).

Sociology prepares us with theoretical perspectives to frame these understandings and research methods which allow us to study social life scientifically. Sociology is a social science. That means sociologists actively work to understand the society in very structured, disciplined ways. Like those scientists who study the physical world, sociologists follow scientific methods that incorporate an assortment of theories and methods that provide for accuracy in gathering, processing, and making sense of information and knowledge. In the case of sociology, theories also focus on how social relationships operate. Sociologists provide a way of explaining these relationships. Scientific methods provide ways of generating accurate research results (Stolley, 2005: 2-3).

However, sociologists, especially in an era of great changes in the political, social, micro-level (application of social science in solving social problems) or large (intellectual leadership based on scientific findings) are active involvement in social policy, political concerns. the sociology of knowledge and multiple ways concerns are legitimate there, under the influence of leaders and activists have been active; in our community sociologists are actors. However, the sociologists try to explain why, how, and under what conditions occur events and phenomena in social life (Erkul, 2013: 356).

The sociologist's further insight into the "intellectuals" and "activists" defines and confronts everyone in these challenges. sociologists likewise Alberto Monkado states, that the duty of every sociologist is equal to the great task of intellectuals and social activists and says: "Sociologists without Borders is particularly committed to the in-depth study and publish a professional duty to point photos of academic neutrality and avoid bias value as a condition of the sociology of science. We believe that the recognition and defense of human rights include the core of our professional ethics. And we assume that human rights have moral obligations and commitments to the social sociologist.

The Human rights encompass activities that can be documented and become subjects for publication, addressing dilemmas and problems. This can include individuals joining the ranks of those advocating for union rights, participating in strikes, or engaging in protests. The term 'intellectuals' typically refers to individuals predominantly involved in intellectual work and how they contribute to the growth and development of various aspects of culture, as well as the dynamics of collective efforts. Sociologists, both as specialists and as a social class, play significant roles in the development and progress of society. Additionally, a sociologist or a specialist is someone who dedicates their life to thought and ideas, living a life centered around intellectual pursuits.

Sociologists have a better understanding of human social life. And they get a new look at social issues. Sociologists try to predict the social process to contribute to the government's official plans and they design plans for the future of society. they implement social planning (detailed and limited plans) to prevent future problems or improve tomorrow's society (Qannadan & etal, 2012: 21).

Some social scientists believe that intellectual thought and imitation cannot be accepted as dogma, but after careful examination and critical evaluation, accept it. The minimum includes keeping intellectuals' judgment-free and enlightened. this will be achieved when the intellectual, rather than narrow and purely ideological bias but canal on intellectual positions in light of the broad vision and comprehensive look at the issues and cases. In his case, the environment and specific knowledge of the exact time and feel obliged to know that as a responsible member of society, their community towards what ought to be promoted to the movement and movements in the boiling.

The role of the sociologist is to try to reveal the realities of social life within the framework of scientific scepticism and evaluation criteria without absolutizing any phenomenon. Sociologist tries to analyze social reality, which he tries to define within the scope of intellectual foundations and scientific practices, by taking into account its multi-dimensional structure and variability (Kivisto, 2008: 10). In this context, the sociologist is a social scientist who thinks more systematically and finely about social events and phenomena and demands better-determined facts and more reliable explanations (Bilton, 2009: 4).

The intellectual is a reality, the air is whether a culture of tolerance and social dialogue and intellectuals are using the weapon of knowledge, in the face of malicious, traitors and tyrants have totalitarian and all your spiritual power in the service of society.

Sociologists' activity covers a wide range: from examining the interaction of small groups to major social issues in land or all human societies. The results and product of the sociologist's work are useful in reforming the affairs of society. Therefore, sociology is the knowledge of social criticism, and therefore perhaps by using Ralph Emerson's interpretation, he said better than the true sociologist is the conscience of society (Sedaghati Fard, 2010: 30-35).

Most of the comments and views of scholars and researchers in the field of social sciences, sociologists and so on is the most important and most basic attributes, especially the intellectuals and sociologists have designs and developments of new ideas and criticize the ideas and draw and the prevalence of pain that do not eat, progressive, liberal, friendly justice, respect for the public interest, work continued intellectual, political and social criticism abnormal situation, independent of the interests of the class, and observance of rational thinking on matters relating to community , politics and culture, freedom from conflict and political struggle for power, participation in the growth and development of culture and its transmission to future generations, recognize social problems and ideas for solving the problem, identify the most important needs of society and explain it to people, to familiarize the people with the means and ways to meet these needs, predict the future course of social life and so on it recalls that on the role of intellectuals in society and social change ideas and different views have been expressed.

By observing poverty, discrimination, social anomalies, suicide, delinquency, and other problems, sociologist tries to lead society towards a change by developing a critical attitude towards society. Sociology is a critical consciousness of social life; so most of the time considers social life critically (Osborne, 2001: 35).

Whenever some people have the idea that intellectuals are as social awareness, cooperation and synergies within the civil society and the

institutions, which can play its role in the development and the dynamics of society and the minds of the public lighting and solution of social problems, not from a position of ideological prejudices and narrow-minded, but also how to view the status of independent and free and open-minded attitude to adopt. what about the role of intellectuals in countries in transition, such as Afghanistan it was noted that in these countries, the task of intellectuals, critical examination of social and cultural values of the old society, the fight against prejudice and ethnicity provide adequate agreement areas to achieve a modern and civil society, but severe form of the country's intellectuals against tradition but rather try to rebuild society and traditions developed and adapted to the new conditions and the ideas and values of the new context In traditional society the concepts and coverage.

Sociologists like other scientists are also concerned with both collecting and using knowledge. As a scientist, the sociologist's foremost responsibility is to find out and organize knowledge regarding social life. Also, sociologists are employed by universities, government agencies, foundations, or corporations and many sociologists divide their time between teaching and research. so, responsibility of the sociologist as a scientist is to make clear the misinformation and superstition of our social thinking.

According to Mills, today, social critics, in their role as experts, have a respectable position in developed societies. They are the creators of ideas that criticize the fundamental aspects of the social and cultural structure of society.), a sociologist is a committed and responsible human being and must be independent of a particular organization or ruling body and be free from national, ethnic, racial, and religious prejudices, and also has the freedom, intellectual independence, and impartial position for research and studying the social problems; (Mills, 1981: 35). For a sociologist, it doesn't matter who is at the top level of the government so he/she should look at

society from the eyes of the people, not from his/her own eyes (Winch, 2000: 35).

Sociologists have helped to make clear the doubts about hereditary, race, social class, sex differences, deviation, and nearly every other aspect of behavior. By helping to replace superstition and misinformation along with accurate knowledge regarding human behavior and human action; sociologists are performing their most important role. In spite of the human action is unclear in social relations nevertheless, sociologists make sociological predictions. Every policy decision is based on certain assumptions about the present and future situation of society. Most social science predictions and interpretations consist not of predicting specific developments as the astronomer predicts an eclipse but of forecasting the general pattern of trends and changes that seem most probable. It is clear that all such predictions should be offered with certain humility for no certainty attends them. Instead, social scientists offer them the best-informed guesses upon decisions and expectations for the future. Sociological prediction also can help to estimate the probable effects of a social policy. Every social policy decision is a prediction. A policy will begin with the hope of that to produce the desired effect. Policies have often failed due to embodied unsound assumptions and predictions. The sociologist's job is to analyze the flow of social events scientifically. Sociologist seeks to touch and understand the existing forms of social life. and examines social changes in society (Mohseni, 2005: 6).

Sociologists can help to predict the effects of a policy and thus contribute to the selection of policies that achieve the intended purposes. For example, what effect does drop out of high school have upon a youth's future earnings? One of the greatest services any scholarly group can offer is to show society what policies are most likely to work in achieving its objectives. so, some sociologists are engaged in planning and conducting action programs for the community advising on public relations, employee relations, working on human relations problems, etc. Most of these

sociologists have specialized in areas-like social psychology, industrial sociology, urban sociology, rural sociology, or the sociology of complex organizations. Sociology gives us a hand to us in understanding why and how society changes. The social world is constantly changing. These changes have been a comprehensive interest to sociologists from the beginning of the discipline. However, many sociologists believe that sociology should not stop with only explaining society and how and why the world is changing. They argue that sociologists also should act, using their unique skills and perspectives to work to improve the world. Sociologist disputes, in the areas of inquiry simultaneously worked with knowing, explaining, criticizing, and improving the human situation (Restivo, 1991: 4).

Contemporary sociologists are continuing the early sociologists' tradition of using sociology to make differences in diverse areas of society. Large numbers of sociologists are, of course, lecturers and researchers. However, sociologists actively use their skills throughout society in ways that extend well beyond academics and the classroom. Some sociologists called applied or clinical sociologists, use their skills to find answers to practical problems. Changes in our social world have needed sociologists to focus attention on new ways. Among these changes are the growth and coming up, of internationally related systems and the technologies which increasingly allow our interactions to be conducted in ways other than face to face. (Stolley, 2005:7-12). To some extent, this is a new name for what sociologists have been doing for a long time, but it also contains a considerable broadening of the range of sociologists' efforts to be useful in society. In such states, the sociologist is working as an applied scientist. Every man and woman have been involved to use scientific knowledge in pursuing certain values, a harmonious and efficient working force, and an attractive public image of the industries or an effective community action program.

Cohen believes the major roles of sociologist consider are as:

- Researcher: Sociologist conducts scientific research.
- Planning Consultant: Sociologist predicts the possible effects of social policies.
- Technician: sociologist recruited in public and private organizations and organizes organizational work.
- Social Science Teacher: sociologists are suitable teachers of social science because sociologists can analyze the social situation, social phenomenon, social relations, and social issues better than others (Cohen, 2007: 43).

Teaching is the major career of many sociologists. In addition to the involves and problems of teaching in any area, the problem of value-neutrality against value commitment is a particularly acute question. Scientists are seeking to discover knowledge, but they tell how this knowledge should be used? Certainly, the basic question is whether science specifically sociology should be value-free. For example, sociologists know some things about population growth, race relations, urban development, and many other matters involving questions of public policy. Early sociologists gave support to all sorts of public policies that they believed on it. Between 1920 and 1940 many sociologists shifted to the view that sociology should be a more closely pure science discovering knowledge but not attempting to decree how it should be used. They hopefully sought to build sociology on the model of physics as a value-free science.

Conclusion

behavior. It helps us to distinguish the social roles that govern our lives. Sociologists learn how these roles and regulations are created, maintained, changed, passed between generations, and shared between people living in various parts of the world. Moreover, they also study what happens when

these roles are broken. Sociology helps us to understand the workings of the social systems in which we live our lives. Sociologists must put their interactions with others into a social context. This means they look not only at behaviors and relationships but also at how the larger world we are living in influences these things. Social structures and social processes are at work shaping our lives in ways that often go unrecognized. Sociology helps us to understand why and how society changes. The social world is constantly changing. This change has been of large interest to sociologists from the beginning of the discipline. However, many sociologists believe that sociology should not stop with only explaining society is changing in the world, how, and why. They argue that sociologists also have a legal responsibility to act, using their unique skills and perspectives to work to improve the world. Sociology, they dispute, is a field of inquiry simultaneously concerned with understanding, explaining, criticizing, and improving the human situation.

Sociology helps us to identify what we have in common within, and between, cultures and societies. Sociologists know that, although people from different parts of the city, country, or world dress differently, speak differently, and have many different beliefs and customs, a lot of the same types of social forces are very important at work in shaping their lives. This is an important perspective in a world where media headlines are often focused on divisive issues. Sociologists look for what social structure and processes which is mean for various groups. They look at how various groups shape and are impacted, by society. Sociologists can help groups to find out common concerns, understand other groups' perspectives, and find ways to work together rather than work at odds with each other. Sociology prepares us with theoretical perspectives within which to frame these understandings and research methods that allow us to have a wide study of social life scientifically. Sociology is a social science. That means sociologists work to understand the society in very structured, disciplined ways. Like scientists who study the physical world, sociologists follow

scientific guidelines that incorporate an assortment of theories and methods which provide for accuracy in gathering, processing, and making sense of information and knowledge. In the case of sociology, theories focus on how social relationships are operating. Sociologists provide a very crucial way of explaining these relationships. Scientific methods provide ways of generating accurate research results.

Sociologists are generally avoiding involvement in controversial issues and sought the status of pure social scientists. This observation has been challenged in both physical and social sciences. Today many sociologists believe that sociologists should claim a major role in making decisions about public policy and should involve themselves in the major issues of our society. They feel that not only do the sociologists have a duty of saying what society might do about problems of race conflict, population growth, birth control, drug addiction, divorce, etc. It is the responsibility of sociologists to say what society should do about this kind of problem. Sociologists are agreed upon some of the propositions: Sociologists should show the relationships between values and norms. Sociologists may clarify what sacrifices value must be made if we wish to attain certain other values. A sociologist as an individual may properly make value judgments, support causes, and join reform movements like any other citizen. As a scientist, the sociologist may not know whether television violent shows are harmful to children and therefore might not make public recommendations but as a parent defiantly will make a decision according to personal beliefs and values. Beyond this, there is no complete dispute among sociologists concerning what role they should assume. Most sociologists have some firm viewpoint on what policies society should follow and are in considerable agreement with one another on many of these policies.

REFERENCES

- Abdul Hamid, A. H. (1978). "Principles of Politics". Vol. I, Tehran University Press, p.13.
- Bielecka-Prus, J. (2011). The Social Roles of Polish Sociologists after 1945. *Comparative Sociology* 10 (2011) 749–779.
- Bilton, T. Vd. (2009). "Sosyoloji". Çeviren: K. İnal Vd., Ankara, Siyasal Kitabevi.
- Cohen, Bruce. (2007). "Basics of Sociology". translated by Ghulam Abbas Tavassoli. Tehran: Samt.
- Erkul, A. (2013). "Sosyolojiye İhtiyacımız Var: Sosyoloji Nedir? Sosyolog Kimdir?". Ankara: Sosyolojinin Derneği Yayınları.
- Qannadan, M., and others. (2012). "Sociology (Key Concepts)". Tehran: Avaye Noor.
- Giddens, A. (2004). "Sociology". Translator: Manuchehr Sabori. Tehran: Nay publication.
- Gomillion, C. G. (1988) "The Role of the Sociologist in Community Action in the Rural South," *Clinical Sociology Review*: Vol. 6: Iss. Available at: <http://digitalcommons.wayne.edu/csr/vol6/iss1/9>
- kivisto, p. (2008). "Sosyolojinin Temel Kavramları". Çeviren: İ. Çapçioğlu ve S. Yavuz, Ankara, Birleşik Kitabevi.
- Mills, C. W. (1981) "Sociology Insights". Translator: Abdolmaboud Ansari. Tehran: Intishar publication.
- Mohseni, M. (2005). "General sociology". Tehran: Tahoori.
- Mohseni, M. (2013). "General sociology". Tehran: Tahoori.
- Nikguher, A. H. (2004). "The basics of sociology". Tehran: Totia publication.
- Osborne, R. (2001). "Sociology". Translator: Ramin Karimian. Tehran: Shiraz Publications.
- Quah, S. R. (2005). Four sociologies, multiple roles. *The British Journal of Sociology* 2005 Volume 56 Issue 3. Available at:

<http://burawoy.berkeley.edu/PS/British%20Journal%20of%20Sociology/Quah.pdf>

Restivo, S. (1991). "The Sociological Worldview". Cambridge, Mass.: Blackwell.

Sedaghatifard, M. (2010). "Sociology (Generalities, Concepts, and Background)". Tehran: Arasbaran.

Stolley, K. S. (2005). "The basics of sociology". London: Greenwood Press.

Winch, P. (2000). "The idea of Social Science". Translators, Tehran: Samt.